



# میراث شهاب

فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ  
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)  
(گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی)

سال بیست و چهارم | شماره ۹۲ | تابستان ۱۳۹۷  
شماره استاندارد بین المللی: ۱۰۲۹-۴۷۸۳  
ISSN: 4783-1029

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمود مرعشی نجفی  
سر دبیر: محمود طیار مراغی

طراحی و صفحه آرائی: محمد صالح یگانه  
کارشناس اجرایی: علی حاجی باقریان

میراث شهاب نشریه تخصصی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در زمینه مباحث کتاب شناسی و نسخه پژوهی متون اسلامی می باشد، و در زمینه موضوعات زیر مقاله می پذیرد:

- معرفی نسخه های خطی کتابخانه
- معرفی کتاب های چاپی نفیس کتابخانه
- گزارش سفرهای علمی محققان
- مقالات ویژه کتاب پژوهی
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی
- مقالات تازه های نشر کتابخانه
- تصحیح متون دست نویس
- انساب شناسی
- نقد و بررسی فهرس منتشر شده
- شرح حال نگاری دانشوران مسلمان

■ هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.  
■ مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.  
■ میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.  
■ میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.  
■ شماره شناسه میراث شهاب در سامانه جامع رسانه های کشور: ۷۲۴۸۳  
■ میراث شهاب در پایگاه تخصصی مجلات نورمگز [www.noormags.com](http://www.noormags.com) قابل دسترسی می باشد.

نشانی: قم، خیابان آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، شناسه پستی: ۳۷۱۵۷۹۹۴۷۳  
تلفن: ۰۸-۳۷۷۴۱۹۷۰، ۰۲۵-۳۷۷۳۸۲۶۴ - ۰۲۵-۳۷۷۴۳۶۳ - نامبر: ۰۲۵

[www.shahab-news.com](http://www.shahab-news.com)  
[www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

# میراث شهاب

فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ  
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)  
سال بیست و چهارم | شماره ۹۲ | تابستان ۱۳۹۷

## فهرست مقالات

- فهرست نسخ خطی**  
۳ موقوفات ماندگار (بخش اول)  
سید محمود مرعشی
- مقالات**  
۹۷ ملاحظات و تصحیحات (۵)  
محمد کاظم رحمتی  
۱۲۱ ابن معقل حمصی و تشیع امامی در حمص در سده‌های میانی  
احمد خامه‌یار
- شرح حال نگاری**  
۱۴۱ سه تن از مشایخ اجازه علامه مرعشی (ره)  
امراه شجاعی
- نسخه شناسی**  
۱۵۹ علمای لرستان و آیت الله العظمی مرعشی نجفی  
میرزا علی سلیمانی بروجردی  
۲۱۵ سنجه کتاب (بخش ششم)  
علی اکبر صفری
- قم پژوهی**  
۲۵۲ دلنوشته های کاتبان (۲)  
حسین وانقی  
۲۶۵ تخریب بافت تاریخی قم از پهلوی تا روزگار ما  
سید محسن محسنی
- ۳۰۵ ترجمه عربی و انگلیسی چکیده‌های مقالات

## موقوفات ماندگار (بخش اول)

نسخه‌های خطی وقفی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی  
به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها)

سید محمود مرعشی \*

### چکیده

آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی پیش از تأسیس کتابخانه عمومی موقوفه خود، به گسترش کتابخانه‌های دیگر اهتمام داشت، از جمله کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها. در این مقاله فهرست بخشی از نسخه‌های اهدایی ایشان به آن کتابخانه به ترتیب الفبایی عنوان (حرف الف تا ع) آمده است. بیشتر این کتابها در سال ۱۳۷۲ قمری و ۱۳۴۳ شمسی وقف آستان مقدس شده اند. در میان آنها نفایسی از قرنهای هشتم تا یازدهم و نیز نسخه‌هایی که به تصحیح عالمان گذشته رسیده، موجود است. نگارنده در مورد برخی از دانشوران و کتابها توضیحاتی داده است.

### کلیدواژه‌ها

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین - اهدای کتاب؛ کتابخانه آستان حضرت معصومه  
- تاریخ؛ قم - کتابخانه‌ها؛ نسخه‌های خطی - قم؛ نسخه‌های خطی - نفایس؛  
کتابخانه‌های قم - تاریخ.

\* تولید و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

## مقدمه

مرحوم مغفور والد بزرگوار، پیر و مرادم، مرجع فقیه شیعه و بزرگ فرهنگیار میراث مکتوب اسلامی حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی قدس سره الشریف همانگونه که بارها در رسانه‌ها و منابع گزارش نموده ام: هنگامی که در نجف اشرف به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند، مشاهده می فرمودند که بیشترین ذخایر اسلامی را اجانب به ویژه نماینده پیر استعمار کنسول انگلیس<sup>۱</sup> به یغما می برند، انگیزه گردآوری و حفظ میراث اسلامی در همان جوانی در وجود ایشان تشدید شد و به شدت برای مقابله با این هجوم خطرناک دست به کار شده و به جمع‌آوری نسخه‌های خطی اقدام نمودند، هنگامی که در سال ۱۳۴۲ قمری به ایران آمده و با اصرار مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری، مؤسس حوزه علمیه به منظور تدریس در قم اقامت گزیدند، این کار را با سرعت بیشتر ادامه دادند و به تدریج نسخه‌های خطی بسیاری در منزل معظم له جمع آوری شد، طوری که اطاقها و راهروها با انبوه نسخه‌ها مواجه گردید. از آنجا که دیگر جایی برای استقرار کتابها وجود نداشت و تا آن زمان کتابخانه بزرگ ایشان تأسیس نشده بود،<sup>۲</sup> به ناچار تعدادی از نسخه‌های خطی خود را به برخی از کتابخانه‌های بزرگ کشور به صورت رایگان اهدا نمودند. چون حجم آنها در مجموع بسیار گسترده شده بود، تصمیم گرفته شد جهت آگاهی پژوهشگران، فهرست نسخه‌های اهدایی ایشان به کتابخانه‌های مختلف، تدوین و منتشر گردد. از این رو در نخستین اقدام، معرفی و گزارش نسخه‌های خطی اهدایی ایشان به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها در قم منتشر می شود.<sup>۳</sup>

۱ نماینده کنسول انگلیسی شخصی به نام: کاظم دُجیلی «Dojeyli» یا کاظم دلال در نجف اشرف معروف بوده و همیشه دنبال پدر بزرگوارم ره می پیمود، تا شاید در این رهگذر نسخه ای نصیبش گردد. بارها از معظم له به اداره پلیس شهر نجف شکایت می کرد که وی نمیگذارد من نسخه ها را برای کنسول انگلیسی خریداری کنم.

۲ اینجانب در کنار مرحوم والد عزیزم شبها ساعتی جهت فراگیری علوم کتابشناسی، نسخه شناسی و کتاب پژوهی اختصاص دادیم که به علت علاقه شدید حقیر به زودی از سن پانزده سالگی با نسخه های خطی آشنا شدم و از آن تاریخ به بعد چون مرحوم والد، به دلیل شئون مرجعیت، شخصا نمی توانستند نسخه های خطی را برای کتابخانه بزرگ خودشان خریداری کنند، این روال را به اینجانب سپردند. لذا هرآنچه نسخه خطی برای کتابخانه از سال ۱۳۳۶ ش گرد آمده است بدون استثناء حقیر آنها را خریداری نموده ام. که تاکنون ادامه داشته است.

۳ ناگفته نماند پیش تر فهرستی از نسخه‌های خطی اهدایی مرحوم والد به کتابخانه آستانه حضرت

مرحوم والد ده ها سال خادم افتخاری مشاهده مشرفه عراق و ایران، مدرّس و امام جماعت آستانه مقدّسه بوده و به تعبیری کبوتر حرم به شمار می آمدند. لذا عنایت ویژه‌ای به احیا و گسترش کتابخانه آستانه داشتند و هم زمان با افتتاح کتابخانه در سال‌های ۱۳۷۰ ق به بعد، صدها کتاب چاپی ارزشمند و نزدیک به ۲۵۰ نسخه خطی نفیس و قرآن‌های خطی و چاپی نادر را به کتابخانه اهدا نمودند.<sup>۱</sup>

ایشان نامه‌هایی به دوستان خود که دستی در کتاب و تألیف داشتند، نوشتند و ارسال فرمودند و از آنها خواستند در تکمیل منابع کتابخانه آستانه مشارکت نمایند. از باب نمونه، نامه ایشان به مرحوم استاد عمادزاده اصفهانی است که در فصلنامه میراث شهاب<sup>۲</sup> به چاپ رسید. در بخشی از این نامه آمده است: «... کتابخانه در آستانه مقدّسه حضرت فاطمه معصومه افتتاح شده و فعلاً مقدار کمی کتاب تهیه شده خیلی ناقابل. لذا چنانچه از مؤلفات خودتان از هر کدام نسخه تقدیم نمایید مناسب است، و علاوه دوستان را تشویق فرمائید به جا و به موقع خواهد بود...».

در مجموعه کتاب‌های اهدایی معظم له به کتابخانه آستانه مقدّسه، چند نسخه بسیار نفیس کهن و نیز تعدادی نسخه‌های نفیس چاپ نشده وجود دارد که از آن جمله‌اند:  
الایضاح فی شرح تلخیص المفتاح به عربی در بلاغت، از: خطیب دمشق، مورّخ ۷۸۳ ق در مدرسه فاطمیّه تبریز.

کتاب صلوة مسعودی به فارسی در فقه حنفی، از: مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی از سده ۷ ق، نسخه نفیس و کهن مورّخ ۸۲۹ ق.

مدخل منظوم در اخترشناسی به فارسی، از: عبدالجبار خجندی از سده ۷ ق، نسخه نفیس و کهن مورّخ ۸۸۷ ق.

کتاب خزائن جواهر القرآن به عربی در تفسیر، از: علی قلی بن قرچقای خان خلجی قمی.

---

عبدالعظیم حسنی (ع) را در کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی صفحات ۴۱۹-۵۵۸ منتشر شده است.

۱ رجوع شود به مقاله «دست‌نوشت‌های آیت الله مرعشی نجفی در «گنجینه قرآن آستانه مقدّسه قم»، منتشر شده در فصلنامه میراث شهاب، شماره پیاپی ۷۸، صص ۳-۱۴.

۲ میراث شهاب، شماره پیاپی ۹۱، مقاله «نامه‌های نویافته»، صص ۶-۷.



نسخه بسیار نفیس و چاپ نشده به خط مؤلف در سال ۱۰۸۸ ق. این نسخه جلد نخست کتاب است و یک جلد دیگر از چهار جلد این کتاب نیز نسخه اصل به خط مؤلف، در کتابخانه بزرگ ما موجود می‌باشد.

صحیفه سجّادیّه. نسخه نفیس که با نسخه علامه مولی محمد باقر مجلسی مقابله و تصحیح شده است، مورخ ۱۰۸۹ ق و نسخه‌های نفیس دیگر.

به یاری خداوند پس از پایان این فهرست، به معرفی و گزارش نسخه‌های اهدایی ایشان به کتابخانه‌های دیگر می‌پردازم. جالب است بدانید که مجموع نسخه‌های خطی ای را که مرحوم پدر بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به کتابخانه‌ها هدیه کرده‌اند، بالغ بر چند هزار جلد می‌باشد.

واقعاً در جهان شخصیتی چون آیت الله مرعشی نجفی (ره) وجود دارد که در طول زندگانی خود با مشقات بسیار و حذف یک وعده غذای روزانه خود، اجرت نماز و روزه استیجاری را صرف خرید نسخه‌های خطی کند و در نهایت آنها را در طبق اخلاص نهاده به رایگان تقدیم ملت نماید؟ ولی چه باید کرد که علی‌رغم عظمت کتابخانه بزرگ ایشان، متأسفانه آنگونه که باید به این کتابخانه عنایت نشده است. به عنوان نمونه عرض می‌کنم چاپ و انتشار مجلّات فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه که تاکنون پنجاه جلد آن چاپ و منتشر شده، هیچ وجهی برای چاپ و انتشار آن از سوی دولت دریافت نشده است. دوم تصحیح و انتشار آثار علمی بزرگوار از جمله کتاب‌های ملحقّات الاحقاق که تاکنون ۳۶ جلد آن چاپ شده و دانشنامه موسوعه الامامة في نصوص أهل السنّة که در ۵۵ یا ۶۰ تنظیم شده و تاکنون ۳۰ جلد آن منتشر گردیده است نیز، عمده هزینه‌های آن اعم از حقوق محققان آن مجموعه و چاپ و انتشار آن بر دوش اینجانب بوده است. حقوق و مزایای واحد خواهران که تاکنون وجهی در بودجه کتابخانه قرار نگرفته است. انتشار فصلنامه‌های کتابخانه که تا امروز ۲۴ سال است که منتشر شده و انتشار بیش از سیصد عنوان کتاب در ۵۵۰ جلد که با شمارگان چندانی زیاد چاپ و به کتابخانه‌های بزرگ داخل و خارج اهدا گردیده و می‌گردد. تهیه و تنظیم چاپ و انتشار فهرست کتابخانه‌های کشورهای خارج، که تاکنون افزون بر بیست کتابخانه خارج از

کشور، فهرست و منتشر شده است و بسیاری موارد دیگر که علی‌رغم پیگیری، تاکنون بدان عنایتی به عمل نیامده است. و إلى الله المشتكى.

مرحوم والد قدس الله نفسه الزكية واقعاً برای میراث مکتوب اسلامی دست از پانمی‌شناخت. در اوج گرفتاری دیون در نجف اشرف، آن چنان بستر را فراهم می‌کرد تا ذخایر مهمّ اسلامی را سوداگران از کشورهای اسلامی خارج نکنند. روزی بر سر خرید یک نسخه خطی از کتاب ریاض العلماء (در تراجم و رجال) که تا آن روز کسی آن را ندیده بود و مرحوم والد مشتاق زیارت این اثر که در چند جلد نگاشته شده، بی‌صبرانه در انتظار بودند، هنگام خرید آن با نماینده کنسول پیر استعمار انگلیس، درگیر شده و شبی را در نجف اشرف به زندان افتادند. با تمام این مشقات هر چه از ذخایر مکتوب تا اواخر عمر شریف خود خریداری کرده بودند، به رایگان به ملت خود هدیه نمود. کیست که باور کند یک روحانی جوان علی‌رغم وضع بسیار بد معیشت و بدون مساعدت دولت، توانست یک کتابخانه‌ای را بنیاد نماید که اکنون از لحاظ نسخه‌های نفیس و کهن خطی شهره آفاق و نخستین کتابخانه بزرگ کشور به شمار می‌آید.

در پایان یادآور می‌شود، سخن درباره این کتابخانه بیش از آن است که در این مختصر بگنجد. به همین مقدار بسنده شد و به امید حق در مقدمه کتاب چند جلدی موقوفات ماندگار در این خصوص مطالب بیشتری خواهم آورد.

در اینجا درود می‌فرستم به روان پاک همه مؤلفین علوم اسلامی که بر خوان گسترده اندیشه‌های نورانی آنان متنعم هستیم و همه بزرگانی که در حفظ و احیای میراث علمی و اسلامی مان کوشیدند و نقد عمر خود را در این مسیر نهادند. باید یاد کنم از گنجورهای گنجینه‌های نسخه‌های خطی، فهرست‌نگاران و کتابشناسان که با تلاش‌های علمی‌شان، پژوهشگران را با میراث مکتوب آشنا ساختند.

رحمت الهی شامل حال زنده‌یاد مرحوم حجت‌الاسلام سید ناصرالدین حسین تفرشی قمی متخلص به آرام،<sup>۱</sup> که در ایام ریاست کتابخانه آستانه مقدسه، برای گسترش و غنی‌سازی مکتبه بسیار جوشید و کوشید و خروشید. فهرست‌نگار پیشکسوت و فاضل، آیت و اسوه

۱ درباره شرح حال مرحوم سید ناصرالدین آرام رجوع شود به: ستارگان حرم، ج ۳۱، صص ۲۰ - ۳۴.



کتابشناسی و نسخه‌شناسی و تصحیح متون: زنده‌یاد استاد محمدتقی دانش‌پژوه، که مدتی از عمر شریفش را به شناسایی نسخه‌های خطی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها اختصاص داد، سهمی در احیای این مکتبه شریف دارد.

اکنون این کتابخانه بالنده، در ساختمانی باشکوه، با ده‌ها هزار کتاب چاپی و گنجینه نسخه‌های خطی و قرآن‌های خطی نفیس و چاپی و بخش اسناد و عکس‌های تاریخی و آرشیو مطبوعات و دیگر نفایس مکتوب، پذیرای صدها جوان جوای علم است. کوشش‌های تولید محترم آستانه مقدسه حجت الاسلام و المسلمین سعیدی، و ریاست کتابخانه حجت الاسلام محمدی و فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی کتابخانه مذکور: حجت الاسلام نقیعی و حجت الاسلام انصاری، در خور تقدیر و تحسین است. گفتنی است در فهرست موجود از فهرست زنده‌یاد مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه و فهرستی که نامبردگان فعلی کتابخانه تنظیم نموده‌اند، استفاده شده و البته با گزیده و رفع اشتباهات و تغییر و اصلاحات فراوان. در این فهرست، کتاب‌ها به ترتیب الفبایی اسامی‌شان معرفی شده و مجموعه‌ها در آخر قرار گرفته است. شماره نسخه‌ها در مخزن که نسخه درخواستی با آن قابل بازیابی است، به خط درشت، قبل از عنوان کتاب‌ها قرار دارد. روش ما در این فهرست، مراعات اختصار بوده و برای کتاب‌های معروف، از آوردن کتابشناسی توصیفی خودداری شده است.

\*\*\*

۱۵۴۱

## ابواب الجنان

(اخلاق - فارسی)

از: میرزا رفیع‌الدین محمد بن فتح‌الله واعظ قزوینی (۱۰۸۹ ق)

نسخه موجود جلد نخست کتاب از فهرست مطالب آغاز و تا پایان (مجلس چهارم) به فرجام رسیده است.

آغاز افتاده: «... از آن بالاتر که رشته آمل و امان دام فریبش گردد، اگر سبک روحی‌اش گاو زمین را بفریاد نرسیدی».

انجام: «... و محامد خصال آراسته همیشه منظور الطاف و احسان و عنایت بی‌نهایت خودسازد».



نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در جمادی‌الاولی ۱۳۷۲ق، مهر کتابخانه و مهر مغازه ناصری کتابفروش در کرمانشاه و تاریخ ۱۲۹۱ در برگه آغازین آمده است.

جلد: تیماج قهوه‌ای، عطف: تیماج سبز.

۲۲۱گ، ۲۱س، ۲۰ × ۲۸سم

۱۲۴۸

### احیاء علوم الدین

(اخلاق - عربی)

از: ابوحامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵ ق)

نسخه موجود مشتمل بر ربع سوم و چهارم کتاب می‌باشد.

آغاز: «الحمد لله الذی تتحیر دون ادراک جلاله القلوب و الخواطر».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، رکابه‌نویسی و تصحیح دارد، مهر مربع

«عبدالله علی محمد الشریف» و مهر بیضوی «الله محمد علی حسن و حسین و بتول» در

آغاز و پایان نسخه دیده می‌شود، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش.

جلد: تیماج زرشکی فرسوده مجدول با لبه برگردان.

۳۲۸گ، ۳۴س، ۱۴/۵ × ۲۰/۵سم

۱۳۳۱

### احیاء علوم الدین

(اخلاق - عربی)

از: ابوحامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵ ق)

نسخه موجود مشتمل بر ربع اول و دوم کتاب می‌باشد.

آغاز: «الحمد لله اولاً و آخراً حمداً كثيراً متوالياً وان کان يتضاءل دون حق جلاله حمد

الحامدین واصلی و اسلم علی رسله ثانیاً».

انجام: «تم ربع العادات و هو الجزء الثانی المشتمل علی الكتب العشرة و يتلوه الجزء

الثالث و اوله کتاب آداب القلب».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه،

اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش، با مهر مربع «العبد محمد علی شریف».

۱ فردی که برای گردآوری نسخه‌های خطی با مرحوم مغفور والد بزرگوارم همکاری داشت.

جلد: تیماج زرشکی مجدول گرهی لبه دار، با ترنج و سرترنج، ضربی.  
۲۶۵گ، ۳۴س، ۱۵ × ۲۱سم

۱۳۸۹

### احیاء علوم الدین

(اخلاق - عربی)

از: ابوحامد محمد بن محمد غزالی (۵۰۵ ق)

نسخه موجود مشتمل بر کتاب التوبة (الکتاب الاول من ربيع المنجيات) می باشد.  
آغاز: «الحمد لله الذي بتحميمه يفتح كل باب ... اما بعد فان التوبة عن الذنوب بالرجوع  
الى ستار العيوب».

انجام افتاده: «يسبحون الله بكرة وعشيّاً و في رواية انه على كل دوحه».

نسخ، بی کا، بی تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، تملک  
عبدالرحیم بن عبدالجواد در ۱۲۹۸ق با مهر بیضوی، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در  
۱۳۴۳ش.

جلد: تیماج زرشکی، عطف: تیماج قهوه ای سیر.  
۴۰۸گ، ۲۳س، ۱۶ × ۲۳سم

۱۶۶۳

### اخبار روسیه

(تاریخ - فارسی)

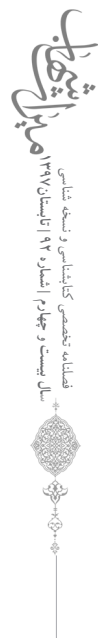
از: ماردروس داوود خانف (سده ۱۲ ق)

ترجمه اخبار مختلف روسیه از روزنامه های «ژورنال دوسن پطرزبورغ» و «لاتیورکی»،  
نوشته ماردروس داوود خانف به زبان فارسی.

آغاز: «از قراری که در روزنامه آکاوی اعلام می کنند اهالی شهر مسکو در کمال».

انجام: «همچنین دولت در خیال است که راه آهن به سمت سیبری نیز دائر و برقرار نماید».  
نستعلیق زیبا، بی کا، بی تا، سده سیزدهم و چهاردهم، عناوین: مشکی، صفحات دارای  
رکابه، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: مشمع قرمز.  
۵۴گ، ۱۳س، ۲۰/۵ × ۳۲سم





۱۱۰۴

### الأربعون حديثاً

(حدیث - عربی)

از: شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (۱۰۳۰ ق)

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده ۱۲ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر مستطیل به نقش «وقف نمود سید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی به کتابخانه آستانه حضرت معصومه (۱۳۴۷)» و مهر بیضوی در برگ ۳ با عبارت «محمدسعید»، حاشیه برخی اوراق بریده شده و آثار رطوبت و هجوم موریانه‌ها در برگ‌های نسخه مشهود است.

جلد: تیماج سبز مجدول، با ترنج و سرترنج زرین.

۲۳۵گ، ۱۴س، ۱۲ × ۱۹سم

۱۱۷۲

### ارشاد الاذهان الی احکام الایمان

(فقه - عربی)

از: علامه حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)

نسخ، محمد سلیم بن محمد جعفر طالقانی، ۱۱۱۵ق، عناوین و نشانیها: شنگرف یا نانوشتنه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش، با یادداشت تملک ملا طهماسب. جلد: تیماج زرشکی، با ترنج و سرترنج ضربی.

۲۱۳گ، سطور مختلف، ۱۴ × ۱۹/۵سم

۱۴۳۴

### ارشاد الاذهان الی احکام الایمان

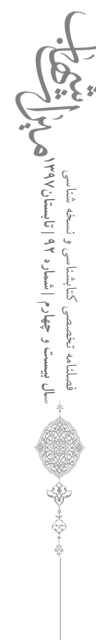
(فقه - عربی)

از: علامه حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)

نستعلیق، بی‌کا، پنج‌شنبه ۲۹ جمادی‌الثانیه سنه ۱۰۶۸ در قهوه‌خانه باقر در خدمت ملا محمد تقیا، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات دارای رکابه، تملک محمدطالب حسینی مازندرانی با مهر بیضوی «یا علی بن ابی‌طالب»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش.

جلد: مقوای مشکی، عطف: تیماج قرمز.

۱۴۸گ، ۱۹س، ۱۸ × ۲۴سم



۱۱۶۹

### ارشاد القلوب الى الصواب

(حدیث - عربی)

از: ابومحمد حسن بن ابی الحسن بن محمد دیلمی (قرن ۸ ق)  
این نسخه دومین بخش ارشاد القلوب و مشتمل بر فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام است. سه بیت از پایان نسخه افتاده است.  
آغاز: «بسمله، روى عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال لأخي علي بن ابي طالب عليه السلام فضائل لاتحصى كثرة فمن ذكر فضيلة من فضائله».  
انجام افتاده: «خلقن مدادا و السموات كاغذا؟».

نسخ و نستعلیق، بی‌کا، قرن ۱۳ق، عناوین و نشانیها: مشکى و شنگرف، رکابه‌نویسی دارد، دارای حواشی به فارسی و عربی و تصحیح و تحریر نسخه بدل، حواشی با عناوین «م ز» و «مص» [مصنف]، با مهر مستطیل اهدا با این عبارت: «اهدایی آقای آیت الله نجفی مرعشی به کتابخانه آستانه مقدسه قم در ۱۳۴۳ش».  
جلد: مشتمع سبز، عطف: تیماج قرمز روشن.  
۲۲۴گ، سطور مختلف، ۱۲ × ۱۹/۵سم

۱۴۵۵

### الاستبصار فيما اختلف من الاخبار

(حدیث - عربی)

از: شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)  
نسخه موجود از کتاب الطهارة آغاز و تا کتاب الصیام باب صیام الثلاثة ایام فی کل شهر به فرجام آمده است.

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، با بلاغ سماع، حواشی دارد با نشان «س م م»، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ش، وقف اولاد ذکور من اهل التحصیل از محمد بن غیاث کاظمی با مهر بیضوی.  
جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۱۷۴گ، ۲۴س، ۲۰ × ۲۶سم



۱۳۸۳

**الأسفار الأربعة العقلية (في الحكمة المتعالية)**

(فلسفه - عربی)

از: ملاصدرا، صدرالدين محمد بن ابراهيم شيرازي (۱۰۵۰ ق)

نسخه موجود مرحله ششم از جلد نخست كتاب است.

آغاز: «المرحلة السادسة في العلوية والمعلوية وفيه فصول فصل في تفسير العلة وتقسيمها فنقول العلة لها مفهومان».

انجام: «و يتلوه شاهدان البيّنة هو القسم الاول و هو الاشارة الى صفاء جوهر الروح و الشاهد هو القسم الثاني و هو الاستدلال بالاشكال».

انجامه: «تم المجلد الاول من الاسفار الاربعة في الحكمة المتعالية بعون الله تعالى على يد اقل الطلاب ابراهيم الطهراني».

نستعليق، ابراهيم تهراني، دهم شهر جمادى الاولى ۱۲۷۶ در دارالمؤمنين سبزوار، عناوين و نشانيها: شنگرف، صفحات داراي ركا به، اهدايي آيت الله مرعشي نجفي در ۱۳۴۳ ش.  
جلد: تيماج مشكي مجدول.  
۲۰۲ گ، ۲۳ س، ۱۸ × ۲۲/۵ سم

۱۲۷۲

**الاصلاح و فيه الفوز و الفلاح**

(فقه - عربی)

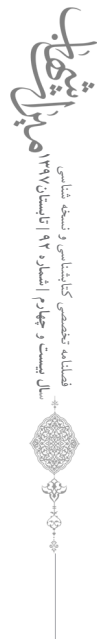
از: سيد مجاهد، محمد بن علي طباطبائي حائري (۱۲۴۲ ق)

آغاز: «الحمد لله الذي مهّد لنا طريق اصلاح العمل و مسلك النجاة و التجافي عن الخطاء و الزلل».

انجام افتاده: «... و لا يجوز التقديم في اول الوقت فيكون مجزية اختلف فيه الاصحاب فذهب بعضهم الى انه يجب عليه».

نستعليق، بي كا، بي تا، عناوين و نشانيها: مشكي، اهدايي آيت الله مرعشي نجفي در ۱۳۴۲ ش.

جلد: تيماج قهوه اي مجدول.  
۶۸ گ، ۲۱ س، ۱۷ × ۲۱/۵ سم



۱۳۴۸

### اطباق الذهب

(ادبیات - عربی)

از: شرف‌الدین عبدالمؤمن بن هبة الله شفروه اصفهانی (۵۹۸ ق)  
آغاز: «اللهم انا نحمدك على ما اسبلت علينا من جلايب كرمك و سبلت من شآبيب  
نعمك».

نسخ، بی‌کا، سه شنبه ۲۴ جمادی الاولی ۱۲۹۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای  
حواشی، صفحات رکابه نویسی دارد، با متفرقاتی از احادیث و اشعار در پایان، اهدایی آیت  
الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۱ ش.  
جلد: مشتمع قهوه‌ای، عطف: تیماج قرمز.  
۱۰۳گ، ۱۱س، ۱۴/۵ × ۲۰/۵ سم

۱۴۷۳

### الأم

(فقه شافعی - عربی)

از: ابو عبدالله محمد بن ادريس شافعی (۲۰۴ ق)  
به گزارش معرفی این کتاب به قلم زنده‌یاد مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست  
نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم، ص ۷۸ مراجعه شود.  
آغاز افتاده: «... و قال ابوحنيفه ... ان الشفعة تثبت بالشركة بالملك».  
انجام افتاده: «... لعلها ام ولد لرجل فيخلى بينها وبين رجل».  
نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، سده نهم و دهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله  
مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر مستطیل کتابخانه.  
جلد: تیماج خاکستری مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۱۱۱گ، ۲۵س، ۱۸ × ۲۶/۵ سم

۱۵۲۵

### انوار التنزيل و اسرار التأويل

(تفسیر - عربی)

از: قاضی ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی (۶۸۵ ق)  
نسخه موجود از آغاز قرآن تا آیه ۱۱۰ سوره اسراء را شامل است.



آغاز: «الحمد لله الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا فتحدى باقصر سورة من سورة مصاقع الخطباء».

انجام افتاده: «قل ادعو الله اودعوا الرحمن نزل حين سمعوا المشركون (كذا) رسول الله يقول يا الله يا رحمان».

نسخ، بی‌ک، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: سنگرف، با حواشی در هامش و برگ‌های جداگانه، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه. جلد: تیماج زرشکی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی، عطف: تیماج خاکستری. ۳۷۹گ، سطور مختلف، ۲۰ × ۲۶/۵سم

۱۵۸۱

### انوار التنزیل و اسرار التأویل

(تفسیر - عربی)

از: قاضی ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی (۶۸۵ ق)

نسخه موجود مشتمل بر جلد نخست از فاتحه الكتاب تا پایان سورة حجر می‌باشد. نسخ، بی‌ک، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها و آیه‌ها: سنگرف، صفحات دارای رکابه و مجدول به سنگرف و لاجورد، برگ آغازین درون جدول زراندود، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه. جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت. ۲۹۴گ، ۳۳س، ۲۰ × ۲۹/۵سم

۱۵۹۱

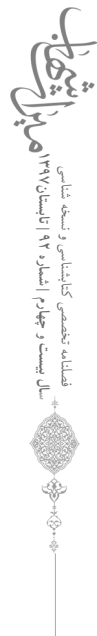
### انوار القلوب

(اعتقادات - فارسی)

از: سید محمدباقر بن محمد ملاحاشی موسوی شیرازی (۱۲۴۰ ق)

در فضایل و مناقب چهارده معصوم (ع) است به تفصیل، در یک مقدمه در اصول خمس و چهارده مقصد و هر مقصد به نام یک معصوم و دارای سه منهج مشتمل بر انوار متعدد با عناوین «نور نور» که در چند جلد نگاشته است.

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، به شماره ۱۶۴۴ موجود می‌باشد و در فهرست کتابخانه (ج ۵، ص ۴۴) گزارش شده است.





الذریعه: ج ۲، ص ۴۳۸؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۵، ص ۲۴۲.  
نسخه موجود جلد سوم و از مقصد هشتم (مناقب امام صادق علیه السلام) آغاز و تا  
چهاردهم می باشد.

آغاز: «الحمد لله الذي جعل نبينا خيرا الصادقين و منّ علينا بولاية امير المؤمنين و اولاده  
المعصومين».

انجام افتاده: «... و سيّد حميرى كه پيش از اين پارهٔ احاديث در جلالت قدر و تعصّب او  
در مذهب تشييع مذكور شد نيز نشسته بود».

نستعليق، بى كا، بى تا، سده ۱۳ق، عناوين و نشانيها: سنگرف، يادداشت وقف عام از جانب  
سيّد محمد موسى ربيع الاول ۱۲۶۲ با مهر مربع «العبد سيّد محمد موسى»، اهلايى  
آيت الله مرعشى نجفى در ۱۳۷۲ق.

جلد: تيماج قهوه‌اى مجدول، با ترنج و سرترنج ضربى و نماى بارگاه كريمه اهل بيت.  
۱۳۲گ، ۲۷س، ۲۰ × ۳۰سم



آغاز «انوار القلوب»، از: سيّد محمد باقر ملباشى شيرازى.

شماره نسخه: ۱۵۹۱



۱۶۶۱

### الانوار النعمانية في بيان معرفة النشأة الانسانية

(متفرقه - عربی)

از: سیّد نعمت‌الله بن عبدالله موسوی جزائری (۱۱۱۲ ق)

آغاز: «نحمده بنعمته علی نعمائه و نصلی علی عبده المقرب لديه محمّد و آله».

انجام: «هذا تمام الكلام في هذا الجزء و لنذكر المنجيات و توابعها بانوار اخرى».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده ۱۲ و ۱۳ ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای رکابه، اهدایی آیت

الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق با مهر مستطیل کتابخانه.

جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول گرهی، با لچک ترنج و سرترنج ضربی.

۲۱۷ گ، ۲۷ س، ۲۰ × ۳۲ سم

۱۱۸۶

### الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار في مولد النبي المختار

(تاریخ - عربی)

از: ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری (قرن ۵-۶)

زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زادروز تا ازدواج و مختصری از زندگانی اجداد آن حضرت را به شیوه روایی و داستانی با عناوین قال الراوی و قال صاحب الحدیث در ضمن هفت جزء به رشته تحریر کشیده است. درباره عصر مؤلف و مذهب وی مطالب بسیاری در منابع موجود آمده است.

این کتاب به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی متعددی از آن به شماره‌های ۵۶۷۸، ۱۲۵۶۵/۱، ۳۶۶۳، ۱۰۱۰۷، ۱۰۱۱۸ و ۱۳۶۷۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود است.

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا): ج ۵، ص ۲۶۵-۲۶۷.

آغاز: «الحمد لله الذي خلق رواج الاشياء بقدرته و جعل لها نورا بمشيئته و خلق الارواح».

انجام: «محمّد اقسام ذالجلال بعزّه \* کذالک اقسام الباری ببیت حوی علی».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده سیزدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی

نجفی در ۱۳۴۳ ش، با یادداشت تملک ریحان‌الله موسوی<sup>۱</sup> در کربلا با مهر وی.

۱ مرحوم آیت‌الله سیّد ریحان‌الله موسوی از عالمان و مؤلفان سده ۱۳ قمری است. آن مرحوم کتابخانه

جلد: مقوّا، گوشه‌ها و عطف: تیماج قرمز.  
۱۵۱گ، ۱۷س، ۱۴/۵ × ۱۹/۵سم

۱۳۴۴

### الایضاح فی شرح تلخیص المفتاح (بلاغت - عربی)

از: خطیب دمشق، محمّد بن عبدالرحمان قزوینی (۷۳۹ ق)  
آغاز: «الحمد لله ربّ العالمین ... اما بعد فهذا كتاب في علم البلاغة و توابعها ترجمته  
بالایضاح و جعلته علی ترتیب».

نسخ، بی‌کا، شب پنج‌شنبه، ۹ جمادی الاولی، ۷۸۳، در مدرسه فاطمیة تبریز، عناوین و  
نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات دارای رکابه، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در  
۱۳۴۲ش، یادداشت خرید محمّد قمی ادر نجف اشرف در تاریخ شعبان ۱۳۳۶.  
جلد: مشتمع نارنجی، عطف: تیماج قرمز.  
۱۶۱گ، ۱۹س، ۱۳ × ۲۰سم

۱۵۹۸

### بحار الانوار

(حدیث - عربی)

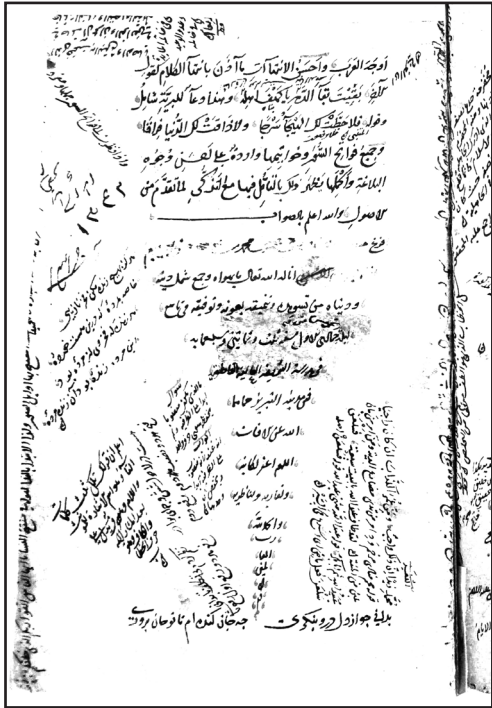
از: مولی محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی (۱۱۱۰ ق)

نسخه موجود مشتمل بر جلد پانزدهم (فی الایمان و الکفر) می‌باشد.

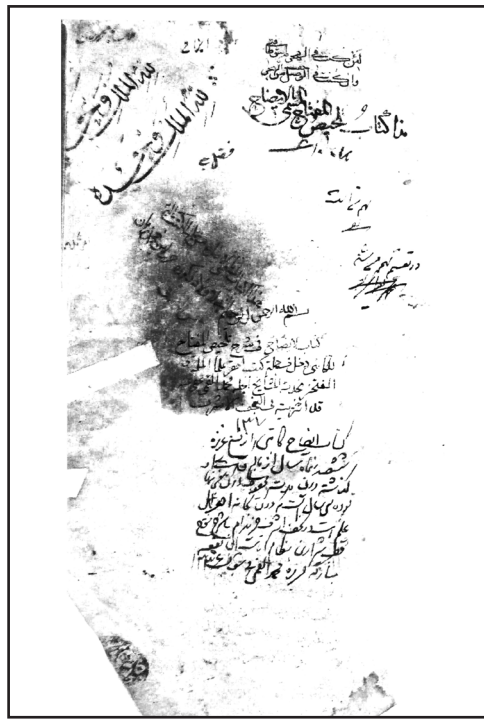
آغاز: «باب الکفر و مساوی الاخلاق اقول سیجی فی ابواب کتاب العشرة و کتاب الآداب و السنن».

بسیار بزرگ و نفیس خطی داشته و آنگونه که در منابع آمده: افزون بر ده هزار نسخه خطی نفیس  
گردآوری کرده است. پس از رحلت آن عالم بزرگوار کتاب‌ها بین بازماندگان تقسیم و آنان به تدریج  
به فروش رساندند. بحمدالله اینجانب که با جدّیت بسیار دنبال این مجموعه بودم، موفق شدم  
بیشترین نسخه‌های خطی نفیس آن را طی چندین مرحله برای کتابخانه بزرگ و جهانی خودمان  
خریداری نمایم. در بیشتر کتابخانه‌های بزرگ کشور از جمله کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه  
ملّی، کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملّی ملک و چند کتابخانه دیگر  
حداقل چند نسخه یا بیش از یکصد نسخه از نسخه‌های خطی کتابخانه آن عالم ربّانی در آنها وجود  
دارد، که خود حاکی از مجموعه بسیار عظیمی از نسخه‌های خطی اسلامی است.  
۱ ظاهراً ایشان مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب اشراقی قمی است که از عالمان بزرگ قم و  
تحصیلات خود را در نجف اشرف به پایان برده است. وی جدّ آقایان اشراقی‌های قم بوده و کتابخانه  
بسیار نفیسی داشته است، که بحمدالله اینجانب موفق شدم طی چند مرحله نسخه‌های نفیس آن را  
برای کتابخانه بزرگ و جهانی خودمان خریداری نمایم.





انجام «الإيضاح في شرح تلخيص المفتاح»،  
 از: خطيب دمشق محمد بن عبدالرحمن قزويني (٧٣٩ ق)،  
 مؤرخ جمادى الاولى ٧٨٣ در مدرسه فاطميه تبريز.  
 شماره نسخه: ١٣٤٤



صفحه عنوان «الإيضاح في شرح تلخيص المفتاح»،  
 از: خطيب دمشق محمد بن عبدالرحمن قزويني.  
 شماره نسخه: ١٣٤٤

انجام: «قد تمّ الجزء الثالث من الاجزاء الثلاثة لكتاب الايمان و الكفر من جملة كتاب بحار الانوار».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف یا نانوشته، صفحات دارای رکابه، طبق وقف‌نامه در برگ آغازین در تاریخ ۱۲۳۵ این نسخه با مجلدات دیگر این کتاب از طرف علی‌شاه در جمادی‌الاولی ۱۲۳۴ وقف برای استفاده عموم طلاب با تولیت شیخ محمّدحسن امام جمعه و جماعت دارالخلافة طهران با مهر مستطیل «علی به ظل سلطان ز شاه شد ملقب پسر دهم فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰)» و مهر مربع «انا مدینه العلم و علی بابها»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه.

جلد: تیماج زرشکی مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی، عطف: تیماج قرمز روشن. ۱۰۷گ، ۳۱س، ۲۰ × ۳۰سم

۱۴۹۳

### تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الامامیة

(فقه - عربی)

از: علامه حلّی، جمال‌الدین ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ق)

از میان ۲۰۰ نسخه شناخته شده از این کتاب، بیش از ۲۰ نسخه ارزنده از آن در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود است؛ از جمله نسخه شماره ۸۵۱۵ مورّخ ۲ جمادی‌الاولی ۷۱۹ق (در حیات مؤلف).

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۷، ص ۱۰۸-۱۲۵.

نسخه موجود از کتاب النکاح آغاز و تا پایان دیات به فرجام آمده است.

آغاز: «کتاب النکاح و فيه مقاصد الاول فی ماهیته و فضله و فيه خمسة مباحث الاول الاقرب انّ النکاح حقیقة فی العقد مجاز فی الوطی».

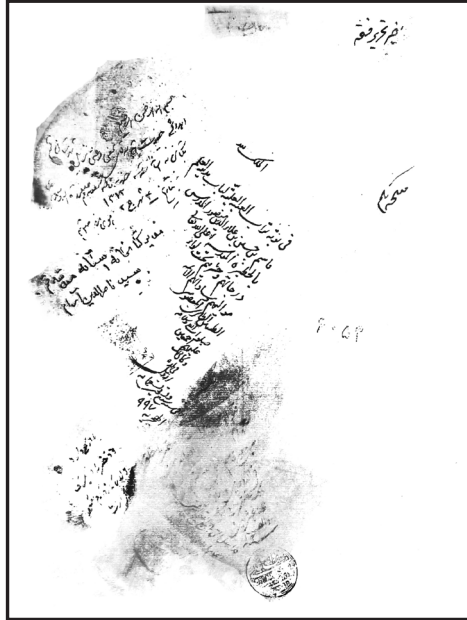
نسخ، مسعود بن ابراهیم بن نصرالله، شنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۹۸۹ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، تملک قاسم بن حسین بن علاء‌الدین منصور مدرّس حظیره مقدّسه اردبیل به سال ۹۹۷ق، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق و مهر دایره‌ای «توکلّت علی الله».

جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.

۳۶۲گ، ۱۹س، ۱۸ × ۲۵سم







یادداشت تملک قاسم بن حسن بن  
علاءالدین منصور مدرّس حظیره مقدسه،  
در ۹۹۷ ق، در بلده اردبیل در ابتدای  
«تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الامامیه» اثر:  
علامه حلی  
نسخه شماره: ۱۴۹۳

۱۰۹۷

### تحریر القواعد المنطقية فی شرح الرسالة الشمسية

(منطق - عربی)

از: قطب الدین محمد بن محمد رازی (۷۶۶ ق)

التراث العربی: ج ۳، ص ۷۴؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۷، ص ۱۷۰.  
در این نسخه دیباچه کتاب نیامده است.

آغاز: «بسم الله، ورتبته علی مقدّمه وثلث مقالات و خاتمة. اما المقدّمه...».

انجام: «لأنّ الأجزاء بيّنة الثبوت للشيء و لیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الاوراق».

نسخ، عبدالقیوم بن نقی، شنبه ماه دهم (شوال) ۱۰۵۳، برگ نخست نونویس است، عناوین و

نشانیها شنگرف، دارای حواشی، در ظهر برگ ۱۴۵ یادداشتی در موضوع نذر به تاریخ ۱۱۵۹

و در ظهر برگ ۱۴۶ پنج جدول منطقی ترسیم شده، در برگ ۳ یادداشت سید ناصرالدین آرام<sup>۱</sup>

۱ مرحوم حاجت الاسلام و المسلمین حاج سید ناصرالدین آرام از فضایی حوزه علمیه قم و از نویسندگان سخت کوش بوده است. آن مرحوم سالیان طولانی مدیریت کتابخانه حضرت معصومه سلام الله علیها را بر عهده داشته و پیوسته از بی توجهی مسئولان آستانه، از جمله مرحوم سید ابوالفضل تولیت گلایه مند بود، زیرا بودجه قابل توجهی در اختیار آن مرحوم قرار نمی داد، تا بتواند کتاب های چاپ جدید و یا نسخه های خطی نفیس را - که در آن زمان چندان توجهی از سوی فضلا و نویسندگان حوزه و دانشگاه نمی شد - خریداری نماید.

در باره اهدای نسخه از آیت الله مرعشی نجفی در دوم جمادی الثانیه ۱۳۷۳.  
جلد: تیماج قهوه‌های سیر مجدول گرهی.  
۱۴۷گ، ۱۶س، ۱۰ × ۱۷سم

۱۲۶۴

(زیارات - فارسی)

### تحفة الزائر

از: مولی محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (۱۱۱۰ ق)  
آغاز افتاده: «... ذریعة الی اجابة الدعوات و زیارتهم وسیلة لنیل السعادات اما بعد ...».  
انجام افتاده: «... و پشیمانی فایده نخواهد داشت باید که در قبرستان نخندد و حرف لغو  
نگوید و مشهور ...».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، تملک محمد مهدی در تاریخ ۱۳۲۰ با مهر  
بیضوی «عبداله الراجی محمد مهدی» در برگ پایانی دیده میشود، اهدایی آیت الله مرعشی  
نجفی در ۱۳۴۰ ش.  
جلد: تیماج مشکی، با ترنج و سرترنج.  
۴۲۲گ، ۱۴س، ۱۴/۵ × ۲۰سم

۱۳۴۵

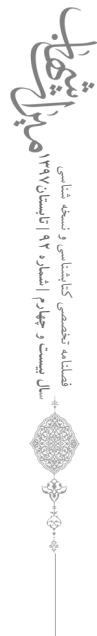
(تاریخ معصومین - فارسی)

### تحفة المجالس

از: سلطان محمد بن تاج‌الدین حسن استرآبادی (۹۵۲ ق)  
آغاز: «نیکوترین ثناتی که قدسیان ملاء اعلی و مقربان بارگاه».  
نستعلیق، عبارات عربی به نسخ، صادق بن حسن، پنج‌شنبه یکم ربیع‌الاول ۱۲۴۶، صفحات  
مجدول به شنگرف، صفحه نخست با سرلوح مرصع، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای  
رکابه، وقف عام از محمد صادق بن محمد حسن تاجر کاشانی، در تاریخ ذیقعدة الحرام  
۱۲۴۶ تا ثوابی باشد به ارواح مطهرة چهارده معصوم، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در  
۱۳۷۲ ق.

جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج قرمز.  
۱۹۲گ، ۱۸س، ۱۴ × ۲۰/۵سم

آن سید محترم از علاقمندان شدید به مرحوم مغفور پدر بزرگوارم بود و احترام خاصی به معظم له روا می‌داشت.





۱۴۷۰

### تذكرة الشهداء

(تاریخ - فارسی)

از: محمدحسین بن محمد باقی بخاری

مطالب کتاب در ده مجلس با تضمین اشعار مناسب، مجلس اول در ذکر واقعات سید المرسلین و مجلس دهم در ذکر شهادت امام حسین (ع) ساخته شده است. از بخاری اثر دیگری به نام قصص حسینی شناسایی شده، که آن را در ۱۰۰۲ ق نگاهشته است. آغاز: «الحمد لله السلام على الذين اصطفى الانبياء هم المرسلين خصوصا على نبينا محمد».

انجام: «ناگاه کژدمی بود...».

نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق با مهر کتابخانه. جلد: تیماج زرشکی مجدول، عطف: تیماج قهوه‌ای. ۱۲۵ گ، ۱۷ س، ۱۶ × ۲۶/۵ سم

۱۶۲۰

### تذكرة الفقهاء

(فقه - عربی)

از: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)

نسخه‌های نفیسی از تذکره علامه در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود است؛ از جمله نسخه شماره ۳۷۴۵، کتابت در ۱۱ ربیع‌الثانی ۷۲۰ (در حیات مؤلف). این کتاب به سال ۱۳۴۹ ق در تهران چاپ سنگی شده و از سال ۱۴۱۴ ق چاپ تحقیقی آن به همت مؤسسه آل‌البیت (ع) در قم آغاز گردیده است. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا): ج ۷، ص ۹۰۸-۹۲۳. نسخه موجود از کتاب طهارت آغاز و تا کتاب البیع به فرجام آمده است. آغاز: «الحمد لله ذی القدرة الازلیة و العزة الباهرة الابدیة و القوة القاهرة القویة». انجام نسخه: «و بیانہ ان نصف قدر الوضیعة الی الاحد عشر فیصیر اثنا عشر فیسقط من کل اثنی عشر الوضیعة وهی درهم».



نسخ، علی، سال ۱۲۴۰ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، یادداشت وقف عام از آقا صالح در  
اواخر ربیع الاول ۱۲۵۳ جهت ارواح چهارده معصوم (ع)، شیعیان اثنی عشری، ذوی القربی،  
والدین واقف و جهت خودش با تولیت احمد ملا علی محمد و بعد به اولاد او با مهر مربع  
«دارد امید شفاعت محمد صالح»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج نارنجی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۷۳۷گ، ۳۴س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۴۷۶

### ترجمه قطب شاهی

(حدیث - فارسی)

از: ابن خاتون عاملی، شیخ محمد بن علی بن خاتون عاملی (قرن ۱۱ ق)  
ترجمه تحت اللفظی است از الاربعون حدیثاً شیخ بهایی (۱۰۳۰ ق)، به ضمیمه نکاتی  
از مترجم. وی این ترجمه را به نام سلطان محمد قطب شاه هندی (۱۰۳۵ ق) نگاشته و بدین  
سبب به ترجمه قطب شاهی نامیده شده است. این ترجمه در زمان حیات شیخ بهایی صورت  
گرفته و مقابله اش در نیمه ذیحجه ۱۰۵۵ ق به پایان رسیده است.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۳، ص ۳۹۴.

آغاز: «ای از تو حدیث معرفت را تبیین \* وی ترجمه و وصف تو تنزیل مبین».

انجام افتاده: «... و بالجمله اگرچه برهانی از براهین عقلی بر وجود آن قائم نیست و لیکن

به بعضی ظواهر نقلی».

نستعلیق، بی کا، بی تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه،  
در تاریخ ۱۳۰۹ این نسخه با چند نسخه دیگر برای بهره مندی طلاب و امید ثواب به روح  
جناب شریعتمدار و آیت الله سید عبدالکریم با تولیت واقف وقف شده که نامش نیامده، با  
مهر مربع «عبدالکریم»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج قهوه ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۲۰۷گ، ۱۹س، ۱۷/۵ × ۲۵سم

۱۵۲۳

### ترجمه الخواص

(ترجمه و تفسیر قرآن - فارسی)

از: ابوالحسن علی بن حسن زواره ای (قرن ۱۰ ق)

نسخه موجود مشتمل بر ترجمه قرآن کریم از آیه ۲۴ سوره مریم تا پایان قرآن کریم می‌باشد.

آغاز افتاده: «آنکه ذکر او گذشت و وصف او کردیم عیسی پسر مریم است نه آنکه نصاری».

ترجمه فارسی نستعلیق و آیات نسخ معرب، محمد بن بوداق اظهري، ماه رمضان ۱۰۷۴، عناوین و نشانیها: مشکی، تملک سید محمد مرعشی در ۱۳۷۴ق، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش.  
۵۳۹گ، ۱۷س، ۱۸ × ۲۶/۵سم

۱۰۸۷

ترجمه مکارم الاخلاق (اخلاق - فارسی)

از: ناشناخته

ترجمه کتاب مکارم الاخلاق اثر حسن بن فضل طبرسی (قرن ۶ ق) است که آغاز و انجام آن افتاده و دربردارنده بخش‌هایی از ابواب هشتم و نهم و متن کامل ابواب دهم تا دوازدهم کتاب است. این نسخه متعلق به قرن یازدهم یا دوازدهم است و غیر از ترجمه‌های مشهور مکارم الاخلاق: مکارم الکرانم اثر علی بن حسن زواره‌ای، محاسن الآداب اثر نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری استرآبادی و همچنین ترجمه امیر نظام‌الدین عبدالرحی بن عبدالوهاب اشرفی استرآبادی می‌باشد.

به منظور دستیابی به ترجمه‌های مکارم الاخلاق رجوع شود به: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فناخا): ج ۳۱، ص ۳۳۵-۳۴۸ و ج ۸، ص ۱۱۳.

ابواب موجود در این نسخه به ترتیب زیر است:

- باب دهم: در دعاها و خبری که به دعا خواندن تعلق دارد. فصل اول در فضیلت دعا و کیفیت خواندن آن. حضرت رسالت (ص) فرمود هیچ چیز پیش خدای تعالی بهتر از دعا نیست ...

- باب یازدهم: در آداب مریض و علاج مرض و آنچه بدو متعلق است و در آن پنج فصل است.

- باب دوازدهم: در نوادر کتاب و این هفت فصل است: فصل اول در ذکر حقوق که امام زین العابدین (ع) فرمود.

آغاز افتاده: «حاجتی غیرک فقد علمت یا رب أنه کَلَّمَا تظاهرت نعمک ...».

انجام افتاده: «یا علی هرگاه امت من در کشتی نشینند و خواهند که غرق نشوند، این دعا بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم».

نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، قرن یازدهم و دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، متون آیات و ادعیه اعراب‌گذاری و زیر آن خط‌کشی شده است. رکابه دارد، در برگ دوم نسخه یادداشتی به قلم سید ناصرالدین آرام (مدیر وقت کتابخانه آستانه مقدسه) مبنی بر اهدای این نسخه از سوی آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۷۲ به کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها و همچنین مهر مستطیل آیت الله مرعشی نجفی با عبارت «وقف نمود سید شهاب‌الدین الحسینی المرعشی به کتابخانه آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها» وجود دارد، در برگ ۶۹ مهر بیضی با نقش «مصطفی الحسینی» دیده می‌شود، در برگ آغازین نسخه یادداشتی به قلم میرزا ابوالحسن ولد آخوند شعبانعلی دنبلیدی طالقانی مبنی بر ورود او به روستای ورده [ساوجبلاغ] جهت کتابت قرآن کریم و کتاب و زیارت او از امامزاده روستای یاد شده و میهمانی سید رمضان در تاریخ ۱۳۳۳ موجود است، در ۱۳۹۳ مرمت و صحافی شده است.

جلد: تیماج قهوه‌ای تیره مجدول، با ترنج ضربی مزین به تصویر بارگاه حضرت معصومه (س).  
 ۱۱۳ گ، ۱۵ س، ۱۱ × ۱۷ سم

۱۰۴۲

### [تفسیر قرآن]

(تفسیر - عربی)

از: ناشناخته

گزیده تفسیر آیاتی از قرآن کریم است. واژه‌ها و عبارات برگزیده از هر سوره، از سوره حمد تا سوره ناس، به عربی تفسیر شده است. مؤلف پس از هر آیه با عبارت «أی» به تفسیر لغوی و روایی آیات قرآنی پرداخته است.

آغاز: «فی تفسیر الاستعاذة أعود أی أمتع بالله السميع لكل المسموعات العليم بكل شیء من الشيطان البعید من کل خیر الرحیم المرجوم باللعن المطرود من بقاع الخیر ...».

انجام: «(من الجنة و الناس) له ثلاثة أوجه أعود من الشيطان الوسواس الخناس و هو

يكون من الجنة و يكون من الناس...».

انجامه: «قد وفقت بالاتمام في يوم الاربعاء عشرين من شهر رجب المرجب ١٢٦٤ في قرية غياث آباد من قرا فراهان».

نسخ، محمدحسن، چهارشنبه ٢٠ رجب ١٢٦٤، عناوين و نشانیها: مشکی، دارای تصحیح و حواشی، عناوين سور در هامش صفحه نوشته شده است، رکابه نویسی دارد، در ذیل انجام مهر مربع کاتب با عنوان «عبدہ الراجی محمدحسن» دیده می شود، در برگ آغازین قصیده صلواتیه قوام الدین سیفی قزوینی با مطلع «صلّ یا ربّ علی احمد خیر المرسلینا / و علی صاحب الحوض امیر المؤمنین» تحریر شده و در سه برگ پایان نسخه مناجات منظوم امیرالمؤمنین و «توسل به چهارده معصوم(ع)» با مطلع «الهی بحق المصطفی سید الوری / و بالمرتضی نفس النبی محمد» در ادامه آن نوشته شده است، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی به کتابخانه آستان در ٢ جمادی الثانیه ١٣٧٢.

جلد: تیماج مشکی.

١١٥ گ، ١٤ س، ١١/٥ × ١٦ سم

١٤٤٣

### [تقریرات المباحث الأصولية]

(اصول فقه - عربی)

از: سید زین العابدین بن سید محمد قزوینی (قرن ١٤ ق)

تقریرات درس استاد نویسنده است، شامل مباحثی از اصول، موضوع علم اصول، تعریف علم و مسایل علم اصول.

در جایی از رسائل شیخ انصاری نقل قول می کند.

آغاز: «الحمد لله الذي وفق العباد على تحصيل تكاليفه ... اما بعد فاعلم قبل الشروع في المقصد لابد من مقدمة وهي مشتملة على امور لابد من معرفتها وان يتنبه عليها».

انجام افتاده: «... و لا اشكال في حكم العقل باعتبار الظن بالحكم الفرعي من اي سبب

حصل».

نستعلیق، سید زین العابدین بن سید محمد قزوینی (مؤلف)، بی تا، سده سیزدهم، عناوين و نشانیها: مشکی، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ١٣٤٢ ش. جلد: تیماج قهوه ای مجدول.

١٣٧ گ، سطور مختلف، ١٩ × ٢٤/٥ سم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 هذه تقريرات لسيد زين العابدين القزويني  
 من تصانيف الشيخ سيد محمد هادي  
 جريدها وقد مرت في تصحاح الامام في اقتناء  
 عن مجلس اسناد المطم والموثوق بالكتاب

۱۴۲۶  
 اصبغ  
 في ربيع الثاني  
 ۱۴۲۶

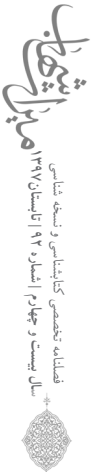
المطبعة والنشر

المطبعة والنشر  
 القزويني القزويني  
 في تصانيف الشيخ سيد محمد هادي  
 جريدها وقد مرت في تصحاح الامام في اقتناء  
 عن مجلس اسناد المطم والموثوق بالكتاب

آغاز «تقريرات المباحث الاصولية»

از: سيد زين العابدين قزويني به خط مؤلف از سده ۱۴ ق.

نسخه شماره: ۱۴۴۳



۱۳۶۳

### التوحید

(حدیث - عربی)

از: شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۸۱ ق)  
فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۹، ص ۴۱۷-۴۲۶؛ دانشنامه جهان اسلام:  
ج ۸، ص ۴۰۱-۴۰۵.  
آغاز: «الحمد لله الواحد الاحد الذي لا شريك له الفرد الصمد الذي لا شبيه له الاول  
القديم الذي لا غاية له».

نستعلیق، حسین بن ملاعلی بن مهرعلی مازندرانی، دوشنبه ۹ ربیع الاول ۱۲۶۲ق،  
صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ش.  
جلد: تیماج خردلی مجدول.  
۱۴۴گ، ۱۲س، ۱۶/۵ × ۲۲سم

۱۳۲۹

### توحیدنامه و تحفه توحیدخانه

(عقاید - فارسی)

از: حسن حسینی (قرن ۱۲ ق)

مؤلف، این کتاب را جهت هدایت و ارشاد فرزندش «یحیی» نگاشته و آن را به شاه سلطان  
حسین صفوی (حکومت ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) تقدیم نموده است.  
کتاب در پنج مقصد دارای فصول مختلف به ترتیب زیر ساخته شده است:  
مقصد اول: در بیان اینکه راه شناخت خدا کدام است (برگ ۹)؛  
مقصد دوم: در بیان اینکه کارهای خدا چگونه سبب شناختن خدا می شود (برگ ۱۳)؛  
مقصد سوم: در بیان فضیلت تفکر (برگ ۴۳)؛  
مقصد چهارم: در ذکر کلماتی از ائمه اطهار در بیان صنع و حکمت خدا (برگ ۶۰)؛  
مقصد پنجم: در اینکه ذوات اشیاء عالم و حقایق اشیاء عالم به جعل و صنع الله تعالی  
است (برگ ۹۹).  
معرفی تفصیلی این اثر در ضمن مقاله ای در میراث اسلامی ایران، دفتر چهارم، صفحات  
۱۱۳-۱۲۱ آمده است.



نسخه دیگری از این کتاب به دست نیامد.

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۹، ص ۴۵۳-۴۵۴.

آغاز افتاده: «... نمی فهمند لکن بسیاری می فهمند و منتفع می شوند و عهدنامه این است  
هذا ما اوصی مصنف کتاب توحیدنامه ولده الرشید یحیی بن الحسن الحسینی و حثه علیه ...  
اعلم ان التوحید توحیدان، توحید عامی و توحید خاصی».  
انجام افتاده: «و همچنین آب و هوا و سایر چیزهای عالم را متحصّل بالنفس متقوم بالذات  
می داند».

نسخ، بی کا، بی تا، سده یازدهم و دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، نسخه منحصر  
به فرد و نفیس، صفحات دارای رکابه، موقوفه حاجی ملا جعفر خوانساری است که  
محمدجعفر خراسانی این کتاب را از متولی آن سید محمد گرفته تا در هر ماه رمضان به  
نظر متولی برساند در سنه ۱۲۷۵، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی.

جلد: تیماج قهوه ای مجلدول.

۱۵۷گ، ۱۹س، ۱۲ × ۲۲/۵سم

۱۴۳۲

(حدیث - عربی)

### تهذیب الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام

از: شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)

از تهذیب شیخ طوسی بیش از ۹۵۰ نسخه خطی در فهرستگان نسخه های خطی ایران  
(فنخا): ج ۹، از ص ۵۲۹ به بعد معرفی شده و دهها نسخه نفیس از آن در کتابخانه بزرگ و  
جهانی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود است. بارها به چاپ رسیده و دهها  
حواشی و شروح بر آن نگاشته اند.

نسخه موجود از کتاب الجهاد آغاز و تا باب الإجازات به فرجام آمده است.

آغاز افتاده: «... الصفار عن محمد بن السندی عن علی بن الحکم عن ابان عن ابی عبدالله  
(ع) قال قال رسول الله (ص) الخیر کلّه فی السیف و تحت ظلّ السیف و لایقیم الناس الا  
السیف».

انجام: «و ان وضعت فلیس علیک شیء فقال لا بأس بذلک ان کانت الجاریة للقابل».



برگی از «توحیدنامه و تحفه توحیدخانه»، از: حسن حسینی  
نسخه شماره: ۱۳۲۹

قبل من، وذلك قوله سبحانه وبكى رب العزة عما يصفون وكبرياء  
ولا خلق قال من خلقه من خلقه الذى خلقه الذى خلقه الذى خلقه الذى خلقه  
وهو الماء فقال السائل فالذى خلقه من شئ الا من شئ فقال خلق  
الذى اذ من شئ لا يصفه ولو خلق المثل من شئ اذا لم يكن له الا خلق  
ابدا ولم يزل الله اذا وضع شئ ولكن كان الله ولا شئ معه خلق  
الذى الذى خلق الاشياء منه وهو الماء وما ترجمه سابقا مذكورا  
وبما يعنى بان الله لا يخلق الا من شئ من شئ من شئ من شئ من شئ من شئ  
بمجهى كخلق اول وماه سائر مخلوقات وان شئ واحد  
كشمسه جاريت انما سائر نباتات وبتدبيره الله تعالى تخلق من شئ  
بجنانات مختلفة واين شئ من موم ميثود حسب اعتبار ضا  
بمستطاعت ولا يكتفى بغيره انما ان شئ مطلق براء از جهات  
كاتب باستانى وخرقها قول يكه جميع اشكال با ومقيد بخلق  
نيت ولا ما ينرى ان شعيرات عالم است مانتراض وهو ان  
بان وغيره يتبين ان الله تعالى متعين شئ است عين ما يابى  
عاقلة غير يتبين ان الله تعالى متعين شئ است عين ما يابى  
بشمسه نازم يماند واهراق وتعين واخا لانه ذات خاوى  
دانند وارض بالان الله ارض ميان تدوين ميثود وصادق ووفيق  
لازم ذات ارض ميان تدوين ارض ميان تدوين ارض ميان تدوين  
بمقتضى التفرقة بين الذات ميان تدوين ارض ميان تدوين

والملك اذا تاملت من التامل وجدته مصدقا لما روى  
بان من اخلص الله اربعين صباحا ظهر نياح الحكمة من قلبه  
على لسانه محققا لما نقل من ان العلم انما هو نور يقاد فرسه  
في قلبه من بردان يهد به مفسر لقوله تعالى من يؤمن بالله  
يهد قلبه ولقوله تعالى الله ولى الذين آمنوا يخزيهم من الظالمين  
الى التوفيق نظار بها كثيرة تدل على ان التحقق بحقيقة الايمان ينير  
القلب ويوضح امر الله تعالى مبينا لقول على عليه السلام حيث قال  
ولكن تراه القلوب محققان الايمان اذ كان شيرا الى ان الاهداف  
الذات والاخلادص لله تعالى ودوام الفكر ودوام الذكر وايشاء  
ذلك ما يرتحق الايمان ويحل بقلوب القلب وتوجب وضع امر  
الله تعالى وضوحا بصر ان بعينه بالروية او صليك بحفظه و  
صون عن غير امله فان الناس قد يظنوا على جبل الدنيا والاطوار  
بها ولم يظنوا باصداق النظر في آيات الملك والملكوت والعرش  
صدها بجله وقد سمته بوحيد نامة و تحفه توحيد خانه ليكون  
اسم كاشفا من معناه وشيرا الى غاية وفتهاه قافى ويدا ان خدم  
انشاء الله مجلس مولانا العظم الملك الاجل بهيتم الكرم بكرامة توف  
الملك من شاء المضاعف بتفصيل الملك والدين قائلان المتوج تابع الملك  
ظله الله الشرفى يشرف ان الارض لا يروى من شئ من شئ من شئ من شئ  
الوديع على النفس القاهرة والقاب لرك الكلى باسل على الجبال

برگی از «توحیدنامه و تحفه توحیدخانه»، از: حسن حسینی  
نسخه شماره: ۱۳۲۹

میراث شریف

موقوفات ماندگار  
(بخش اول)



نسخ، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه.  
جلد: تیماج زرشکی روغنی مجدول، با ترنج و سرترنج زرین، عطف: تیماج قهوه‌ای.  
۱۷۶گ، ۲۲س، ۱۸/۵ × ۲۴/۵سم

۱۵۴۰

### تهذیب الأحکام

(حدیث - عربی)

از: شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)

نسخه موجود از کتاب طهارت آغاز و تا کتاب صلوة به پایان رسیده است.  
آغاز: «الحمد لله ولی الحمد و مستحقه و صلواته علی خیرته من خلقه».  
انجام: «تمت الزیادات من کتاب تهذیب الأحکام و يتلوه کتاب الزکوة».

نسخ، میرزا محمدعلی بن السید عضدالدین مسعود حسینی در شیراز در زمان شاه عباس، ظهر جمعه ۱۴ ذی‌قعدة ۱۰۰۳، عناوین و نشانیها: مشکی و شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، تملک احمد بن حسن در ۱۲۷۵ با مهر بیضوی «یأتی من بعدی اسمه احمد» و تملک کاتب: ابن عضدالدین مسعود حسینی محمدعلی با مهر بیضوی «علی حبه جنة»، و مهر بیضوی «العبد الراجی محمدشریف» و مهر بیضوی «المؤمن اخی فی الدارین».  
جلد: تیماج قرمز مجدول.

۳۵۹گ، ۲۰س، ۱۸/۵ × ۲۸سم

۱۶۲۵

### تهذیب الأحکام

(حدیث - عربی)

از: شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)

این نسخه از کتاب الجهاد آغاز و تا دیات به فرجام رسیده است و مشیخه را نیز دربردارد.  
آغاز: «کتاب الجهاد ... باب فضل الجهاد و فروضه محمد بن احمد بن یحیی عن ابی جعفر».

انجام: «تم کتاب الدیات و هو آخر کتاب تهذیب الحدیث و الحمد لله رب العالمین».  
نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات دارای

رکابه، تملک جمال‌الدین عاملی با مهر بیضوی «یا من له العز و الجمال» و مهر بیضوی «عبدہ الراجی محمدهدی» و مهر مستطیل «محمّدعلی ابن...»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، با مهر مستطیل کتابخانه.  
جلد: تیماج زرشکی، با ترنج و سرترنج زرّین.  
۴۴۲گ، ۲۵س، ۱۹ × ۳۱سم

۱۶۷۲

### تهذیب الأحکام

(حدیث - عربی)

از: شیخ الطائفه، ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)  
این نسخه از کتاب طهارت آغاز و تا کتاب الزیارات به پایان رسیده است.  
آغاز افتاده: «... قال قلت لابی عبدالله (ع) الذی یخرج من الرجل قال: أحدّ لك حدّاً». انجام: «تمّ کتاب الزیارات و یتلوه کتاب الجهاد انشاء الله تعالی و الحمد لله».  
نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: نانوشته یا سنگرف، صفحات مجدول به سنگرف، مشکی، لاجورد و زر، با حواشی، و دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج زرشکی، عطف: تیماج قهوه‌ای.  
۳۰۲گ، ۳۳س، ۲۱ × ۳۴/۵سم

۱۱۶۸

### تهذیب الوصول الی علم الأصول

(اصول فقه - عربی)

از: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)  
نسخ، علی بن حبیب‌الله طالقانی، دهه اول ذی‌الحجه ۱۰۲۹، عناوین: در برخی موارد سنگرف و برخی نانوشته، حاشیه‌نویسی دارد، در پشت برگ پایانی یادداشت سید ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه آستانه مقدسه چنین آمده: این نسخه اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش است، مهر مربع «محمّدعلی مدنی موسوی» و مهر بیضوی «عبدالوهاب بن محمدهدی موسوی» در برگ آغازین نسخه دیده می‌شود، در برگ نخست سه ماده تاریخ جهت زادروز میرزا محسن فرزند محمّدکاظم متوفی که در پنج‌شنبه محرم ۱۱۲۷ به دنیا آمده به شعر نوشته شده، در برگ آغازین و پشت برگ پایانی نشان تملک محمّدمقیم بن شاهمیر الحسینی موجود است.  
جلد: مشمّع قرمز سیر، عطف: تیماج قرمز.  
۸۰گ، ۱۸س، ۱۱ × ۲۰سم

میزان تهذیب

موقوفات ماندگار  
(بخش اول)



۱۳۰۸

### تهذیب الوصول الی علم الأصول

(اصول فقه - عربی)

از: علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)

نسخ، محمدابراهیم بن محمدعلی ابرقوهی، چهارشنبه ششم رمضان ۱۲۷۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ ش، یادداشت تملک احمد با مهر بیضوی «یاتی من بعدی اسمه احمد» بر فراز صفحه آغازین دیده می شود. پس از پایان کتاب تاریخ درگذشت آقا میرزا علی ترک مجتهد یزدی آمده است.  
جلد: تیماج زرشکی سیر، با ترنج و سرترنج و نمای بارگاه کریمه اهل بیت، عطف: سبز.  
۸۳ برگ، ۱۶ س، ۱۰ × ۲۱ سم

۱۴۴۸

### جامع المقاصد فی شرح القواعد

(فقه - عربی)

از: محقق کرکی، نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی عاملی (۹۴۰ ق)

این نسخه از کتاب طهارت آغاز و تا المطلب الثانی فی احکام شرایط صلوة العیدین به فرجام آمده است.

انجامه: «قد وقع الفراغ من كتابة هذه الاوراق ... خادم العتبة العالیة العلیة الفاطمیة عطاءالله بن غلام علی نقی الخادم الفرّاش».

نسخ، عطاءالله بن غلام علی نقی، ظهر سه شنبه پنجم ربیع الاول سال ۱۰۱۵، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، تملک عطاءالله خادم به سال ۱۰۱۹ با مهر هشت ضلعی منقش به «لما قام عبدالله يدعوه»، موقوفه حاج ملا اسماعیل در اول جمادی الاولی ۱۲۷۵، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق با مهر کتابخانه.  
جلد: مقوّا، گوشه ها و عطف: تیماج قهوه ای.  
۳۱۱ گ، ۲۴ س، ۱۵ × ۲۵ سم

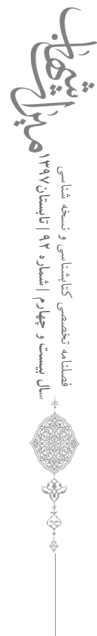
۱۴۹۷

### جامع المقاصد فی شرح القواعد

(فقه - عربی)

از: محقق کرکی، نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی عاملی (۹۴۰ ق)

نسخه موجود مشتمل بر کتاب الطهارة (احکام غسل) تا کتاب الجهاد می باشد.



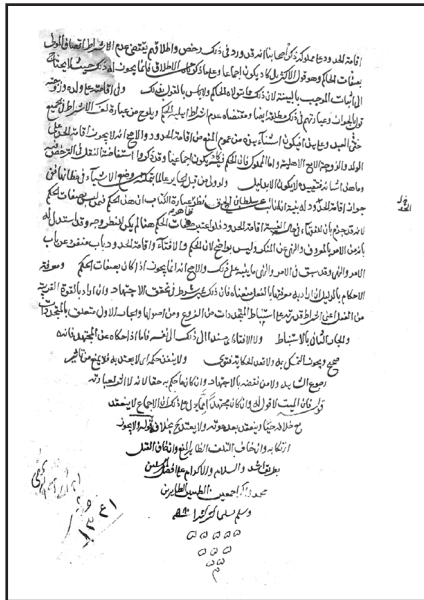
آغاز افتاده: «... و قوله دون الصلوة الواقعة قبل الوجدان اشارة الى ان الخارج حدث جديد لأن انتقال المني عن محله الاصلی غير موجب للغسل عندنا».

انجام: «قوله ولا يجوز ارتكابه و ان خاف التلف الظاهر المنع و ان خاف القتل بطريق اشد».

نستعليق، بی کا، سال ۹۸۰ ق، با نشانی بلاغ و تصحیح، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۱ ش.

جلد: تیماج قهوه ای.

۲۴۷ گ، ۲۵ س، ۱۸/۵ × ۲۴/۵ سم



نقد

انجام «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، از: محقق کرکی مورخ ۹۸۰ ق. نسخه شماره: ۱۴۹۷

۱۰۵۲

### جامع المقاصد فی شرح القواعد

(فقه - عربی)

از: نورالدین علی بن حسین کرکی عاملی (۹۴۰ ق)

نسخه موجود از آغاز تا بیع می باشد.

نستعليق، عبدالله بن مرتضی حسینی طالقانی، ۲۰ شهریور ۱۰۳۴ ق، عناوین و نشانیها:

شنگرف، با حواشی، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی.

جلد: تیماج قرمز مجدول.

۲۲۰ گ، سطور مختلف، ۱۷ × ۲۵ سم



۱۶۶۸

(تفسیر - فارسی)

### جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (= تفسیر گازر)

از: ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (قرن ۱۰ ق)

نسخه موجود جلد نخست و آغاز قرآن تا سوره کهف را دربردارد.

آغاز: «سپاس و ثنا و حمد بی منتهی مر خدائی را که این هفت ایوان متعلق و آسمان مطبق».

نستعلیق، ماه شعبان ۹۹۲، عناوین و آیات: شنگرف، صفحات مجدول مشکی و سبز، درون جدول زراندود و دارای رکابه، خریدۀ محمود کمایی سحری، تملک سیّد محمود مرعشی<sup>۱</sup>، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ ش.  
جلد: تیماج قهوه‌ای.  
۵۵۰ گ، ۲۳ س، ۲۱/۵ × ۳۲ سم

۱۱۱۰

(سیره معصومین - فارسی)

### جلاء العیون

از: علامه مولی محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (۱۱۱۰ ق)

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق، با مهر کتابخانه.  
جلد: تیماج خاکستری مجدول، با ترنج، مزین به بارگاه حضرت معصومه.  
۱۷۴ گ، ۱۸ س، ۱۱ × ۱۸ سم

۱۲۲۵

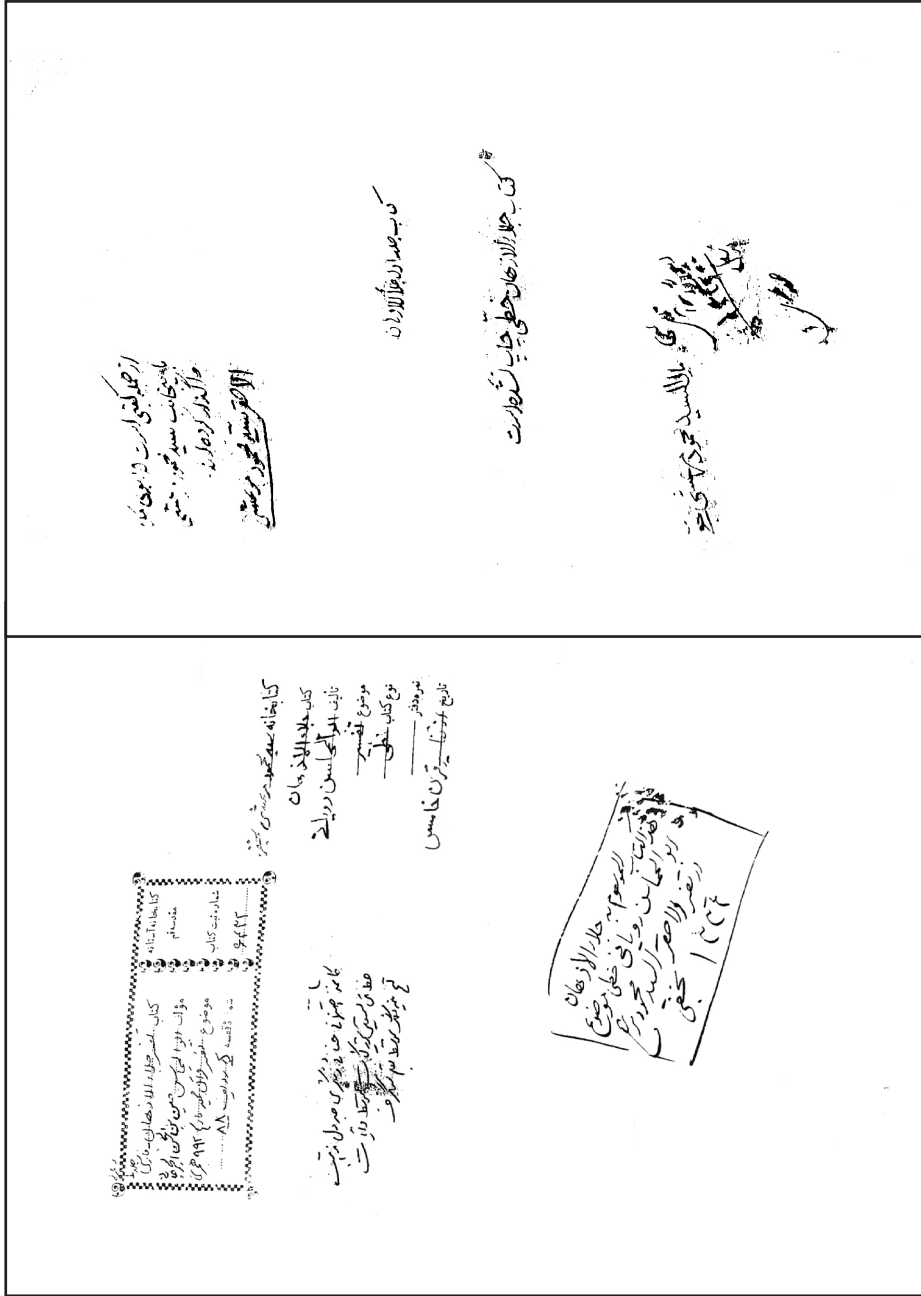
(فقه - عربی)

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

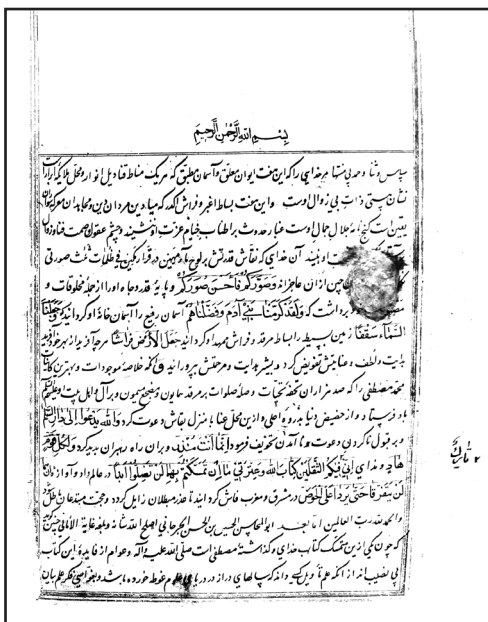
از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)

این نسخه از القسم الثالث فی نکاح الاماء آغاز و تا نفقات به پایان آمده است.

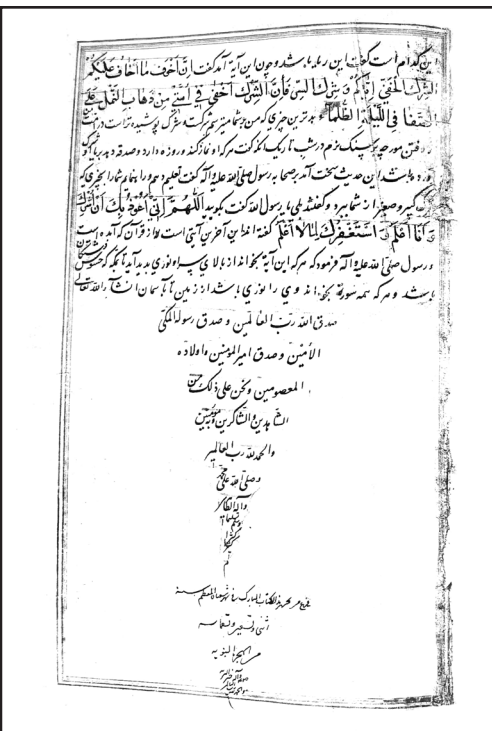
۱ از جمله نسخه‌هایی است که تا سال ۱۳۴۲ ش در تملک اینجانب بوده و سپس آن را به مرحوم والد بزرگوارم تقدیم نمودم و ایشان ضمن مشورت با اینجانب آن را به کتابخانه آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها اهدا فرمودند.



یادداشت تملک سید محمود مرعشی نجفی در ابتدای تفسیر گازر:  
«جلاء الأذهان و جلاء الأحزان»، از: ابوالمحاسن جرجانی  
نسخه خطی شماره: ۱۶۶۸



آغاز «جلاء الأذهان و جلاء الأحزان» = تفسیر گازر،  
 از: ابوالمحاسن جرجانی  
 نسخه خطی شماره: ۱۶۶۸



انجم «جلاء الأذهان و جلاء الأحزان» = تفسیر گازر،  
 مورخ شعبان ۹۹۲.  
 نسخه خطی شماره: ۱۶۶۸



آغاز: «القسم الثالث فى نكاح الاماء اى وطنهن و هو اما بالملك او العقد لعدم خروج اصل النكاح عن ذلك».

انجام: «من غير فرق فى الاموال بين العقار و الكتب و الثياب و غيرها و التحقيق عدم حرمة ما لا يعد سفها و سرفاً منه».

نسخ، بى‌كا، بى‌تا، سده سيزدهم، عناوين و نشانيها: مشكى، اهداى آيت الله مرعشى نجفى در ۱۳۴۲ ش.  
جلد: مشتمع، عطف: تيماج قرمز.  
۱۸۰ گ، ۳۲ س، ۱۵ × ۲۰/۵ سم

۱۲۳۳

**جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام** (فقه - عربى)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شيخ باقر اصفهانى نجفى (۱۲۶۶ ق)  
نسخه موجود از كتاب الصلاة، احكام خلل آغاز و تا صلوات مسافر به پايان آمده است.  
آغاز: «الركن الرابع فى التوابع و فيه فصول الفصل الاول فى الخلل الواقع فى الصلوة المفروضة اليومية».

انجام: «... يشمل مضى زمان يسعه فعلها و عدمه كذلك ايضاً الا ان الامر سهل و الله اعلم».

نسخ، بى‌كا، بى‌تا، سده سيزدهم، عناوين و نشانيها: شنگرف، اهداى آيت الله مرعشى نجفى در ۱۳۷۲ ق، با مهر كتابخانه، مالکيت محمدمهدي با مهر بيضوى «عبداله الراجى محمدمهدي» در برگ آغازين و پايانى ديده مى‌شود.  
جلد: مشتمع، عطف: تيماج قرمز.  
۵۴ گ، ۲۱ س، ۱۵ × ۲۰/۵ سم

۱۲۳۹

**جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام** (فقه - عربى)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شيخ باقر اصفهانى نجفى (۱۲۶۶ ق)  
اين نسخه مشتمل بر كتاب قضاء و شهادات مى‌باشد.  
آغاز: «كتاب القضاء الذى هو لغة لمعان كثيرة ربّما انتهت الى عشرة».

نسخ، بی‌کا، پنجشنبه ۸ رجب ۱۲۵۰، عناوین و نشانیها: شنگرف، با مهر محمدعلی،  
اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۵ق.  
جلد: تیماج زرشکی مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی.  
۱۸۳گ، ۲۳س، ۱۴/۵ × ۲۱/۵سم

۱۳۱۰

(فقه - عربی)

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)

این نسخه مشتمل بر کتاب القضاء و شهادات می باشد.

آغاز: «کتاب القضاء، الذي هو لغة لمعان كثيرة ربّما انتهت الى عشرة...».

انجام: «و لكن الامر فيها هين لأنّ المرجع فيها القواعد العامة و لانصّ فيها بالخصوص».

انجامه: «و انا الجاني احقر العباد محمد ولي ابن حسين بن حاجي محمد بن محمد تقی

الاسترآبادی زمان محاصرة كربلا توسط وهابيها».

نستعليق، محمدولی بن حسین بن حاجی محمد بن محمد تقی استرآبادی، پنجشنبه ۱۲  
ذیقعدة الحرام سنه ۱۲۵۸ در شهر كربلا هنگام محاصرة شهر توسط عامه ضالّه وهابيها، با  
مهر بیضوی «عبدہ الاقل محمد ولی»، عناوین و نشانیها: مشکى، اهدایی آیت الله مرعشی  
نجفی در ۱۳۴۳ش.

جلد: تیماج خرمايي مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی.

۲۰۰گ، ۱۸س، ۱۵/۵ × ۲۱سم

۱۳۳۰

(فقه - عربی)

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)

این نسخه فقط مشتمل بر کتاب الصلوة می باشد.

آغاز افتاده: «... فالاحتياط بالجمع بين القصر و الاتمام و الصوم و قضائه ممّا لاينبغي تركه

فی المقام».

انجام افتاده: «... و منها ما لايقبله فی نفسه فضلا عن احتياجه الى الشاهد و اما الطرح

للنصوص».

نسخ، بی کا، بی تا، سده سیزدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، ثلث اخیر نسخه دارای رکابه،  
اهدایی آیت الله مرعشی نجفی.  
جلد: مشتمع قهوه‌ای، عطف: تیماج قرمز.  
۳۰۸ گ، ۲۱ س، ۱۵ × ۲۰/۵ س

۱۵۸۲

**جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام** (فقه - عربی)  
از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
نسخه موجود از کتاب الطلاق آغاز و تا کتاب النذر به فرجام آمده است.  
آغاز: «القسم الثالث من الاقسام الذى بنى عليها الكتاب فى الايقاعات ... و هى احد  
عشر كتاباً أولها كتاب الطلاق».  
انجام: «فارقا بينه وبين النذر باعتبار كون النذر فى الاصل الوعد و هو لفظى بخلاف العهد  
و الله العالم».

انجامه: «وقع الفراغ منه يوم الاربعاء الثانى عشر من شهر رمضان و هو آخر الايام المحرقة  
من سنة ۱۲۵۲ و هى السنة التى فى رجبها فرغ الشارح سلمه الله من شرح تمام الايقاعات».  
نسخ، بی کا، چهارشنبه ۱۲ رمضان ۱۲۵۲، عناوین و نشانیها: شنگرف و مشکى، با بلاغ  
و تصحیح از شیخ موسى بن ابراهيم خليل در پایان و تملك فتحعلى با مهر بیضوى  
«فتحعلى» و مهر مربع «المتوكل على الله عبده فتحعلى»، صفحات دارای رکابه، اهدایی  
آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۳۳ ش.  
جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج قرمز.  
۲۳۳ گ، ۳۱ س، ۲۱ × ۳۰ سم

۱۶۰۰

**جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام** (فقه - عربی)  
از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
این نسخه مشتمل بر کتاب الصلوة است.  
آغاز افتاده: «الركن الثالث من اركان الصلوة فى بقية الصلوات و فيه فصول الفصل الاول».



انجام: «... بحیث یشمل مضی زمان یسع فعلها و عدمه كذلك ایضاً الا ان الامر سهل و الله اعلم».

نسخ، ابوالقاسم بن حاج حسین علی الشریف قزوینی غروی، سه شنبه ۱۸ شوال ۱۲۶۶،  
عناوین و نشانیها: سنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در  
۱۳۷۲ق با مهر مستطیل کتابخانه.  
جلد: تیماج زرشکی معجول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی زرین، عطف: تیماج قهوه‌ای.  
۳۲۶گ، ۲۹س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۶۱۰

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

(فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ق)

این نسخه مشتمل بر کتاب الصلوة (ج ۲) است.

آغاز: «... کتاب احکام الصلوة الّتی تنهی عن الفحشاء و المنکر و بها تطفئ النیران و قربان کل تقی و معراج کل مؤمن».

انجام: «... و علیه نصّ المحقق الثانی فی فوائده مغیّر الاجود بالاحسن و الامر سهل».  
نسخ، ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی غروی، جمعه ۲۵ ماه رجب سال  
۱۲۶۶، عناوین و نشانیها: سنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر  
مستطیل کتابخانه.  
جلد: تیماج زرشکی، با ترنج و سرترنج ضربی.  
۴۰۶گ، ۲۹س، ۲۰/۵ × ۳۰سم

۱۶۱۳

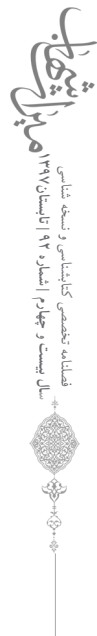
### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

(فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ق)

نسخه موجود از کتاب الصيد و الذباجة آغاز و تا کتاب الفرائض به پایان رسیده است.

آغاز: «القسم الرابع من الاقسام الّتی بنی علیها الكتاب فی الأحکام و هی اثنا عشر کتاباً کتاب  
الصيد و الذباجة».



انجام: «و الالفی خطاء و ان كان هو غير قطعی لاحتمال الغلط فی التفصیل».

نسخ، ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی غروی، جمعه آخر شعبان ۱۲۶۸،  
 عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در  
 ۱۳۷۲ق، با مهر کتابخانه.  
 جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج قرمز.  
 ۲۷۷گ، ۲۹س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۶۲۴

جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
 نسخه موجود از کتاب متاجر آغاز و تا حجر به فرجام رسیده است.  
 آغاز: «القسم الثانی من الاقسام الاربعة الّتی بنی علیها الكتاب فی العقود ... کتاب  
 التجارة».

انجام: «... للاذن من الولی و الامر سهل بعد ان اتضح لك تحقیق الحال و الله هو  
 العالم».

نسخ، ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی غروی، اول جمادی الاولی سال  
 ۱۲۶۷، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی  
 در ۱۳۷۲ق با مهر مستطیل کتابخانه.  
 جلد: تیماج زرشکی مجدول، با ترنج و سرترنج زرّین.  
 ۳۳۶گ، ۲۹س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۶۳۳

جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
 نسخه موجود از کتاب القضاء آغاز و تا دیات به پایان رسیده است.  
 آغاز: «کتاب القضاء بالمدّ و قد یقصر الذی هو لغة لمعان كثيرة».

انجام: «فلنحمد الله تعالی شأنه و نشکره علی نعمه الوافرة و ایدیه المتظافرة».



نسخ، ابوالقاسم بن حاج حسین علی شریف قزوینی غروی، عصر پنجشنبه سوم صفر سنه ۱۲۶۸، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، با مهر مستطیل کتابخانه.  
جلد: تیماج زرشکی مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج زرّین.  
۲۹گ، ۲۹س، در قطع رحلی.

۱۶۳۴

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
نسخه موجود از صید و ذباحتها آغاز و تا پایان کتاب اللقطه به فرجام رسیده است.  
آغاز: «القسم الرابع ... کتاب الصيد و الذباحتها ای کتاب التذکية».  
نسخ، بی‌کا، دوشنبه صفر ۱۲۶۹، عناوین و نشانیها: مشکی، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۷ق، صفحات دارای رکابه.  
جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی.  
۱۷۲گ، ۳۱س، ۲۰/۵ × ۳۰سم

۱۶۴۳

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (فقه - عربی)

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)  
این نسخه فقط مشتمل بر کتاب النکاح است. نگارش کتاب در چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۴۷ ق اتمام یافته است.  
آغاز: «کتاب النکاح الذی هو فی اللغة الوطی عند المشهور بل عن المختلف الاجماع علیه».

انجام: «وله الشکر علی توفیقه لاتمام کتاب النکاح الذی هو آخر قسم العقود».  
نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده سیزدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای رکابه، هدایای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر مستطیل کتابخانه.  
جلد: ساغری زرشکی مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی زرّین.  
۲۴۶گ، ۲۹س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۶۵۲

(فقه - عربی)

### جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

از: صاحب جواهر، محمدحسن بن شیخ باقر اصفهانی نجفی (۱۲۶۶ ق)

نسخه موجود مشتمل بر کتاب متاجر تا وصیت است.

آغاز: «القسم الثانی ... کتاب المتاجر جمع متجر و هی مصدر ثان لتجر».

انجام: «و یتلوه الکلام فی کتاب النکاح و الله الموفق و المسدد و الحمد لله».

نسخ، اقل الطلاب محمدحسن بن اسماعیل خوانساری، عصر جمعه ۱۱ ماه مبارک رمضان ۱۲۶۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ ش، وقف از ثلث میرزا محمدحسین خان برای علما و محصلین با تولیت محرر، با مهر بیضی «اقل علی بن حیدر».

جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج.

۲۴۶ گ، ۳۳ ۳۵ س، ۲۰ × ۳۱ سم

۱۱۲۵

(منطق - عربی)

### الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید

از: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۷۲۶ ق)

شرح توضیحی مهمی است با عناوین: «قال اقول» بر بخش منطق کتاب تجرید الاعتقاد

خواجه نصیرالدین طوسی.

آغاز افتاده: «الجهات الأصول هی هذه الثلاثة الضرورية و الممكنة و المطلقة و عدها فی

الموجّهات بالمجاز».

انجام افتاده: «لأنه حينئذ يدل علی قصور مقدماته عن ابطال الموضوع».

نسخ، بی کا، بی تا، قرن ۱۱ ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای تصحیحات و حواشی، نسخه مورد هجوم حشرات قرار گرفته و رطوبت به آن سرایت نموده است، با یادداشت ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه آستانه مقدسه مبنی بر اهدای این نسخه از سوی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

جلد: مشتمع، گوشه ها و عطف: تیماج خنایی.

۱۱۸ گ، ۱۷ س، ۱۲ × ۱۹ سم



۱۰۶۲

### حاشیه تهذیب المنطق

(منطق - عربی)

از: نجم‌الدین عبدالله بن حسین یزدی (۹۸۱ ق)

نسخ، اکبر بن محمد مهدی بن محمد علی، ۱۲۶۱ ق. عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی  
آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش، با نشان تملک حاجی میرزا مهدی.  
جلد: مشتمع، گوشه‌ها و عطف: تیماج قرمز.  
۲۳۰ گ، ۷ س، ۱۱ × ۱۸ سم

۱۲۲۹

### حاشیه تهذیب المنطق

(منطق - عربی)

از: نجم‌الدین عبدالله بن حسین یزدی (۹۸۱ ق)

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده سیزدهم، در مدرسه حاجی عبدالصانع، عناوین و نشانیها:  
شنگرف، حاشیه نویسی دارد، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش، مهر بیضوی  
«عبده حسن الموسوی» در پایان نسخه.  
جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی، که به تازگی ترمیم یافته است.  
۹۷ گ، سطور مختلف، ۱۰ × ۲۱/۵ سم

۱۲۸۷

### حاشیه تهذیب المنطق

(منطق - عربی)

از: نجم‌الدین عبدالله بن حسین یزدی (۹۸۱ ق)

نستعلیق، عبدالحمید بن ملا محمد تقی بن خیر الحاج حاجی محمد رضی، چهارم ذیحجه  
سال ۱۲۳۲ ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، حواشی دارد، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی  
در ۱۳۴۲ ش، مهر بیضوی «محمد جعفر» بر فراز صفحه آغازین دیده می‌شود.  
جلد: تیماج خرمایی مجدول، عطف: تیماج قهوه‌ای.  
۶۲ گ، ۱۲ س، ۱۶/۵ × ۲۱/۵ سم

۱۱۳۰

### حاشیه تهذیب القواعد المنطقية في شرح الرسالة الشمسية

(منطق - عربی)

از: عصام‌الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی (۹۴۳ ق)



آغاز: «خیر منطقی یعضم عن الخطاء سهام الدعاء و ینتظم فی صدر کل کلام یطلب له حسن الانتهاء».

انجام افتاده: «... بالفعل مرّة و المرّة بكسر المیم و تشدید الرءاء و الصناعة».

نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، قرن یازدهم، عناوین نانوشته، دارای تصحیحات در هوامش، در برگ نخست یادداشت سید ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه آستانه مقدسه مبنی بر اهدای این نسخه از سوی آیت الله مرعشی نجفی به تاریخ ۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۲ و در ذیل آن نشان تملک حاج قربان ... ۱۲۵۵ دیده می‌شود.

جلد: تیماج قرمز، دارای ترنج و سرترنج و گنبد و گلدسته.

۲۷۸گ، ۲۱س، ۱۲×۱۹سم

۱۱۷۰

(منطق - عربی)

حاشیه حاشیه الجرجانی علی شرح المطالع

از: قره داوود بن کمال قوجوی (۹۴۸ ق)

حاشیه‌ای است با عناوین «قوله قوله و قال الشارح» بر حاشیه میر سید شریف گرگانی (۸۱۶ ق) بر لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأنوار قطب‌الدین رازی (۷۷۶ ق)، این حاشیه بیشتر به توضیح مطالب پرداخته است.

التراث العربی: ج ۴، ص ۲۷۱.

آغاز: «قال الاستاد: الفیاض الوهاب بیاناً للمعنی المراد ... ثم اشار الی معناه اللغوی بقوله».

انجام افتاده: «الّتی اقیم علی تناهی الأبعاد و بیانہ علی ما ذکره فی محاکمات شرح الاشارات».

شکسته نستعلیق، چلیپا، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش، چند برگ نانوشته در انجام آمده.

جلد: مشمع مشکی، عطف و گوشه‌ها: تیماج قرمز.

۱۳۶گ، ۲۲س، ۱۲×۲۰سم



۱۴۴۰

(فقه - عربی)

### حاشیه الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: احمد بن محمد تونی (قرن ۱۱ ق)

حاشیه ای است بر شرح اللمعة شهید ثانی (۹۶۵ ق) با عناوین «قوله قوله». در این حاشیه بیشتر مطالب اصل توضیح داده شده و گاهی به استدلال ورد و ایراد نیز پرداخته است. الذریعه: ج ۶، ص ۹۱؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۱۱، ص ۷۸۷. این نسخه تا کتاب البیع را دارد. آغاز: «الحمد لله وحده ... اما بعد فهذه تعليقات اتفقت مني على الروضة في شرح اللمعة الدمشقیة».

انجام: «لأنّ الحربی لا یقر علی شیء من دینه فلا یحل اخذ ثمن الخمر و الخنزیر منه». نسخ، بی کا، بی تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی «ع ل»، صفحات دارای رکابه، تملک هاشم هاشمی موسوی در ۱۲۴۹ ق، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی. جلد: تیماج قهوه ای مجدول، با ترنج و سرترنج و نمای بارگاه کریمه اهل بیت. ۳۲۶ گ، ۲۲ س، ۱۲/۵ × ۲۵ سم

۱۲۶۳

(اصول فقه - عربی)

### حاشیه شرح مختصر المنتهی

از: ناشناخته

منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأصول و الجدل از عثمان بن عمر ابن حاجب (۶۴۶ ق) را خود ابن حاجب اختصار کرده و آن را مختصر المنتهی نامیده است. این مختصر شهرت فراوانی یافته و بر آن شروح بسیاری نگاشته اند. به جهت افتادگی طرفین نسخه، محشی شناخته نشد. کشف الظنون: ج ۲، ص ۱۸۵۳-۱۸۵۷؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۱۲، ص ۴۳-۱۵.

حاشیه موجود با عناوین «قوله قوله» و «قال فی شرح الشرح» نگاشته شده است.

آغاز افتاده: «و قد جعل بعض المحققين هذا النزاع لفظيًا و جعل مأل القولين الى تحقيق هذا الاحتمال».

انجام افتاده: «... و ظاهر ان من لم يجوّز رفع امثال هذه لم يجوّز رفع الجميع ايضاً فأنهما واحد».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: سنگرف، دارای حاشیه: «منه»، وقف مدرسه یوسف خواجه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.  
جلد: تیماج خرمایی.  
۲۲۵گ، ۲۳س، ۱۵ × ۲۱سم

۱۱۱۳

**[الحاشية على الحاشية القديمة و الجديدة الدوائية]** (کلام - عربی)

گویا از: حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری (۱۰۹۹ ق)  
حاشیه‌ای است بر شرح تجرید الاعتقاد قوشچی (۸۷۹ ق) و حاشیه‌های ملا جلال‌الدین دوانی با عناوین (قال المحقق، قال الشارح، قوله فی حاشية الحاشية).  
کتابشناسی تجرید الاعتقاد، ص ۶۳-۹۶.

آغاز افتاده: «... فی حاشية الحاشية لكن جريان الاستعمال الثاني مما لا يساعده الاستقراء».  
انجام افتاده: «و المعنى المنافی مع رفع الوجود الخاص متنافیان ضرورة فکلامه مضطرب».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۰ ش، با مهر کتابخانه.  
جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج قرمز.  
۲۳۸گ، ۱۴س، ۱۲ × ۱۸/۵سم

۱۵۵۷

**حديقة السعداء** (تاریخ معصومین - ترکی)

از: محمد بن سلیمان بغدادی، فضولی (۹۶۳ ق)  
ترجمه کتاب روضة الشهداء کمال‌الدین حسین بن علی کاشفی واعظ بیهقی (۹۱۰ ق) به زبان ترکی است. این کتاب به نام مرشد‌الدین عبدالله مشهور به سید میرزا نگاشته شده است.

آغاز: «ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری ... یا ربّ ره عشقکده بنی شیدا قل \* احکام عبادتک بکا اجرا قل».

انجام: «کل ای حال تکلمدن خبردار \* ترخّم قل تعرّض قیلمه زنهار».  
نستعلیق، ملا بلال بن درویش علی مندل چمنی، محرم الحرام ۱۰۷۸، عناوین و نشانیها:  
شنگرف، صفحات مجدول به لاجورد و شنگرف و دارای رکابه، با سرلوح مرصع در صفحه  
نخست، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج خاکستری مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۱۶۲گ، ۱۷س، ۱۸ × ۲۹سم

۱۱۸۸

حَدِيقَةُ الْمُتَّقِينَ فِي مَعْرِفَةِ أَحْكَامِ الدِّينِ (فقه - فارسی)

از: محمدتقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی (۱۰۷۰ ق)  
رسالة عملیه مؤلف است که برای مقلدین فارسی زبان در یک مقدمه (در بیان فضیلت  
صلوات) و پنج باب بدین ترتیب نگاشته و در سال ۱۰۶۴ ق پایان یافته است:  
باب اول: در احکام طهارت،  
باب دوم: در احکام نماز،  
باب سوم: در احکام خمس و زکات،  
باب چهارم: در احکام روزه،  
باب پنجم: در احکام حج و زیارات،  
خاتمه در غیر عبادات.

آغاز: «الحمد لله ربّ العالمین ... و بعد چنین گوید اضعف عباد الله الغنی محمدتقی  
ابن مجلسی اصفهانی که این رساله ای است».

نسخ، علی اکبر حسینی بن محمدرضای طیب حسینی، چهارشنبه هفتم ربیع الاول  
سال ۱۲۱۲، عناوین و نشانیها: شنگرف، با مهر مربع کاتب: «علی اکبر بن محمدرضا  
الحسینی»، تملک محمدعلی حسینی با مهر مربع «محمدعلی الحسینی»، اهدایی آیت  
الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج مشکی فرسوده.  
۱۵۶گ، سطور مختلف، ۱۴/۵ × ۲۰/۵سم

مهر آینه ای

تلفظ: محمدتقی کاتبی و نسیم شامی  
۱۳۷۸ هجری قمری | ۱۳۸۰ شمسی | ۲۰۰۱ میلادی | ۲۰۰۱ میلادی | ۲۰۰۱ میلادی | ۲۰۰۱ میلادی



**حرز الملوك**

(آداب و ادعیه - عربی)

از: عبدالصمد بن عبدالکریم طهرانی (قرن ۱۳ ق)

در موضوع آداب و ادعیه و برخی ختومات است که نویسنده آن را برای فتح علیشاه قاجار در ۱۲۳۴ ق در یک مقدمه شامل دوازده فایده، یک مطلب شامل ۲۴ فصل و یک خاتمه به ترتیب زیر فراهم آورده است:

مقدمه؛

فایده اول: در بیان زمانی که دعا در آن مستجاب است؛

فایده دوم: در بیان امکانه‌ای که دعا در آن مستجاب است؛

فایده سوم: در بیان افعالی که موجب اجابت دعوات است؛

فایده پنجم: در بیان دعایی که مستجاب می‌شود؛

فایده ششم: در بیان کسی است که دعای آن کس مستجاب می‌شود؛

فایده هفتم: در بیان کسی است که دعای آن کس مستجاب نمی‌شود؛

فایده هشتم: در بیان آنچه مقدم بر دعا به جا باید آورد؛

فایده نهم: در بیان آنچه مقارن حال دعا باید رعایت نمود؛

فایده دهم: در بیان اعمال وقت اراده دعاست؛

فایده یازدهم: در بیان آدابی که از دعا مؤخر است؛

فایده دوازدهم: در بیان تحریص و ترغیب بر خواندن دعاست.

مطلب:

فصل اول: در بیان دعاهای ساعات روز؛

فصل دوم: در بیان اعمال هفته از نماز و تسبیح و عوده و زیارت؛

فصل سوم: در بیان آداب بیت الخلا رفتن و بیرون آمدن از آن و ادعیه متعلق به وضو؛

فصل چهارم: در بیان آداب مسجد رفتن؛

فصل پنجم: در بیان اذان و اقامه؛

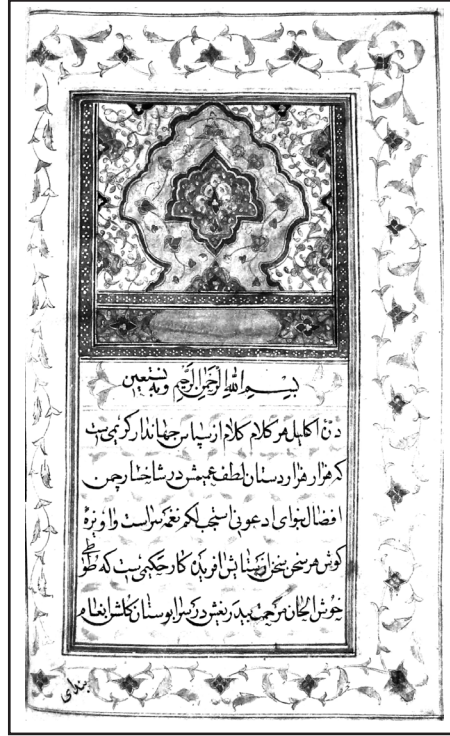


- فصل ششم: در بیان ادعیه و تکبیرات؛
- فصل هفتم: در بیان ذکر رکوع و سجود و تشهد و تسلیم و اذکار قنوت؛
- فصل هشتم: در بیان تعقیبات مشترکه میان همه نمازها؛
- فصل نهم: در بیان تعقیبات مشترکه میان صبح و شام؛
- فصل دهم: در بیان تعقیبات مخصوصه به هر یک از نمازهای پنج‌گانه؛
- فصل یازدهم: در بیان دو سجده شکر و ادعیه آن؛
- فصل دوازدهم: در بیان نوافل نمازهای یومیه؛
- فصل سیزدهم: در بیان اعمال شب جمعه و روز جمعه؛
- فصل چهاردهم: در بیان عمل اول هر ماه و بیان وجه تسمیه آن؛
- فصل پانزدهم: در بیان عمل روز نوروز؛
- فصل شانزدهم: در بیان عمل عید رمضان و عید قربان؛
- فصل هفدهم: در بیان عمل عید غدیر و فضیلت آن؛
- فصل هجدهم: در بیان فصول اربعه و اغذیه که مناسب است به هر یک از فصول؛
- فصل نوزدهم: در بیان آداب اکل و شرب؛
- فصل بیستم: در بیان آداب جامه پوشیدن و کفش پوشیدن؛
- فصل بیست و یکم: در بیان سر تراشیدن و شارب گرفتن و ناخن چیدن و ریش شانه کردن و سر مه کشیدن؛
- فصل بیست و دوم: در بیان آداب سفر؛
- فصل بیست و سوم: در بیان ادعیه‌ای که باعث نصرت بر اعدا می‌گردد در حال حرب و بیان ادعیه‌ای که از برای دفع دشمن ... ؛
- فصل بیست و چهارم: در بیان اسب تاختن و تیر انداختن.
- خاتمه: در بعضی ختم‌ها مانند ختم حوامیم سبعة، ختم آیه مبارکه «من یتق الله...».
- آغاز: «بسمله، ذره اکلیل هر کدام کلام از سپاس جهاندار کریمی است که هزار هزار دستان لطف...».



این چهار کلمه را با قوتی با عینی با ملی با و فی بحیث  
 هر مهتی مدامت نمانند مجرب است حکم کن بر نام  
 خد بو زمان داورین خدو صاحبان عادل باد  
 شکر مالک زهاب صور شایخام گرفت بن کتاب در زمان  
 کردست رجا در جبل المنین دعای دوام دولت علیه  
 خافانی حکم و پای ثبات در طلب از دباد شوک مهر  
 فانی مستحکم بود بنا بر پنج بوم دوشنبه چهارم  
 شهر جباردی لاول من شهرورست<sup>۳۲</sup>  
 بفیلم اخلاص توام در حبه نخبور  
 و نالیف در آمد و لله  
 احمد والصلوات  
 علی محمد  
 والله

آغاز «حرز الملوک»، از: عبدالصمد طهرانی  
 به خط مؤلف در جمادی الاولی ۱۲۳۴  
 نسخه خطی شماره: ۱۱۵۷



انجام «حرز الملوک»، در ادعیه و آداب، از: عبدالصمد طهرانی  
 به خط مؤلف در جمادی الاولی ۱۲۳۴  
 نسخه خطی شماره: ۱۱۵۷

انجام: «دوام دولت علیّه خاقانی محکم و پای ثبات در طلب ازدیاد شوکت بهیّه قآنی مستحکم بود».

انجامه: «به تاریخ یوم دوشنبه چهارم شهر جمادی الاول من شهر سنة ۱۲۳۴ به قلم اخلاص توأم در حیز تحریر و تألیف درآمد».

نسخ، عبدالصمد بن عبدالکریم طهرانی (مؤلف)، دوشنبه چهارم جمادی الاولی ۱۲۳۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، عبارات عربی مشکول، نسخه نفیس و منحصر به فرد، رکابه نویسی شده، کاتب چند دعا به پایان کتاب افزوده است، در سه برگ آغاز نسخه (پ ۳) فهرست فصول و ابواب کتاب آمده است، صفحات مجدول به زر و شنگرف و لاجورد و کمندکشی شده، صفحه آغاز دارای کتیبه و سرلوح مرصع با گل و بوته میان سطور و هامش با گل و بوته زرین آراسته شده، در برگ نخست یادداشت تملک سید محمّدباقر حسینی متولی باشی به تاریخ ۳ رمضان المبارک ۱۳۳۱، در ذیل آن خط سید ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه دیده می‌شود: این نسخه اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در تاریخ ۱۳۳۲ ش است.

جلد: تیماج قهوه‌ای ضربی، دارای ترنج و سرترنج و گنبد و گلدسته، مرمت جدید.

۲۲۳ گ، ۱۲ س، ۱۲/۵ × ۲۰ سم

۱۴۰۷

(اعتقادات - فارسی)

## حقّ الیقین

از: محمّدباقر بن محمّدتقی مجلسی (۱۱۱۰ ق)

آغاز نسخه: «... مقصد نهم در اثبات رجعت است. بدانکه از جمله اجماعیات شیعه بلکه از ضروریات مذهب حق».

انجام: «شکر آن را به کفران مبدّل نگردانند و گاهی به طلب غفران و دعای خیر یاد نمایند».

انجامه کاتب: «غریق رحمت یزدان کسی باد \* که کاتب را به الحمدی کند یاد».

نستعلیق، بی‌کا، سه‌شنبه ششم جمادی الاولی ۱۱۲۷ ق، عناوین و نشانیها شنگرف، با مهر بیضوی منقش به «عبدہ فتحعلی» و مهر مستطیل با سجع: «یا قاضی حوائج الطالبین»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق.

جلد: تیماج قهوه‌ای، با ترنج و سرترنج.

۱۹۴ گ، ۱۹ س، ۱۶/۵ × ۲۴ سم



۱۴۰۰

### حلّ مشکلات الاشارات و التنبیهات

(فلسفه - عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (۶۷۲ ق)

آغاز افتاده: «... فجهد فی تفسیر ما خفی فیہ باوضح تفسیر و اجتهد فی تعبیر ما التبس

فیہ باحسن تعبیر».

نسخ، محمدطاهر بن حاجی محمدقلی تبریزی، در آخرین ساعات دوشنبه ماه ذوالقعدة الحرام سال ۱۰۷۵ در شهر اصفهان و در خدمت عباس مولوی<sup>۱</sup> شاگرد ملا رجب علی تبریزی قرائت شد، عنوان و نشانیها: شنگرف، تاریخ تولد و وفات خواجه نصیر در پایان آمده است، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۰ ش.

جلد: تیماج قهوه‌ای مجداول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.

۲۰۹گ، ۲۳س، ۱۷/۵ × ۲۳/۵سم



انجام «حلّ مشکلات الاشارات و التنبیهات»، از: خواجه نصیرالدین طوسی، مورخ ذی القعدة ۱۰۷۵ در اصفهان، قرائت شده در نزد مولی عباس مولوی مؤلف «انوار سلیمانی» و شاگرد ملا رجب علی تبریزی نسخه خطی شماره: ۱۴۰۰

میراث شهاب

موقوفات ماندگار (بخش اول)



۱ عباس مولوی (۱۱۰۱ق) از علمای دوره صفویه، تألیفاتی داشته؛ از جمله: انوار سلیمانی (= مناظرات). ر.ک: دنا ۲۴۹/۲ و ۱۱۲۸/۱؛ طبقات اعلام الشيعة، قرن ۱۲ (الکواکب المنتشرة...) ص ۴۱۱ - ۴۱۲.

۱۴۹۵

### حلّ مشکلات الاشارات و التنبیهات

(فلسفه - عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن طوسی (۶۷۲ ق)

قسمت منطق را ندارد.

نستعلیق، محمدکاظم لقمانی بن ملا محمدتقی، بیستم ماه رجب سال ۱۰۹۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش، بخشیده آیت الله نجفی به فرزندش حاج سید محمود در ۱۳۵۷ ق.  
جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج قرمز.  
۲۳۱ گ، ۲۵ س، ۱۲ × ۲۴ سم

۱۶۶۹

### حیاء القلوب

(تاریخ - فارسی)

از: محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (۱۱۱۰ ق)

این نسخه جلد اول کتاب است.

نستعلیق، عبدالله کرجی بن محمدرفیع به دستور میرزا محمدابراهیم ساکن بلده نور، سه شنبه ماه شعبان سال ۱۲۲۶، عناوین و نشانیها: شنگرف، با رکابه، از برگ ۱ تا ۱۶ مجدول به شنگرف، از برگ ۱۷ تا ۸۰ مجدول به مشکی و از برگ ۸۱ تا ۸۸ با کمند و مجدول به شنگرف و مشکی، در انجام فهرست تألیفات علامه مجلسی با توضیح مختصر در ضمن سه صفحه به نستعلیق چلیپا، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق با مهر مستطیل کتابخانه، و مهر بیضوی «صادق الموسوی».  
جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول گرهی، با لچک ترنج ضربی زرین.  
۲۵۸ گ، ۳۰ س، ۲۰/۵ × ۳۳

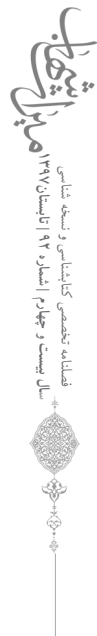
۱۵۷۳

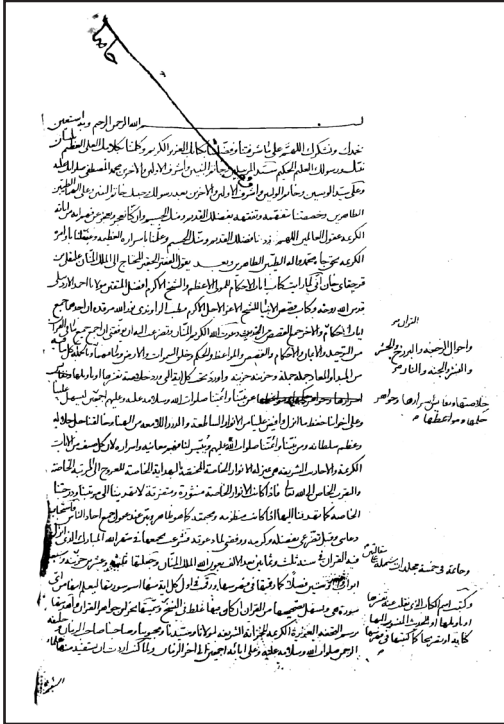
### خزائن جواهر القرآن<sup>۱</sup>

(تفسیر - عربی)

از: علی قلی بن قرچقای خان خلجی قمی (۱۰۹۷ ق)

۱ این کتاب بسیار نفیس و اصل به خط مؤلف است که تاکنون چاپ نشده و دارای چند جلد می‌باشد. در کتابخانه بزرگ پدر بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی یک جلد دیگر از این کتاب که آن نیز نسخه اصل است وجود دارد و در جلدهای پیشین فهرست آن کتابخانه معرفی و گزارش شده است.





آغاز خزائن جواهر القرآن، از: علی قلی فرجقانی خان  
 خاجی قمی (۱۰۹۷ ق)  
 به خط مؤلف مورخ ۱۰۸۸ ق  
 نسخه خطی شماره: ۱۵۷۳



یادداشت شروع به تألیف تفسیر  
 «خزائن جواهر القرآن»  
 به خط مؤلف مورخ ۱۰۸۰ ق  
 نسخه خطی شماره: ۱۵۷۳

میرزا شهاب

موقوفات ماندگار  
 (بخش اول)



تفسیر آیات کلامی و اخلاقی قرآن است در چهار مجلد، هر یک در چند خزینه و هر کدام در چند فصل.

نسخه موجود که در الذریعه (ج ۷، ص ۱۵۴ و ج ۱۴، ص ۵۲۵) از آن یاد شده، جلد اول و مشتمل بر هشت خزینه است:

- خزینه اول: آیات متعلقه به وحده الله تعالی و توحیده؛
- خزینه دوم: آیات متعلقه به صفات و اسماء خدا؛
- خزینه سوم: آیات متعلقه به قرآن و تعظیمه و تکریمه؛
- خزینه چهارم: آیات متعلقه به ملائکه مقربین؛
- خزینه پنجم: آیات متعلقه به اخذ العهد و الميثاق؛
- خزینه ششم: آیات متعلقه به قضا و قدر؛
- خزینه هفتم: آیات متعلقه به لطف الله و شفقته؛
- خزینه هشتم: آیات متعلقه به انبیا و اوصیا.

آغاز: «نحمدک و نشکرک اللهم على ما شرفتنا و فضلنا بکتابک العزیز الکریم و کلمتنا بکلامک العلی العظیم».

انجام افتاده: «ثم جعل اربعة اجزاء فخلق الملائكة من جزء، و الشمس من جزء، و القمر من جزء، و الكواكب من جزء».

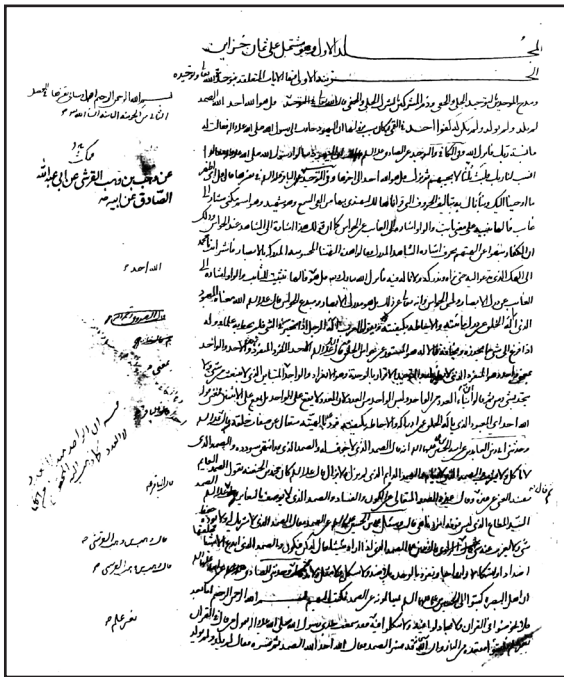
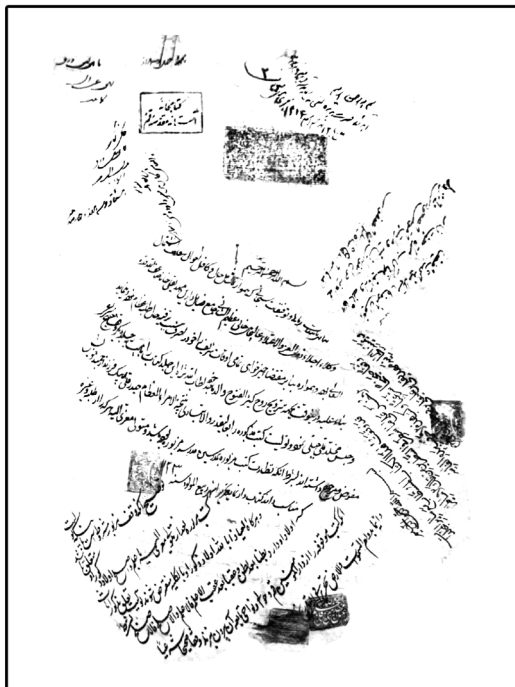
نستعلیق، علی قلی بن قرچقای خان (مؤلف)، سال ۱۰۸۸ ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، موقوفه مهدی قلی خان پسر مؤلف و بانی مدرسه خان واقع در میدان آستانه قم در سال ۱۱۲۳ ق وقف این نسخه و چند نسخه دیگر برای طلاب مدرسه خان قم در ۱۱۲۳ ق با تولیت پسرش حیدر قلی بیگ، سپس به فرزندان و آنگاه به اعلم و اصلح به شرط بیرون نبردن از قم وقف ساکنین مدرسه خان که ساخته پدرش بود نمود تا ثوابی عاید روح پدرش شود، با مهر مستطیل «الحکم لله عبده مهدی قلی»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق، بیشتر برگها وصالی شده است.

جلد: تیماج قهوه‌ای مجداول با ترنج و سرترنج.

۱۳۴گ، سطور مختلف، ۲۰ × ۲۹سم



از مهدی قلی خان (فرزند مؤلف و بانی مدرسه خان در قم) بر مدرسه خان در ۱۲۳۳ ق  
نسخه خطی شماره: ۱۵۷۳



برگی از اوایل «خزائن جواهر القرآن»  
از علی قلی بن قزقچای خلیجی قمی  
به خط مؤلف مورخ ۱۰۸۰ ق  
نسخه خطی شماره: ۱۵۷۳

۱۵۲۶

### خلاصة منهج الصادقين

(تفسیر - فارسی)

از: فتح الله بن شکر الله شریف کاشانی (۹۹۸ ق)

نسخه موجود مشتمل بر تفسیر سوره يس تا سوره مَسَد با مقداری افتادگی در آغاز است. آغاز افتاده: «... کفار گفتند که ای محمد تو فرستاده خدا نیستی و آنچه می‌گوئی از نزد خود می‌گوئی».

انجام افتاده: «... که یهودان گفتند یا ابوالقاسم وصف کن خدای را تا به تو ایمان آوریم». نستعلیق در ترجمه و تفسیر و نسخ در آیات، بی‌ک، بی‌تا، از سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: مشتمع سبز، عطف: تیماج سبز.

۳۲۴گ، سطور مختلف، ۱۷/۵ × ۲۷سم

۱۵۷۴

### خلاصة منهج الصادقين

(تفسیر - عربی)

از: فتح الله بن شکر الله کاشانی (۹۸۸ ق)

نسخه موجود از سوره حمد، با افتادگی اندکی از آغاز، تا پایان سوره کُهِف به فرجام آمده است.

آغاز افتاده: «اهدنا ما راراه نمای الصراط المستقیم به راه راست در افعال و اقوال و اخلاق».

نسخ، حسین قلی بن بهرام میرزا، عصر یکشنبه ۲۱ ذیحجه ۱۰۵۴، عناوین و نشانیها: شنگرف، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر مستطیل کتابخانه، و مهر مربع «العبد المذنب حاجی بابا».

جلد: تیماج مشکی مجدول به زر، با ترنج و سرترنج، عطف: تیماج قهوه‌ای.

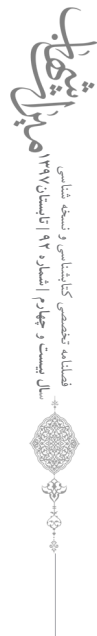
۴۵۰گ، ۲۰س، ۲۰ × ۲۹/۵سم

۱۶۸۰

### خلاصة منهج الصادقين

(تفسیر - فارسی)

از: فتح الله بن شکر الله شریف کاشانی (۹۹۸ ق)



نسخه موجود مشتمل بر آغاز کتاب تا سوره کهف می باشد.

آغاز: «اعوذ بالله پناه می گیرم و التجاء می کنم به معبود جامع جمیع کمالات».

انجام: «هر که وقت خواب آخر سوره کهف را بخواند هر وقت که خواسته باشد بیدار گردد».

نسخ معرب در آیات، نستعلیق در ترجمه، عناوین و نشانیها و آیات: شنگرف، صفحات زوج دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۱ ش.

جلد: تیماج قهوه ای.

۳۶۲ گ، ۲۷ س، ۲۳ × ۳۶ سم

۱۶۰۶

### الخلاف فی الأحكام = مسائل الخلاف

(فقه - عربی)

از: شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ ق)

نسخه موجود از کتاب الشركة آغاز و تا کتاب امهات الاولاد به پایان رسیده است.

آغاز: «کتاب الشركة مسئله شركة المسلم لليهودی و النصرانی و سائر الکفار مکروهة و به قال جمیع الفقهاء».

انجام: «فینبغی ان یسمی بذلك تم کتاب امهات الاولاد بعون الله و حسن توفیقه و الحمد لله».

نسخ زیبا، بی کا، بی تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، بارکابه، صفحات پایانی و صالی شده، در برگه آغاز تملک علینقی بن علی بن لطفعلی بن احمد تبریزی با مهر مربع «عبده علینقی بن علی»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۱ ش.

جلد: تیماج نارنجی مجدول، عطف: تیماج قهوه ای.

۳۱۷ گ، ۲۱ س، ۲۰ × ۳۰ سم

۱۵۸۵

### الدّر المثور فی التفسیر بالمأثور

(تفسیر - عربی)

از: جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (۹۱۱ ق)

نسخه موجود از تفسیر فاتحه الكتاب آغاز و تا آیه ۴۴ سوره انعام به فرجام آمده است.

آغاز: «الحمد لله الذی احیا بمن شاء مآثر الآثار بعد الدثور ... و بعد کتاب ترجمان القرآن و هو التفسیر المسند عن رسول الله (ص) و اصحابه».



انجام افتاده: «قوله فاذا هم مبلسون قال المبلس المجهود المكروب الذي قد نزل به النشر الذي لا يدفعه».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۱ش، تملک غلامرضا مولانا ۱۳۶۵ق و حاجی اسماعیل شکرى سال ۱۳۳۶ و مهر مستطیل «عبد محمد» و ثبت تاریخ ۱۲۳۹ با فهرست منابع در آغاز. جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت، عطف: تیماج قهوه‌ای. ۶۶۶گ، ۲۱س، ۱۹ × ۳۰سم

۱۰۸۲

### الدرة النجفية

(فقه منظوم - عربی)

از: بحرالعلوم، سید محمد مهدی بن مرتضی بروجردی (۱۲۱۲ق)  
نسخ، نام کاتب و تاریخ کتابت محو شده، عناوین و نشانیها: زر و شنگرف، صفحات مجدول دارای ستون، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق. جلد: پارچه. ۸۳، ۱۴س، ۱۰ × ۱۷سم

۱۱۰۵

### دعا = منتخب دعاء

(دعا - عربی، فارسی)

از: ناشناخته

مجموعه‌ای است از ادعیه و شأن نزول آنها شامل توسل، افتتاح، دعای صاحب الامر، دعای توبه، دعای عهد، مشلول، تعقیبات نماز صبح و ... .  
آغاز افتاده: «... و الی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبر فی امرک...».  
انجام: «له ما فی السماوات و ما فی الأرض و ما بینهما...».  
انجامه: «تمام شد. تمت الكتاب و السلام علی من اتبع الهدی سنة ۱۲۲۲».

نسخ، عناوین و نشانیها: شنگرف در هامش، بی‌کا، ۱۲۲۲ق، در برگ پایانی نسخه هیه‌نامه‌ای به قلم حاج محمدعلی بن حاج صدرعلی آمده که نسخه را به فرزندش لطفعلی به تاریخ ۱۲۷۴ق بخشیده است. در برگ آغاز مهر مستطیل با عبارت «وقف نمود سید



شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی بر کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (۱۳۴۷) دیده می‌شود و همچنین یک یادداشت درباره اهدای این نسخه از آیت الله مرعشی نجفی به قلم سید ناصرالدین آرام موجود است.  
جلد: تیماج مجدول قهوه‌ای، با ترنج و سرترنج ضربی.  
۱۷۱گ، ۹س، ۱۱ × ۱۷سم

۱۲۱۹

### دیوان اسرار تبریزی

(شعر - فارسی)

از: میرزا محمدکاظم بن محمد تبریزی، اسرار علیشاه (پس از ۱۳۱۵ ق)  
پیرامون پنج هزار و پانصد بیت و مشتمل بر ۶۵ قصیده در فضایل اهل بیت (ع) و هفت رباعی و غزلیات و مثنوی میراسرار است.

نسخه موجود از چند بخش تشکیل یافته بدین ترتیب:

۱. احکام دین (هزار بیت در ۱۸ باب و یک خاتمه)؛

۲. ترجیعات و رباعیات؛

۳. سروگل؛

۴. ترکیب‌بند (در مصائب اباعبدالله (ع))؛

۵. شیخ صنعان.

آغاز: «اولاً حمد خالق دانا \* که قدیم است واحد یکتا».

انجام: «چون برون گردید از دل این کلام \* خامه بشکستم نمودم و السلام».

نستعلیق، محمدرضا بن میرزا محمد تبریزی ابریشم فروش، ۱۲۹۱-۱۲۹۰ق، عنوانین: مشکى، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش، با مهر «لا اله الا الله الملك الحق المبين» و «محمدکاظم».

جلد: تیماج زرد مجدول، با ترنج و سرترنج، عطف: تیماج قهوه‌ای روشن.

۱۷۰گ، سطور مختلف، ۱۳ × ۲۱سم

۱۳۷۹

### ذخیره المعاد لیوم الميعاد

(مواعظ، مقتل - فارسی)

از: محمدعلی واعظ کرمانشاهی (۱۳۴۷ ق)



سکندر و زرتشت عمان ہمارے دو وقت ماہی ہا ہا ہا  
 عمیر بن العباس ارادہ اظہار کیا، فقہ اہل بیت و قال ان  
 یومک العباس قتل و دہج روحہ الہیہ انک لہا سمعت  
 رعب ذلک صرین و نادت ناخاہ و اعدا ساء و اذلت  
 نا عراہ و اصیباہ بیدک و وجعنا السنا بہکین ہما  
 و کرا الامام سکاہ سندرہ و قال سیدنا ساجدین ان سماء  
 قتل عن العباس کا نت اسند سماء علی سیدنا شہداء  
 یوم الظف قال علی ابن ابراہیم کا نت فقہہ ہمد قال کا نت  
 لخبیر محمد نعلک من انبا العتب نوحیہا اللہ و ما کنت  
 لہم انا اصغر ارجم و تم مکرون لعل ای صعب من ابن قنبر  
 نہرین و برا دلسنا ان احنا و عتب است کرانہ اہی باطن اسق  
 در نکبت حیا دی نکر ہم کہ فرستام ابن فقہہ راہی تو و بق  
 مصعب ظاہر در نزا انیمان نکرہی و اگر ہر در باہن ناہر  
 نور کا قال صہ کنت ہما ولوم بین الخاہ و الظن و قال ایہر  
 المؤمن کنت مع الابناء و سرادع ہیکم جہرا و الخاہ لہد رب  
 العالمین و صل اللہ علی ہر والد اہمین بر حمتنا یا ارحم الراحمین  
 کنت ہذا العقنہ البکا و کتر علی یل مولد ہمد علی الراعظہ یوم احد  
 من ایام الاسیرہ یوم المعطف من سندرہ رعب الوجب سستہ لختہ  
 و نخلہ ہذا ماہ بعد انک من الطیرہ المنزیرہ مشکما ہر ذاکر  
 سندرہ فقہہ قام یوم لعل حضرتین جن الامام باؤا بن فقہہ لہا

یادداشت آیت اللہ مرعشی نجفی زہ  
 در معرفی کتاب «ذخیرۃ المعاد لیوم المیعاد» و مؤلف آن  
 نسخہ خطی شمارہ: ۱۳۷۹

کتاب  
 ذخیرۃ المعاد لیوم المیعاد  
 لخطیب العلم الواعظ الموحج علی اللہ المظفر الکرمانشاہی نزہ  
 لہون و لہ تالیف کتبہ منہا تلب سفینۃ السید و کتاب  
 المجموع علی خط الہ لکل و لہ دیوان شعرا کتب و کتاب المقتل  
 و کان مقربا لک السلطان ناصر اللہ شاہ قاجار و من  
 اللجین شہاب الدین علی بن الشیخ نجفی زہ  
 ۱۳۷۲ - ۱۳۵۸  
 و عالم

انجام «ذخیرۃ المعاد لیوم المیعاد»  
 از محمد علی واعظ کرمانشاہی  
 بہ خط مؤلف، مورخ ۱۳۰۳ ق  
 نسخہ خطی شمارہ: ۱۳۷۹

مطالب کتاب با عناوین «مجلس مجلس» در ۷۳ مجلس ترتیب یافته است. در آغاز مجالس آیه یا آیاتی از سوره یوسف قرار گرفته و یا به مناسبت اشعاری آورده شده و سپس به بیان مصائب سید الشهداء و اصحاب آن حضرت و واقعه عاشورا پرداخته است. آغاز: «الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بالثقلين الثقلين في ميزان الاعمال يوم الدين».

انجام: «وقال امير المؤمنين (ع) كنت مع الانبياء سراً و مع نبيكم جهراً». انجامه: «تمت هذه القصة المباركة على يد مؤلفه محمد علي الواعظ في يوم الاحد من ايام الاسبوع في يوم المبعث من شهر رجب المرجب سنة ۱۳۰۳». نسخ، محمد علی واعظ (نسخه اصل به خط مؤلف) در رجب، روز مبعث سنه ۱۳۰۳ق، عناوین و نشانیها: لاجورد، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: تیماج زرشکی مجدول، عطف: تیماج سوخته ای.

۵۶۲گ، ۲۰س، ۱۴×۲۳سم

۱۱۲۶

### ذریعة الوداد فی منتخب نجات العباد

(فقه - عربی)

از: محمدحسین بن حاج میرزا خلیل تهرانی (۱۳۲۶ ق)

شرحی بر کتاب نجات العباد شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر ۱۲۶۶ ق) است. این کتاب در بمبئی و تهران چاپ شده است. این نسخه از روی نسخه چاپ سنگی سال ۱۳۱۲ق (تهران به سعی و اهتمام حبیب الله تاجر تهرانی) استنساخ شده است. مؤلف می گوید: «آنچه با رأی ما موافق است، باقی گذاریم، مخالف را می اندازیم، آنچه بر آن بنا نهادیم، درج می کنیم».

نسخه موجود از کتاب طهارت آغاز و در روزه های مندوب به پایان می رسد.

آغاز: «الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين ... فيقول العبد ...

محمدحسین نجل المرحوم حاجی میرزا خلیل».

انجام: «وان كان يقوى في النظر الجواز في الزوجة اذا لم يمنع ذلك حصته و الله العالم».

نسخ، بی‌کا، قرن ۱۴ق، عناوین و نشانیها: مشکى، رکابه‌نویسی دارد، این نسخه تصحیح شده و دارای حواشی است، پشت برگ پایانی نسخه یادداشت سید ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه، مبنی بر اینکه آیت الله مرعشی نجفی در تاریخ ۱۳۴۳ش آن را اهدا کرده است، بر فراز برگ‌ها آثار رطوبت دیده می‌شود که به برخی از سطور اول صفحات آسیب زده است.

جلد: تیماج قهوه‌ای ترنجدار، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت.

گ، ۹۵، س، ۱۵، ۱۲ × ۱۸/۵ اسم

۱۱۷۷

### رساله در علم حساب و مساحت

(حساب و هندسه - فارسی)

از: ناشناخته

رساله‌ای است در فن حساب و هندسه که در بردارنده کلیه اقسام و قواعد مساحت و فروع آن می‌باشد، در یک مقدمه و پنج مقام. این رساله در آغاز مطابق است با ضیاء الضمیر از ضیاء‌الدین که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

فهرست کتابخانه مجلس: ج ۱۹، ص ۳۳۶.

آغاز: «فهرست دفاتر مکارم وجود و طغرای اوراجه هستی و بود به اسم مالک الملکی

است».

انجام افتاده: «... و ضرب کنیم خطاء شانزده را که دو است در دوازده که مأخذ اول است».

نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، سده دهم و یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: تیماج زرشکی ضربی.

گ، ۹۵، س، ۱۶، ۲ × ۱۲/۵ اسم

۱۵۲۹

### روض الجنان فی شرح إرشاد الازدهان

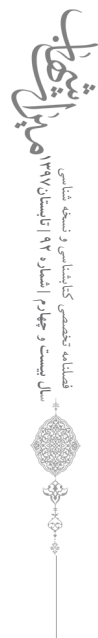
(فقه - عربی)

از: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

این نسخه مشتمل بر شرح کتاب الصلوة می‌باشد.

آغاز: «کتاب الصلوة و هی لغة الدعاء قال الله تعالی و صلّ علیهم ان صلوتک سکن لهم

و قال الاعشمی».



انجام افتاده: «و يستحب ان يقول المسافر عقيب كل صلوة مقصورة ثلاثين مرة سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: مشکی و شنگرف، بیشتر برگ‌ها وصالی شده است، ۱۳ برگ نونویس از هدایت‌الله و مواضع دعا گویا از عباس قمی در ۱۳۱۶ و با مهر بیضوی «هدایت‌الله؟» در برگه آغاز، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۰ ش.

جلد: تیماج مشکی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۳۷۱گ، ۲۱س، ۱۶ × ۲۵/۵سم

۱۴۵۴

(فقه - عربی)

### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود جلد دوم کتاب است.

نستعلیق، محمد یقین بن مولانا نظام جشوی، چهارشنبه اول جمادی‌الاولی ۱۰۳۲، عناوین و نشانیها: شنگرف، بلاغ مقابله محمد مطیع سنه ۱۰۳۸، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه، و مهرهای بیضوی «فتحعلی» و «یا حبیب قلوب الصادقین» و «عبده محمد محسن» و «عبده محمد رضا» و مهرهای مستطیل «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده حسین» و «عبده عبدالعلی» و «افوض امری الی الله عبده محمد شریف».

جلد: تیماج مشکی، با ترنج و سرترنج ضربی، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۲۷۳گ، ۲۱س، ۱۴ × ۲۵سم

۱۴۶۷

(فقه - عربی)

### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود کامل و شامل جلدهای اول و دوم کتاب است.

نستعلیق، همایون محمد بن حسین حسینی گلپایگانی، ۱۵ ماه شوال ۱۱۳۰ در جلد اول برگه ۲۳۹، نسخ، مرتضی موسوی، ۱۵ شهر ذیحجه ۹۷۷ در جلد دوم (احتمالاً این تاریخ مربوط به نسخه منتسخ عنه باشد)، عناوین و نشانیها شنگرف، با حواشی، صفحات دارای

في اختلاف فيه انتهى ولا يخفى ما فيه وكيف كان فالأقوى اعتبار المرطو وعدمه وروى محمد  
 بن أبي جعفر عليه السلام في بعض من أربعه عملة أحدهم موضع في البيت فالكثير على الشراء  
 عثمان حصته لا تحفظ ويصقل روى ذلك أبو جعفر عليه السلام عن أسرار المؤمن عليه السلام  
 وهو مشكل على اطلاع فان مجرد وقوعه من تفريعهم فبدل من تفریط العاقب ومن ثم أوردتها  
 الحكم كقبح بلقظ الرواية ويمكن حملها على ما لعقله وسلكه فيقولوا ويجوز ذكر الأقوى في الظاهر  
 منهم دون غيره والرواية حكاه في واقع مختلفه للتأويل وليكن هذا آخر اللعد ولم يذكرها سوى  
 منهم من أحكام وهو مشهور من الأصحاب هذا محب الغالب ولا فقد عرفت انه ذكر أقوالنا درة  
 مشهوره وفي وعامين مذكورة والباعث على ذلك المذکور المدلول عليه بالفعل وعلى نصيف  
 وان كان اسمه موسى أمضاة أي طلب بعض الطلاب وقد تقدم سانه نعم الله تعالى وإياته  
 مع المؤمنين ونفع بشرحه كما نفع باصلا بحولن وأهلده والحقيقة وحده وصلوة على سيدنا محمد النبي  
 وعشيرة المعصومين الذين أذهب الله تعالى عنهم الرجس وطهرهم وطهرهم المصنف قدس الله  
 روحه ونحن نحمد الله تعالى على توفيقه وتسميته نألف هذا التعليق وسأله من فضله وكرمه بحله  
 حال الصلوة الجليل موجبا التواضع الجسيم وان يعقلنا ما مضى فيه في اجتهادا ووقع فيه من جلال في إرادته  
 هو العفو والتجيم ورفع من سويين مولفة المحتاج الى الله تعالى ورحمة الشيخ زين الدين بن علي بن  
 حمد السافي العاملي عالم الله تعالى بفضله وقدره وعنى عن سيأته وذلك لا بجوده وكرمه

على صنو المجال وولام الأوهال الموجبة لتشويش السال  
 والله اعلم بالصواب، واليه المرجع والمآب  
 محمد بن محمد بن عبد الله بن محمد  
 مرتضى موسى في صامس شهر ذي الحجة  
 سنة سبع وسبعين وسعمائة من الهجرة  
 السوء المصطفوية حاملا لله

وروى محمد بن أبي جعفر عليه السلام في بعض من أربعه عملة أحدهم موضع في البيت فالكثير على الشراء  
 عثمان حصته لا تحفظ ويصقل روى ذلك أبو جعفر عليه السلام عن أسرار المؤمن عليه السلام  
 وهو مشكل على اطلاع فان مجرد وقوعه من تفريعهم فبدل من تفریط العاقب ومن ثم أوردتها  
 الحكم كقبح بلقظ الرواية ويمكن حملها على ما لعقله وسلكه فيقولوا ويجوز ذكر الأقوى في الظاهر  
 منهم دون غيره والرواية حكاه في واقع مختلفه للتأويل وليكن هذا آخر اللعد ولم يذكرها سوى  
 منهم من أحكام وهو مشهور من الأصحاب هذا محب الغالب ولا فقد عرفت انه ذكر أقوالنا درة  
 مشهوره وفي وعامين مذكورة والباعث على ذلك المذکور المدلول عليه بالفعل وعلى نصيف  
 وان كان اسمه موسى أمضاة أي طلب بعض الطلاب وقد تقدم سانه نعم الله تعالى وإياته  
 مع المؤمنين ونفع بشرحه كما نفع باصلا بحولن وأهلده والحقيقة وحده وصلوة على سيدنا محمد النبي  
 وعشيرة المعصومين الذين أذهب الله تعالى عنهم الرجس وطهرهم وطهرهم المصنف قدس الله  
 روحه ونحن نحمد الله تعالى على توفيقه وتسميته نألف هذا التعليق وسأله من فضله وكرمه بحله  
 حال الصلوة الجليل موجبا التواضع الجسيم وان يعقلنا ما مضى فيه في اجتهادا ووقع فيه من جلال في إرادته  
 هو العفو والتجيم ورفع من سويين مولفة المحتاج الى الله تعالى ورحمة الشيخ زين الدين بن علي بن  
 حمد السافي العاملي عالم الله تعالى بفضله وقدره وعنى عن سيأته وذلك لا بجوده وكرمه

شرح  
 من  
 ١٤٦٧  
 رقم  
 ١٨  
 ١٤٦٧  
 رقم  
 ١٨  
 ١٤٦٧  
 رقم  
 ١٨

انجم «الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية»  
 از: شهيد ثاني (ره) - نسخه خطی شماره ١٤٦٧

رکابه، اهدایی آیت الله نجفی در ۱۳۷۲ق، تملک میرزا نصرالله به عباس میرزا عزیزالله با مهر بیضوی و تملک ملا زین العابدین در ۱۲۷۴ و تملک محمدحسن بن صفی با مهر و تملک محمدمحسن بن حاج عباس سیستانی در ۱۲۶۴ با مهر بیضوی «یا محسن ادرکنی» در برگ ۲۴۲.

جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول.

۴۶۱گ، سطور مختلف، ۱۸ × ۲۵/۵سم

۱۴۸۸

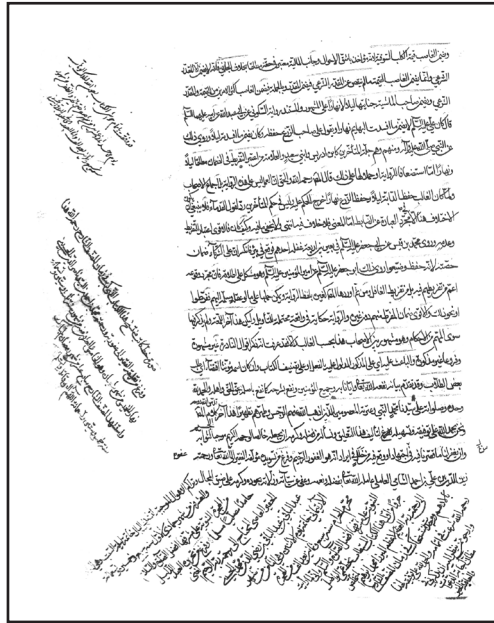
### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

(فقه - عربی)

از: شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود جلد دوم کتاب است.

نسخ، عبدالباقی بن عبدالباقی بن رضی الدین محمد الحسینی ارتیمانی تویسرکانی، پایان دوشنبه هشتم محرم ۱۰۸۷، و کاتب گوید: چون نسخه‌ای از جزو نخستین آن به خط عمّ مرحوم خود میرزا ابراهیم متخلص به ادهم دیدم که در زمان تحصیل نوشته بود، آن را



انجام «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»،

از: شهید ثانی(ره) - نسخه خطی شماره ۱۴۸۸

کامل کردم و در پایان صورت خط کاتب نسخه اصل محمد بن احمد بن سید ناصرالدین حسینی در پنجشنبه ۲۵ شعبان ۹۶۳ که شارح را در ۱۷ رمضان ۹۶۵ کشته‌اند، با تاریخ تألیف، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی به رمز سلط، ح یع، منه، و عبدالباقی (کاتب)، صفحات دارای رکابه، در برگه پایانی تملک ضیاءالدین تویسرکانی با مهر بیضوی «ضیاءالدین بن محمد نبی» در یکشنبه ۲۲ صفر ۱۰۸۷ و تملک سید محمدجعفر حسینی با مهر بیضوی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: مشتمع قهوه‌ای سیر، دارای ترنج و سرترنج و نمای گنبد و گلدسته.  
۲۰۸گ، ۱۹س، ۱۸ × ۲۵سم

۱۵۶۹

(فقه - عربی)

### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود مشتمل بر جلد دوم کتاب است.

انجامه: «کتابه بالخیر و السعادة\* و کان لی سچیة و عادة... باقر اسمی و ابی عبدالعلی». نسخ، باقر بن عبدالعلی بیدگلی کاشانی، اواخر ربیع‌الاول ۱۲۵۹، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج مشکی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۱۹۳گ، ۲۳س، ۲۰ × ۳۰سم

۱۶۴۰

(فقه - عربی)

### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود جلد اول کتاب است.

نسخ در متن و نستعلیق در حواشی، محمدعلی بن کربلایی آقاگل سالیانی، یکشنبه ۲۳ ذی‌قعدة سنه ۱۲۳۲، عناوین و نشانیها: شنگرف با حواشی و صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی به سنه ۱۳۷۲ق، تملک محمدکاظم بن علی‌اکبر گیلانی در ۱۲۵۶ق با مهر مربع «العبد الکاظم» و مهر بیضوی «عبد الراجی محمدکاظم».  
جلد: مشتمع قرمز.  
۲۲۸گ، ۲۲س، ۲۰ × ۳۱سم



•••••

(فقه - عربی)

### الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة

از: شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۹۶۵ ق)

نسخه موجود جلد دوم کتاب است.

نستعلیق، اقل الطلاب محمدحسین بن استاد زین العابدین قمی، یکشنبه ربیع الاول ۱۲۶۳،  
عناوین و نشانیها: مشکی، شنگرف یا نانوشته، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق  
با مهر مستطیل کتابخانه.

جلد: تیماج خاکستری روشن مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل  
بیت.

۱۲۰گ، ۲۳س، ۲۱ × ۳۱سم

۱۶۷۷

(تاریخ - فارسی)

### روضة الشهداء

از: کمال الدین ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی (حدود ۹۱۰ ق)

نستعلیق، بی کا، بی تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات مجدول به  
شنگرف، دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه.  
جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی.

۱۷۴گ، ۲۲س، ۲۰ × ۳۲سم

۱۵۱۹

(تاریخ - فارسی)

### روضة الصفاء فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء

از: میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود خوارزمشاهی بلخی (۹۰۳ ق)

نسخه موجود جلد اول است.

آغاز: «زیب فهرست نسخه مفاخر انبیای عالی مکان دیباچه مجموعه مآثر سلاطین گردون

شکر منعمی است».

نستعلیق، اسدالله، چهارشنبه ۲۰ شعبان ۱۲۳۱، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات  
دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، با مهر مربع «عبدالمؤکول علی  
الله محمدعلی»، ثبت تاریخ ولادت در ۱۲۷۳ق در برگه پایانی.



جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.  
۲۹۸گ، ۲۷س، ۱۴/۵ × ۲۷سم

۱۵۴۷

**ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (= شرح کبیر)** (فقه - عربی)

از: سید علی بن محمد علی طباطبایی حائری (۱۲۳۱ ق)  
نسخه موجود از کتاب العتق آغاز و تا دیات به پایان رسیده است.  
آغاز: «الحمد لله رب العالمین... کتاب العتق... و النظر فی هذا الكتاب فی امرین الاول  
فی بیان متعلق الرق و من يجوز استرقاقه».  
انجام: «احمد الله سبحانه على توفيقه و تسهيله لتأليف هذا التعليق و اسئله بجوده و كرمه  
ان يجعله خالصاً لوجهه الكريم».  
انجامه: «و قد تمّ هذه النسخة بيد الاقل الطلبة و السادات ابن محمد صادق الحسيني  
محمد هادی».

نسخ، سید محمد هادی بن محمد صادق حسینی، عصر چهارشنبه ششم ربیع الاول ۱۲۵۴،  
عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی  
نجفی در محرم الحرام ۱۳۷۲ ق.  
جلد: مشتمع قرمز.  
۲۲۲گ، ۳۱س، ۲۹ × ۲۰سم

۱۵۶۲

**ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل (= شرح کبیر)** (فقه - عربی)

از: سید علی بن محمد علی طباطبایی حائری (۱۲۳۱ ق)  
نسخه موجود از کتاب التجارة آغاز و تا لعان (ج ۳) به پایان رسیده است.  
آغاز: «الحمد لله رب العالمین... کتاب التجارة هی فی اللغة الکسب و فی الشرع علی  
تعریف المصنّف و جماعة عقد المعاوضة بقصد الاکتساب».  
انجام: «لاستقراره بالموت فلا یرفعه اللعان المتجدد و الحمد لله علی کل حال. تمت».  
نسخ، محمد باقر بن زین العابدین گلپایگانی، صبح پنجشنبه جمادی الثانی ۱۲۴۰ از آغاز

تا کتاب مزارعه و مساقات گ ۷۴، نسخ، محمدحسن بن محمدعلی آرانی کاشانی، سال ۱۲۴۰ از کتاب الاجارة تا آخر گ ۷۹، دارای بلاغ گ ۱۱۲، عناوین و نشانیها: شنگرف و مشکی، با حواشی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه. جلد: تیماج مشکی مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج. ۲۰۷گ، ۳۱س، ۲۰ × ۳۰سم

۱۵۹۳

**رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل (= شرح كبير)** (فقه - عربی)

از: سیّد علی بن محمدعلی طباطبایی حائری (۱۲۳۱ق)  
نسخه موجود از کتاب طهارت آغاز و تا کتاب صلوات به فرجام آمده است.  
آغاز: «الحمد لله رب العالمین... کتاب الطهارة و اركانه اربعة الاول في المياه و جمعه باعتبار تعدد افراده».

انجام: «تمّ المجلد الاول من رياض المسائل... علی ید علی بن محمدعلی الطباطبایی».  
نسخ، اسماعیل موسوی بن میرنقی، یکشنبه دوم ذی القعدة ۱۲۴۵، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: مشتمع قرمز.  
۱۶۱گ، ۳۳س، ۲۰ × ۳۰سم

۱۶۷۶

**زينة المجالس (= تحفة المجالس)** (تاریخ - فارسی)

از: سیّد مجدالدین محمد بن ابوطالب حسینی مجدی (زنده ۱۰۰۴ق)  
فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۱۷، ص ۸۲۳-۸۲۹.  
نسخه موجود از آغاز تا فصل دوم از جزء نهم را شامل است.  
آغاز: «آراستگی و آرایش فهرست نسخ موجودات علوی و پیراستگی کتب مخطوطات».  
انجام افتاده: «به آن دیار روان ساختند و آن قوم بزرگوار از خوف جان».  
نستعلیق، بی کا، بی تا، سده دوازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، با مهر بیضوی «عبده محمدحسن»، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق با مهر کتابخانه.



جلد: تیماج، دارای ترنج و سرترنج و گنبد و گلدسته.  
۳۰۲گ، ۲۲س، ۲۰ × ۳۳سم

۱۱۲۸

### السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (فقه - عربی)

از: محمّد بن احمد بن ادريس، ابن ادريس حلی (۵۹۸ ق)

این نسخه مشتمل بر کتاب شهادت تا اقرار است.

آغاز افتاده: «... عبارة عن اسماء الحالفين من اولياء المقتول فصير بالمصدر عنهم...».

انجام: «فاما اذا كان رجوعه عنها بعد الحكم بها فلا يرجع الحاكم عن الحكم بها...».

انجامه: «تم المجلد من كتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ... تمت في ليلة الجمعة

ثاني عشر شهر ذي الحجة سنة ثمان وخمسين وتسعمائة والختم بالصلوات على محمّد وآله».

نسخ، بی‌کا، شب جمعه ۱۲ ذیحجه ۹۵۸، با مهر بیضی «الواثق بالله الغنی نورالهدی

حسینی»، عناوین و نشانیها: شنگرف، کاغذ سمرقندی، دارای یادداشت سید ناصرالدین

آرام مدیر وقت کتابخانه در ذیل انجامه مبنی بر اهدای این نسخه از سوی آیت الله مرعشی

نجفی در ۱۳۴۲ ش.

جلد: تیماج مشکی، با ترنج و سرترنج و گنبد و بارگاه، عطف: تیماج قرمز، مرمت شده.

۲۰۷گ، ۱۸س، ۱۲ × ۱۸سم

۱۱۲۳

### [سؤال جواب] (فقه - فارسی)

از: محمّدباقر اصفهانی (زنده ۱۱۰۲ ق)

مجموعه پرسش‌های فقهی و دینی است که پاسخ آنها از علامه مولی محمّدباقر مجلسی

خواسته شده است. فراهم‌آورنده که شاگرد مولانا عبدالرحیم جامی مشهدی است، این

مجموعه سؤال‌ها و پاسخ‌های علامه مجلسی را به خط ایشان از طریق شاگردان علامه چون:

محمّد شریف بیرجندی، شیخ رحمت‌الله، حاجی محمود پیشنماز، حاجی محمّدحسین

بغمچی به دست آورده و در ۷ سؤال ۱۱۰۲ تدوین و تألیف کرده است و همچنین برخی

سؤال و جواب‌ها را نیز از اساتیدش از جمله عبدالرحیم جامی، شیخ محمّد حر و ... شنیده

و به این مجموعه افزوده است. کتاب دارای چندین باب و هر یک در چند فصل که سؤال‌ها و پاسخ‌های متعددی را دربردارند. گفتنی است این مجموعه غیر از کتاب ایادی سبا و غیر از نظم اللالی لاهیجی (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا): ج ۳۳، ص ۵۳۰) است. همین نسخه را شیخ آقا بزرگ تهرانی دیده و از آن در الذریعه (ج ۱۲، ص ۲۴۳) با نام «سؤال و جواب» متعلق به یکی از شاگردان عبدالرحیم جامی یاد کرده است. گفتنی است اوراق این نسخه پراکنده شده است.

آغاز: «جواب اگر غساله یا شستن اول باشد، اجتناب احوط است. سؤال: هر گاه بر بدن نجاست است که عین دارد».

انجام: «ابن عباس اگر خواهی که با خدا ملاقات کنی و او از تو خوشنود باشد به طریقه علی سلوک کن که شک در ولایت علی کفر است به خدا».

انجامه مؤلف: «به اینجا ختم شد این رساله بر سبیل استعجال و تفرق بال و کثرت اشتغال در تاریخ سیزدهم شهر شوال هزار و صد و دو از هجرت مقدّس نبوی ... و صد هزار لعنت ازلی و ابدی بر اعدایین و مخالفین ایشان باد ابد الابدین الی یوم الدین لعناً و بیلاً کثیراً». انجام کاتب: «تمت الکتاب ... بتاريخ بیستم شهر جمادی الثانی الف و ماء و ثلث عشر ... بخط العبد الضعیف ... ابن حاجی علی نقی فنودی محمد شفیع».

نستعلیق، محمد شفیع بن علی نقی فنودی، ۲۰ جمادی الثانیه ۱۱۱۳، عناوین و نشانیها: سنگرف، مجدول مشکى، رکابه نویسی دارد، یادداشتی از عبدالله (فرزند کاتب) در ذیل انجامه آمده است، در برگ نخست تملک و مهر بیضوی سید ریحان الله موسوی با نقش «العبد سید ریحان الله الموسوی ۱۳۰۰» و یادداشت سید ناصرالدین آرام دیده می شود مبنی بر اینکه آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی در تاریخ ۱۳۴۳ش آن را اهدا فرموده اند.

جلد: تیماج خردلی، دارای ترنج و نمایی از گنبد و گلدسته.

۲۴۵گ، ۱۶س، ۱۲ × ۱۷سم

۱۳۶۹

سؤال و جواب

از: ناشناخته

(اعتقادات - فارسی)

شامل مطالب اعتقادی چون: اصول پنج‌گانه، صفات ثبوتیه و سلبیه خداوند و مسائل فقهی و متفرقات به روش پرسش و پاسخ؛ به جز شعائر الاسلام حجت الاسلام اشرفی (۱۳۱۵ ق) است.

آغاز: «حمد می‌کنم ذاتی که وجود او عین ذات اوست و حمد می‌کنم صانعی را که خالی از نقص است».

انجام افتاده: «... پس از برای خداست پادشاهی و مختص اوست حمد».

نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

جلد: تیماج زرشکی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی.  
۲۵۴ گ، ۱۵ س، ۱۷ × ۲۲/۵ سم

۱۲۰۵

(فقه - عربی)

### شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام

از: محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ ق)

نسخه موجود از طهارت آغاز و تا وصایا به فرجام آمده است.

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده ۱۲ و ۱۳ ق، عناوین و نشانیها شنگرف، دارای حواشی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ ش، یادداشت تملک شیخ رمضانعلی محصلی قوچانی در برگ آغاز دیده می‌شود.

جلد: مشتمع، عطف: تیماج قرمز.  
۲۱۱ گ، ۱۴ س، ۲۱ × ۲۱ سم

۱۲۵۴

(فقه - عربی)

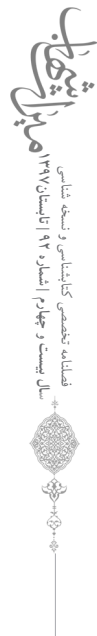
### شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام

از: محقق حلّی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ ق)

نسخه حاضر کتاب الطهارة تا دیات است.

نسخ، محمّدصادق بن اسماعیل حسینی گلپایگانی، پنجم محرم الحرام سال ۱۲۶۸، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق.

جلد: تیماج مشکی مجدول.  
۲۲۶ گ، ۲۲ س، ۱۵ × ۲۱/۵ سم



۱۶۲۸

(فقه - عربی)

### شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام

از: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ ق)

نسخه موجود مشتمل بر کتاب النکاح تا دیات می باشد.

آغاز: «کتاب النکاح و اقسامه ثلاثة القسم الاول فی النکاح الدائم».

انجام: «و حیث اتینا بما قصدناه و وفینا بما وعدناه فلنحمد الله الذی جعلناه».

نسخ، بی کا، ۲۶ شوال ۱۲۴۳، برگ پایانی نونویس، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی

و رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، یادداشتی به تاریخ ۱۳۰۳ از حسن

بن حسین با مهر بیضوی «المذنب حسن بن حسین».

جلد: تیماج قهوه ای مجدول گرهی، با ترنج و سرترنج ضربی.

۱۸۲گ، ۱۹س، ۲۱ × ۳۰سم

۱۳۲۵

(فقه - عربی)

### شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام

از: محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (۶۷۶ ق)

نسخه موجود از کتاب النکاح آغاز و تا دیات به انجام رسیده است.

آغاز: «کتاب النکاح النکاح و اقسامها ثلاثة القسم الاول فی النکاح الدائم و النظر فيه

...».

نسخ، علی محمد بن اسماعیل سلیمانی لنجانی اصفهانی، پنجشنبه ۴ جمادی الثانیة

۱۲۷۱، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی

در ۱۳۷۸ق.

جلد: تیماج قهوه ای مجدول.

۱۸۷گ، ۱۷س، ۱۶ × ۲۲سم

۱۱۷۶

(کلام - عربی)

### شرح تجريد الاعتقاد (= الشرح الجديد)

از: علاء الدین علی بن محمد قوشچی (۷۸۹ ق)

نسخه حاضر، شامل جواهر و اعراض است.



آغاز افتاده: «... و فی قوله و المعقول منهما اشتراكه عرضى ان هذا الوجه انما اقيم دليلاً على».

انجام افتاده: «... فتكثر مصادماته المؤدية الى الإختلال».

نستعليق، بی‌کاء، بی‌تا، سده یازدهم، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای حواشی، با مهر «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده حسين بن ابوالقاسم»، اهدای آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: تیماج زیتونی ضربی.

۱۳گ، ۱۶س، ۱۳ × ۱۹/۵سم

۱۰۸۵

### شرح تجرید الاعتقاد

(کلام - عربی)

از: علاء‌الدین علی بن محمد قوشچی (۷۸۹ق)

نسخه حاضر از المبحث الثالث فی اثبات الصانع تا پایان کتاب را دربردارد.

آغاز: «المبحث الثالث فی الالهیات فی اثبات الصانع و صفاته و آثاره و فیه فصول...».

انجام: «و اذا ظن کل طائفة انه لم یقم الآخر اثم الكل بتركه و هذا آخر شرح تجرید

الكلام».



انجام «شرح تجرید الاعتقاد»،

از: علاء‌الدین علی قوشچی

مورخ محرم ۹۷۶

نسخه خطی شماره: ۱۰۸۵



نستعلیق، افضل بن عبدالحی پنجاه هزاری، محرم ۹۷۶، پنج صفحه آغاز نونویس، عناوین و نشانیها: مشکى، اندكى حاشیه‌نویسی دارد، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش، آسیب‌دیدگی متن و حاشیه بر اثر رطوبت.  
جلد: تیماج مجدول خردلی.  
۸۷گ، ۱۹س، ۱۱ × ۱۸سم

۱۲۷۵

### شرح التصريف

(صرف - عربی)

از: عبدالله بن شیخ الیاس کلکودی (زنده ۱۰۹۹ق)

شرح مزجی است بر العزی فی التصریف ابراهیم بن عبدالوهاب زنجانی (حدود ۶۵۵ق) که در ربیع‌الثانی ۱۰۹۹ در قلعه عمادیه در حکومت آل سید عثمان بیک بن سعید خان نگاشته است.

آغاز: «الحمد لله الذي ارسل رياح فنّ التصريف كتصريف الرياح فأثارت سحب الحروف».

انجام: «الحمد لله على التمام و الصلاة و السلام على سيد الأنام و على آله و اصحابه الأجلة الكرام».

نسخ، علی محمد بن حاجی محمد گسگری، بعد از عصر بیست و پنجم ذیقعدۀ سال ۱۲۶۱، با حواشی منه، عناوین و نشانیها: شنگرف، یادداشت تملک از محمدصالح، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول.  
۹۹گ، ۲۷س، ۱۶ × ۲۱سم

۱۱۰۱

### شرح تهذيب المنطق

(منطق - فارسی)

از: جمال‌الدین محمد بن محمود حسینی شهرستانی (قرن ۱۰ق)

نسخ، دو برگ آغاز و برگ هشتم و چهار برگ پایانی نونویس از حسین بن محمدجعفر در سده ۱۲ق، عناوین و نشانیها: مشکى، در برخی موارد شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش.



جلد: تیماج قهوه‌ای روشن، با ترنج.

۱۳۴گ، ۱۶س، ۱۲ × ۱۷سم

۱۱۹۲

### شرح خلاصة الحساب

(ریاضیات - عربی)

از: فاضل، جواد بن سعدالله کاظمی، فاضل جواد (۱۰۶۵ق؟)

آغاز: «الحمد لله الواحد العظيم و الفرد القديم الذي يقصر العدّ عن آلائه و يتعذر الحصر عن اقل نعمائه».

نسخ و نستعلیق، عبدالله بن شیخ جعفر، ۱۲۳۳ق هنگامی که برادرش شیخ حسن درگذشته بود، عناوین و نشانیها: شنگرف، با مهر بیضوی «عبدہ الوائق بالله الغنی محمد» در آغاز و انجام، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ش.

جلد: تیماج قهوه‌ای، با ترنج و سرترنج و نمای گنبد و گلدسته حرم حضرت معصومه=.

۸۹گ، ۲۰س، ۱۵/۵ × ۲۱سم

۱۵۶۳

### شرح الزيارة الجامعة الكبيرة

(زیارت - عربی)

از: شیخ احمد بن زین الدین احسائی (۱۲۴۱ق)

انجامه: «الکاتب الحقیق تراب اقدام طلاب علوم دینیّه محمدباقر بن احمد ساکن دودانگه هزار جریب».

نسخ زیبا، محمدباقر بن احمد ساکن دودانگه هزار جریب، ۲۵ ذی‌عده الحرام ۱۲۴۵ جهت میرزا علیرضا، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.

جلد: تیماج روغنی، با لچک ترنج ضربی و مجدول گرهی.

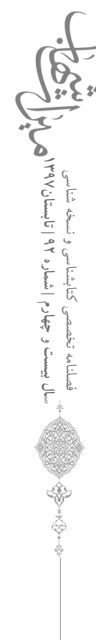
۲۵۲گ، ۳۵س، ۲۰ × ۳۰سم

۱۳۱۳

### شرح شواهد البهجة المرضية

(ادبیات - فارسی)

از: نظام الدین بن ملا احمد اردبیلی (حدود ۱۱۵۰ق)



آغاز: «چنین گوید افقر العباد نظام الدین بن ملا احمد اردبیلی که این کلمات چندی است که نوشته می شود در توضیح ابیاتی که در شرح سیوطی است».

نستعلیق، محمدعلی بن کربلایی محمد ملقب به کربلایی کاکل بدلالی خان علیان، ۱۹ رمضان ۱۲۴۲، عناوین و نشانیها: مشکى، با مهر بیضوی «ربّ نجّی محمد و علی» و مهر «محمدعلی لود لور»، یادداشت تملک محمدعلی لنگرانی به کتابت سید مرتضی ۱۲۵۰، در پایان خواص ماههای رومی را نگاشته است، صفحات دارای رکابه، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق، جلد: تیماج قهوه‌ای محدود، با ترنج و سرترنج، ضربی. ۲۴۱گ، ۱۹س، ۱۶ × ۲۱/۵سم

۱۱۸۰

### شرح شواهد البهجة المرضیة

(ادبیات - فارسی)

از: نظام الدین بن احمد اردبیلی (حدود ۱۱۵۰ ق)

نسخ، محمدیوسف، شنبه ربیع الاول سنه ۱۲۴۱، عناوین و نشانیها: شنگرف، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۲ش، تملک میرزا محمد انصاری ۱۳۵۱ق، با مهر محمد حسینی. جلد: تیماج قهوه‌ای، با ترنج و سرترنج و نمایی از گنبد و گلدسته. ۶۰گ، ۱۶س، ۱۲/۵ × ۲۱سم

۱۲۱۸

### شرح العقائد العزیدیة

(کلام - عربی)

از: جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (۹۰۸ ق)

شرح مزجی است بر رساله الاعتقادات قاضی عضدالدین عبدالرحمان ایجی (۷۵۶ ق) که در چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۹۰۵ در بلدة چیرون به پایان رسیده است. فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۲۰، ص ۱۳۲. آغاز افتاده: «... و لم استرسل بشعب القیل و القال علی ما هو دأب اهل الجدل القاصرین عن انتهاج طرق الاستدلال». انجامه: «کتبت هذا الكتاب علی الاستاد العالم الفاضل ... صبغة الله افندی».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سدهٔ دوازدهم و سیزدهم، نوشته شده در نزد استاد عالم فاضل صبغة الله افندی، عناوین و نشانیها: شنگرف یا مشکی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق. جلد: تیماج خرمایی مجدول. ۷۷گ، ۱۳س، ۱۵ × ۲۱سم

۱۰۹۳

### شرح قطر الندی و بل الصدی

(نحو - عربی)

از: جمال‌الدین عبدالله بن یوسف بن هشام نحوی (۷۶۱ق)

انجامه: «و کتب لنفسی ثم لصایر [کذا] اخوان الصالحین فی عصر یوم الخمیس تسع عشرین، فی صبح یوم السبت عشرین شوال المکرّم سنة ۱۲۴۹».

نسخ، بی‌کا، صبح شنبه ۲۰ شوال ۱۲۴۹، عناوین و نشانیها: شنگرف، وقفی آیت الله نجفی در ۱۳۷۲ق، با مهر مستطیل «وقف سیّد شهاب‌الدین الحسینی المرعشی به کتابخانهٔ آستانه ۱۳۴۶»، با تملک اعلامی دشتی. جلد: تیماج مشکی با ترنج و سرترنج، عطف: قهوه‌ای. ۱۲۲گ، ۱۶س، ۱۲ × ۱۸سم

۱۱۵۵

### شرح قطر الندی و بل الصدی

(نحو - عربی)

از: جمال‌الدین عبدالله بن یوسف ابن هشام نحوی (۷۶۱ق)

نسخ، محمّدرفع بن ملا عبدالله، پنجشنبه ۱۲۶۵، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی فارسی و عربی به نقل از شواهد و شرح جامی و ...، تملک سیّد نورالدین پسر سیّد حیدر شیرازی ذیل انجامه دیده می‌شود، در برگ نخست یادداشت سیّد ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانهٔ آستانه آمده است که این نسخه اهدایی آیت الله سیّد شهاب‌الدین مرعشی نجفی به تاریخ ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۷۲ است، در برگ ۲ و ۷۰پ مهر مستطیل با نقش: «وقف نمود سیّد شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی بر کتابخانهٔ آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها ۱۳۷۲» دیده می‌شود. جلد: تیماج قهوه‌ای. ۷۱گ، ۲۳س، ۱۴ × ۲۰سم

## شرح قطر الندی و بل الصدی

(نحو - عربی)

از: جمال‌الدین عبدالله بن یوسف بن هشام نحوی (۷۶۱ ق)

نسخ، محمدحسین بن لطفعلی، ۱۶ شعبان ۱۲۳۸، برای ملا اسماعیل بن ملا حسن، عناوین و نشانیها: شنگرف و دارای حواشی در هامش و میان سطور به عربی و فارسی، در ذیل انجامه و در برگ آغازین و انجام نسخه مهر مربع با این عبارت: «وقف نمود شهاب‌الدین الحسینی المرعشی النجفی بر کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه»، در برگ سوم نیز یادداشت سید ناصرالدین آرام مدیر وقت کتابخانه آمده است که آیت الله مرعشی در تاریخ ۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۲ این نسخه را وقف کرده است، لبه برگ نخست پریده و ناشیانه وصالی شده است.

جلد: تیماج قرمز ضربی مجدول گرهی.

۱۳۴گ، ۱۵س، ۹/۵ × ۲۰/۵سم

## شرح المختصر النافع

(فقه - عربی)

از: ناشناخته (سده ۱۳ ق)

شرح مزجی مفصلی است بر المختصر النافع محقق حلی (۶۷۶ ق)، با استناد به احادیث و روایات و نقل اقوال بزرگان، با عناوین «قوله قوله». از کشف اللثام فاضل هندی (درگذشته ۱۱۳۷ ق) نقل می‌کند و در افزوده‌های در حاشیه نیز از شیخ جعفر نقل می‌نماید.

نسخه موجود مشتمل بر کتاب النکاح می‌باشد.

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و صلّ الله على محمد و آله الطاهرين ... كتاب النکاح قال الجوهري الوطی و قد يقال العقد و قال في القاموس النکاح الوطی و العقد».

انجام: «فان لم يوجد جاز لهم اخذ النفقة من غير اذن من وجبت عليه مع امتناعه تم كتاب النکاح يوم الثالث عشر بشهر ذی القعدة و ذی الحج».

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، سده دوازدهم و سیزدهم هجری، عناوین و نشانیها: شنگرف، در اوایل نسخه خط‌خوردگی‌ها در متن و افزودگی‌های بسیار در حواشی به چشم می‌خورد، تصحیح



شده، با حواشی «منه»، با مهر بیضوی «محمدجعفر» و مهر کروی «عبدہ موسی موسوی»،  
اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.  
جلد: تیماج مشکی مجدول گرهی.  
۲۰۳ گ، ۱۹ س، ۱۹ × ۲۲ سم

۱۱۹۷

### شرح النقایة فی مختصر الوقایة

(فقه حنفی - عربی)

از: محمود بن الیاس رومی (قرن ۹ ق)

شرحی مزجی بر کتاب النقایة فی مختصر الوقایة صدر الشریعہ الثانی، عبیدالله بن  
مسعود حنفی (۷۴۵ ق) است.

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا): ج ۲۰، ص ۸۸۶.

نسخه موجود از کتاب الطهارة آغاز و تا وصایا به فرجام رسیده است.

نسخ، بی کا، بی تا، سده دوازدهم هجری، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، نام مؤلف  
و تاریخ تألیف (شب جمعه ۱۸ ذیحجه ۸۵۱) در پایان ثبت شده است، اهدایی آیت الله  
مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

۱۳۵ گ، ۱۶ س، ۱۶/۵ × ۲۰ سم

۱۱۲۰

### شرح هداية الحكمة (= شرح الهدایة الاثیریة)

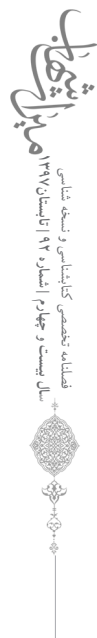
(فلسفه - عربی)

از: کمال الدین حسین بن معین الدین میبیدی (۹۱۱ ق؟)

نسخ، بی کا، بی تا، قرن ۱۲ ق، عناوین: شنگرف، در برگ نخست یادداشت سید ناصرالدین  
آرام مبنی بر اهدای این نسخه از آیت الله مرعشی نجفی در ۴ جمادی الثانی ۱۳۷۲ و در  
ذیل آن مهر مستطیل با این عبارت: «وقف نمود سید شهاب الدین الحسینی المرعشی  
النجفی بر کتابخانه آستانه حضرت معصومه سلام الله علیها»، رطوبت و چربی و موریانه  
به حواشی نسخه سرایت نموده است.

جلد: تیماج زرد، مرمت شده.

۱۰۶ گ، ۱۲ س، ۱۹ × ۱۲ سم



۱۱۳۴

### شرح هدایة الحکمة

(فلسفه - عربی)

از: کمال‌الدین حسین بن معین‌الدین میبیدی (۹۱۱ق؟)

نستعلیق، بی‌کا، اواخر دههٔ نخستین جمادی‌الثانی سال ۱۰۶۲، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای حواشی با نشان «مصلح‌الدین» و «منه رحمه الله»، با دو یادداشت تملک: ۱. محمّدصالح با مهر بیضوی، ۲. محمّدحسین پسر محمّد مهدی مشهور به آقا بابا در ۱۱۸۳، ذیل انجامه یادداشت سید ناصرالدین آرام مبنی بر اهدای این نسخه از طرف آیت‌الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

جلد: تیماج خرمایی گرهی.

۹۸گ، ۱۷س، ۱۰×۱۹سم

۱۲۹۷

### شمس الحقیقة

(اصول دین - فارسی)

از: مهدی بن یوسف خراسانی، واعظ (زنده در ۱۲۹۷ ق)

در اصول دین، در ضمن چند باب، باب اول در اقرار به وجود حق تعالی و صفات کمالیه اوست، به انضمام اشعار عربی در ستایش علی بن ابی‌طالب (ع) و رساله‌ای به نام الباب المختار من کتب مولانا امیرالمؤمنین (ع) و رسائله الی اعدائه و امراء بلاد. مؤلف این کتاب را به نام ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۷ ق نگاشته و در سال ۱۲۹۶ تألیف آن را آغاز کرده و در سال ۱۲۹۷ ق آن را به فرجام آورده و در دیباچهٔ رساله از حاجی محمّد رضا مؤتمن‌الملک وزیر مملکت خراسان تمجید می‌کند.

آغاز: «الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد اما بعد چنین گوید تراب اقدام ارباب یقین

... مهدی بن یوسف».

انجام: «تمّ باب المختار بعون الملك الجبار فی يوم السابع عشر شهر ربيع الاول ۱۲۹۷».

نستعلیق، مهدی بن یوسف خراسانی مشهور به واعظ، دوشنبه صفر سال ۱۲۹۷، سی و چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، و ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۹۷ در پایان بخش دوم، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، اهدایی آیت‌الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق.

جلد: تیماج زرشکی، عطف: تیماج قهوه‌ای.

۲۸۳گ، ۱۶س، ۱۴×۲۱.

میراث

موقوفات ماندگار  
(بخش اول)



۱۳۷۸

### صحاح اللغة

(لغت - عربی)

از: ابونصر اسماعیل بن حماد جوهری نیشابوری (۳۹۳ ق)

نسخه حاضر از فصل الذال تا آخر است.

آغاز افتاده: «... فصل الذال ذرع الید یذکر و یؤنث و الذراع ذراع الأسد».

انجام: «الا یا اسلمی یا دارمی علی البلی \* و لازال منهالاً بجرعائک القطر».

نسخ معرب و نستعلیق، بی‌کا، سنه ۱۱۵۶، عناوین و نشانیها: شنگرف و مشکى، صفحات

دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

جلد: تیماج زرد مجدول، ترنج و سرترنج ضربی، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت.

۳۶۵ گ، سطور مختلف، ۱۶ × ۲۲/۵ سم

۱۰۷۱

### الصحيفة السجادية

(ادعیه - عربی)

از: امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام (شهادت ۹۵ ق)

نسخ، بی‌کا، بی‌تا، از قرن ۱۲ ق، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی

نجفی در ۱۳۷۲ ق با مهر کتابخانه.

جلد: تیماج مشکى ضربی، مرمت شده.

۱۸۴ گ، ۱۱ س، ۱۱ × ۱۶ سم

۱۱۱۴

### الصحيفة السجادية

(ادعیه - عربی)

از: امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام (شهادت ۹۵ ق)

ملحقات را دارد.

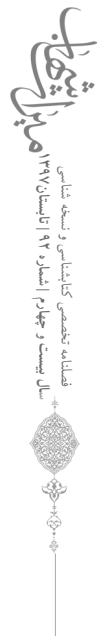
نسخ معرب، بی‌کا، سه‌شنبه شعبان ۱۰۸۹، عناوین و نشانیها: شنگرف، دارای حواشی، با

نسخه علامه مولی محمدباقر مجلسی مقابله شده که آن نیز با نسخه شیخ بهایی مقابله شده

بود، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۰ ش.

جلد: تیماج روغنی، عطف: نارنجی سیر.

۱۸۴ گ، ۱۱ س، ۱۱ × ۱۹ سم





### الصحيفة السجادية (با ترجمه زيرنويس فارسی)

(ادعیه - عربی)

از: امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام (شهادت ۹۵ ق)

مترجم: ناشناخته

ترجمه فارسی دعاها زيرنويس شده، ملحقات اين نسخه شامل: تسييح، دعائه في التحميد، دعائه في التذلل، دعائه في ذكر آل محمّد (ع)، دعائه في الصلوة على آدم، دعائه في الكذب و الاقالة، دعائه فيما يخافه و يحذره، دعائه في الايام السبعة. آغاز افتاده: «... علی بن ابی طالب (ع) في شهر ربيع الاول من سنة ستّ عشرة و خمسمائة قراءة عليه و انا أسمع قال سمعتها».

آغاز دعای اول: «و كان من دعائه (ع) اذا ابتداء بالدعاء بدأ بالتحميد لله عزّ و جلّ و الثناء عليه ، فقال: الحمد لله الاول بلا اول كان قبله و الآخر بلا آخر يكون بعده الذي قصرت عن رؤيته ابصار الناظرين و عجزت عن نعته اوهام الواصفين...».

آغاز ترجمه: «سپاس مر خدای را که اول همه است بی آنکه اولی باشد پیش از او و آخر همه است بی آنکه آخری باشد بعد از او، آن کسی که کوتاهی کرده است از دیدن او چشم‌های نگاه‌کنندگان و عاجز آمده است از وصف کردن او اندیشه‌های وصف‌کنندگان».

انجام: «انت ثقتی و رجائی فی الأمور کلّها فاقض لی بخیرها عاقبة و نجّنی من مضلات الفتن برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمّد رسول الله المصطفی و علی آله الطاهرين».

انجام ترجمه: «تویی اعتماد من و امید من در کارها همگی، پس حکم کن برای من به بهترین آنها از روی عافیت و رهایی ده مرا از گمراه‌کنندگان به رحمت خود ای مهربان‌ترین مهربانان رحمت کند خدا بر مهتر ما محمّد رسول خدا که برگزیده است و بر آل او که پاکانند». انجام افتاده ملحقات در دعای یوم السبت: «و توقّنی لما ینفعنی ما ابقیتنی و ان تشرح بکتابک صدري».

متن ادعیه: نسخ معرب، و نستعلیق در ترجمه زيرنويس به شنگرف، بی‌کا، بی‌تا، از سده دوازدهم هجری، صفحه آغاز نونویس، عناوین و نشانیها: شنگرف، نسخه تصحیح شده، در حاشیه لغات مشکله را توضیح می‌دهد و ذکر نسخه بدل‌ها با رمز (س) و حواشی با



نشانی (م ق ر مدّظله)، صفحات مجدول به لاجورد و مشکى، در آخر نسخه به خطى علمایى و بدون نقطه «و من مناجاته (ع) من الله العلام» با سرآغاز: «الهی الأمان الأمان يوم لا یتأخرون ساعة»، اهدایى آیت الله مرعشى نجفى به آستانه در ۱۳۴۲ ش. جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، ترنج‌دار، با نمای بارگاه کریمه اهل بیت. ۱۸ گ، ۱۸ سطر با ترجمه، ۱۳ × ۱۹/۵ سم

۱۴۰۸

### الصحيفة السجادية

(ادعیه - عربی)

از: امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام (شهادت ۹۵ ق)  
نسخه موجود از آغاز تا نیمه دعای ۴۵ می باشد.  
آغاز: «حدثنا السيد الاجل نجم الدين بهاء الشرف ابوالحسن محمد بن الحسن بن احمد بن علی بن محمد».

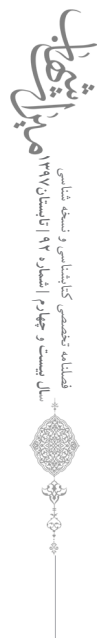
انجام افتاده: «السلام عليك كما وفدت علينا بالبركات و غسلت عنا دنس الخطيئات».  
نسخ معرب، بی‌کا، بی‌تا، عناوین: نانوشته، صفحات ستون‌بندی به زر و مشکى و کمنداندازی به زر و مشکى و مجدول به لاجورد و مشکى، فتحعلی خان تنکابنی با تولیت علی حسینی تنکابنی این نسخه را به تاریخ ۱۲۴۸ در جهت روح بزرگ امام سجاد (ع) وقف نمود تا مورد استفاده علما قرار گیرد، اهدایى آیت الله مرعشى نجفى در ۱۳۴۱ ش. جلد: تیماج زرشکى، درون جدول زرانود. ۱۱۱ گ، ۹ س، ۱۴ × ۲۳ سم

۱۰۵۵

### الصدرية في القواعد النحوية

(نحو - عربی)

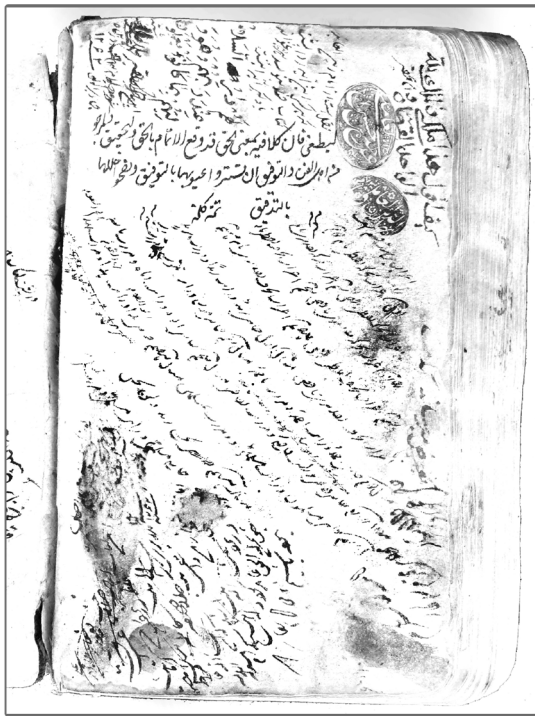
از: امیر معزالدين محمد بن ابی‌الحسن موسوی مشهدی (زنده ۱۰۴۳ ق)  
الذریعه: ج ۱۴، ص ۲۳۰ و ج ۱۵، ص ۲۸؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا): ج ۲۱، ص ۶۰۱-۶۰۲.  
آغاز: «بسمله، لك الحمد يا فاعل ما تشاء و لك الشكر يا رافع اسماء الملائكة في السماء و لك الثناء يا ناصب اعلام النبيين في الغبراء».



نستعلیق، بی‌کا، بی‌تا، سدهٔ یازدهم هجری، عناوین و نشانیها: شنگرف و مشکى، تملك  
حیدر بن حسین عاملی و بهاء‌الدین عاملی با مهر بیضوی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی  
در ۱۳۴۳ ش.

جلد: تیماج مشکى، عطف: تیماج سبز مرمت شده.

۱۱۸گ، سطور مختلف، ۱۱ × ۱۷سم



تملك و مهر «حیدر بن حسین عاملی» و «بهاء‌الدین  
عاملی» در صفحهٔ نخست «الصدرية في القواعد المحوية»  
نسخه خطی شماره: ۱۰۵۵

۱۳۹۶

### صلوة مسعودی

(فقه حنفی - فارسی)

از: مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی (قرن ۷ ق)

مرحوم استاد دانش‌پژوه در فهرست آستانهٔ قم (صفحات ۱۴۰ ۱۴۴) به تفصیل به معرفی  
کتاب حاضر و نسخه‌های خطی شناخته شده از آن پرداخته است.

آغاز افتاده: «چون توفیق رفیق وی گردد که ده بار گوید اعوذ بالله».

انجام افتاده: «... خلیفه کرد تا خطبه خواند روا بود اشکال آید که بر».

نسخ تحریری، محمود بن شیخ علی بن امیرخواجه بن امیرلالا، سه‌شنبه ۲۴ رمضان سال ۸۲۹ (پایان دفتر یکم)، ثبت تاریخ زادروز محمدسعید در ۶ ربیع‌الثانی ۷۳۲ در برگه پایانی دفتر یکم (برگ ۱۲۲) آمده است، عناوین و نشانیها: شنگرف، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۴۳ ش.

جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول، با ترنج و نمای بارگاه کریمه اهل بیت.

۲۶۶گ، ۲۳س، ۱۶ × ۲۳/۵سم

۱۳۳۸

صیغ ایقاع و عقود نکاح و متعه و کفاره افطار روزه ماه رمضان (فقه - فارسی)

از: میر محمدباقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی اصفهانی (۱۱۲۷ ق)

این کتاب مختصر مشتمل بر سه مطلب است:

مطلب اول: در بیان عقد نکاح دائمی و مجملی از احکام آن؛

مطلب دوم: در بیان عقد متعه و بعضی از احکام آن؛

مطلب سوم: در بیان مجملی از احکام افطار روزه ماه مبارک رمضان.

به نام شاه سلطان حسین صفوی نگاشته شده است.

فهرست دانشگاه تهران: ج ۷، ص ۲۷۱۸؛ فهرست مدرسه سپهسالار: ج ۵، ص ۲۹۴؛

فهرست مدرسه فیضیه: ج ۲، ص ۸۰؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا): ج ۲۱، ص

۹۵۶.

آغاز: «حجله عرایس ابکار سخن را زینت و بها و شبستان گل‌چهرگان بیان را روشنی و

ضیاء».

انجام: «و بسیاری از علما کفاره را به جهت جبر کردن بر مرد واجب ندانسته‌اند و واجب

نبودن کفاره دیگر ظاهرتر است».

نسخ، علی بن مجنون تبریزی قمی، ۲۵ رجب سال ۱۱۴۸ در نقلی در کشور گرجستان،

عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در

۱۳۴۲ ش.

جلد: مشتمل قهوه‌ای، عطف: تیماج قرمز.

۴۶گ، ۱۲س، ۱۵ × ۲۰/۵سم



۱۵۵۴

### ضوء المصباح

(نحو - عربی)

از: تاج‌الدین محمد بن محمد اسفراینی (۶۸۴ ق)

شرحی است بر کتاب المصباح ناصرالدین بن عبدالسید مطرزی نحوی (۶۱۰ ق). شارح چون شرح طولانی دیگری به نام المفتاح فی شرح المصباح نوشته بوده، به دستور استادش برهان‌الدین نسفی (۶۸۷ ق) آن را گزیده ساخته است. آغاز: «قوله اما بعد حمد الله ذی الانعام، اما کلمة فیها معنی الشرط و الابتداء و لذلك كانت الفاء لازمة لها».

انجام: «و هذا باب الاطناب فيه مجال لکنه یفضی الی الملال فاقتصرت علی هذا القدر فلیس الی».

نستعلیق، محمد عبدالحکیم، سه‌شنبه بعد از طلوع آفتاب سال ۱۲۳۲ در بلده مدراس در هند، عناوین و نشانیها: شنگرف، با حواشی، صفحات تا برگ ۳۳ مجدول به شنگرف و مشککی، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق. جلد: تیماج قهوه‌ای مجدول. ۱۴۰ گ، ۱۷ س، ۱۸ × ۳۰ سم

۱۵۶۷

### عقائد المتقین در معرفت اصول دین

(اعتقادات - فارسی)

از: میرزا کلب حسین بن فضلعلی تبریزی<sup>۱</sup> (قرن ۱۱ ق)

در این کتاب عقاید شیعه به روش ساده و گاهی به صورت سؤال و جواب، به صورت مفصل با عناوین «عقیده عقیده» با استفاده از آیات کریمه و احادیث اهل بیت (ع)، در یک مقدمه در غرض از خلقت و پنج باب به تفصیل ذیل بیان شده است:

باب اول: در صفات خالق؛

باب دوم: در نبوت و رسالت؛

۱ نام مؤلف به شکل های متفاوت و ناهمگون در منابع مختلف ثبت شده، از جمله ر.ک: فهرستواره منزوی ۴۳۲/۹؛ فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) ۷۲۲/۲۲.

باب سوم: در خلافت و امامت؛

باب چهارم: در معاد و احوال قیامت؛

باب پنجم: در چگونگی انقراض عالم.

آغاز: «صدر الکتاب صحیفه رازداران الهی و فصل الخطاب صدرنشینان بارگاه پادشاهی حمد و ثنای حضرت سلطان».

انجام: «و الطاف نامتناهی خود را از ما عاصیان دریغ ندارد آنه ولی الاحسان و مولی الفضل و الامتنان».

نستعلیق، علی قلی بن محمد ساکن قریه کندوجان ویدهر (نام منطقه‌ای در آذربایجان شرقی)، دوشنبه ۲۶ ماه ربیع الاول سنه ۱۲۳۰، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج خاکستری.  
۴۵۹گ، ۲۲س، ۲۰ × ۲۸/۵سم

۱۶۵۰

### عین البكاء

(تاریخ معصومین - فارسی)

از: محمدتقی بن احمد بروجردی، متخلص به نقی (زنده در ۱۱۹۹ ق)

نام مؤلف در منابع به دو صورت (محمدتقی) و (علی نقی) ثبت شده است.

فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا): ج ۲۳، ص ۱۵۷؛ فهرستواره منزوی: ج ۳، ص ۱۷۲۱.

آغاز: «الحمد لله الذی خلقنا بلطفه من الماء و الطین و جعلنا بکرامته من امة سیّد المرسلین».

انجام: «یا الله دست ما را از دامن چنین آقایی کوتاه مکن و ما را به شفاعت او برسان».

نستعلیق، محمدمحسن بن ملا ابوالقاسم کابلی، ۱۶ صفر سنه ۱۲۲۷، عناوین و نشانیها: شنگرف، صفحات دارای رکابه، اهدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ق.  
جلد: مشتمع قرمز، عطف: تیماج سبز.  
۱۷۶گ، ۲۲س، ۲۱ × ۳۱سم



۱۶۶۵

### عین البكاء

(تاریخ معصومین - فارسی)

از: ملا محمدتقی بن احمد بروجردی، متخلص به نقی (زنده در ۱۱۹۹ ق)

آغاز: برابر نسخه پیشین.

انجام: «بعد از ناله و زاری و بی‌قراری آن اسیران بر سر قبر شهیدان به تلاوت شکایت قرار

گرفتند».

نستعلیق، علی ولد استاد قربانعلی کجوری، قریه پول (گ ۹۲) من محال کجور، چهارشنبه

۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۴۴، عناوین و نشانیها: سنگرف، صفحات دارای رکابه، هدایی آیت الله

مرعشی نجفی در ۱۳۴۰ ش.

جلد: تیماج روغنی مجدول.

۱۱۲ گ، ۲۰ س، ۲۱ × ۳۳ سم

۱۴۲۳

### عیون اخبار الرضا (ع)

(حدیث - عربی)

از: شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۸۱ ق)

آغاز: «الحمد لله الواحد القهار العزيز الجبار الرحيم الغفار فاطر الأرض و السماء خالق

الظلمة و الضياء».

نسخ، محمدباقر بن ملا محمدتقی، ظهر ۱۷ رجب ۱۱۱۸، عناوین و نشانیها: سنگرف،

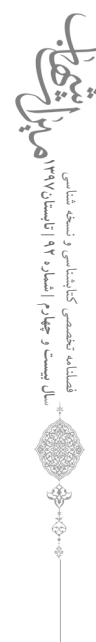
با حواشی، تملک محمدباقر کرمانی به سال ۱۱۱۸ با مهر بیضوی «یا امام محمدباقر

ادرنکی»، هدایی آیت الله مرعشی نجفی در ۱۳۷۲ ق.

جلد: تیماج زرشکی مجدول، با ترنج و سرترنج ضربی، عطف: تیماج قهوه‌ای.

۲۱۱ گ، ۲۳ س، ۱۸ × ۲۳/۵ سم

\*\*\*





## ملاحظات و تصحیحات (۵)

محمد کاظم رحمتی \*

### چکیده

این مقاله مجموعه ای است از یادداشت ها و نویافته های پژوهشی نگارنده در موضوعات مختلف تاریخ و رجال و کتابشناسی شیعی، از جمله در موضوعات زیر: یحیی بن الحسن العلوی و کتاب المسجد یا کتاب اخبار المدینه که مورد استفاده شیخ طوسی در کتاب الفهرست بوده است؛ کتاب اخبار زیاد نوشته محمد بن زکریا غلابی؛ نسخه کتاب الاربعین فخر رازی به خط علی بن ناصر سرخسی صاحب کتاب اعلام نهج البلاغه؛ خاندان شیعی بنو عذافه؛ کتابخانه شرف الدین مکی از نوادگان شهید اول در قرن دوازدهم؛ دیدگاه های رجالی ابن ولید؛ کتاب نوادر الحکمة نوشته محمد بن احمد اشعری قمی؛ تعامل کلینی با میراث غلات.

### کلیدواژه ها

علوی، یحیی بن حسن؛ المسجد (کتاب)؛ اخبار المدینه (کتاب)؛ الفهرست (کتاب) - منابع؛ اخبار زیاد (کتاب)؛ غلابی، محمد بن زکریا؛ اربعین فخر رازی (کتاب)؛ سرخسی، علی بن ناصر؛ بنو عذافه؛ خاندان های شیعی؛ مکی، شرف الدین - کتابخانه؛ شهید اول - خاندان؛ ابن ولید - دیدگاه های رجالی؛ نوادر الحکمة (کتاب)؛ اشعری قمی، محمد بن احمد؛ کلینی، محمد بن یعقوب - زندگی علمی.

\* استادیار بنیاد دائرة المعارف اسلامی.

بررسی کتاب الفهرست شیخ طوسی نشانگر آن است که شیخ طوسی به احتمال بسیار فهرست ابن عبدون را اساس کار خود قرار داده و آن را بر اساس کتاب الفهرست ابن ندیم، المشیخة تلعبری و اجازات خود که از میان آنها دست کم اجازه ای که شیخ طوسی در روایات آثار تألیفی و مرویات ابن عقده، از شاگرد او یعنی احمد بن محمد بن موسی اهوازی مشهور به ابن صلت (متوفی ۴۰۹) داشته را می توان نام برد، تکمیل کرده است. شیخ طوسی در مواردی مطالب آمده در فهرست ابن عبدون، مشیخة تلعبری و یا آنچه که در اجازات خود یافته را متفاوت از فهرست ابن عبدون دیده و آنها را به همان شکل به فهرست او افزوده است؛ این مسئله باعث شده تا بحثی در خصوص تعدد افراد مذکور بر اساس تعدد ذکر آنها در کتاب الفهرست شیخ طوسی در سنت متاخر رجالی شکل بگیرد.<sup>۱</sup> به عنوان مثال شیخ طوسی در کتاب الفهرست از سه تن به نام های یحیی بن حسن علوی؛ یحیی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و یحیی بن حسن نویسنده کتاب نسب آل ابی طالب نام برده است. فرد نخست یعنی یحیی بن حسن علوی بسیار کوتاه و چنین معرفی شده است:

«یحیی بن الحسن العلوي، له كتاب المسجد، تأليفه. أخبرنا جماعة عن التعلکبري عنه».

مشخص است که شیخ طوسی نام فرد اخیر را بر اساس مشیخه یا شاید اجازه ای که در روایات مرویات تلعبری داشته، آورده است و خود کتاب المسجد را در اختیار نداشته است. فرد بعدی که نسبش کامل آمده همان یحیی بن حسن علوی عبیدلی مشهور، یحیی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله علوی است در این مورد نیز شیخ طوسی مطلب آمده در خصوص او را، از اجازه عامی که به واسطه از ابن عقده دریافت کرده، آورده و باز از اثری که در ذیل نام او آمده یعنی کتاب المناسک نسخه ای ظاهراً در اختیار نداشته است «...له كتاب المناسک عن علی بن الحسین علیهما السلام. أخبرنا به أحمد بن محمد بن موسی عن ابن عقده عنه». سرانجام آخرین فرد ذکر شده یحیی بن حسن است که نامش در فهرست ابن عبدون - فهرست احتمالی که اساس کار شیخ طوسی بوده - به صورت «یحیی بن الحسن، له كتاب نسب آل أبي طالب. أخبرنا

۱ برای مثال بنگرید به: سید مصطفی حسینی تفرشی، نقد الرجال، ج ۵، ص ۶۵-۶۶ که به احتمال یکی بودن هر سه حال نیز اشاره کرده است؛ شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۳۶-۳۷، ۳۸-۴۴.

به أحمد بن عبدون، عن أبي بكر الدوري عن أبي محمد ابن أخي طاهر عن جده يحيى بن الحسن؛ وأخبرنا أبو علي ابن شاذان عن أن أخي طاهر عن جده» آمده است.

البته در مورد اخیر می توان گفت که شیخ طوسی طریق خود یعنی ابوعلی حسین بن احمد بن شاذان اشعری (متوفی ۴۲۶) را به مطالب آمده را به فهرست ابن عبدون افزوده که دلالت بر این دارد که او به احتمال بسیار نسخه ای از کتاب النسب را در اختیار داشته است. با این حال به دلیل بی توجهی به این مطلب در سنت رجالی متاخر امامیه از تعدد افراد مذکور سخن رفته است. به واقع از آنجایی که شیخ طوسی آثار ذکر شده از افراد مذکور را جز کتاب نسب آل ابی طالب را در اختیار نداشته، مطالب و اطلاعات آمده در اجازات و کتب دیگر را به فهرست ابن عبدون بدون دخل و تصرف افزوده است.

کتاب نسب یحیی بن حسن علوی اثر بسیار مشهور است و نقل های فراوانی از آن در آثار شیخ صدوق، کتاب الاغانی و مقاتل الطالبیین ابوالفرج اصفهانی، تاریخ مدینه السلام خطیب بغدادی و کتابهای دیگری آمده است.<sup>۱</sup> کتاب النسب یحیی بن حسن علوی به روایت نواده اش ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی بن حسن مشهور به ابن اخی طاهر علوی (متوفی ۳۵۸) در میان محدثان بغدادی متداول بوده است و خطیب بغدادی شرح حال برخی از علویان و ائمه شیعه را به نقل از همان کتاب آورده است.<sup>۲</sup> خطیب بغدادی<sup>۳</sup> در ذیل شرح حال ابن اخی طاهر اشاره کرده که او در بغداد سکونت گزیده و آثار جدش یحیی بن حسن علوی

۱ ابوالفرج اصفهانی در کتاب الاغانی از جمله منابعی که در اختیار داشته، کتاب نسب آل ابی طالب بوده که آن را به روایت احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده در روایت خود داشته است. وی از عقیقی به یحیی بن حسن علوی یاد کرده است. برای نمونه بنگرید به: الاغانی، ج ۱۲، ص ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۱۵-۲۱۶، ۲۱۷-۲۲۰، ۲۲۱-۲۲۳، ۲۳۴-۲۳۵، ج ۱۶، ص ۱۳۹، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۹، ۳۶۰، ج ۲۱، ص ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶-۱۱۷، ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴. مشکل بازسازی کتاب النسب یحیی بن حسن علوی ظاهراً اختلاف تحریر های آن به روایت راویان آن باشد. در هر حال از منابع مهمی است که کثرت نقل قولهایی آمده از آن تا حدی می تواند امکان بازسازی آن را فراهم کند.

۲ برای نمونه بنگرید به: تاریخ مدینه السلام، ج ۱۵، ص ۱۲، ۱۳، ۱۴-۱۶، ۱۷-۱۸، ۱۹-۲۰ شرح حال امام موسی کاظم علیه السلام و موسی بن عبدالله بن حسن مثنی که بخش مهمی از مطالبی که خطیب در شرح حال هر دو آورده، برگرفته از کتاب النسب یحیی بن حسن علوی است.

۳ تاریخ مدینه السلام، ج ۸، ص ۴۴۵.

را روایت می کرده است. مسعودی نیز در کتاب التنبیه و الاشراف<sup>۱</sup> منبع خود در نقل اطلاعات مربوط به سادات را کتاب یحیی بن حسن علوی به روایت نواده اش معرفی کرده است: «... وما ذكرنا من انساب آل أبي طالب فمن انسابهم الذي حدثنا به طاهر بن يحيى بن حسن بن جعفر بن عبيدالله - در متن به خطا عبدالله - بن الحسن بن علي بن ابي طالب عن ابيه».

درباره کتاب المناسک اطلاعی نیافتم. اما کتاب المسجد که شیخ طوسی نام آن را بر اساس مشیخه یا اثری دیگر از تعلقبری آورده است، نخست بهتر است تا درباره نام کتاب اشاره ای برود. عنوان عام المسجد نشان از این دارد که کتاب باید درباره مسجد النبی یا مسجد الحرام بوده باشد که به شکل عام المسجد آمده است. خوشبختانه بخش مهمی از کتاب اخیر در ضمن کتاب المناسک و أماكن طرق الحج و معالم الجزيرة باقی مانده و همچنین بر اساس نقل قولها می توان دریافت که مسجد مورد بحث مسجد النبی در مدینه است. کتاب المناسک توسط حمد جاسر و با انتساب به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق حربی (متوفی ۲۸۵) منتشر شده است، البته بعدها حمد جاسر در انتساب کتاب اخیر به حربی تردید نموده است؛ متأسفانه هویت نویسنده کتاب المناسک علیرغم کوشش هایی که در شناخت هویت او شده، هنوز در پرده ابهام است، تنها نکته مسلم درباره آن این است که اثری تألیف شده در قرن سوم هجری و پیش از فتح احساء توسط قرمطیان به رهبری ابوسعید جنابی است، چرا که در سخن از والیان هجر اشاره دارد که حکومت آنجا در دست خاندان بنی محارب که در آن هنگام زعیم آنها فردی به نام عیاش بن سعید بود، بوده است و حکومت آنها توسط ابوسعید جنابی در ۲۸۷ بعد از جنگ سخت و طولانی برافتاد.<sup>۲</sup>

نقل های اخیر به گونه ای است که حتی می توان کتاب المسجد را بازسازی کرده و با عنوان المتبقی من کتاب المسجد آن را منتشر نمود. کتاب المسجد اثری مشهور از یحیی بن

۱ لایدن: ۱۹۶۷، ص ۳۰۰

۲ کتاب المناسک، ص ۶۲۰: «و بهجر منیران عظیمیان بینهما فراسخ، أحدهما فی مملكة ابن عیاش من عبدالقیس ..والآخر فی مملكة موسی بن عمران بن الرجاف و هو بجبله و ساکنها عبدالقیس...». مسعودی (التنبیه و الاشراف، ص ۳۹۳) اشاره بسیار کوتاهی به عیاش بن سعید محاربی آورده و نوشته است: «..وهجر كانت اعظم مدن البحرین - مراد بحرین قدیم شامل احساء، قطیف و اوال است - وكان بها عیاش المحاربی وكان اعظمهم عدة واشدهم شوكة ومواقعة ابي سعید العباس بن عمرو الغنوی».

حسن علوی بوده و نجاشی در ضمن شرح حال یحیی بن حسن در کنار اشاره به نام کتاب نسب آل ابی طالب، از آن نام برده است. ظاهراً نجاشی هر دو کتاب را به اجازه در اختیار داشته است.<sup>۳</sup> با چنین شهرتی و اشاره نجاشی که دلالت بر در اختیار داشتن متن یا دیدن نسخه ای از آن دارد، می توان این پرسش را مطرح کرد که آیا کتاب المسجد در اختیار افراد دیگری نیز بوده و می توان نقل هایی دیگری از آن را یافت؟

محمد بن حسین آجری (متوفی ۳۶۰) در کتاب الشریعة خود به مناسبت بحث از افراد مدفون در جوار پیامبر در مسجد النبی، به کتابی از یحیی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب اشاره کرده و مطالبی از آن نقل کرده است. آجری در خصوص تألیف مورد بحث نخست آن را اثری در فضل مدینه و شرف آن: «...کتاباً ألفه فی فضل المدینة و شرفها...» ذکر کرده و گفته که نسخه مذکور به روایت طاهر بن یحیی است و کتابی است مشهور «وهو کتاب مشهور». در ادامه از فردی به نام ابوعبدالله جعفر بن ادريس قزوینی که امام در مسجد الحرام بوده یاد کرده، و گفته که نسخه ای از کتاب یحیی بن حسن را نیز نزد او دیده است و آن را اثری در حدود صد برگ ذکر کرده است: «...رأیت الکتاب معه مجلداً کبیراً شبیهاً بمائة ورقة، سمعه من طاهر بن یحیی فی فضل المدینة...». پرسش این است که نام دقیق کتابی که آجری از آن یاد کرده چیست؟ در سنت متاخر مورخان حجازی اثری به نام اخبار المدینة به یحیی بن حسن نسبت داده شده است، آیا مراد آجری همین کتاب است؟ در ادامه به این پرسش باز خواهیم گشت.

### اخبار المدینة نام متاخر کتاب المسجد

به یحیی بن حسن علوی کتاب مشهور دیگری به نام اخبار المدینة نیز نسبت داده شده که سمهودی نسخه ای از آن به دو تحریر و روایت که کمی با یکدیگر تفاوت داشته اند، در اختیار داشته و به کرات از آن نقل کرده است. محتمل است که کتاب اخبار المدینة بسط و گسترش یافته کتاب المسجد باشد که بعدها یحیی بن حسن علوی مطالب مربوط به تاریخ مدینه را بر آن افزوده باشد اما دقت در نقل قولهای موجود که تقریباً مربوط به مسجد النبی می باشد،

۳ فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ص ۴۴۱-۴۴۲.

دلالت بر این دارد که عنوان اخبار المدینه نمی تواند نام کتاب باشد. حمد جاسر اطلاعی از مطالب آمده در سنت فهرست نگاری امامیه درباره یحیی بن حسن علوی و کتاب المسجد او نداشته است و بر اساس عنوان متاخر بر کتاب، اثر یحیی بن حسن را اخبار المدینه نام برده است، به نظر می رسد که آنچه که در سنت متاخر مورخان حجازی به عنوان کتاب اخبار المدینه یحیی بن حسن علوی یاد شده همان کتاب المسجد باشد و مطالب نقل شده موجود نیز این گمان را تأیید می کند. عبدالعزیز عوض سلمان جهنی، تمام مطالب موجود از کتاب المسجد یحیی بن حسن علوی را البته با عنوان اخبار المدینه در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان مرویات اخبار المدینه لیحیی بن الحسن العلوی العقیقی در دانشگاه طیبه مدینه به سال ۲۰۱۴/۱۴۳۵ گردآوری کرده است.

### محمد بن زکریا غلابی و کتاب اخبار زیاد او

از مسائل مورد بحث و جدل در باب تاریخ نگاری حوادث و احداث قرن اول هجری، موضوعاتی است که به نحوی با صحابه در ارتباط است که بخشی از میراث اخباریان و مورخان قرن اول تا سوم تک نگاری های را تشکیل داده است. بخش مهمی از آثار مذکور در جریان تدوین تواریخ عمومی که از قرن سوم به بعد آغاز شد، به شکل گزینشی مورد استناد قرار گرفت، اما بخش اعظمی از این میراث که با تصورات و عقاید کلامی جریان های مهم فکری عراق یعنی اهل حدیث و اساسا اهل سنت سازگاری نداشت، به آرامی کنار نهاده شد و از میان رفت، با این حال گرچه در سنت تاریخ نگاری بخش مهمی از میراث مورد بحث، به دلایل کلامی و سیطره اهل حدیث کنار نهاده شد، اما از سوی دیگر بخشی از میراث مذکور مورد استناد فقیهان در مسائل بود و طبعاً به شکلی باعث حفظ اخباری شده است که در سنت تاریخ نگاری حذف شده است. در نگاه اهل حدیث و اساساً نگاه غالب در تاریخ نگاری اسلامی اهل سنت، کمرنگ کردن اختلافات صحابه و یا عدم تعرض به ذکر آنها بوده است. نگاه اخیر در تألیفات نوشته شده عالم اهل سنت به عنوان بخشی از اصول اعتقادی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال ابوبکر محمد بن حسین آجری (متوفی ۳۶۰) عالم و محدث نامور بغدادی در بخشی از کتاب الشریعة خود، همانند بسیاری از عالمان

اهل حدیث عصرش، بحث مفصلی با عنوان «ذکر الکف عما شجر بین أصحاب رسول الله..» آورده است.<sup>۱</sup>

اگر این مطلب را مورد توجه قرار دهیم می توان اهمیت توجه عالمان امامی برای حفظ تراث مورخان قرن اول را دریافت. به عنوان مثال شیخ مفید در مجالس امالی خود بخشی از مطالب خود را به نقل منتخباتی از کتاب های اخباریان سه قرن اول هجری که آثاری در ذکر حوادث دوران خلافت امیر المؤمنین علیه السلام و آنچه که مورخان اهل سنت، احداث و فتن یاد کرده اند، اختصاص داده و در مجالس متعددی بخش هایی از کتاب الغارات ابو هلال ثقفی را املاء می کرده است.<sup>۲</sup> عالم نامور امامی ابوالفرج اصفهانی در ضمن شرح حال برخی شاعران، گاه متن کاملی از تک نگاری های اخباریان قرن اول و دوم را نقل کرده همچون کتاب مقتل حجر بن عدی ابومخنف لوط بن یحیی ازدی.<sup>۳</sup>

به واقع شرح حال زیاد بن ابیه و مطالبی که در باب او در سنت فقهی آمده، نمونه ای جالب از دشواری های اهل حدیث در مواجهه با اخبار قرن اول است که در کنار حذف آنها در سنت رسمی تاریخ نگاری، ناگزیر از استناد به آنها در سنت فقهی بوده اند، تطور شکل نقل احادیث مذکور در مجامع حدیثی و سنت فقهی خود می تواند موضوع بحثی قرار گیرد. بخشی از تک نگاری های مورد بحث، درباره حوادث و جنگ ها بود و بخشی دیگر در باب برخی چهره های صحابه که عهده دار اموراتی بوده اند. در میان افراد اخیر، نام زیاد بن ابیه به

۱ بنگرید به: محمد بن حسین آجری، الشریعة، تحقیق ولید بن محمد بن نبیه سیف الناصر (هرم: مؤسسة القرطبة، ۲۰۰۳/۱۴۲۳)، ج ۴، ص ۱۸۶-۱۹۲. آجری (ج ۴، ص ۱۸۹-۱۹۰) درباره افرادی که به دنبال اخبار صحابه و نقش آنها در حوادث قرن اول هجری هستند، نوشته است: «من جاء إلى أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله حتى يطعن في بعضهم ويهوي بعضهم ويذم بعضاً ويمدح بعضاً فهذا رجل طالب الفتنة وفي الفتنة وقع..».

۲ شیخ مفید نسخه ای از کتاب الغارات ابو هلال ابراهیم بن محمد ثقفی را به روایت ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب کاتب در اختیار داشته است. فرد اخیر نیز کتاب الغارات را به روایت حسن بن علی زعفرانی از ثقفی روایت کرده است. همچنین به همین طریق شیخ مفید از آثار دیگر ثقفی، چون مقتل عثمان، کتاب السقیفة نقل کرده است. بنگرید به: شیخ مفید، الامالی، ص ۷۹-۸۴، ۹۵، ۱۲۶-۱۲۷، ۱۳۴-۱۳۶، ۱۳۸-۱۳۹، ۱۴۵، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۶۹-۱۷۰، ۱۷۵-۱۷۷، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۶۰-۲۶۹، ۲۹۵-۲۹۸، ۳۰۵-۳۰۷، ۳۲۹-۳۳۹، ۳۳۲-۳۴۰.

۳ بنگرید به: ابوالفرج اصفهانی، کتاب الاغانی، تحقیق علی محمد بجاوی (بیروت: مؤسسة جمال للطباعة والنشر، بی تا)، ج ۱۷، ص ۱۳۳-۱۵۵.

دلیل نقشی که در حوادث نیمه نخست قرن اول هجری داشته، به عنوان اثری از تک نگاری های مورخان به چشم می خورد. زیاد بن ابیه در حوادث مهمی نقش داشته که البته در اینجا چند مورد خاص مد نظر است. نخست نام وی به عنوان چهارمین شاهد در ماجرای مغیره بن شعبه و مسئله روابط نامشروع او با زنی است که زیاد به عنوان چهارمین فرد در آن ماجرا به گونه ای شهادت داد که مغیره از اجرای حد رست. مسئله مذکور در سنت تاریخ نگاری کمرنگ شده اما در سنت فقهی در باب شهادت از ایام کهن مورد استناد قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

نکته دیگر در باب زیاد، نقش وی در سرکوب شیعیان کوفه است. وی بعد از مرگ مغیره بن شعبه در سال ۵۰ هجری به امارت کوفه رسید و نقش مهمی در تبعید و قتل بزرگان شیعه در کوفه ایفا کرد. زیاد بن ابیه نقش مهمی در دستگیری حجر بن عدی که در نهایت به شهادت او منتهی شد، داشته است. از این رو تدوین اخبار مربوط به زیاد بن ابیه مورد توجه برخی اخباریان و مورخان شیعی بوده و سعی داشتند تا چهره او را بر اساس اخبار و روایات تاریخی متداول تدوین کنند. در میان عالمان امامی که به تدوین اخبار زیاد اهتمام نشان داده، محمد بن زکریا غلابی است.

ابوعبدالله محمد بن زکریا بن دینار (متوفی ۲۹۸) از موالی بنو غلاب از عالمان امامی نامور بصره در قرن سوم است. نجاشی که مطالب خود درباره غلابی را از ابن نوح اخذ کرده، در اشاره به غلابی گفته که وی از بزرگان اصحاب در بصره است: «وكان هذا الرجل وجهاً من وجوه أصحابنا بالبصرة». با این حال آثار تألیف شده توسط غلابی در حوزه تاریخ بوده و همین باعث شده تا ذکری از وی در فهرس کهن اصحاب نرود، که تنها مشتمل بر ذکر آثار روایی بوده است. ابن نوح شاگردان متعدد غلابی را در بصره دیده و گفته که آثار غلابی را به واسطه ده تن از شاگردانش در روایت خود دارد. نجاشی فهرست آثار غلابی را به شکل گزیده آورده و از میان آثار متعدد او تنها شماری را ذکر کرده است.<sup>۲</sup> کتاب اخبار زیاد غلابی از متن هایی

۱ بنگرید به: عبدالرزاق صنعانی، المصنف، تحقیق حبيب الرحمن اعظمی (بیروت، ۱۹۸۳/۱۴۰۳)، ج ۸، ص ۳۶۲؛ علی بن محمد ماورزی، الحاوی الکبیر، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۴/۱۴۱۴)، ج ۱۳، ص ۲۲۷؛ عبدالملک بن عبدالله جوینی، نهاية المطلب فی درایة المذهب، تحقیق عبدالعظیم محمود دیب (جده: دار المنهاج، ۲۰۰۷/۱۴۲۸)، ج ۱۸، ص ۵۹۴-۵۹۵.

۲ نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، ص ۳۴۶-۳۴۷. مطالب آمده درباره غلابی در سنت تراجم نگاری امامیه عموماً محدود به اطلاعاتی است که نجاشی آورده است. بنگرید به: شوشتری، قاموس



است که فقیهان اهل سنت نیز به آن توجه داشته اند. به عنوان مثال یحیی بن شرف نووی در شرح خود بر کتاب المذهب شیرازی به آن استناد کرده است. نسخه ای از کتاب اخبار زیاد نزد ابن حجر عسقلانی بوده و در دو جا از آن نقل قول کرده است.

### اهمیت نقل های موجود از کتاب اخبار زیاد غلابی

در یکی از نقل های موجود از کتاب اخبار زیاد غلابی اشاره ای است به مسئله تبعید صعصعة بن صوحان بعدی توسط مغیره بن شعبه به دستور معاویه به جزیره اوال. صعصعه یکی از برجسته ترین خطیبان عرب روزگار خود بوده است.<sup>۱</sup> ابن عبدالبر (متوفی ۴۶۳) او را یکی از بزرگان قبیله اش عبدالقیس معرفی کرده و صعصعه را به عنوان فردی سخنور توصیف کرده و به نزدیکی اش به علی علیه السلام نیز اشاره کرده است.<sup>۲</sup> کشی گزارش برخورد معاویه در هنگام ورود به کوفه پس از برکناری امام حسن علیه السلام از خلافت، با صعصعه را آورده است. علیرغم آنکه معاویه به امام حسن علیه السلام تعهد به عدم تعرض به او و گروهی از شیعیان داده و آن حضرت از معاویه برای آنها به نام، امان گرفته بود - و نام صعصعه نیز در جمله آنها بود - پس از تن زدن صعصعه از سب امیرالمؤمنین علیه السلام، دستور به تبعید صعصعه از کوفه داده بود.<sup>۳</sup> صعصعة بن صوحان پس از آن به اوال تبعید شده و در همانجا درگذشت. گزارش های مورخانی چون ابن سعد که از درگذشت صعصعه در کوفه سخن گفته اند،<sup>۴</sup> نادرست است و مؤیدات تاریخی کهن دلالت بر تبعید صعصعه توسط معاویه به

الرجال، ج ۹، ص ۲۶۸-۳۶۹.

۱ ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج ۸، ص ۳۴۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۴، ص ۸۵، ۸۷، ۱۰۰.  
۲ «کان سیداً من سادات قومه عبدالقیس، وکان فصیحاً خطیباً لسنناً فاضلاً بلیغاً، یُعَدّ فی أصحاب علی رضی الله عنه». بنگرید به: ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۲، ص ۷۱۷.  
۳ اختیار معرفة الرجال، ص ۶۷-۶۸. درباره روابط نزدیک میان صعصعة و امیر المؤمنین بنگرید به: احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق محمود فردوس عظم (دمشق: دار الیقظة، ۱۹۹۶)، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰، ۲۴۷-۲۴۸؛ محمد بن محمد مشهور به شیخ مفید، الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصرة، تحقیق سید علی میر شریفی (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴/ش ۱۴۱۶)، ص ۱۰۸، ۳۱۳-۳۱۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۴، ص ۹۷. درباره مشاجرة میان صعصعه با معاویه همچنین بنگرید به: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۲۴، ص ۹۰-۹۱ (در خبر اخیر، معاویه صعصعه را به شیعی بودن متهم می کند (یا ایها الناس! إن هذا ترابی)؛ ص ۹۲-۹۳ در خبر اخیر معاویه صعصعه را به تبعید تهدید کرده است.

۴ بنگرید به: ابن سعد، الطبقات الکبیر، تحقیق علی محمد عمر (قاهره: مکتبة الخانجی، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)،

اوال دارد. ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲) نسخه ای از کتاب اخبار زیاد محمد بن زکریا غلابی (متوفی ۲۹۸) را در اختیار داشته و در ضمن شرح حال صعصعة بن صوحان عبدی نوشته است:

«وذكر الغلابي في أخبار زياد أن المغيرة نفي صعصعة بأمر معاوية من الكوفة إلى الجزيرة أوال البحرين وقيل إلى جزيرة ابن كافان، فمات بها...»<sup>۲</sup>

در متن چاپ شده شهرت غلابی به خطا «العلائی» خوانده شده است. همچنین گفته غلابی در اشاره به تبعید صعصعه به جزیره اوال نیز تصحیف شده و به این صورت در متن چاپی آمده است: «نفي صعصعة..من الكوفة إلى الجزيرة، أو إلى البحرين...».

محمد بن خلیفه نبهانی (متوفی ۱۳۷۰) در گزارش خود از روستای عسکر که مدفن صعصعه در آنجا قرار دارد سخن گفته و عبارت ابن حجر عسقلانی را به شکل صحیح (إلى جزيرة أوال من البحرين) نقل کرده است. شهرت غلابی مؤلف کتاب اخبار زیاد در متن چاپ شده کتاب نبهانی به صورت «و ذكر العلاء» آمده است.<sup>۳</sup> ابن حجر (الاصابة، ج ۵، ص ۱۱۸) در شرح حال عبید ثقفی، مطلبی را از کتاب اخبار زیاد غلابی نقل کرده است (و ذكر الغلابي في كتاب أخبار زياد..) که نقل اخیر دلالت بر این دارد که ابن حجر نسخه ای از کتاب اخبار زیاد غلابی را در اختیار داشته و نقل او از کتاب اخیر به واسطه نیست.<sup>۴</sup>

۸، ص ۳۴۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری (بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۵/۱۴۱۵)، ج ۲۴، ص ۸۵. در سنت عثمانیه، جعل حدیث و نسبت دادن آن به نامورترین چهره های شیعی امر بسیار معمولی بوده است. برای مثال ابن عساکر (تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۷، ص ۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۹۴) خبری درباره ذی الکلاع قاتل عمار بن یاسر آورده که در سلسله سند آنها نام صعصعة بن صوحان آمده و در آن سعی شده تا از ذی الکلاع دفاع شود.

۱ جزیره کاوان یا جزیره لافت، اکنون به نام قشم شناخته می شود. برای جزیره کاوان بنگرید به: یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۳۹، ج ۵، ص ۷-۸ یاقوت اشاره کرده که خود بارها به لافت سفر کرده است.

۲ بنگرید به: ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق علی محمد بجاوی (بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۲/۱۴۱۲)، ج ۳، ص ۴۶۲.

۳ بنگرید به: محمد بن خلیفه نبهانی، التحفة النهبانية فی تاریخ الجزيرة العربية (بیروت: دار احیاء العلوم، ۱۹۸۶/۱۴۰۶)، ص ۲۸-۲۹.

۴ ابن حجر با برخی آثار شیعی آشنا بوده و گاه از آنها مطالبی را نقل کرده از جمله در سخن از ایمان ابوطالب بدون اشاره به نام از کتابی تألیف شده در باب ایمان ابوطالب توسط عالمی شیعه سخن گفته که مرادش کتاب الحجة علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب فخار بن معد موسوی (متوفی

### کتاب الاربعین فی اصول الدین فخر رازی کتابت علی بن ناصر حسینی سرخسی

اهمیت بررسی کامل نسخه های خطی یک کتاب، مسئله شناخته شده ای است که گاه ممکن است نسخه ای متاخر به دلیل آنکه از روی نسخه ای کهن نوشته شده باشد، لازم است حتی نسخه های متاخر از یک اثر در هنگام تصحیح و نسخه گزینی مورد بررسی قرار گیرد. در گذر زمان آسیب های مختلفی ممکن است به یک نسخه وارد شود، مثلاً از بین رفتن برگ های از آغاز یا انجام نسخه که در آنها نام کتاب، کاتب و مطالب دیگری چون اجازات و یا گاه انهاء قرائت ممکن است آمده باشد. در چنین مواردی که نسخه های خطی فراوانی از این دست در فهرس معرفی شده، تنها با مقایسه متنی نسخه ها با یکدیگر و اطلاعات آمده در نسخه های متاخر که در آنها گفته شده از روی نسخه کهنتری کتابت شده اند، می توان نسخه کهن آسیب دیده را شناخت.

در میان عالمان امامی قرن ششم و اوایل قرن هفتم، صدرالدین علی بن ناصر حسینی سرخسی چهره شناخته شده ای است. وی شرح مشهوری بر نهج البلاغه به نام اعلام نهج البلاغه دارد و نامش در سلسله طریق فلاسفه به عنوان استاد فرید الدین داماد آمده است. همچنین متن مکاتبه ای میان او و فخر رازی نیز در دست است. بر اساس نامه ای که فخر رازی به او نوشته، می توان دریافت که علی بن ناصر حسینی توجه خاصی به آثار فخر رازی داشته و از او درخواست ارسال بعضی از آثارش که در متن نامه به نحو مشخص شرح عیون الحکمة مورد اشاره قرار گرفته، را داشته و از فخر رازی خواسته تا نسخه ای از کتاب به خط خودش برای او بفرستد. فخر رازی به دشواری کتابت برای خود اشاره کرده، اما نسخه ای مضبوط که یکی از شاگردانش کتابت کرده را برای علی بن ناصر می فرستد.

با این حال متن نامه فخر رازی که در آن اشارات دیگری به آثارش نیز رفته، دلالت بر این دارد که علی بن ناصر حسینی در متن نامه ای که برای او فرستاده درباره آثارش پرسش کرده و فخر رازی درباره آنها در متن نامه سخن گفته است. متأسفانه متن نامه نخست علی بن ناصر

۶۳۰) است. بنگرید به: ابن حجر عسقلانی، الاصابة، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۸ (ولقد وقتت علی تصنیف لبعض الشیعة أثبت فیہ اسلام أبي طالب..). ممکن است نام کتاب زید که نجاشی در فهرست آثار غلابی ذکر کرده، در اصل کتاب زیاد باشد.

حسینی به فخر رازی در دست نیست. اهمیت مطالب اخیر در نشان دادن این مطلب است که علی بن ناصر سرخسی حسینی به آثار فخر رازی توجه و عنایت داشته است. نسخه ای از کتاب الاربعین فی اصول الدین فخر رازی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۰۰۶۸ موجود است که شخصی به نام محمد یوسف بن اسدالله مشهدی متطبیب کتابت کرده است. در انجامه نسخه، کاتب اشاره کرده که نسخه خود را از روی نسخه ای که کهن کتابت کرده است. خوشبختانه کاتب نسخه ۱۰۰۶۸ کتابخانه مجلس درباره کاتب نسخه اساس خود توضیح بیشتری داده و او را علی بن ناصر حسینی معرفی کرده است. انجامه نسخه ۱۰۰۶۸ کتابخانه مجلس چنین است:

«...وقد فرغ من کتبه العبد الجانی الفقیر الی الله الغنی علی بن ناصر الحسینی یوم الجمعة السابع عشر من شهر جمادی الآخرة لسنة اربع وعشرین وستمئة خلت من الهجرة النبویة والحمد لله اولاً و آخراً و الصلوة (علی) محمد وآله وسلم تسليماً كثيراً».

کاتب نسخه مجلس، یعنی محمد یوسف بن اسدالله مشهدی متطبیب نسخه دیگری نیز ظاهراً بر اساس نسخه علی بن ناصر کتابت کرده که در آن نسخه، تاریخ فراغت از کتابت شوال ۱۰۲۷ ذکر شده و نسخه اخیر به شماره ۱۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است و از جمله موقوفات ابن خاتون است که بعدها محمد مومن بن اسدالله خاتونی تمام کتابهای او را در ۱۰۶۷ وقف بر کتابخانه امام رضا علیه السلام کرده است. بنابراین نسخه کتابت شده توسط علی بن ناصر حسینی تا قرن یازدهم موجود بوده است.

از کتاب الاربعین فی اصول الدین فخر رازی نسخه های کهنی در کتابخانه های ایران موجود است، جز آنکه برخی نسخه های کهن آن که محتملاً یکی از آنها نسخه کتابت شده توسط علی بن ناصر حسینی باشد، اکنون نسخه های هستند دارای افتادگی از ابتدا و انتها. در میان نسخه های دیگر ابن خاتون، به شماره ۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه کهنی از قرن ششم از کتاب الاربعین فخر رازی وجود دارد، در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره های ۱۴۴۲۰ و ۳۷۵۹ دو نسخه کهن وجود دارد که هر دو فاقد نام کاتب هستند. این امکان وجود دارد که یکی از این سه نسخه در اصل نسخه کتابت شده توسط علی بن ناصر حسینی باشد. خوشبختانه نسخه دیگری کتابت شده توسط علی بن ناصر حسینی در دست است که

نمونه خط او را در اختیار ما قرار می دهد و با مقایسه خط آن با سه نسخه اخیر این امکان وجود دارد تا بتوان این حدس را بررسی کرد، تنها مشکل این است که نگارنده به هیچ یک از این نسخه دسترسی ندارد.<sup>۱</sup>

### نکاتی در باب خاندان بنو عذاقه از بیوتات کهن امامی قرن دهم

دانسته ها و اطلاعات ما درباره خاندان های علمی شیعه در حله و نجف در آستانه ظهور صفویه اندک است و تنها راه برای شناخت و کسب اطلاعات در باب خاندان های مذکور، بررسی نسخه های خطی، اجازات و انهاءات عالمان مذکور در دوره مورد بحث است. از خاندان های مهم و برجسته اواخر قرن نهم که، تا اواخر قرن دهم چهره های علمی درخشانی در میان آنها بوده است، خاندان بنو عذاقه است. متأسفانه شهرت سرسلسله خاندان یعنی عذاقه در اکثر گزارش ها و مکان هایی که نام فردی از وابستگان به این خاندان آمده، تصحیف شده است. از برجسته ترین فرد این خاندان شخصی است به نام حسین بن عذاقه که از شاگردان محقق کرکی بوده است. آقابزرگ در الذریعة،<sup>۲</sup> از حسین بن عذاقه و آثارش سخن گفته اما نام پدرش را عدار / عذار آورده است. استاد ارجمند محمد حسون نیز<sup>۳</sup> بر اساس مطالب آقابزرگ، نام پدر حسین را «عدار/ عذار» آورده اند. خاندان بنو عذاقه از بیوتات مشهور علمی در عصر خود بوده اند که متأسفانه شرح حال آنها مورد توجه قرار نگرفته است. اجازه مورد اشاره آقابزرگ که حسین بن عذاقه به شاگردش شیخ حمزه داده، در آخر نسخه کتاب شرائع الاسلام به شماره ۹۶۳۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی آمده است. متن اجازه اخیر چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي لا ينبغي الحمد إلا له، والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله.

۱ برای نسخه های الاربعین فخر رازی بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲، ص ۹۹۰-۹۹۲.  
۲ ج ۱، ص ۱۸۶ و ج ۱۶، ص ۱۰۳.  
۳ محمد حسون، حیاة المحقق الکرکی و آثاره: حیاة العلمیة، تهران: نشر احتجاج، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۳۵، ۱۸۸، ۴۸۹.

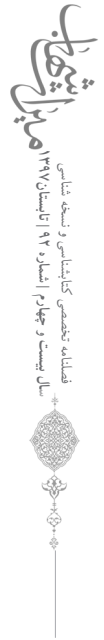
وبعد، فإنَّ جناب الولد العزيز، ولدنا الشَّيخ الصَّالح الفاضل، قدوة الصُّلحاء الأتقياء، الشَّيخ حمزة أدام الله له التَّوفيق، وأخذ بزمامه إلى سواء الطَّرِيق قرأ على هذا الضَّعيف كاتب هذه الأحرف، وسمع بقراءة غيره، جملة من الكتب الفقهيَّة، وبذل همَّته بالمذاكرة في المسائل العلميَّة، فمن ذلك: الكتاب المعروف بالشَّرائع، والكتاب المسمَّى بالنَّافع في مختصر الشَّرائع، في الفقه، من مصنَّفات مولانا الشَّيخ الإمام العالم، شيخ الإسلام، مُقتدى الطَّائفة المُحقَّقة، كمال الدِّين أبي جعفر ابن سعيد قدَّس الله روحه الطَّاهرة قراءةً وسماحاً مُعتَبَرين، ومع ذلك، تشهد تضاعيف أحوالها بجودة فهمه، وحسن نظره.

وكُلُّ الرِّسالة الموسومة بالجعفريَّة، ممَّا صنَّفه شيخ الإسلام، علَّامة العلماء الأعلام، علَّم التَّحقيق، ومورد التَّدقيق، زين الدُّنيا والدين، شيخنا، الشَّيخ عليُّ ابن عبدالعالي، أفاض الله على تربته المراحم الرِّبائيَّة، وأوسع له في جنانه العليَّة. وكذا الرِّسالة الألفيَّة، من مصنَّفات شيخنا الشَّيخ شمس الدِّين محمَّد بن مكِّي، طاب ثراه، وجعل فرايس الجنان مأواه.

وكذا جملة من كتاب قواعد الأحكام، وإرشاد الأذهان، من مصنَّفات شيخ الشَّيعة، وركن الشَّريعة، جمال الدِّين الشَّيخ الحسن ابن المطهر، طابت تربته الرِّكبيَّة، وأفاض على روحه المراحم الرِّبائيَّة.

والتمسَّ صدور الإجازة له في رواية ذلك كلِّه، فاستخرتُ الله تعالى، وأذنت له أن يروي ذلك كلِّه عني، وكذا أجزته أن يروي عني كلَّ ما أجازني في روايته عنه شيخي، وسيدي، ومعتمدي، بل شيخ الإسلام، مُقتدى الطَّائفة المُحقَّقة، علَّم التَّحقيق، ومورد التَّدقيق، مولانا الشَّيخ عليُّ ابن عبدالعالي، من المكتوب، والحواشي، والقيود، والتَّجويدات المنسوبة إليه في الكتب المذكورة سابقاً، وكذا ما استقر عليه رأيه من الفتاوى في شرح القواعد، وكذا رسالة العقود، ورسالة الرِّضاع، ورسالة الخراج، وكذا ما كتبه بيده الشَّريفة من الفتاوى على المسائل المتفرِّقة التي جمعها هذا الضَّعيف كاتب هذه الأحرف.

وكذا أجزت له أن يروي عني جميع ما يجوز لي، وعني، روايته، في المعقول والمنقول، ثقةً منِّي بديانته، واعتماداً على أمانته، وأؤكِّد عليه في جميع ذلك، أن يراعي الاحتياط، ويَتجنَّب الورطات، ومظانَّ الشُّبهات، وأسأله أن لا ينساني في خلواته، وأن يُشركني في صالح دعواته، كان الله لنا وله عوناً ومعيناً، بمحمَّد وآله الطَّاهرين.



وكتب هذه الأحرف بيده الجانية الفانية، الفقير إلى الله الغفار، حسين ابن عداقة، حامدًا لله، ومُصلِّيًا على مُحَمَّدٍ وآله، ومُسلِّمًا، وذلك في تاريخ ثاني وعشرين من شهر شَوَّالٍ، من شهر سنة خمسين وتسعمائة، والحمد لله رب العالمين».

از دوست گرامی سید علاء موسوی که متن اجازه را به دقت خواند و تصحیح نمود، بسیار سپاسگزار هستم. مرحوم سید محسن امین<sup>۱</sup> از حسین بن عداقة یاد کرده و گفته که نسخه ای از فتاوی محقق کرکی به تدوین او را در اختیار دارد. مرحوم امین همانند مرحوم آقابزرگ نام عداقة را عدار آورده است.

### شرف الدین مکی و کتابخانه او

محمد مکی بن محمد بن شمس الدین الحسن زین الدین من ذریة الشریف السعید الشریف شمس الدین محمد بن مکی المطلبی العاملی که به همین شکل تملکات مختلفی از وی بر نسخه های متعددی موجود است، از عالمان نامور امامی قرن دوازدهم است.<sup>۲</sup> مجموعه نفیسی مشتمل بر چهارده رساله در کتابخانه مدرسه نواب به شماره ۱۸۸ موجود است که در پشت برگ اول رساله پنجم محمد مکی در اشاره به تملک خود بر نسخه نوشته است:

«قد نظر فيه احقر الطلبة الى ربه المجيد محمد مکی بن محمد بن شمس الدین الحسن زین الدین من ذریة الشریف السعید الشریف شمس الدین محمد بن مکی المطلبی العاملی قدس سره، سنة ۱۱۷۲».

برای گزارشی از مجموعه مورد بحث بنگرید به: بنگرید به: محمود یزدی مطلق (فاضل)، فهرست نسخه های خطی مدرسه علمیه عالی نواب، ص ۱۶۷-۱۷۱.

همچنین در کتابخانه جامع گوهر شاد به شماره ۱۳۲۶ نسخه ای از مجلد سوم کتاب منتهی المطلب علامه حلی موجود است، که در آخر نسخه یادداشت تملک محمد مکی بن محمد بن شمس الدین بن الحسن بن زین الدین ابن علی بن خیر الدین من سلالة ابی عبدالله

۱ سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۸۹  
۲ بنگرید به: الذریعة، ج ۴، ص ۳۳۲، ج ۱۲، ص ۲۰۴، ج ۱۷، ص ۲۸۶، ج ۱۸، ص ۳۰۳، ج ۲۰، ص ۵۹، ج ۲۶، ص ۲۹۶

الشهيد ابن مكى بن احمد بن حامد المطلبي الحارثي الهمداني الخزرجي العاملي بر آن آمده است. مهر چهار گوش وی با سجع «محمد بن ابى عبدالله الشريف من ولد الشهيد مكى العاملي» نیز بر نسخه دیده می شود. نسخه توسط وی قرائت و مقابله شده است. بنگرید به: محمود فاضل، فهرست نسخه های خطی کتابخانه جامع گوهر شاد مشهد، ج ۴، ص ۱۹۲۶. نسخه کهنی با عنوان المجالس به شماره ۳۵۱۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است، که کتابی در حوزه تصوف خراسان بزرگ است و یک چندی از مملکات محمد مکى عاملى بوده است. درباره نسخه اخير و اهميت آن همچنين بنگرید به: محمد رضا شفيعى کدکنى، «کتابی از خراسان قرن پنجم»، پژوهش های نسخه شناسی، سال اول، دفتر اول، زمستان ۱۳۹۵ش، ص ۱۶۳-۱۷۸.

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجموعه ای مشتمل بر چند رساله کتابت شده در ۹۱۷ در حله موجود است، که در تملک شرف الدین مکى بوده است. شرف الدین مکى در کنار انجامة رساله اول مجموعه که شرح الالفية فى فقه الصلاة الیومیه شهيد اول است، در خصوص تملک نسخه توسط خود نوشته است:

«مالک من فضل ربه شرف الدين محمد مكي بن محمد ضياء الدين من ذرية الشريف الشهيد العاملي سنة ۱۱۶۴».

شرح الفیه اخير در فهرست کتابخانه مجلس به حسن بن عبدالکریم فتال نجفی نسبت داده شده است. شارح نسخه ۱۴۷۱۶/۱ کتابخانه مجلس در مقدمه خود به شهرت کتاب الفیه شهيد اول اشاره کرده و گفته که بر این کتاب شروح مختلفی نوشته شده است، از جمله شرحی که حسن بن عبدالکریم فتال نوشته است و نزد یکی از شاگردانش بوده و او فرصت تبييض کامل آن را پیدا نکرده و آنچه که کاتب آورده، مقداری از شرح است که قابل دسترسی بوده است: «...وکان قد شرحها العلماء شروحا كثيرة ومن جملة من تصدى لشرحها علامة الزمان وعين خلاصة الاخوان، خاتمة المجتهدين وآية الله في العالمين المبرور المرحوم الدارج الى ساحة الغفران اعني شيخنا الاعظم الشيخ حسن بن عبدالکریم الشهير بالفتال قدس الله روحه ونور ضريحه، فشرحها شرحا قد اشتمل على بيان ما اخفى فيها من المعاني ووضح فيها طريق ... فعاقه عن تصحيحه عوائق الدهر الخوان لانه لم يظفر احد ببغيته ولم تحصل له بلوغ امنيته فقال بعد ...».



انجامه کاتب نسخه نیز با اهمیت است که ظاهراً کاتب باید از بزرگان حله باشد: «...تمّ الشرح الفريد والدر النضيد بالحلة السيفية حماها الله من كل آفة وبليّة واذية بمحمد وآله الطاهرين وقد وقع الفراغ من تعليق هذا الشرح يوم الاثنين ثاني والعشرون من جمادى الثاني لسنة سبعة عشر وتسعمائة على يد العبد الضعيف الراجي رحمة ربه غني.. بن عبدالسميع الاسدي وذلك للشيخ.. الشيخ شهاب الدين احمد الشهير بالاعرج...».

با تشکر از دوست گرامی آقای رسول جزینی که توجه به این نسخه، حاصل تذکر او بوده است. برای معرفی مجموعه اخیر و تصویری از آن بنگرید به: سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۴۱، ص ۱۷۶، ۳۳۰.

همچنین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در ضمن مجموعه سید محمد مشکوة به شماره ۷۰۶ نسخه ای از کتاب ایضاح الفوائد فخر المحققین موجود است، که شهید اول محمد بن مکی از کتابت آن در شب سه شنبه ۶ شوال ۷۵۶ در حله فراغت حاصل کرده است. نسخه زمانی در تملک محمد بن مکی بوده و در برگ ۱۸۷ ب در خصوص تملک نسخه نوشته است: «قد نظر في هذا الكتاب افقر العباد محمد مكي بن محمد بن شمس الدين حسن بن زين الدين محمد من سلالة الشهيد محمد بن مكي في سنة ۱۱۵۴». <sup>۱</sup> محمد بن مکی گاه توضیحات بیشتری درباره خود و شهرت های مختلف خانوادگی در نسخه هایی که در تملک داشته، آورده است. به عنوان مثال در کتابخانه ملی به شماره ۱۶۳۷۹ نسخه ای از کتاب تذکرة اولی الألباب و الجامع للعجب العجاب داود بن عمر انطاکی (متوفی ۱۰۰۸) موجود است که از روی خط مؤلف نوشته شده و مشتمل بر بخشی از کتاب است. نسخه زمانی در تملک شرف الدین محمد مکی بوده و در خصوص تملک خود بر نسخه به تفصیل چنین نوشته است:

«بسمه تعالی؛ في ملك أفقر الوری إلى الواحد المجید محمد مكي بن محمد بن شمس الدين بن الحسن زين الدين من سلالة الشريف أبي عبدالله الشهيد محمد بن مكي بن أحمد بن محمد بن حامد طاها المطلبي الحارثي الهمداني الخزر جي العاملي الحانيني الجزيني سنة ۱۱۵۸».

۱ بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش، ج ۵، ص ۱۷۸۷.

سپس در توضیح شهرت های ذکر شده متذکر شده است: «المطلبي نسبة إلى المطلب أخو هاشم بن عبدمناف جد الرسول (ص)، الحارثي الحمداني نسبة إلى الحارث وهو صاحب علي (ع) المخاطب يا حارهمدان ... والحزرجي نسبة إلى قيس بن سعد بن عبادة وقيس ووالده سعد بن عظماء العرب وساداتها وكبارها ولهم ذكر عظيم مشهور في التواريخ». سپس در مورد نسبت‌های ذکر شده برای شهید اول می نویسد: «فان له نسبة إلى كل قبيلة من هذه القبائل بعضها من أجداد الآباء وبعضها من طرف أجداد الام»<sup>۱</sup>.

همچنین در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۱۹ نسخه ای از کتاب نقد الرجال سید مصطفی تفرشی موجود است که فردی به نام فضل الله بن حسین نائینی از شاگردان محمد تقی مجلسی در شوال ۱۰۶۳ کاتب کرده است: «..تمّ الكتاب بحمد الله وعونه وحسن توفيقه يوم الجمعة الخامس شهر شوال سنة ۱۰۶۳ ثلاث وستين والف من الهجرة النبوية على يد المذنب العاصي الفقير فضل الله بن حسين النائيني عفي ذنوبهما وسرّ عيوبهما بمحمد وآله اجمعين». در حاشیه انجامه نسخه اخير دو یادداشت آمده است؛ نخست یادداشتی از کاتب نسخه که اشاره نموده بخشی از عبارت که در ادامه نوشته خودش آمده، گواه مقابله نسخه توسط استادش محمد تقی مجلسی است: «صورة خط استادي ومن اليه في كل الامور استنادي، مولانا ومولى الأنام محمد تقی بن مجلسي - مد ظله السامي العالي - : بلغ مقابله مع نسخة قابلها المصنف بنسخته الاصل بقدر الوسع والطاقة والحمد لله وكتب المذنب محمد تقی بن مجلسي الاصفهاني في شهر صفر من سنة اثنين وثلاثين بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية» و دیگری گواهی تملک از محمد مکی با این عبارت: «من فيض جود فياض قد دخل في ملك أفقر الوری محمد مكي بن محمد بن شمس الدين بن الحسن بن زين الدين بن محمد بن علي من سلالة الشهيد السعيد شمس الملة والحق والدين محمد بن مكي قدس سره وذلك في سنة ألف ومائة وخمسين والحمد لله وحده».

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۷۴۰۲ نسخه ای از جلد سیزدهم بحار الانوار موجود است که نزدیک به عصر مجلسی کتابت شده و روی برگ اول یادداشت هبه و اجازة شرف الدين محمد مکی بن محمد بن شمس الدين بن حسن بن زين الدين عاملی

۱ بنگرید به: سید جعفر طباطبائی یزدی، فهرست نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴۶، ص ۱۴۳-۱۴۵، ۲۲۱.

جزینی دیده می شود که نسخه را به فرزندش بهاء الدین محمد ابوالمعالی به تاریخ ۱۱۷۱ بخشیده است. مهر مربع شکل شرف الدین با سجع «محمد بن مکی العاملی من ولد الشریف ابی عبدالله الشهید» نیز بر نسخه موجود است. نسخه ظاهراً به تاریخ ۱۱۶۳ به تمکل شرف الدین مکی درآمده باشد، چرا که تاریخ اخیر در صفحه اول و آخر نسخه توسط او ذکر شده است. عبارت شرف الدین مکی در باب بخشیدن نسخه به فرزندش چنین است:

«بسم الله؛ قد وهبت هذا الكتاب لولدي بهاء الدين محمد ابی المعالی ثم اجزت روايته عنی عن شیخی عن شیخه بسند المتصل الی مصنفه رحمه الله المتصل بالمعصومین علیهم السلام وروایتہ عنی وهي من الكتب المعتمدة التي رواها اصحابنا رضي الله تعالى عنهم مشترطاً عليه ما اشترطه عليه في وصيتي اليه سابقاً فقير ... وجمعی المؤمنین .. وكتب بيده شرف الدین محمد مکی بن محمد بن شمس الدین بن الحسن بن زین الدین من ذریة الشریف ابی عبدالله الشهید محمد بن شرف الدین المکی المطلي الحارثي الهمداني الخزرجي العاملي .. الجزيني سنة ۱۱۷۱».

شرف الدین مکی توضیحاتی درباره شهرت هایی که پس از نام شهید اول آورده، در حاشیه داده است. در باب شریف خواندن شهید اول: «التسمية الشریف من طرف امه، فان امه علوية من بيت معية ...».

از دیگر نسخه های کتابخانه شرف الدین محمد مکی می توان به نسخه حاشیه انوار التنزیل کتابخانه مؤسسه آیت الله بروجردی قم به شماره ۵۱۰ اشاره کرد که در صفحه آخر آن تملک او (محمد مکی بن محمد بن شمس الدین عاملی به تاریخ ۱۱۵۸) و مهر بیضوی و مربع او با سجع «من ولد الشریف ابی عبدالله محمد بن مکی الشهید» نیز بر نسخه موجود است.<sup>۱</sup> در کتابخانه آیت الله حکیم به شماره ۲۸۸۶ مجموعه ای موجود است که تاریخ تملک ۱۱۷۰ را دارد و از جمله متملکات محمد مکی عاملی بوده است. او در یادداشت خود در باب تملک بر نسخه نوشته است: «من وقف علی ما فی هذا المجموع افقر الطلبة الی ربه المجید محمد مکی بن الشریف محمد بن شمس الدین بن الحسن بن زین الدین من سلالة الشریف ابی عبدالله الشریف

۱ بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مؤسسه حضرت آیه الله العظمی بروجردی، دفتر دوم، ص ۳۲۵.

الشهید محمد بن شرف‌الدین مکی بن محمد بن احمد بن حامد بن طی بن علی المطلبی الحارثی الهمدانی الخزرجی العاملی الحانینی الجزینی فی شهر صفر المظفر سنة ۱۱۷۰ ثم دخل فی ملکی بعد ما نظرت فیہ وله الحمد والشکر علی فضله وافضاله وجوده...».

در کتابخانه دانشگاه میثیگان نیز نسخه ای از کتاب محاضرات الابرار راغب اصفهانی موجود است که زمانی در تملک محمد مکی عاملی بوده است: «دخل فی ملک افقر الوری محمد مکی بن شرف‌الدین محمد بن شمس‌الدین بن الحسن بن زین‌الدین بن محمد من سلالة الشهید السعید شمس‌المللة و الدین الشریف محمد بن مکی المطلبی سنة ۱۱۵۶ فی اصفهان صینه عن الحدیث؛ ثم انی وهبته لولدی محمد بهاء‌الدین ابی المعالی من ذریة شمس‌المللة و الحق و الدین الشریف ابی عبدالله الشهید محمد بن شرف‌الدین مکی المطلبی الحارثی الخزرجی العاملی الحانینی الجزینی سنة ۱۱۷۳». برای تصاویر برگ تملک از دو نسخه اخیر بنگرید به: رسول جعفریان و رسول جزینی، وقف نامه های کتاب صفوی، ص ۲۰۴-۲۰۵. کثرت تملکات او بر نسخه های خطی نشان از وسعت کتابخانه اش دارد. گردآوری اطلاعات مربوط به محمد بن مکی و کتابخانه او کاری ارزنده خواهد بود.

### نکاتی در باب دیدگاه های رجالی ابن ولید

جایگاه و اعتبار ابن ولید قمی در پذیرش و رد احادیث به گونه ای است که رجالیان متقدم عموماً به آراء او اشاره کرده اند. در مواردی ظاهراً، دیدگاه های او به عنوان کلی نظرات قمی ها مورد اشاره نجاشی قرار گرفته باشد. تأملی در موارد نقل شده و دیدگاه های رجالی ابن ولید می تواند تفاوت مشرب میان او و کلینی و به احتمال بسیار استادش علی بن ابراهیم را نشان دهد. تفاوت و اختلاف نظر میان ابن ولید و کلینی در موارد مذکور بخشی دیگر، از دلایل عدم روایت کافی توسط ابن ولید است که عموماً مشتمل بر مواردی است که ابن ولید روایت آن احادیث را قبول نداشته است. تفصیلی ترین موردی که دیدگاه ابن ولید در باب آن نقل شده، دیدگاه او در خصوص کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی اشعری است. ابن ولید به فهرستی از افرادی اشاره کرده که اشعری روایاتی از آنها را در کتاب نوادر الحکمة آورده است. ابن ولید متذکر شده که روایت های مورد اشاره را مورد وثاقت نمی داند و آنها را ضعیف دانسته است.<sup>۱</sup>

۱ برای مواردی که کلینی از افراد مستثنی شده ابن ولید در کتاب کافی نقل روایت کرده، بنگرید به:

## نوادر الحکمة محمد بن احمد اشعری قمی

شیخ طوسی در کتاب الفهرست (ص ۴۰۹)، گزارش دقیقی از کتاب نوادر الحکمة آورده است. به گفته شیخ طوسی که فهرست کتاب را کامل آورده، کتاب نوادر الحکمة مشتمل بر بیست و دو کتاب بوده و تقریباً تمام ابواب فقهی را در بر می گرفته و از حیث ساختاری تا حدی با کتاب کافی نیز شباهت داشته است. از طرق مختلفی که شیخ طوسی در نقل کتاب نوادر الحکمة آورده می توان گفت که نسخه ای از کتاب را در اختیار داشته است. شیخ طوسی در اشاره به ابواب کتاب نوادر الحکمة نوشته است:

«... کتاب نوادر الحکمة، وهو یشتمل علی کتب جماعه، أولها کتاب التوحید، کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الأنبیاء، کتاب مناقب الرجال، کتاب فضل العرب، کتاب فضل العربیة والعجمیة، کتاب الوصایا والصدقة، کتاب النحل والهبة، کتاب السکنی، کتاب الأوقات، کتاب الفرائض، کتاب الأیمان والنذور والكفارات، کتاب العتق والتدبیر والولاء والمکاتب وأمہات الأولاد، کتاب الحدود والدیات (کتاب الشهادات، کتاب القضايا والأحكام، العدد إثنا عشر وکتاباً».

شیخ طوسی سپس طرق مختلف خود در روایت کتاب نوادر الحکمة را آورده است. پس از آن شیخ طوسی<sup>۱</sup> گفته شیخ صدوق را نقل کرده که فهرستی از روایات های ضعیف کتاب را که همان مطالب ابن ولید است، متذکر شده است. گزارش نجاشی درباره محمد بن احمد بن یحیی اشعری تفاوت های با گزارش شیخ طوسی دارد. شیخ طوسی در حالی که در خصوص جایگاه رجالی محمد بن احمد اشعری سخنی نگفته، نجاشی (ص ۳۴۸) به ثقه بودن اشعری اشاره کرده اما در باب مشرب حدیثی او متذکر شده که: «إلا أن أصحابنا قالوا: کان یروی عن الضعفاء ویعتمد المراسیل ولا یبالی عمن أخذ وما علیه فی نفسه مطعن فی شیء».

مهدی جلالی وعلیه رضا داد، «روایت شیخ کلینی از مستثنیات ابن ولید در نوادر الحکمة»، علوم حدیث، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱ش، شماره مسلسل ۶۴، ص ۲۳-۵۶.

۱ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۴۱۰-۴۱۱.

در مسئله روایت های مرسل و نقل آنها ظاهرا در میان محدثان متقدم امامی دو دیدگاه وجود داشته است؛ گروهی به پذیرش درجه ای از اعتبار به این روایت ها باور داشته و در آثار فقهی نیز نقل و به آنها استناد می کرده اند؛ گروهی دیگر که قائل به عدم اعتبار روایی برای روایات مرسل و عدم نقل آنها در آثار فقهی بوده اند؛ هر چند شاید این گروه در حوزه غیر فقه با نقل روایت های اخیر مشکلی نداشته اند و بنا بر آنچه که بعدها به تسامح در ادله سنن شهرت یافت، درجه ای از اعتبار برای این روایت ها در نظر می گرفته اند؛ اما به شدت با نقل این روایات در آثار فقهی مخالفت داشته اند.

از فهرست مستثنیات نوادر الحکمة اشعری که شیخ طوسی در الفهرست آورده و همان فهرست که نجاشی از مکتوب ابوالعباس ابن نوح آورده، کلینی روایاتی را در کتاب الکافی نقل کرده است. در حالی که ابن ولید تصریح به عدم نقل روایت های اخیر داشته، ظاهرا کلینی شاید به عنوان قرینه نقل روایت های مذکور را قبول داشته یا اساسا به دلیل تفاوت دیدگاه در مسئله نقل مراسیل، اشکالی در نقل احادیث مذکور نمی دیده است.<sup>۱</sup> بهر حال مسئله اخیر یکی دیگر از مواردی است که علت عدم روایت کتاب کافی توسط ابن ولید را نشان می دهد؛ موضوعی که بخشی از دامنه اختلافات میان حلقه ابن ولید و علی بن ابراهیم قمی را نشان می دهد، از جمله این موارد می باید به نحوه اخذ یا رد بخشی از میراث حدیثی روایت شده توسط غلات اشاره کرد. مستثنیات ابن ولید دیدگاه وی در باب میراث حدیثی غلات را نشان می دهد که باور ابن ولید کنار نهادن کامل و عدم روایت از میراث روایی غلات بوده است.

### کلینی و میراث غلات

مسئله دیگری که در باب اختلاف نظر جدی میان ابن ولید و کلینی، نحوه تعامل با میراث مکتوب غلات است. در قرون دوم تا چهارم در کنار فعالیت های تند سیاسی برخی غلات،

۱ به عنوان مثال احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰) نیز از جمله محدثان قمی است که در نقل مراسیل مشکلی نمی دیده است. نجاشی (ص ۷۶) در شرح حال او تصریح دارد که: «..کان ثقة فی نفسه، یروی عن الضعفاء واعتمد المراسیل». نجاشی (ص ۶۲) درباره حسن بن محمد بن جمهور عمی نیز دارد که: «یروی عن الضعفاء و یعتمد علی المراسیل». برای موارد دیگر از محدثانی که به نقل مراسیل شهرت داشته اند، بنگرید به: نجاشی، ص ۸۰.

شاهد شکل‌گیری نوعی میراث مکتوب توسط برخی افراد غالی هستیم.<sup>۱</sup> ظاهراً در باب چگونگی تعامل با میراث غلات باید اختلاف نظری وجود داشته باشد. بخشی از میراث مکتوب غلات، مطالبی در باب عقاید فاسد آنها چون الوهیت ائمه یا باور به تناسخ به هیچ رو مورد قبول عالمان امامیه نبوده اما بخشی از میراث غلات که به نوعی دستکم در مقام قرینه می‌توانسته در تایید عقاید شیعه مورد استناد قرار گیرد، مورد پذیرش برخی محدثان بوده است. به گمان این دسته از محدثان، میراث غلات به طور کامل نباید کنار گذاشته می‌شده، بلکه باید بخشی که قابل قبول بوده و مشتمل بر عقیده ای باطل نبوده مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با این حال دیدگاه دیگری نیز در میان عالمان و محدثان امامی وجود داشت که اساساً میراث مکتوب غلات را به کنار می‌نهاد و قائل به حذف آنها بوده‌اند، مستثنیات ابن ولید که در آن فهرست نام شماری از غلات نیز دیده می‌شود، این باور ابن ولید را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> مطلب اخیر یکی دیگر از موارد جدی اختلافی میان ابن ولید و کلینی بوده است. هر چند مطلب صریحی در خصوص دیدگاه ابن ولید در باب چگونگی تعامل با میراث مکتوب غلات در دست نیست، اما به نظر می‌رسد وی باید دیدگاهی مخالف کلینی داشته باشد. کلینی بر اساس نقل برخی مطالب و نقل احادیث از سنت غلات عراق، به نظر می‌رسد که بر این باور بوده که میراث مکتوب غلات را نباید یکسره کنار نهاد و بخشی از آن را که مشتمل بر عقاید

۱ بخش اعظمی از میراث غلات عراق در سنت نصریه و تلاش عالمان نصیری ادوار بعدی چون حسین بن حمدان خصیبی، شاگردش ابوسرور میمون بن سلیمان طبرانی باقی مانده که مجموعه اخیر تحت نام کلی «سلسلة التراث العلوی» منتشر شده است. برخی از تألیفات غلات در گذر زمان به سنت‌های مختلف جریان‌های شیعه چون اسماعیلیه منتقل شده و سازگارهایی در تحریر نهایی خود یافته است. از این دسته متن‌ها می‌باید به اثر مشهور ام‌الکتاب اشاره کرد که اثری در اصل از جریان ابوالخطاب عراق است که بعدها در سنت اسماعیلیه مورد توجه قرار گرفته است. بنگرید به: علی اشرف صادقی، «ام‌الکتاب»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی (تهران، ۱۳۸۰ش)، ج ۱۰، ص ۲۳۲-۲۳۴.

۲ به عنوان مثال ابن ولید، ابوجعفر محمد بن موسی بن عیسی سمان همدانی را از جمله غلات می‌دانست و روایت‌های نقل شده از وی در کتاب نوادر الحکمه محمد بن احمد بن یحیی را، روایت نکرده است. نجاشی (ص ۳۳۸) در اشاره به همدانی نوشته است: «ضعفه القمیون بالغلو، وکان ابن الولید یقول: إنه کان یضع الحدیث والله أعلم». درباره عموم افرادی که ابن ولید نام آنها را در فهرست مستثنیات خود آورده، نکته مهمی وجود دارد و آن این است که در فهرس اصلی اصحاب، نام افراد مذکور نیامده است.

نادرست یا فاسد غلات است را حذف و از دیگر روایات نقل شده توسط غلات می توان بهره برد. نمونه بارزی از عقیده به امکان نقل و اخذ مطالبی از غلات، نقل احادیث و روایاتی از اسحاق بن احمد احمر نخعی (متوفی ۲۸۶) است. نجاشی (ص ۷۳-۷۴) گزارش کوتاهی در باب او آورده و نوشته است:

«اسحاق بن محمد... وهو معدن التخلیط، له كتب في التخلیط...»

سپس نجاشی طریق خود در روایات آثار اسحاق بن محمد را ذکر کرده است؛ نجاشی آثار وی را به روایت شیخ مفید از ابن جعابی به یک واسطه از نخعی در اختیار داشته است. به واقع نبود نام اسحاق بن محمد در فهرس مشهور آن دوران نشان از این دارد که بیشتر محدثان امامی نظر به عدم روایت آثار او و اساس غلات و جریان های نزدیک به آن داشته اند. با این حال کلینی بر اساس عقیده به این مطلب که نقل از میراث مکتوب غلات به شرط در بر نداشتن عقاید فاسد و نادرست آنها و در مقام قرینه و نه استناد مجاز است<sup>۱</sup>، روایاتی از اسحاق بن محمد نخعی در کتاب الکافی نقل کرده است.<sup>۲</sup>

۱ شوشتری (قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۱۱) در اشاره به مبنای قدما در نقل از ضعفاء که توسعا می توان آن را شامل میراث مکتوب غلات نیز دانست، نوشته است: «وهذا دأب القدماء في روايات الضعفاء في العمل بسلبها والإعراض عن سقمها، فالقارئ كانت عندهم كثيرة؛ وكثيراً ما كانوا يخرجون أخبار الضعفاء شاهدة لأخبار غيرهم ممن ليسوا بضعفاء تكثيراً للأدلة، فترى ابن الغضائري كثيراً ما يقول في من يطعن فيه: ويجوز أن يخرج حديثه شاهداً». با این حال بنظر می رسد که چنین مبنایی مورد پذیرش همه عالمان و محدثان امامی نبوده و عده ای از آنها به عدم جواز نقل و استناد به این دسته از روایات باور داشته اند.

۲ بنگرید به: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۷۷۵-۷۷۸؛ حمید باقری، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی: تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، رهیافت های در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره مسلسل ۹۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۶ش)، ص ۹-۲۸. کلینی با همین مبنا همچنین روایاتی از احمد بن محمد سیاری نقل کرده است. درباره اسحاق بن محمد نخعی باید متذکر شده که وی در کنار محمد بن نصیر نمیری که مدعی بابت امام عصر (عج) بود، جریانی به نام اسحاقیه را به وجود آورد که تا قرن پنجم به عنوان رقیب جدی نصیری به حضور داشته است. در متون نصیری کهن ضمن تأیید بابت محمد بن نصیر نمیری، اسحاق بن محمد نخعی مورد سرزنش قرار گرفته و به عنوان فردی منحرف یاد شده است. در اثر نصیری احتمالاً از قرن چهارم کتاب الصراط که منسوب به مفضل بن عمر می باشد، باور های اسحاقیه مورد نقد قرار گرفته به گونه ای که کتاب الصراط را می توان ردیه ای نصیری بر اسحاقیه دانست. خطیب بغدادی (تاریخ مدینه السلام، ج ۷، ص ۴۰۸-۴۱۱) بر اساس منابع کهن شیعی چون کتاب الرد علی الغلاة حسن بن موسی نوبختی گزارشی از باورهای اسحاقیه و شرح حال اسحاق بن محمد نخعی را آورده است. همچنین بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «مفضل بن عمر جعفی و کتاب الصراط منسوب به او»، کتاب ماه دین، شماره های ۱۰۲-۱۰۳ (فروردین- اردیبهشت ۱۳۸۵ش)، ص ۲۹-۳۰.



## ابن معقل حمصی و تشیع امامی در حمص در سده‌های میانی

احمد خامه‌یار \*

### چکیده

این مقاله پژوهشی است در باره ابن معقل حمصی (۵۶۷ - ۶۴۴ قمری) ادیب و فقیه شیعی دیار شام، استادان و شاگردان و نمونه اشعار او که در مدح اهل بیت سروده است. تنها کتاب موجود او کتاب «المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی» است که نگارنده جلوه‌های مذهب شیعی مؤلف را از این کتاب ادبی استخراج کرده است. نیز در باره سه تن از خاندان شیعی ابن مقبل حمصی توضیح می‌دهد. علاوه بر آن، تاریخ تشیع در حمص و برخی از اعلام شیعی آن دیار را بررسی کرده است.

### کلیدواژه‌ها

حمصی، ابن معقل؛ عالمان شیعه - قرن هفتم؛ عالمان شام - قرن هفتم؛ المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی (کتاب)؛ حمصی، ابن مقبل؛ تاریخ تشیع - حمص؛ ادبیات شیعی - شام.

### درآمد

سرزمین شام در حد فاصل سده‌های چهارم تا ششم هجری، در نتیجه روی کار آمدن دولت‌های شیعه در این سرزمین، شاهد گسترش چشمگیر تشیع و پیدایش حوزه‌های شیعی

\* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگر حوزه تاریخ و میراث اسلامی.

در بخش‌هایی از آن، به ویژه در شهرهایی همچون حلب و طرابلس بوده است. با اینکه منابع تاریخ محلی و عمومی شام در دوره ایوبی و مملوکی، آگاهی‌های فراوانی درباره رجال شیعه در این سرزمین به دست داده‌اند، و با وجود حجم انبوه مقاله‌ها و تألیفاتی که در این موضوع منتشر شده است، اما هنوز ابعادی از تاریخ تشیع در شهرها و حوزه‌های مختلف شام مورد توجه قرار نگرفته و تاریخ‌نگاری جامعی در این باره انجام نشده است.

«حمص»، شهری تاریخی و کهن، واقع در حدود ۱۶۰ کیلومتری شمال شهر دمشق است که در گذشته مرکز یکی از «اجناد» پنج‌گانه شام بوده و امروزه نیز مرکز استانی به همین نام در مرکز سوریه است. حمص از جمله شهرهایی است که در سده‌های میانی، برای مدتی تشیع در آن رواج داشته است و خوشبختانه مورخان دوره ایوبی و مملوکی، شماری از اعلام شیعه منسوب به این شهر را در آثار خود شناسانیده‌اند.

از میان پژوهشگران تاریخ تشیع، پیش از این تنها آقای جعفر المهاجر تلاش کرده است که ریشه‌ها و زمینه‌های گسترش تشیع در حمص را بررسی کند؛<sup>۱</sup> اما او مطالعه همه‌جانبه‌ای درباره اعلام شیعه امامیه در این شهر به عمل نیاورده است. ما در این نوشتار تلاش کرده‌ایم فهرست حتی‌الامکان جامعی از اعلام شیعه امامیه در حمص و شرح حالی اجمالی از هر یک از آنها به دست دهیم.

### تشیع در حمص تا پیش از سده ششم

از مهم‌ترین مستندات تاریخی برای رواج تشیع در حمص در سده‌های میانی، سخن یاقوت حموی است که گفته است: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَلَى عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِصِقِّينَ مَعَ مَعَاوِيَةَ كَانَ أَهْلَ حَمصٍ وَأَكْثَرَهُمْ تَحْرِيزاً عَلَيْهِ وَجِدّاً فِي حَرْبِهِ. فَلَمَّا انْقَضَتْ تِلْكَ الْحُرُوبِ وَمَضَى ذَلِكَ الزَّمَانُ، صَارُوا مِنْ غَلَاةِ الشَّيْعَةِ، حَتَّى إِنَّ فِي أَهْلِهَا كَثِيراً مِمَّنْ رَأَى مَذْهَبَ النُّصَيْرِيَّةِ، وَأَصْلَهُمُ الْإِمَامِيَّةُ الَّذِينَ يَسْتَوْنَ السَّلْفَ».<sup>۲</sup>

با این حال، مشخص نیست که تحوّل مذهبی شهر حمص از تستّن به تشیع که یاقوت بدان اشاره کرده، دقیقاً در چه شرایطی و در کدام دوره رخ داده است؛ چراکه تا پیش از سده ششم،

۱ التأسيس لتاريخ الشيعة في لبنان وسورية، جعفر المهاجر، ص ۹۱-۱۰۲.

۲ معجم البلدان، ياقوت الحموي، ج ۲، ص ۳۰۴.



شخصیت‌های شیعه چندانی از شهر حمص سراغ نداریم و بیشتر رجال علمی و ادبی شیعه منسوب به این شهر، در دو سده ششم و هفتم می‌زیسته‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت زوال دولت بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس، عاملی برای شکل‌گیری فضای سیاسی و فکری جدیدی در سرزمین شام بوده که در نتیجه آن، برخی از خانواده‌ها یا خاندان‌های عرب دارای تمایلات شیعی، به تدریج به شهرهای مختلف این سرزمین، مهاجرت‌هایی داشته باشند. هرچند این مهاجرت‌ها بسیار محدود بوده و منجر به شکل‌گیری جوامعی شیعی در این سرزمین نگشته است.

به نظر می‌رسد ظهور شخصیت شیعه‌ای همچون «دیک الجنّ» در حمص را باید در وجود چنین فضا و شرایطی تفسیر کرد. عبدالسلام بن رغبان حمصی، معروف به دیک الجنّ (۱۶۱-۲۳۵ق)، از شعرای مشهور عرب در دوره اول عباسی است که به تشیع و به قصابدی که در مدح اهل بیت (ع) و رثای امام حسین (ع) سروده، شهرت داشته است.<sup>۱</sup> چنانکه ابوالفرج اصفهانی (درگذشته ۳۵۶ق) وی را شیعه‌ای نیک که مرثیه‌های زیادی در رثای حسین بن علی (ع) داشته و بدان نوحه‌سرایی می‌کرده‌اند، برشمرده است.<sup>۲</sup>

جعفر المهاجر در بررسی خود درباره تشیع در حمص، اسامی شماری از محدثان شیعی منسوب به حمص را از کفایة الاثر خزاز قمی استخراج و با توجه به محل ذکر آنها در سند احادیث، تعلق زمانی بیشتر آنان را به سده سوم نتیجه گرفته است. این محدثان عبارت‌اند از: محمد بن علی حمصی، محمد بن عرفه طائی، احمد بن یوسف حمصی، عتبة بن عبدالله حمصی، و نیز سلیمان بن عمر راسبی که از وی با تعبیر «الکاتب بحمص» یاد شده است.<sup>۳</sup>

خزاز روایاتی را که نام این اشخاص در سند آنها آمده، معمولاً به واسطه شخص ناشناسی به نام علی بن حسن، که از وی به صورت علی بن حسن بن محمد، یا علی بن حسن بن منده، یا علی بن حسن بن محمد بن منده نیز نام برده، روایت کرده است.<sup>۴</sup> در سند یکی از

۱ درباره محتوای سروده‌های وی درباره اهل بیت (ع) بنگرید: «سیمای خلافت امام علی (ع) در شعر دیک الجنّ حمصی»، محمدحسن فؤادیان و مرتضی قدیمی، ادب عربی، سال ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۵۵-۱۷۴.

۲ الاغانی، ابوالفرج الاصفهانی، ج ۱۴، ص ۳۳.

۳ التأسيس لتاریخ الشیعة فی لبنان وسوریه، ص ۱۰۰؛ سته فقهاء ابطال، جعفر المهاجر، ص ۱۷-۱۸.

۴ کفایة الاثر، خزاز قمی، صفحات متعدد کتاب.

این روایات آمده است که علی بن حسن، آن را بر عتبة بن عبدالله حمصی در سال ۳۸۰ ق در مکه قرائت کرده است.<sup>۱</sup>

با این حال، راویان حمصی یاد شده در کفایة الاثر، در هیچ یک از منابع رجالی شیعه و سنّی شناخته شده نیستند. علّت ناشناختگی این راویان را شاید بتوان تعلق آنان به سنّت‌ها / گرایش‌های غالبانه شیعی همچون نصیریّه تفسیر کرد؛<sup>۲</sup> چنانکه از سخن یاقوت حموی نیز انتشار گسترده نصیریان در حمص برداشت می‌شود.

به هر حال، به باور نگارنده، تحوّل مذهبی شهر حمص از تسنّن به تشیع که یاقوت به آن اشاره کرده، احتمالاً در سده چهارم یا شاید حتی پس از آن رخ داده است که دولت‌های شیعی همچون حمدانیان و بنی‌مرداس در شمال شام، به مرکزیت حلب، روی کار آمدند و خلافت فاطمی نیز در بخش‌های جنوبی شام، دامنه نفوذ خود را گسترانید.

شاید به عنوان شخصیتی محتمل التشیع از این دوره، بتوانیم از محدّثی به نام ابوالحارث نمر بن محمد بن نمر بن عبدالسلام حمیری حمصی یاد کنیم که برخی محدّثان دمشق در سال ۴۳۸ ق در جامع این شهر نزد وی حدیث شنیده و از وی با تعبیر «خطیب» توصیف کرده‌اند.<sup>۳</sup> البته در منابع تاریخی اشاره‌ای به تشیع وی به چشم نمی‌خورد، اما نام وی در سند روایتی از ابن عمر، که در هنگام مرگ خود از عدم همراهی با امام علی (ع) در جنگ صفین تأسف خورده بود، دیده می‌شود و در سند این روایت، پیش و پس از نام وی، نام شماری از اعلام شیعه به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup>

### اعلام شیعه امامیه حمص در سده ۶ و ۷

بیشتر شخصیت‌های شیعه‌ای که از شهر حمص سراغ داریم، در دو سده ششم و هفتم هجری می‌زیسته‌اند که نشان از وجود جامعه‌ای شیعی در این شهر در این دوره زمانی دارد.

از اعلام شیعه حمص در سده ششم، حسن بن ابراهیم بن محمد بن جعفر حمصی را می‌شناسیم که ابن ابی طیّ حلبی (درگذشته ۶۳۰ ق) در کتاب مفقود خود درباره رجال امامیه،

۱ کفایة الاثر، خزّاز قمی، ص ۲۵۷.

۲ این فرض در صورتی است که در حالی بدینانه‌تر، به جعلی بودن اسامی این راویان حکم ندهیم.

۳ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۶۲، ص ۲۲۴.

۴ اسد الغابه، ابن الاثیر، ج ۴، ص ۱۰۸-۱۰۹.

زندگی نامه‌ای از وی به دست داده است. بر اساس این زندگی نامه که شاید متن خلاصه شده آن به واسطه ابن حجر به دست ما رسیده است، حسن بن ابراهیم حمصی، فقیهی امامی و دارای مناظرات علمی بود که پدر ابن ابی طی نزد وی تلمذ کرده بود و پس از عمری طولانی، در سال ۵۴۰ ق از دنیا رفته است.<sup>۱</sup>

از اعلام شیعه حمص در سده هفتم، باید از شاعری به نام ابوالحسن علی بن محمود بن عیسی بن خلیل بن علی تنوخی حمصی، معروف به ابن حکم یاد کرد که شرح حال وی را تنها در کتاب قلاند الجمان ابن شعّار موصلی (درگذشته ۶۵۴ ق) یافته‌ایم. او از ابن حکم با تعبیر «کان شیعیاً مائلاً الی مذهب الامامیة» یاد کرده و گفته است که نسخه‌ای از دیوان شعرش را در حلب دیده، که مجلدی پر حجم، شامل مدایح و مراثی و غزل و مُجون و انواع دیگر شعر بود و بر اساس حروف الفبا تنظیم شده بود و در خطبه مسجّع دیوان، آن را به ملک الامجد بهرام شاه ایوبی (حکومت: ۵۷۸-۶۲۷ ق) تقدیم کرده بود.<sup>۲</sup>

ابن شعّار همچنین به وجود نسخه‌ای از نهج البلاغه به خط ابن حکم اشاره کرده که او در پشت نسخه، ابیات سروده خود را نوشته بود و در این ابیات، کتابت نهج البلاغه را وسیله‌ای برای طلب رفع گرفتاری و پوشش گناهان خود از خداوند قرار داده و دوستی اهل بیت (ع) را نصیب و بهره خود از دنیا دانسته بود. متن این اشعار که علایق شیعی وی را نشان می‌دهد، به شرح زیر است:

كَتَبْتُ هَذَا الْكِتَابَ لَمَّا	عَرَفْتُ فِي حُجَّةِ الدُّنُوبِ
أَرْجُو مِنَ اللَّهِ كَشْفَ ضُرِّي	وَسَتَّرَ مَا بِي مِنَ الْعُيُوبِ
فَمَنْ لَهُ فِي الْوَرَى نَصِيبٌ	فَحُبُّ أَهْلِ الْوَرَى نَصِيبِي <sup>۳</sup>

ابن حکم همچنین در رثای فرزند خود به نام حسین که در حلب از دنیا رفته بود، ابیات زیر را سروده بود:

۱ لسان المیزان، ابن حجر العسقلانی، ج ۳، ص ۲۳.

۲ قلاند الجمان فی فوائد شعراء هذا الزمان، ابن الشعّار، مجلد ۴، ص ۴۸-۴۹.

۳ همان، مجلد ۴، ص ۵۲.



إِنَّ مَاتَ فِي حَلْبٍ حُسَيْنٌ غَرِيباً      وَأَذًا [ب] أَكْبَاداً لَنَا وَقُلُوباً  
 فَلَقَدْ قَضَى فِي كَرْبِلاءَ سَمِيئُهُ      قَتْلًا سَلِيباً مِنْ ذَوِيهِ غَرِيباً  
 لَوْ لَا النَّاسِي عَنْهُ بِالْمَقْتُولِ وَالْمَسِّ      مَوِّمٌ لَأَسْتَعَرْتُ حَشَايَ هَيْباً<sup>۱</sup>

از اعلام محتمل التشیع شهر حمص در سده هفتم، باید از عزّ الدین احمد بن عبدالکریم حمصی معروف به ابن جلال (درگذشته ۶۸۷ ق) یاد کرد، که قاضی مهتّا بن سنان مدنی (درگذشته ۷۵۴ ق)، عالم برجسته شیعه مدینه در اوایل دوره مملوکی، در رساله خود الايضاح والتبيين بفضل رب العالمين علی عباده المطيعين والمُذنبين، از وی به عنوان «فقيه علامه» یاد و به اقامتش در مدینه در سال‌های پایانی عمر وی، تا زمان وفات اشاره کرده است.<sup>۲</sup> به عقیده استاد حسین واثقی، ابن جلال حمصی همان احمد بن عبدالکریم نامی است که آقابزرگ طهرانی از وی در شمار اعلام شیعه یاد کرده و به وجود نسخه‌ای از کتاب جامع الشرائع نجیب‌الدین یحیی بن سعید حلّی (درگذشته ۶۹۰ ق) به خط همین شخص اشاره کرده که نسخه را نزد مؤلف کتاب قرائت و سماع کرده و حاشیه‌هایی را نیز بر نسخه نوشته، و نجیب‌الدین حلّی نیز به خط خود، در سال ۶۸۱ ق گواهی قرائت و سماع کاتب را بر نسخه نوشته است.<sup>۳</sup> واثقی نیز با استناد به این اجازه، حضور ابن جلال را در حلّه در تاریخ یاد شده نتیجه گرفته است.

گفتنی است در مرکز ملک فیصل در ریاض، نسخه‌ای خطی از رساله‌ای تألیف ابن جلال حمصی به نام کتاب عن انتهاء العالم معرفتی شده است. در کتابخانه ملک در تهران نیز مجموعه‌ای خطی حاوی نسخه‌ای از ترجمه فارسی رساله الدر المنظم فی السرّ الاعظم اثر کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی (درگذشته ۶۵۲ ق) وجود دارد که در ادامه آن، شرح

۱ همانجا.

۲ سخن مهتّا بن سنان درباره وی چنین است: «كان الفقيه العلامة عزّالدین احمد بن عبدالکریم الحمصی المعروف بابن الجلال رحمه الله یحیی الاشراف بمدينة النبی (ص) علی حفظ هذا المنام بجملة وأشعاره، وكان یقول بصخته، وهو ممن رواه عن ابن عنین الشاعر. وكان عزّالدین رحمه الله أقام بالمدينة الی أن توفی بها فی رابع شهر صفر سنة سبع وثمانین وستمائة، قدّس الله روحه.» بنگرید: المدنیات، حسین الوائقی، ج ۲، ص ۹۸۲؛ اعلام المدینة المنوّرة، حسین الوائقی، ص ۳۱.

۳ الانوار الساطعة فی المائة السابعة، آقا بزرگ طهرانی، ص ۷.

مختصری از ابن جلال بر همین رساله، و به دنبال آن نیز تعلیقه کوتاهی از ابن شداد حلبی (درگذشته ۶۸۴ ق) مورخ مشهور سده هفتم و صاحب کتاب الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام والجزیره آمده است که این شرح و تعلیقه نیز به فارسی ترجمه شده است.<sup>۱</sup>

### ابن معقل حمصی

بی تردید برجسته‌ترین و مشهورترین شخصیت امامی حمص، ابن معقل حمصی است که از ادیبان برجسته زمان خود بوده و از میان تألیفات وی، خوشبختانه اثر ادبی سترگی به نام المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب الممتبی، امروزه به دست ما رسیده است. با این حال، این شخص همانند بسیاری از دیگر ادبای شیعه که معاصر وی بوده‌اند، همچون ابوطالب محمد بن علی حلّی معروف به ابن الخیمی (درگذشته ۶۴۲ ق) و علی بن محمد موسوی طوسی معروف به ابن دفترخوان عادل (درگذشته ۶۵۵ ق)، مورد بی‌توجهی شیعیان قرار گرفته و نزد آنان کمتر شناخته شده است.

از میان نویسندگان شیعه که به معرفی ابن معقل همّت گمارده‌اند، قاضی نور الله شوشتری (شهید در ۱۰۱۹ ق) و آقا بزرگ طهرانی (درگذشته ۱۳۸۹ ق) هستند، که به شرح حال بسیار مختصری از وی اکتفا کرده‌اند.<sup>۲</sup> سید محسن امین عاملی (درگذشته ۱۳۷۱ ق) نیز با استناد به منابع تاریخی متعدد، سه شرح حال مستقل و نسبتاً کوتاه از وی به دست داده است.<sup>۳</sup> در مقایسه با نویسندگان پیشین، جعفر المهاجر به معرفی نسبتاً مفصل‌تری از ابن معقل پرداخته و نخستین فصل از کتاب خود سته فقهاء أبطال را به وی اختصاص داده است.<sup>۴</sup> البته چنانکه از عنوان کتاب برمی‌آید، معرفی ابن معقل در ضمن این کتاب به عنوان یک «فقیه»، ناشی از غلبه نگاه فقیهانه مؤلف آن است. در حالی که ابن معقل بی‌تردید در درجه نخست، یک ادیب و شاعر بوده و تعبیری همچون «نحوی»، «شاعر»، «ادیب فاضل»، «از بیت شعر

۱ نگارنده، کار تصحیح ترجمه فارسی رساله کمال‌الدین ابن طلحه شافعی و شرح ابن جلال و تعلیقه ابن شداد بر آن را به پایان برده؛ اما هنوز منتشر نشده است.

۲ مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۵۶۳-۵۶۴؛ الانوار الساطعة فی المائنة السابعة، ص ۷-۸.

۳ اعیان الشیعة، السید محسن الامین، ج ۳، ص ۴۹ و ۵۱ و ۱۷۶.

۴ سته فقهاء أبطال، ص ۱۳-۴۳.



و ادب»<sup>۱</sup> و توصیفات دیگری از این دست، که اصحاب تراجم در وصف وی گفته‌اند، و نیز عناوین آثاری که برایش یاد کرده‌اند، بهترین شاهد بر این مدعا است. از این رو ابن معقل را نمی‌توان به هیچ وجه یک فقیه به معنی مصطلح آن به شمار آورد؛ هرچند او بنا بر سنت روزگار خود، علوم رایج دیگر از جمله فقه را نیز آموخته بود. ابن معقل وابسته به خاندانی است که به مهلب بن ابی‌صُفْرَه ازدی (درگذشته ۸۳ ق)، والی خراسان در دوره اموی نسب می‌برند و از این رودر منابع از آنان با نسبت مهلبی یاد شده است. همچنین با انتساب به قبیله ازد، با نسبت ازدی، و با انتساب به زادگاهشان، با نسبت حمصی از آنان یاد شده است.

نخستین شخص مشهور این خاندان در حمص، محسن بن احمد بن حسین بن معقل ازدی است که عماد کاتب (درگذشته ۵۹۷ ق)، وی را به نام «قائد ابوالعلاء حمصی» شناسانیده و نمونه‌هایی از قصاید وی را نقل کرده است. تعبیر «قائد» می‌تواند بیانگر منصب نظامی وی باشد. عماد همچنین اشاره کرده است که پس از مرگ وی (سال ۵۴۳ ق)، سه فرزندش دیوان اشعارش را به گمان اینکه ارث آنها است، به سه قسمت پاره و تقسیم کردند!<sup>۲</sup> همچنین در برخی از منابع، از محدثی به نام ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ابی‌العلاء بن احمد بن حسان ازدی حمصی یاد شده که گویا ساکن دمشق بوده و همانجا در سال ۶۲۷ ق از دنیا رفته است. او نزد برخی محدثان اهل سنت سماع حدیث کرده و عبدالعظیم منذری (درگذشته ۶۵۶ ق) نیز از وی اجازه‌ای دریافت کرده است.<sup>۳</sup> اگر بپذیریم که نام حسان در نسب وی، تصحیف نام حسین است، این شخص می‌تواند نوه قائد ابوالعلاء و عموی ابن معقل معروف باشد.

اما شخصیت برجسته و مشهورتر این خاندان، عزّ الدین احمد بن علی معروف به «ابن معقل حمصی» است. ابن معقل باید نوه ابوالعلاء محسن بن احمد حمصی باشد که در بالا از وی یاد شد. با این حال در منابع شرح حال وی، نسبش به اختلاف بیان شده است.

۱ تکملة اکمال الاکمال، ابن الصابونی، ص ۳۱۱؛ قلاند الجمان، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲ خریده القصر و جریده العصر، العماد الکاتب، قسم شعراء الشام، ج ۱، ص ۴۰۲-۴۰۴.

۳ التکملة لوفیات النقلة، المنذری، ج ۳، ص ۲۵۷-۲۵۸.



چنانکه صابونی وی را «احمد بن علی بن معقل ازدی»<sup>۱</sup>، ابن شعّار وی را «احمد بن علی بن ابی معقل بن ابی العلاء محسن»<sup>۲</sup>، ابن فوطی وی را «احمد بن علی بن حسن بن معقل بن محسن»<sup>۳</sup> و یونینی وی را «احمد بن علی بن معقل بن ابی العلاء بن محمد بن معقل ازدی مهلبی حمصی»<sup>۴</sup> شناسانیده‌اند. ابن نجار نیز کامل‌ترین نسب را برای وی، به شرح زیر گفته است: «احمد بن علی بن حسن بن معقل بن محسن بن احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن معقل مهلبی»<sup>۵</sup>.

ابن معقل، در ۵۶۷ ق در حمص به دنیا آمد. لغت عرب را در زادگاهش نزد مهذب الدین ابوالفرج عبدالله بن اسعد موصلی (درگذشته ۵۸۱ ق)، شاعر و ادیبی که اقامت در حمص را برگزیده بود، فرا گرفت. سپس به بغداد مسافرت کرد و آنجا علوم ادبی دیگر را نزد وجیه الدین ابوبکر مبارک واسطی نحوی (درگذشته ۶۱۲ ق) و ابوالبقاء عبدالله بن حسین عکبری (درگذشته ۶۱۶ ق) آموخت. در دمشق نیز نزد تاج الدین ابوالیمن کندی (درگذشته ۶۱۳ ق) تلمذ کرد.<sup>۶</sup> ابن معقل در زمان حضور خود در عراق، مدتی نیز در حله به سر برد و به گفته برخی مورخان، در این شهر «رفض» را فرا گرفت. پس از بازگشت به شام نیز چندی در بعلبک به سر برد و از حمایت و پشتیبانی ملک الامجد بهرام شاه ایوبی بهره‌مند شد و شیعیان آنجا از محضر وی مستفید گشتند. او سپس به دمشق مهاجرت کرد و سال‌های پایانی عمر خود را آنجا سپری کرد و سرانجام در سال ۶۴۴ ق از دنیا رفت.<sup>۷</sup> ابن عدیم (درگذشته ۶۶۰ ق) که در سال ۶۲۶ ق در دمشق با وی دیدار داشته، اشاره کرده که او در آن زمان به تدریس ادب و علوم عربی در این شهر اشتغال داشته است.<sup>۸</sup>

در ارتباط با تشیع ابن معقل، نکته قابل توجه آن است که مورخان معاصرش همچون

۱ تکملة اكمال الاكمال، ص ۳۱۱.

۲ قلاند الجمان، ج ۱، ص ۲۳۵. ظاهراً «ابی معقل» در اینجا تصحیف «معقل» است.

۳ مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ابن الفوطی، ج ۱، ص ۷۹.

۴ ذیل مرآة الزمان، الیونینی، ج ۳، ص ۱۱.

۵ الوافی بالوفیات، الصفدی، ج ۷، ص ۲۰۱ (به نقل از بخش مفقود از ذیل تاریخ بغداد ابن نجار).

۶ تکملة اكمال الاكمال، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۷ قلاند الجمان، ج ۱، ص ۲۳۶ (به نقل از بخش مفقود از بغیة الطلب ابن عدیم).

۸ مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ج ۱، ص ۸۰-۸۱.

ابن نجار، ابن عدیم و صابونی که با ابن معقل دیدار داشته و نزد وی آموخته یا قصایدش را شنیده‌اند، به تشیع وی اشاره نکرده‌اند. اما مورخان بعدی، گویا با استناد به دیوان اشعار وی که در آن قصایدی در مدح اهل بیت (ع) و اشعاری در مذمت صحابه وجود داشته است، به تشیع وی اشاره کرده‌اند. چنانکه ابن فوطی از وی با توصیف «شاعر شیعی» یاد و اشاره کرده است که دیوان وی را در سال ۶۶۳ ق، در کتابخانه رصدخانه مراغه دیده بوده که در آن قصاید فراوانی در مدح اهل بیت (ع) وجود داشته است. قطب الدین یونینی و نیز شمس الدین ذهبی احتمالاً به نقل از یونینی با عبارت «کان غالباً فی التشیع» از وی یاد کرده و به وجود دیوان شعر وی که مختص مدح اهل بیت (ع) بوده و در آن صحابه را نیز مذمت کرده، اشاره کرده‌اند. اینکه مورخان معاصر ابن معقل به تشیع وی اشاره نکرده‌اند، می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که او در زمان حیات خود اصراری به آشکار ساختن تشیع خود نداشته و احتمالاً تقیّه می‌کرده است. اما مورخان بعدی، همچون ابن فوطی و یونینی با دیدن قصاید وی در دیوان اشعارش که در آن ابیاتی در مدح اهل بیت (ع) و ذم صحابه وجود داشته، به تشیع ابن معقل پی برده‌اند؛ و مورخانی همچون ذهبی و صفدی نیز، احتمالاً اشاره به تشیع وی را، از مورخان پیش از خود اقتباس کرده‌اند.<sup>۱</sup>

امروزه متأسفانه نسخه‌ای از دیوان شعر ابن معقل شناخته شده نیست. اما عمدتاً در منابع شرح حال وی، و گاه در سایر منابع، نمونه‌هایی از اشعار و قطعه‌هایی از قصاید ابن معقل نقل شده است. با این حال، تنها نمونه از قصاید وی در مدح اهل بیت (ع) را یونینی نقل کرده که برخی ابیات آن به شرح زیر است:<sup>۲</sup>

وَوَلَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ أَمِنْ لِمَنْ	خَافَ الْجَحِيمُ عَذَابَهَا وَنَكَالَهَا
هُمُ حُجَّةُ اللَّهِ الْعَلِيِّ عَلَى الْوَرَى	وَبِهِمْ إِبَانٌ حَرَامَهَا وَحَلَالَهَا
وَهُمُ الْمُسِيمُو سَرَحَهَا وَالْمُمَطَّرُو	جَرَارَهَا وَالْمُمِسِكُو أَحْبَابَهَا
لَوْلَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَوْتَاداً لَمَا	تَبَيَّتْ بِهِمْ وَرَزَلَتْ زَلْزَالَهَا
فَعَلَيْهِمْ صَلَوَاتُهُ سَحْباً غَدَّتْ	كَالْتَيْبِ تَرَأْمُ بِالْعَشِيِّ أَفَالَهَا <sup>۲</sup>

۱ ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۱۱؛ تاریخ الاسلام، ج ۱۴، ص ۴۹۴.

۲ ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۱۲.

از شاگردان ابن معقل که منابع تاریخی یاد کرده‌اند، می‌توان به نور الدوله علی بن احمد بن عقیب عامری بعلبکی نحوی، معروف به «ابن عقیب» اشاره کرد که لغت عرب را نزد ابن معقل فرا گرفت و در سال ۶۷۴ ق در بعلبک از دنیا رفت.<sup>۱</sup> همچنین لازم است از نجم الدین احمد بن محسن بعلبکی معروف به «ابن ملی» (درگذشته ۶۹۹ ق) یاد کرد که به گفته یونینی، مذهب شیعه را نزد ابن معقل فرا گرفت. اگرچه بیشتر مورخان این شخص را فقیه و مدرّس شافعی مذهب معرفی کرده‌اند، اما می‌دانیم که او بی‌تردید از رجال شیعه امامیه بوده است.<sup>۲</sup> اما در میان شاگردان شناخته شده ابن معقل، به نظر می‌رسد جمال الدین ابن مقبل حمصی - که در ادامه مقاله درباره‌اش سخن خواهیم گفت - از مهم‌ترین شاگردان و بلکه احتمالاً شاگرد خاص وی بوده است. افزون بر آنکه ابن مقبل نیز مانند شیخ خود ابن معقل، اصالتاً از شهر حمص و از قبیله عربی ازد بوده، شاهد دیگر بر ارتباط خاص ابن مقبل و ابن معقل، وجود نسخه‌ای از صحاح اللغه جوهری به خط ابن مقبل است که از روی نسخه‌ای به خط ابوالفرج موصلی شیخ ابن معقل استنساخ کرده است.

در همین زمینه، این نکته نیز قابل توجه است که محمد باقر خوانساری (درگذشته ۱۳۱۳ ق) به نقل از جمال الدین ابن مقبل، سخنی از ابن معقل را در ستایش شریف مرتضی نقل کرده است که ابن مقبل در این نقل قول، از ابن معقل با پیشوند شیخ خود یاد کرده است. اظهار نظر وی درباره شریف مرتضی چنین است: «لو حلف إنسان أن السيد المرتضى كان اعلم بالعربية من العرب لم يكن عندي آثماً»<sup>۳</sup>.

همچنین گفتنی است قطب الدین یونینی، از شخصی به نام ابوالعباس صفی الدین احمد بن علی بن حمیر بعلبکی (درگذشته ۶۷۱ ق) یاد کرده که ابن معقل، دایی پدرش بوده است و یونینی از وی با تعبیر «كان متشيعاً غالباً» یاد کرده و درباره‌اش گفته است: «كان من أمثال أهل بعلبک وله جدّه متوسطة وعنده مکارمة وسعة صدر وحسن عشرة»<sup>۴</sup>.

۱ ذیل مرآة الزمان (تاریخ السنوات ۶۹۷-۷۱۱هـ)، ج ۱، ص ۴۳۵.

۲ برای آگاهی بیشتر درباره این شخص بنگرید: ستة فقهاء أبطال، ص ۴۵-۷۷.

۳ روضات الجنّات فی احوال العلماء والسادات، الخوانساری، ج ۴، ص ۳۰۳.

۴ ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۱۱.

## چهره شیعی ابن معقل در کتاب المآخذ وی

منابع تاریخی شرح حال ابن معقل، برای وی به جز دیوان شعر، از اثری به نام نظم الایضاح والتکملة یاد کرده‌اند که همان‌گونه که از نام آن پیدا است، او در این اثر دو کتاب الایضاح و التکلمة ابوعلی فارسی (درگذشته ۳۷۷ ق)، ادیب و نحوی برجسته سده چهارم، را در قالب ارجوزه‌ای، به نظم درآورده بود.<sup>۱</sup> او این اثر را بر شیخ خود تاج الدین کندی عرضه کرده و او نیز آن را پسندیده بود.<sup>۲</sup> همچنین قطب الدین یونینی، نقل قولی از ابن معقل، از «روضه» دارد<sup>۳</sup> که شاید کلمه آغازین عنوان اثری از وی بوده است.

اما به نظر می‌رسد تنها اثر ابن معقل که امروزه به طور کامل به دست ما رسیده، کتاب المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی است که به شیوه بسیار مناسب و فاخری، به تصحیح عبدالعزیز بن ناصر المانع، استاد ادبیات عرب در دانشگاه ملک سعود ریاض، از سوی مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة در این شهر به سال ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م، در چهار جلد رحلی منتشر شده است.

از این کتاب دو نسخه خطی شناخته شده است: نسخه اول، به شماره ۱۷۴۸ در گنجینه فیض الله افندی در کتابخانه سلیمانیه استانبول نگهداری می‌شود و چنانکه مصحح کتاب با ارائه شواهدی نشان داده،<sup>۴</sup> این نسخه به خط مؤلف است. نسخه دوم نیز به شماره «۵۷ ادب» در گنجینه عارف حکمت در کتابخانه ملک عبدالعزیز مدینه نگهداری می‌شود و به قلم عبدالباقی بن محمد در سال ۱۰۴۰ ق، از روی نسخه مؤلف در گنجینه فیض الله افندی استنساخ شده است.<sup>۵</sup>

کتاب المآخذ از پنج بخش تشکیل شده که هر بخش، نقدهای ابن معقل بر یکی از شرح‌های مهم دیوان متنبی است که به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱ تکملة اکمال الاکمال، ص ۳۱۴؛ قلاند الجمان، ج ۱، ص ۲۳۶.
- ۲ تکملة اکمال الاکمال، ص ۳۱۴.
- ۳ ذیل مرآة الزمان، ج ۲، ص ۵۹.
- ۴ المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی، ج ۱، ص ۳۸-۴۲ (مقدمه مصحح).
- ۵ همان، ج ۱، ص ۵۱ (مقدمه مصحح).

۱. شرح ابن جنّی (درگذشته ۳۹۲ ق)، موسوم به الفسر؛
۲. شرح ابوالعلاء معری (درگذشته ۴۴۹ ق)، موسوم به اللامع العزیزی؛
۳. شرح یحیی بن علی تبریزی (درگذشته ۵۰۲ ق)، موسوم به الموضح؛
۴. شرح ابوالیمن کنندی (درگذشته ۶۱۳ ق)، موسوم به الصفوة؛
۵. شرح علی بن احمد واحدی نیشابوری (درگذشته ۴۶۸ ق).

اگرچه کتاب المآخذ متنی ادبی است که همانند بیشتر متون مشابه، با نگاه ادبی و رویکرد غیر مذهبی نگاشته شده، اما مؤلف در مواردی هرچند محدود، چهره شیعی خود و علاقه‌اش به اهل بیت (ع) را در کتاب نمایانده است. از جمله آنکه در جایی از کتاب خود، به ولادت امام علی (ع) در کعبه و اینکه فاطمه بنت اسد در زمان زایمان خونی ندید، اشاره کرده است.<sup>۱</sup> ابن معقل در این کتاب چندین بار اقوالی از امام علی (ع) یا حکایت‌هایی از ایشان را نقل کرده که هر بار پس از ذکر نام ایشان، عبارت «علیه السلام»<sup>۲</sup>، و یک بار نیز عبارت «علیه افضل الصلاة والسلام»<sup>۳</sup> را به کار برده است. همچنین پس از نام حضرت فاطمه زهرا (س) عبارت «علیها السلام»<sup>۴</sup>، و پس از نام امام حسن (ع)، عبارت «علیه السلام»<sup>۵</sup> را استفاده کرده، و در جای دیگری نیز به قولی از امام صادق (ع)، با ذکر عبارت «علیه السلام»<sup>۶</sup> پس از نام ایشان، استشهداد / استناد کرده است.

او همچنین در مآخذ خود بر شرح دیوان متنبی از ابوالعلاء معری، موسوم به لامع عزیزی، درباره بیت زیر که متنبی در مدح سیف الدوله حمدانی (حکومت: ۳۳۳-۳۵۶ ق) سروده است:

مُبَارَكُ الْاِسْمِ اَعْرُ اللَّقْبُ      كَرِيمُ الْجَرِيئِ شَرِيفُ النَّسَبِ

بر ابوالعلاء این اشکال را گرفته است که او در شرح این بیت، تنها به شرح معنی «اغرّ

۱ همان، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲ همان، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳، ۲۴۳، ۲۴۸؛ ج ۲، ص ۲۵، ۵۰، ۱۲۰، ۱۹۴؛ ج ۳، ص ۱۱؛ ج ۴، ص ۴۶-۴۷؛ ج ۵، ص ۶۰، ۷۷، ۱۱۱، ۱۵۹، ۱۹۷.

۳ همان، ج ۱، ص ۲۴۹.

۴ همان، ج ۱، ص ۲۵۳؛ ج ۲، ص ۲۵.

۵ همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۶ همان، ج ۵، ص ۲۴.

اللقب» پرداخته، در حالی که از شرح «مبارک الاسم» غفلت ورزیده است. سپس خود در ادامه، به شرح نام وی «علی» پرداخته و گفته است: علی مشتق از «عُلُو»، و علو مبارک است؛ به ویژه آنکه نام علی بن ابی طالب نیز هست که از نام باری تعالی مشتق گشته؛ چراکه در حدیث قدسی آمده است: «إِنِّي خَلَقْتُهُ، وَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِي، فَأَنَا الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، وَهُوَ عَلِيٌّ».<sup>۱</sup> ابن معقل همچنین بر مبنای روایتی از امام کاظم (ع) که برخی منابع شیعه به واسطه ابن مغزالی نقل کرده‌اند،<sup>۲</sup> تفسیری شیعی از آیه کریمه «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» ارائه داده و مقصود از «مشكاة» را حضرت فاطمه زهرا (س)، و مقصود از «مصباح» را امام حسین و امام حسین (ع) دانسته است و در تفسیر آیه «الزجاجة كأنها كوكبٌ دريٌّ»، به متن این روایت استناد کرده است که: «كانت فاطمة عليها السلام كوكباً درياً من نساء العالمين».<sup>۳</sup> در ادامه نیز در تفسیر آیه «وَلَوْلَمْ تَسْسُسْهُ نَارُ نُورِ عَلِيٍّ نُورٌ»، به ادامه همان روایت: «منها امامٌ بعد امامٍ»، و در تفسیر آیه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» نیز به این روایت: «يهدى الله لولايتنا من يشاء»، استناد / استشهد کرده است.<sup>۴</sup>

### خاندان ابن مقبل حمصی

آخرین حلقه شناخته شده از زنجیره تشیع امامی در حمص در سده‌های میانی، خاندان ابن مقبل حمصی است که منابع تاریخی، چند تن از رجال این خاندان را که در سده هفتم و نهم نخست سده هشتم می‌زیسته‌اند، شناسانیده‌اند. نخستین شخص شناخته شده از این خاندان، یحیی بن مبارک بن مقبل غسانی حمصی است که ذهبی وی را با تعبیر «کان وزیراً من اجلاد الشيعة وغلّاتهم» توصیف کرده است.<sup>۵</sup>

فرزندان این شخص نیز از اعلام زمان خود بوده‌اند و به فضل و شعر و ادب شناخته می‌شدند. یونینی درباره یکی از فرزندان وی به نام ابوالخیر مخلص الدین مبارک بن یحیی

۱ همان، ج ۲، ص ۵۰.

۲ از جمله: بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۳، ص ۳۱۶؛ ج ۳۶، ص ۳۶۳.

۳ المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المتنبی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴ همان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۵ تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۴۱۳.

گفته است: «كان فاضلاً ادیباً وله معرفة تامّة بالانساب، وهو احد مشايخ الشيعة»<sup>۱</sup> و در جای دیگری نیز گفته است: «كان من الفضلاء المشهورين بمعرفة الادب والانساب وأيام الناس».<sup>۲</sup>

بر اساس زندگی‌نامه‌ای که یونینی از مخلص الدین ابن مقبل به دست داده، او کتاب *الجمهرة في الانساب ابن كلبی* (درگذشته ۲۰۴ ق) را به شیوه مناسبی خلاصه کرده بود که فضل و دانش وافر وی را نشان می‌داد و افزون بر این، تألیفات دیگری نیز از جمله کتاب *المشجر في النسب* داشت. او در زمان حمله مغولان به شام در سال ۶۵۸ ق، از حمص به جبل لبنان پناه برد و در همان سال، در یکی از روستاهای صعب العبور این منطقه در سن شصت سالگی از دنیا رفت.<sup>۳</sup> یونینی همچنین نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده است.<sup>۴</sup>

برادر همین شخص، جمال الدین محمد بن یحیی، شاگرد ابن معقل بوده است که ذهبی از وی با اوصافی همچون ادیب، رئیس و شاعر، که دارای نظم و نثر بوده، یاد کرده است. او همچنین سال تولد وی را ۶۰۷ ق گفته و با استناد به وجود اجازه‌نامه‌ای از وی از سال ۶۷۸ ق، حیات وی را تا این تاریخ نتیجه‌گیری کرده و از وی در شمار درگذشتگان سال‌های ۶۷۱-۶۸۰ ق نام برده است.<sup>۵</sup>

نمونه‌هایی از اشعار جمال الدین ابن مقبل، به صورت پراکنده در منابع تاریخی نقل شده است. به عنوان مثال، یونینی در ذیل زندگی‌نامه یکی از اعلام شیعه به نام تقی الدین مبارک بن احمد بن ابی الفرج حدّاد (درگذشته ۶۷۴ ق در بعلبک)، قصیده‌ای از ابن مقبل را در رثای این شخص نقل کرده که مطلع آن چنین است:

لو أنّ البكاء يجدي على اثرها لك      بكينا على الدهر التقى المبارك<sup>۶</sup>

نمونه دیگری از اشعار وی، قصیده‌ای است که در اعتراض به قصیده مبالغه آمیز ابن حسام عاملی (زنده در ۷۳۶ ق) در رثای شیخ خود ابن العودی اسدی حلّی (درگذشته ۶۷۷ ق) در

۱ ذیل مرآة الزمان، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲ همان، ج ۲، ص ۳۷.

۳ همان، ج ۲، ص ۳۷.

۴ همان، ج ۱، ص ۳۸۶؛ ج ۲، ص ۳۷-۳۸.

۵ تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۴۱۳.

۶ ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۱۴۹-۱۵۰.

جزّین)، که در آن قبر وی را با مشهد امام علی (ع) در نجف مقایسه کرده بود، سروده است که مطلع آن چنین است:

لقد تجاوز حدّ الكفر والسُّخْف من قاس مقبرة ابن العود بالنجف<sup>۱</sup>

چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، نسخه‌ای از صحاح اللغة اسماعیل بن حمّاد جوهری (درگذشته ۳۹۳ ق) در کتابخانه فاضل خوانساری به شماره ۲۷۹ نگهداری می‌شود<sup>۲</sup> که به خط جمال الدین ابن مقبل، در دهه آخر ربیع‌الثانی ۶۵۶ ق، از روی نسخه ابوالفرج عبدالله بن اسعد موصلی شیخ ابن معقل کتابت شده و کاتب، در انجامه نسخه، نسب خود را به صورت «محمد بن یحیی بن مبارک بن مقبل بن حسن بن موسی بن محمد غسانی حمصی» بیان کرده است.<sup>۳</sup>

شخص دیگری که از خاندان ابن مقبل می‌شناسیم، بدرالدین ابومحمد حسین بن یحیی است که ابن فضل‌الله عمری (درگذشته ۷۴۹ ق)، وی را با اوصاف «الصدر الأجلّ، رئیس الکبیر الاصلی، صفوة الدولة» ستوده و درباره‌اش این توضیح را داده است که او در آغاز «کاتب الدرج» در حمص بود و سپس «کتابه السّر» را در طرابلس عهده دار شد و در این شهر از دنیا رفت. اما تاریخ وفاتش را به دست نداده است.<sup>۴</sup>

ابن فضل‌الله هم‌چنین در معرفی پدر این شخص گفته است: «شهاب الدین ابودکاء، بل وحده الصّاحب، فقیه الشیعة ومُفتیها». از برادرش نیز با لقب «جمال الدین»، که البته نامش در نسخه خطی مورد استفاده در تصحیح کتاب افتاده، یاد کرده است.<sup>۵</sup> با توجه به این قرینه

۱ ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۴۳۶؛ کنوز الذهب فی تاریخ حلب، سبط ابن العجمی، ج ۱، ص ۳۶۴.  
 ۲ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله فاضل خوانساری، سید جعفر حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳ تصویر این نسخه در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۶۳۴ نگهداری می‌شود. گفتنی است در فهرست کتابخانه، نسبت کاتب، به اشتباه «عسائی جمعنی» بازخوانی شده، اما در فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (ج ۲، ص ۲۶۴) به صورت «غسانی حمصی» اصلاح گشته است. هم‌چنین یونینی در ذیل زندگی‌نامه مخلص‌الدین مبارک در ذیل مرآة الزمان (ج ۲، ص ۳۸)، نسب وی را به صورت «مبارک بن یحیی بن مبارک بن مقبل بن حسن بن یونس» گفته است که ممکن است نام «یونس» در این نسب، صورت تصحیف شده نام «موسی» در نسخه چاپی کتاب وی باشد.

۴ ذهبیة العصر، ابن فضل‌الله العمری، ص ۱۲۶.

۵ همانجا.



و نیز به‌کار بردن تعبیر «بیت وزارت» برای این خاندان، چنین برمی‌آید که این شخص برادر سوم مخلص الدین مبارک و جمال الدین محمد است که ذهبی پدرشان یحیی را از وزرای شیعه برشمرده است.

## منابع

- ابن الاثیر، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، تحقیق: عبدالفتاح ابوغدة، بیروت: دار البشائر الاسلامیة، ط ۱، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
- ابن الشعار، مبارک بن احمد، قلاند الجمان فی فرائد شعراء هذا الزمان، تحقیق: کامل سلمان الجبوری، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۵ م.
- ابن الصابونی، محمد بن علی، تکملة اكمال الاكمال، تحقیق: مصطفی جواد، المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۷ م.
- ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: عمر بن غرامة العمروی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
- ابن فضل الله العمری، احمد بن یحیی، ذهبیة العصر، تحقیق: ابراهیم صالح، بیروت: دار البشائر الاسلامیة، ط ۱، ۱۴۳۲ ق / ۲۰۱۱ م.
- ابن الفوطی، عبدالرزاق بن احمد، مجمع الآداب فی معجم اللقب، تحقیق: محمد الکاظم، طهران: مؤسسه الطباعة والنشر، ط ۱، ۱۴۱۶ ق.
- ابن المستوفی، مبارک بن احمد، تاریخ اربل، تحقیق: بشار عواد معروف و صلاح محمد جرّار، تونس: دار الغرب الاسلامی، ط ۱، ۱۴۳۴ ق / ۲۰۱۳ م.
- ابن معقل، احمد بن علی، المآخذ علی شراح دیوان ابی الطیب المُنْتَبی، تحقیق: عبدالعزيز بن ناصر المانع، الرياض: مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م.



- بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م.
- المهاجر، جعفر، التأسيس لتاريخ الشيعة في لبنان وسورية، بيروت: دار الملاك، ط ١، ١٤١٣ ق / ١٩٩٢ م.
- المهاجر، جعفر، ستة فقهاء أبطال، بيروت: المجلس الاسلامي الشيعي الاعلى مركز الدراسات والتوثيق والنشر، ط ١، ١٤١٥ ق / ١٩٩٤ م.
- الوائقي، حسين، اعلام المدينة المنورة، قم، ط ١، ١٤٣٩ ق.
- الوائقي، حسين، المدنيات، قم: دانش حوزة، ط ١، ١٤٣٣ ق / ٢٠١٢ م.
- ياقوت الحموي، معجم البلدان، بيروت: دار صادر، ١٣٩٧ ق / ١٩٧٧ م.
- اليونيني، موسى بن محمد، ذيل مرآة الزمان، حيدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ١٣٧٤ ق / ١٩٥٤ م.
- اليونيني، موسى بن محمد، ذيل مرآة الزمان (تاريخ السنوات ٦٩٧-٧١١هـ)، تحقيق: حمزة احمد عباس، ابوظبي: هيئة ابوظبي للثقافة والتراث المجمع الثقافي، ٢٠٠٧ م.



## سه تن از مشایخ اجازة علامه مرعشی (ره)

امیرالله شجاعی \*

### چکیده

در این گفتار، سه تن از مشایخ اجازة آية الله سيد شهاب الدين مرعشي نجفي معرفي شده اند که تا کنون کمتر شناخته شده بودند: اول، ملا رحمة الله کرمانی. او فقیه اصولی ادیب بوده که به سبب مخالفت با مشروطه به تهران کوچیده است. نگارنده کتاب شرح مراثی بحرالعلوم او را شناسانده و در باره نسبت کتاب مفتاح الجنان به او بحث کرده است. دوم، میرزا محمود اهری نجفی که علاوه بر فقه و اصول، در اخلاق نیز جایگاهی داشته است. سوم، ملا محمود بیدگلی کاشانی (متوفی ۱۳۵۰ قمری) که کتابی در باب امامت نوشته است.

### کلیدواژه ها

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین - مشایخ اجازة؛ کرمانی، رحمة الله؛ مفتاح الجنان (کتاب)؛ شرح مراثی بحرالعلوم (کتاب)؛ اهری نجفی، محمود؛ بیدگلی کاشانی، محمود؛ عالمان شیعه - قرن چهاردهم.

\* پژوهشگر حوزوی و فعال در عرصه میراث مکتوب

شاید بتوان ادعا کرد که در عصر ما، بیشترین کسی که دارای اجازه روایی از علمای شیعه و سنی است، علامه بزرگ شیعه، حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ ق) می باشد، که بحمدالله مجموعه این اجازات در دو کتاب ارزشمند المسلسلات و الاجازة الكبيرة به تفصیل معرفی شده اند. با این همه در ضمن جستجوهای ترجمه نگاری با نامهایی آشنا می شویم که از مشایخ روایی علامه مرعشی می باشند، اما در منابع ترجمه نگاری معاصر به اطلاعات اندکی درباره ی آنها دست می یابیم. در این مجال به بررسی سه تن از آنان می پردازیم.

### ۱. ملا رحمت الله کرمانی

این عالم برجسته، فقیه، اصولی، شاعر و ادیب بزرگ شیعه و از تلامذه علامه میرزا محمد حسن آشتیانی (ره) - از شاگردان ارشد شیخ مرتضی انصاری (ره) - می باشد.

مرحوم علامه طهرانی در کتاب نقباء البشر درباره ایشان می نگارد:

«الشیخ رحمة الله بن علي الكبر الكرمانی، عالم فاضل وأديب كامل. كان من أجلاء عصره في همدان ومن علمائها الأفاضل الأعلام، له آثار منها: وسيلة النجاة في شرح الاثني عشریات. وهي قصائد للسيد مهدي بحر العلوم النجفي، ألفه في «۱۲۹۶» وطبع في ۱۳۰۰ والظاهر أنه ادرك هذه المائة ولعله لم يدركها والله العالم»<sup>۱</sup>.

ایشان سپس در استدراکی که در کتاب الکرام البررة می آورد، بخشی از گزارش خود را تصحیح می کند و می نویسد:

«المولى رحمة الله بن علي اكبر الكرمانی عالم أديب، كان من أعلام الفضل ورجال العلم في همدان، وكانت له مكانة بين أهلها ومرجعية لاثقة، له آثار منها نجات العباد في شرح الاثني عشریات في المراثي من مدح العلامة السيد مهدي بحر العلوم، وهو شرح فارسي جيد يهيم عن فضل وخبرة، فرغ منها سنة ۱۲۹۶ هـ واعتذر في آخره عن عدم وجود شيء من كتب اللغة عنده، وقد صدره بيتين ضمنها اسم الكتاب وهما قوله:

۱ نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۲۱.

يا راکض الفلوات في طلب العلی      يا طائف الروضات في شم الزهر  
هذا نجاه للعباد فسنه کالـ      روح التي أعطاک وهاب الصور

وقد ذکرناه في نقباء البشر ص ۷۲۱ واحتملنا بقاءه الى المائة الرابعة عشرة، كما يظهر من طبع کتابه في سنة ۱۳۰۰ هـ الذي وصف علی ظهره بحجة الاسلام والمسلمين ولا یبعد کون وفاته في هذا القرن ولذلك قد اعدنا ذکره في هذا الجزء مع بعض الزيادات والفوائد التي وقفنا عليها اخیراً وقد ذکرنا في النقباء ان اسم کتابه وسیلة النجاة وهو الاسم الذي عنوان به الكتاب عند طبعه، غير انا عثرنا علی نسخة مخطوطة منه سمي علی ظهرها بـ نجاة العباد وهو الصحيح<sup>۱</sup>!

همانطور که ملاحظه می فرمایید اطلاعات ایشان درباره ملا رحمت الله کرمانی اندک است، بگونه ای که حتی ایشان این احتمال را ذکر می کنند که وی قرن ۱۴ هجری را درک نکرده است. اگرچه بعداً از این احتمال عدول می کند و حیات ایشان تا سال ۱۳۰۰ ق را گزارش می کنند. لکن در ادامه معلوم خواهد گردید که وی مسلماً این قرن را درک کرده است و حداقل تا سال ۱۳۱۷ ق که سال فراغت از حاشیه فرائدش می باشد، زنده بوده است و در سال های آغازین مشروطه به علت مخالفت مشروطه خواهان مجبور به هجرت از تهران و سکونت در همدان می گردد.

مرحوم علامه روضاتی در تعلیقه ای که بر طبقات الشیعة علامه تهرانی نوشته است در ذیل نام الشیخ رحمة الله الكرمانی می نویسد:

«عندنا شرح لأبيات الله أكبر ماذا الحادث الجلل وهو الذي سمّاه المؤلف خطأ في المتن وفي الذريعة بوسيلة النجات والرجل صاحب الحاشية على رسائل شيخنا الانصاري وهو مصحح إحدى طبقات مفتاح الجنان في الادعية وقد كتبت شيئاً من احواله علی ظهر نسختنا وله ترجمة اخرى في الكرام البررة، ص ۵۳۷»<sup>۲</sup>.

اما گزارش منحصر بفردي که علامه مرعشی از شیخ روائی خود ارائه داده اند، اینچنین است:

۱ الكرام البررة، ج ۲، ص ۵۳۷ ۵۳۸.  
۲ تعلیقات طبقات اعلام الشیعة، ص ۵۰۱



«هو العلامة الأصولي الفقيه الأديب الآية الظاهرة الملا رحمة الله الكرمانی، كان من مهرة الأصول خريئاً فيه، تلمذ لدى جماعة، منهم: العلامة المحقق الحاج ميرزا محمد حسن الآشتياني صاحب التعليقة الشهيرة وكان رحمة الله شديد النكير على أمر المشروطة الدستورية الحادثة في ايران حتى راموا قتله فهرب الى العراق وله آثار وتآليف، منها:

الحاشية على كتاب الرسائل وقد طبعت على هوامشه في احدى طبعاته ويناضل غالباً المحقق الخراساني صاحب الكفاية كما هو غير ستير على من سترها.

ومن آثاره: كتاب مفتاح الجنان في الأدعية والزيارات فانه أول من جمعها ورتبها زمن اقامته، ببلدة بمبئي من بلاد الهند، باستدعاء تجرة الكتب ولكن الأسف قد دسّ فيه في طبعاته الاخيرة ما لم يذكره المؤلف من الامور الضعاف وكان يروي عن جماعة، منهم: العلامة الحاج ميرزا محمد حسين الحسيني المرعشي الحائري وغيره وعنه يروي عدّة، منهم العبد شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي ... ۱۳۷۴ هـ»<sup>۱</sup>

از مجموعه اين گزارش های سه گانه و گزارش های ديگر اطلاعات ذيل بدست می آيد:  
 (۱) ايشان فقيهی اصولی و از بزرگان علم اصول بوده و حاشيه ايشان بر کتاب رسائل که به همراه دو حاشيه ديگر از مرحومين آيتين شيخ موسى تبريزی و آقا رضا همدانی چاپ شده است، مؤيد اين مطلب است و از اين جهت در ميان طلاب علوم دينی به حاشيه ملا رحمت الله معروف گرديده است.

(۲) وی شاعر و ادیبی کامل و زبردست بوده و شرح ادیبانه و فاضلانه وی بر مراثی سيد بحر العلوم که دارای عبارات سنگین ادبی و شعری است، نشان از تبحر ادبی ايشان دارد. در ضمن، تکمله ايشان بر اين مراثی بيانگر تسلط وی در شعر و سرودن اشعار عربی می باشد.  
 (۳) وی شاگرد اصولی بزرگ شيعه، علامه ميرزا محمد حسن آشتيانی (وفات ۱۳۱۹ ق) - از اجلاء تلامذه طبقه اول شيخ اعظم انصاری - بوده، که مدت ها در تهران عهده دار تدریس کرسی فقه و اصول بود و عالم اول اين شهر محسوب می گرديد و شايد بتوان گفت حواشی ملا رحمت الله بر کتاب رسائل که بیشتر در ردّ نظرات صاحب کفايه آخوند خراسانی می

۱ وسائل المحشى، ص ۱ و موسوعة العلامة المرعشى، ج ۳، ص ۱۱۴



باشد، متأثر از آرای استاد بزرگوارش می باشد و ایشان در این حاشیه بیشتر بدنبال حمایت از آراء مدرسه اصولی شیخ انصاری در مقابل آرای آخوند خراسانی بوده است.

۴) سکونت ایشان در تهران و آغاز ماجرای مشروطیت، ایشان را به موضع گیری در برابر این جریان کشانده است. وی یکی از مخالفان جریان مشروطه در ایران می گردد و کار را تا آنجا پیش می برد که مخالفان ایشان و حامیان جریان مشروطه، در صدد قتل وی برآمده و توطئه قتل ایشان را می کشند. ایشان برای رهایی از این امر به عراق هجرت می کند. بنظر می رسد این حوادث در همان برهه زمانی که شیخ شهید شیخ فضل الله نوری، یعنی حوالی سال ۱۳۲۷ ق به شهادت رسیده بوده باشد. بنظر می رسد مخالفت با نظرات اصولی آخوند خراسانی، تا بدانجا پیش رفته است که حتی در نظرات سیاسی هم، با وی به مخالفت پرداخته است، و شاید همچون شیخ شهید ابتدا از طرفداران آن بوده و بعد از آشکار شدن نیت سوء بعضی از سردمداران آن، به مخالفت علنی با آنان پرداخته است.

۵) ایشان در نهایت در همدان مستقر گردیده و از بزرگان و مراجع علمی آن سامان می شود. البته به این مطلب تنها در گزارش علامه طهرانی اشاره شده است و در منابع دیگر حتی مصادر شهر همدان اشاره ای به این مطلب نشده است.

۶) ایشان برای مدتی در شهر بمبئی اقامت داشته و در این مدت موفق به طبع کتاب مفتاح الجنان میگردد. اگرچه در چاپ های بعدی، تاجران منفعت طلب با توجه به استقبال از کتاب ایشان ادعیه غیر مستند را به آن ملحق کرده اند، که در این باره توضیحات بیشتری خواهیم داد.

۷) شیخ اجازه ایشان مرحوم حاج میرزا محمد حسین حسینی مرعشی حائری می باشد و علامه مرعشی که متولد ۱۳۱۵ ق می باشد موفق به اخذ اجازه از این عالم برجسته گردیده است و اگر ایشان این اجازه را حداقل در ۲۰ سالگی از ملا رحمت الله اخذ کرده باشد می بایست تا حدود ۱۳۳۵ ق این فقیه اصولی در قید حیات بوده باشد.

### شاگردان

در کتاب نام آوران علم و اجتهاد کرمان از دو تن از شاگردان ملا رحمت الله کرمانی یاد شده است:



۱) احمد مجتهد الاسلام کرمانی متولد ۱۲۸۸ ق که مقدمات دروس حوزوی را نزد ملا رحمت الله کرمانی و حاج عبد الله رایینی فرا گرفت و سپس به اصفهان و تهران رفت و جزء مشروطه خواهان گردید و فعالیت بسیاری نمود تا دستگیر و تبعید گردید. بعد از پیروزی مشروطه خواهان در پایتخت، به تهران آمده و روزنامه «ندای وطن» را منتشر کرد و در سال ۱۳۲۷ از تهران به کرمان بازگشت و پس از یک سال ریاست فرهنگ در سال ۱۳۴۲ ق درگذشت.<sup>۱</sup>

۲) آیت الله سید علی موسوی (۱۲۹۰-۱۳۴۶ ق)؛ وی نیز دروس مقدماتی و سطح را از شیخ رحمت الله کرمانی و شیخ عبد الله رایینی فرا گرفت، سپس به اصفهان رفت و از علمای معروف آنجا چون شیخ محمد تقی نجفی و میرزا جهانگیرخان قشقایی و آخوند کاشی استفاده کرد، آنگاه به نجف اشرف عزیمت و از سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود، وی به سال ۱۳۲۲ ق به کرمان مراجعت نموده و به امورات دینی و قضاوت پرداخت.<sup>۲</sup>

## تالیفات

### ۱. شرح مراثی سید بحر العلوم یا وسیلة النجاة (عربی، فارسی)

از یادگارهای ماندگار و مشهور علامه سید مهدی بحر العلوم (وفات ۱۲۱۲ ق)، ترکیب بند آتشین و جانسوز مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام است که در ۱۱ بند سروده است. این اشعار دریایی است مواج، که مشحون از آیات و روایات و سیره اهل بیت و مقتل صحیح و مستند، بهمراه ظرایف پیچیده ادبی می باشد. بر این یازده بند شروحنی چند نگاشته شده است که از میان آن شروح، شرح ملا رحمت الله کرمانی ویژگی خاصی دارد و مورد توجه واقع شده است. این اثر تبحر شارح آن را در ادبیات عربی و فارسی به خوبی نمایان می کند. شارح هر بیت را با سه عنوان «اللغة» و «الاعراب» و «المعنی»، شرح لغوی، ادبی و معنایی کرده است. دو بخش اول و دوم به زبان عربی، و بخش سوم که بمنزله ترجمه و شرح

۱ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۳۳۲.

۲ نام آوران علم و اجتهاد کرمان، ص ۱۸۲.

ابیات می باشد، به فارسی نگارش یافته است. وی انگیزه اش را در نگارش چنین شرحی اینگونه بیان می دارد:

«ابیاتی در مرآتی منسوب به سید اجل اورع اتقی بحر العلوم اعلی الله مقامه به نظر رسید. و اعتقاد حقیر آن است که طریقی از برای ذاکر مصیبت، اسلم از خواندن چند بیتی از آنها و بیان مضامین آنها نباشد، به واسطه اطمینان به فرمایشات ایشان و به واسطه غموض لفظی و معنوی در بعضی ابیات، اغلب ذاکرین از خواندن آنها علی وجه الصحة محروم بودند و شرحی که خالی باشد از تطویل ممل و تقلیل مخلّ، و نافع عالی و دانی به نظر نرسید. به خاطر عاشر رسید، شرحی که حاوی جهات مذکوره باشد، بنویسیم و آن را وسیله نجات معاد خود قرار دهیم. آن را اشاره صاحب کار حقیقی دانسته شروع در شرح ابیات مذکوره نمودم...»<sup>۱</sup> شارح از این شرح به سال ۱۲۹۶ ق فراغت یافته است.

ظاهراً این شرح نام خاصی نداشته، ولی علامه طهرانی، به دلالت جمله اخیر از مقدمه شارح، نام آن را وسیلة النجاة نهاده است.<sup>۲</sup> و گذشت که خود ایشان در الکرام البرره اقرار به اشتباه در این نامگذاری می کنند.<sup>۳</sup> و در جایی دیگر نام آن را نجاة المعاد نهاده است.<sup>۴</sup> از این کتاب یک نسخه خطی در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۱۲۲۹ موجود است که به سال ۱۳۱۸ ق استنساخ شده است.<sup>۵</sup>

یک نسخه خطی دیگر هم علامه طهرانی معرفی کرده است، که در کتابخانه شخصی میرعباس قمصری کاشانی وجود داشته است.<sup>۶</sup>

چاپ اول: در تهران، در سال ۱۳۰۰ ق، در ۱۶۰ صفحه، در قطع جیبی و با خط سید احمد بن محمد رضا طباطبایی اردستانی که در ۶ ذیحجه سال ۱۳۰۰ ق نوشته، به صورت سنگی چاپ شده است، این چاپ به دلیل صحت و اعتبار متن و طبع آن در زمان حیات مولف حائز اهمیت می باشد.

۱ شرح مرآتی سید بحر العلوم، ص ۵۸

۲ الذریعة، ج ۵، ص ۸۵

۳ الکرام البرره، ج ۲، ص ۵۳۷

۴ الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۳ و الکرام البرره، ج ۲، ص ۵۳۸

۵ فهرست کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۴، ص ۳۶

۶ الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۳



چاپ دوم: بدون تاریخ، در قطع جیبی، در ۱۶۰ صفحه، که حسب امر آقا میرزا محمد حسین ناظم الشریعه قمی، در مطبعه علمی و اقبال در تهران چاپ سنگی شده است، نسخه ای این چاپ به شماره ۵۰۷۴ در کتابخانه چهل ستون مسجد جامع بازار تهران موجود است. چاپ سوم: با نام «شرح مرآتی سید بحر العلوم» که توسط آقای حسین درگاهی تحقیق و در ۳۶۴ صفحه، در قطع رقعی و به سال ۱۳۷۶ توسط انتشارات اسوه به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۸ تجدید چاپ شده است.

محقق محترم کتاب مقدمه ای ۵۵ صفحه ای به نام «خون نوشته های در و دیوار کربلا» بر این کتاب نگاشته است و با اینکه تلاش بسیاری نموده، اما به شرح حالی از مولف دست نیافته است. وی در مقدمه، تعدادی از شروح قصیده یازده گانه سید بحر العلوم را معرفی می کند، مثل شرح مبسوط ملا نوروز علی بسطامی و شرح مختصر آن به نام لؤلؤ البحرین و شرح میرزا ابوطالب شیرازی و تعلیقات میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی بر مرآتی بحر العلوم و شرح ملا رحمت الله کرمانی.

ملا رحمت الله کرمانی که خود شاعری چیره دست می باشد، در پایان کتاب تکمله ای را در دوازده بیت بعنوان فصل دوازدهم و ناتمام مرثیه یازده گانه علامه بحر العلوم، سروده و با شرح آن به آخر کتاب ضمیمه کرده است.

محقق محترم کتاب نیز، ترجمه فارسی منظوم بند ملحق را از وفای شیرازی و همچنین اصل متن ترکیب بند علامه بحر العلوم (العقود الاثنا عشر) و همچنین تخمیس ترکیب بند علامه بحر العلوم، تالیف سید حسین طباطبایی (متوفای ۱۳۶۰ ق) که نواده علامه بحر العلوم است، را به آخر کتاب ضمیمه کرده است. همچنین در حاشیه کتاب از سایر شروح مثل دو شرح ملا نوروز علی بسطامی یعنی سفینه النجاة و لؤلؤ البحرین و همچنین شرح میرزا ابوطالب شیرازی و میرزا ابوالقاسم وفای شیرازی استفاده کرده و بر غنای کتاب افزوده است. تعجب آور آنکه شارح، همه توضیحات لغوی و ادبی ای که در این کتاب به آنها اشاره کرده است، را بدون مراجعه به هیچ کتاب لغت یا کتاب نحوی انجام داده و تنها با تکیه بر حافظه خویش نوشته است، و این نشان از استادی و تبحر و تجربه ی سالیان تدریس در علوم عربی و ادبی دارد.

وی در آخر کتاب شرح مرآئی سید بحر العلوم اینگونه می نگارد:

«فانی کتبتُه مع تشوُّش البال وضيق المجال وغاية الكلال والملال وتخلف الاقبال ما به يرتقى على سلّم الكمال ومع ذلك كله، ولم يكن عندي شيء من كتب اللغات ولا من زبر النجاة ... فرغت من تنميقة مستغفراً في سنة ١٢٩٦ من الهجرة المقدسة النبوية على مهاجرها آلاف الثناء والتحية»<sup>١</sup>.

## ٢. حاشیه فرائد الاصول (عربی)

یکی دیگر از آثار ملا رحمت الله کرمانی که به زیور طبع سنگی آراسته شده و به حاشیه ملا رحمت الله معروف گشته، حاشیه فرائد الاصول است، که به همراه حواشی دو اصولی بزرگ شیعه، یعنی آیات: شیخ موسی تبریزی و آقا رضا همدانی، به چاپ رسیده است، این اثر تعلیقاتی بر کتاب فرائد الاصول یا رسائل شیخ مرتضی انصاری می باشد.

از آنجا که ملا رحمت الله کرمانی، از شاگردان علامه میرزا محمد حسن آشتیانی که از تلامذه طبقه اول مرحوم شیخ انصاری می باشد، در این حواشی همچون استادش به دفاع از مبانی اصولی شیخ اعظم و تبیین آن، ورد شبهات وارده بر آن، به ویژه اشکالات مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، پرداخته است.

در واقع این شرح، هم امتیاز توضیحات بیانی آراء شیخ انصاری را دارد، که برگرفته از بیانات استادش میرزا محمد حسن آشتیانی در بحر الفرائد می باشد و هم در برگزیده پاسخ به شبهات شاگردان طبقه دوم شیخ اعظم بوده، که در واقع تکمیل کننده بحر الفوائد می باشد.

وی در ۲۲ سوال در سال ۱۳۱۷ ق در تهران از این حاشیه فارغ گردیده است. این حاشیه به سال ۱۳۷۴ ق در قم، در حاشیه کتاب فرائد الاصول، به همراه دو حاشیه دیگر، به چاپ رسیده است. در آخر رسائل محشی، مولف، حاشیه خود را اینگونه به پایان رسانده است:

«... ولله الحمد على التوفيق لاتمام ما حررته هذا الجاني على هذا الكتاب من التعليق المملو من التحقيق. وقع الفراغ منه في ليلة الثاني والعشرين من شهر شوال المكرم في بلدة الطهران المملو من الهموم والاحزان وقد مضت من الهجرة النبوية سبع عشر وثلاثمأة بعد الالف سنة على هاجرها

١ مرآئی سید بحر العلوم، ص ۳۰۸.

آلاف التحية. رحمة الله» و بعد از نام ایشان در حاشیه آمده است: ادام الله ايام افاضاته وافاداته المتعالية» که بیانگر حیات ایشان تا سال ۱۳۱۷ ق می باشد. از این حاشیه نسخه خطی بدست نیامده است.

### ۳. مفتاح الجنان (عربی)

کتاب دیگر ملا رحمت الله کرمانی که حسن سلیقه ایشان را در باب بندی ادعیه و اعمال شرعی مکلفین، نشان می دهد، کتاب مفتاح الجنان است. علامه آقا بزرگ طهرانی این کتاب را در کتاب الذریعة ذکر کرده است، اما به مولف آن دست نیافته است و قولی را نقل می کند که مولف کتاب، شیخ اسداله تهرانی حائری میباشد. نص عبارت ایشان چنین است:

«مفتاح الجنان) في الأدعية والأعمال المتعلقة بالايام والشهور والزيارات وبعض الاوراد والختومات وقد طبع مراراً عديدة، ولا يعرف جامعه، إلا انه أورد فيه بعض ما لم يظهر مستنده، بل بعض ما ليس له مستند قطعاً وقد تعرض شيخنا النوري في اللؤلؤ والمرجان، ونسخه مختلفة بالزيادة والنقصان من مبشري طبعه وقال السيد يحيى امام الجمعة بمشهد الرضا ان مولفه هو الشيخ اسد الله الطهراني الحائري المتوفى بمشهد الرضا سنة ۱۳۳۳ هو كان من اصحاب العلامة الانصاري معمرًا بالغاً»<sup>۱</sup>.

اما یادآور شدیم که علامه مرعشی این کتاب را به ملا رحمت الله کرمانی نسبت داده، و اشاره کرده است که ترتیب و جمع این کتاب را مولف در زمان اقامتش در بمبئی انجام داده و به درخواست عده ای از تجار کتاب آن را به طبع رسانده است. متأسفانه ناشران در طبقات اخیر آن، مطالب ضعیفی را در آن وارد کرده اند که مولف از آنها بی خبر بوده است.

ناگفته نماند مرحوم خان بابا مشار هم این کتاب را به ملا رحمت الله نسبت داده است.<sup>۲</sup> همانطور که می دانیم به خاطر ورود مطالب ضعیف و غیر مستند در این کتاب و استقبال چشمگیر آن در میان مردم، مرحوم شیخ عباس قمی بر آن شد که با حفظ شاکله اصلی کتاب،

۱ الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۲۴.  
 ۲ مولفین کتب چاپی ج ۳، ص ۱۰۹۱۰۸.

به تهذیب و تکمیل آن دست بزنند. خود ایشان در مقدمه مفاتیح الجنان اینگونه بیان می دارد: «... بعضی از اخوان مؤمنین از این داعی درخواست نمودند که کتاب مفتاح الجنان را که متداول شده بین مردم، مطالعه نمایم و آنچه را از ادعیه آن کتاب که سند دارد ذکر نمایم و آنچه را که سندش به نظرم نرسیده، ذکر نمایم و اضافه کنم بر آن بعضی ادعیه و زیارات معتبره، که در آن کتاب ذکر نشده، پس احقر خواهش ایشان را اجابت نموده...»<sup>۱</sup>.

از مقدمه ای که مولف بر کتاب شرح مراثی سید بحر العلوم نگاشته بخوبی می توان به حساسیت وی در نقل صحیح و مستند روایات و اخبار پی برد. ایشان در این مقدمه با خرده گیری از نقل مصائب غیر معلومة الوقوع، توسط بعضی ذاکرین، حتی استناد به قاعده «جواز تسامح در ادله سنن» را مجوز بیان اینگونه نقلیات غیر معتبره نمی داند. ایشان هدف خود از شرح این مراثی، که دارای استناد می باشد را اینگونه ذکر می کند:

«... و در ذکر مصیبت آن بزرگوار، خبری که مفید علم به وقوع تفصیل رزیه باشد، معدوم و یا نادرست و جواز تسامح در ادله سنن هم مصحح جواز ذکر مصائب غیر معلومة الوقوع، بدون نقل قول، نیست و نقل اقوال رکیکه صادره از مخالفین، بعد از قطع به قبح عرفی، به اعتبار استلزام اهانت، خالی از شبهه تحریم نیست...»<sup>۲</sup>

در این عبارات نظر ایشان در مورد نقل اقوال ضعیفه به خوبی پیداست، حال با این وصف چگونه می توان تصور کرد که ایشان کتاب مفتاح الجنان را آکنده از ادعیه غیر معتبره کرده باشد و محققاً این اضافات از ناحیه انسان های تاجر منشی به وقوع پیوسته که دین خدا را وسیله دنیای خود کرده اند. چنانچه بعدها همین قصه درباره کتاب مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نیز تکرار شده و عده ای بی مبالات، اضافاتی را به آن کتاب ملحق کرده و در نهایت مورد تویخ ایشان قرار گرفته اند.

کتاب مفتاح الجنان به سال ۱۳۱۷ ق، در قطع وزیری، در ۴۳۹ صفحه، در بمبئی به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

۱ مقدمه مفاتیح الجنان

۲ شرح مراثی سید بحر العلوم، ص ۵۸

۳ مولفین کتب چاپی، ج ۳ ص ۱۰۸



ملا رحمت الله کرمانی در آخر کتاب شرح مراثنی خود، در ذیل تنبیهی به شرح حال تحصیلی خود می پردازد و صدماتی که در این باره از انسانهای جاهل خورده است، را بیان می نماید که می توان آن را بنوعی وصیت نامه اخلاقی ایشان برشمرد. وی می نگارد:

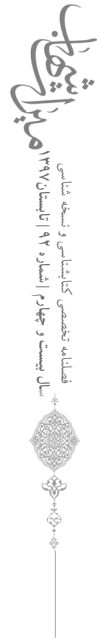
«تنبیه: اعلم ان بني امية وبني مروان وبني عباس الظالمين لأئمتنا وان فنوا بأشخاصهم وردوا الدرکات باعیانهم لكنهم باقون بنوعهم وامثالهم وأشباههم في كل زمان من الأزمنة، فإنّ اشباه الظالمين لأهل البيت عليهم السلام ناصبون لشيعتهم المخلوقين من فاضل طينتهم المعجونين من ماء ولايتهم في كل زمان وأوان.

وإياک وأن تطمئنّ نفسک الى كل من تلبس بلباس العباد والزهاد وأن تغترّ بمن تشبه باهل العلم، فان الشياطين قد يتشکلون بأشکال الأناسي وينفذون في ابدانهم، فيتکلمون بألسنتهم وينظرون بأعينهم ويسمعون بأذانهم وهكذا ولنعم ما قيل بالفارسية:

ای بسا شیطان آدم رو که هست

پس به هر دستی نباید داد دست

فأني كنت في عنفوان الشباب بتوفيق الملك الوهاب، تاركاً للشهوات النفسانية والهواجس الشيطانية، صارفاً برهة من عمري في تحصیل العلوم، غير مقتصر على فن واحد واجتهدت فيما اجتهدت بعد أن الاقوال في كل مسألة قد عرفتُ وفهمتُ، حتى بلغتُ في زمان قليل، بلغتُ، وارتقيتُ على ما ارتقيتُ فرأيتُ في زمان سيري و سلوكي، من الشياطين الانسية المتلبسين بلباس اهل العلم والزهاد والعباد المقرّين بالسنتهم، المنكرين في قلوبهم للمعاد، ما رايتُ وسمعتُ ما سمعتُ، فتارةً نسبوني الى العقائد الفاسدة والمذاهب الباطلة، واشتعلت نار حقدهم وحسدكم حتى اولعوا على من شتمني في وجهي فصبرت على ذلك كلّه قائلاً فيه: الله حسبي، نعم المولى ونعم الوكيل. فمثلهم كمثل الحمار يحمل اسفاراً، صم بكم عمي فهم لا يعقلون، ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة. فوقاني الله من شرهم ولم يجعل لهم الا سواد الوجه في الدارين. الا لعنة الله على القوم الظالمين. يا اخواني الصفاة ويا احبائي الحماة! أنشدكم الله أن تجعلوني غرضاً لسهام الملامة وتنسبوني الى السفاهة والبلاهة، فأني كتبته مع تشوش البال وضيق المجال وغاية الكلال والملال وتحلف الاقبال مما به يرتقى على سلّم الكمال ومع ذلك كله، لم يكن عندي





شیء من كتب اللغات ولا من زبر النجاة. فان اطلعتهم على زله والتباس فاجعلوا على الانصاف الاساس، فان الوسواس الخناس يوسوس في صدور الناس»<sup>۱</sup>.  
 شایان ذکر است که علامه روضاتی در تعلیقاتشان بر طبقات الشیعة علامه طهرانی، شیخ رحمت الله کرمانی را مصحح یکی از چاپ های کتاب مفتاح الجنان معرفی کرده است.<sup>۲</sup>  
 اما چنانچه گذشت علامه مرعشی وی را مولف این کتاب دانسته که در زمان اقامتش در بمبئی به چاپ رسانده است.<sup>۳</sup>

## ۲- میرزا محمود اهری نجفی

یکی دیگر از اساتید و مشایخ روایی علامه مرعشی نجفی، عالم جلیل القدر و فقیه و اصولی و محقق و عارف و متکلم و ریاضیدان و هیوی بزرگ شیعه، آیت الله میرزا محمود اهری نجفی میباشند. از حیات علمی این عالم فرهیخته جز اندکی که برخی را علامه مرعشی گزارش کرده است چیزی نمی دانیم.

وی در نجف اشرف شاگرد علمایی همانند آیات عظام: آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و ملا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی و دیگران بوده و از آنها اجازه روایی داشته است.<sup>۴</sup> وی مدرس ریاضیات قدیم در نجف بوده و علامه مرعشی نام وی را در شمار اساتید خود را در ریاضیات ذکر می کند.<sup>۵</sup> همو سال وفات استادش را حدود سال ۱۳۴۱ ق و محل وفات و دفن وی را نجف اشرف می داند.<sup>۶</sup> اما علامه طهرانی وفات وی را سال ۱۳۳۶ ق گزارش کرده است.<sup>۷</sup>

## آثار علمی

این مولف گرانقدر دارای آثاری در حوزه ی اصول فقه، ریاضیات، هیئت، فلسفه و عرفان می باشد که عبارت اند از:

۱ شرح مراتی سید بحر العلوم، ص ۳۰۸ ۳۰۷.

۲ تعلیقات طبقات الشیعة، ص ۵۰۱

۳ رسائل المحشی، ص ۱ و موسوعة العلامة المرعشی، ج ۳، ص ۱۱۴

۴ شهاب شریعت، ص ۱۳۶، الاجازه الکبیره، ص ۲۱۹.

۵ شهاب شریعت، ص ۱۳۶.

۶ الاجازه الکبیره، ص ۲۱۹.

۷ همان، ص ۲۱۹.





- ۱) حاشیه بر کفایه الاصول استادش مرحوم آخوند خراسانی<sup>۱</sup>.
- ۲) رساله اثبات الواجب که به سبک اثبات الواجب ملا جلال الدین دوانی نوشته شده است<sup>۲</sup>.
- ۳) شرح خلاصه الحساب شیخ بهایی<sup>۳</sup>.
- ۴) الرد علی شطحات محی الدین العربی فی الفتوحات المکیة والفصوص. این اثر ردیه ای است بر نظرات عارف بزرگ اسلامی محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی در دو کتاب فتوحات مکیه و فصوص الحکم<sup>۴</sup>.
- ۵) شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی<sup>۵</sup>.
- ۶) اخلاق الاهری یا رساله فی السیر والسلوک، به زبان عربی. علامه طهرانی این چنین کتاب را گزارش می کند:
- «اخلاق الاهری لمیرزا محمود الاهری النجفی المتوفی بها سنه ۱۳۳۶، فسلك فيه مسلک العرفاء، اوله: (الحمد لله العیم الحکیم ...)، رتبه علی فاتحة وواسطة وخاتمة. الخاتمة فیما فتح وفاح من نسایم الملکوت علی شمایم الناسوت فی معنی السفر ومغزی السیر، رایته عند تلمیذه السید شهاب الدین المشهور بأقا نجفی التبریزی نزیل قم الآن»<sup>۶</sup>.
- از این گزارش بر می آید که وی دارای گرایشات عرفان شیعی بوده است، اگرچه در این مسیر به نقد تراوشات فکری عرفایی چون ابن عربی نیز پرداخته است. متأسفانه از اساتید علوم عقلی و عرفانی ایشان اطلاعی نداریم. دیگر آنکه، اگر چه نسخه ی این کتاب را ایشان در نزد علامه مرعشی دیده است، اما اثری از آن در کتابهای فهرست شده فعلی این کتابخانه دیده نمی شود و شاید در آینده ردی از این اثر به دست آید. علامه طهرانی در جایی دیگر اسم این رساله را رساله فی السیر والسلوک نامیده است<sup>۷</sup>.

۱ شهاب شریعت، ص ۱۳۶، الاجازة الكبيرة، ص ۲۱۹.

۲ شهاب شریعت، ص ۱۳۶.

۳ الاجازة الكبيرة، ص ۲۱۹.

۴ همان.

۵ همان.

۶ الذریعة، ج ۱، ص ۳۷۲.

۷ همان، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

### ۳- ملا محمود بیدگلی کاشانی

یکی از اساتید و مشایخ روایی علامه مرعشی که متاسفانه در کتابهای الاجازة الكبيرة و المسلسلات فی الاجازات و موسوعة العلامة المرعشی ذکرى از وی بمیان نیامده است، فقیه زاهد و عابد، ملا محمود بن محمد رضا بیدگلی کاشانی متوفای ۱۳۵۰ ق می باشد.

علامه سید محسن امین عاملی در کتاب گرانسنگ اعیان الشیعة از وی چنین یاد میکند: «الملا محمود بن محمد رضا البیدگلی الكاشانی، توفی ۱۳۵۰. کان عالماً فقیها زاهدا عبدا تقیا مرجعا فی الشرعیات ببلده بیدگل من نواحی کاشان. یروی بالاجازة عن المیرزا حسین النوری ویروی عنه السید شهاب الدین النجفی الحسینی»<sup>۱</sup>

شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب شریف الذریعة در باره کتاب وی می نگارد: «(بی طرف) فارسی روایی للحاج المولی محمود بن محمد رضا الكاشانی البیدگلی المتوفی سنه ۱۳۵۰. فیہ ابطال طریقة الصوفیة المتاخرة الجنابذیة والنسخة خط المؤلف عند تلمیذه السید شهاب الدین التبریزی»<sup>۲</sup>

آیت الله حاج سید عزیزالله امامت در کشکول خود صاحب ترجمه را چنین توصیف می نماید:

«معظم له از علمای بزرگ بیدگل از توابع کاشان، عالمی جلیل، فاضل و نبیل بود که اجازة از جمعی از فحول علما داشته است. صاحب ترجمه در سال ۱۳۵۰ ق در موطن خود وفات یافت و در جوار امامزاده هادی واقع در بیدگل دفن گردید»<sup>۳</sup>.

آیت الله سید محمد علوی بروجردی کاشانی در تاریخ وفات وی سروده است:

دردا که رفت ازاین دار سپهر تایید  
کان کمال و دانش سردفتر اساتید  
کان کمال و دانش سردفتر اساتید  
محشور با سمی اش اندر جهان جاوید

۱ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲ الذریعة، ج ۳، ص ۱۹۰.

۳ کشکول، ج ۲، ص ۳۰۶.



معظم له از ملا محمدعلی عاملی وحاج میرزافخرالدین نراقی و آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی موسس حوزه علمیه قم اجازه داشته است.<sup>۱</sup>

فاضل محترم آقای سپهری در کتاب علما و دانشمندان کاشان دو شخصیت همنام را متعرض میشود که هر دو به سال ۱۳۵۰ ق فوت شده اند که نام پدر یکی «محمدحسین» و دیگری را «محمدرضا» ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

البته به نظر میرسد هر دو یک شخصیت باشند چرا که دو عنوان در نام و شهرت و سال وفات و تلمذ علامه مرعشی نزد ایشان و اخذ اجازه، مشترک می باشند و بعید می نماید که که دو شخصیت مستقل باشند.

در کتاب جغرافیای شهرستان آران و بیدگل به نقل از کتابچه چراغان و تاریخچه علم و ادب آمده است:

«ملا محمود فاضل بیدگلی (۱۲۶۳-۱۳۵۰ ق) فرزند محمد حسین از علما و فضیلاب بیدگل است که رساله ای در اثبات ولایت امیرالمومنین (ع) و شرح برمفاتیح از آثار اوست و مدفن وی در در بقعه شاهزاده هادی بیدگل است.<sup>۳</sup>

۱ علما و دانشمندان کاشان، ص ۷۱۳-۷۱۴.

۲ علما و دانشمندان کاشان، ص ۷۱۳، ۷۱۵.

۳ جغرافیای شهرستان آران و بیدگل، ص ۹۷.

- اثر آفرینان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷-۱۳۸۰.
- الاجازة الكبيرة، آية الله المرعشي النجفي، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۳۸۹.
- اختران فقاقت، ناصرالدين انصاري قمی، انتشارات دليل ما، ۱۳۹۲.
- ايعان الشيعة، سيد محسن امين عاملي، بيروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
- تعليقات طبقات اعلام الشيعة، محمد علي روضاني، تهران، كتابخانه مجلس، ۱۳۹۱ ش.
- جغرافياي شهرستان آران و بیدگل، نسرین نیک اندیش، کاشان، مرسل، ۱۳۸۸.
- دائرة المعارف تشيع، تهران، نشر حکمت، ۱۳۹۲.
- دانشنامه شعر عاشورائي، مرضيه محمدي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۸۸.
- الذريعة الى تصانيف الشيعة، محمد محسن آقا بزرگ تهراني، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۵۵-۱۳۵۶.
- رسائل المحمّدي (حواشي آقا رضا همداني و ميرزا موسى تبريزي و شيخ رحمت الله کرمانی)، قم، ۱۳۷۴.
- شرح مراثي سيد بحرالعلوم، رحمت الله کرمانی، تحقيق: حسين درگاهی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶.
- شهاب شريعت، علي رفيعی علامرودشتی، قم، كتابخانه عمومي آيت الله مرعشي نجفی، ۱۳۸۱.
- طبقات اعلام الشيعة، محمد محسن آقا بزرگ تهراني، تحقيق: علي نقی منزوی، قم، انتشارات اسماعيليان.
- علما و دانشمندان کاشان، حسن سپهری، کاشان، سوره تماشا، ۱۳۹۱.
- فرهنگنامه رجال علمي و مشاهير فرهنگي کرمان، دکتر رضا کردی، مرکز کرمان

شناسی، ۱۳۸۹.

فهرستواره دنا، مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.  
فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد اشکوری، قم مرکز  
احیاء میراث اسلامی.

کتابهای فارسی شده چاپی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

کشکول امامت، عزیزاله امامت کاشانی، قم، بصیرتی، ۱۳۵۷.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، ۱۳۵۲.

مع موسوعات رجال الشيعة، سید عبدالله شرف الدین، بیروت، دارالارشاد، ۱۹۹۱.

موسوعة العلامة المرعشی، باهتمام محمد اسفندیاری و حسین تقی زاده، قم، مکتبه

آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۹.

موسوعة مؤلفی الامامیة، قم مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۱.

مؤلفین کتب چاپی، خان بابا مشار، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین، ۱۳۴۰-۱۳۴۴.

نام آوران علم و اجتهاد کرمان، مجید نیکپور، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی،

۱۳۸۲.

## علمای لرستان و آیت الله العظمی مرعشی نجفی

میرزا علی سلیمانی بروجردی \*

### چکیده

نگارنده صد تن از عالمان لرستان را در سه گروه نام برده است: یکم، شاگردان ایشان؛ دوم، مجازین از او؛ سوم، کسانی که هم شاگرد او و هم مجاز از او بوده اند، به سه گونه: اجازه روایت، اجتهاد و امور حسبیه. این مقاله برگرفته از کتابهای دیگر نگارنده در باب علمای لرستان به ویژه کتاب منتشر نشده «علمای لرستان و آیه الله مرعشی نجفی» است. در این کتاب، افزون بر عنوان یادشده، استادان و مشایخ اجازه آیه الله مرعشی از عالمان لرستان، اسناد تعامل میان آنان با او و خاطرات آنها از این مرجع فقید آمده است. نگارنده برای هر یک از صد تن که یاد کرده، شرح حالی مختصر آورده است. منابع نگارنده، علاوه بر کتابها، مصاحبه های متعدد با چهره های علمی معاصر است که در شمار تاریخ شفاهی جای می گیرد.

### کلیدواژه ها

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین - شاگردان و مجازان؛ عالمان شیعه - لرستان؛ علمای لرستان و آیه الله مرعشی نجفی (کتاب)؛ تاریخ شفاهی حوزه علمیه - مصاحبه ها؛ اجازه روایت؛ اجازه اجتهاد؛ اجازه امور حسبیه.

\* پژوهشگر حوزوی و فعال در عرصه شرح حال نگاری.







فصل پنجم: نامه‌های علمای لرستان به آیت الله مرعشی نجفی (شامل نامه‌هایی از حدود ۲۵ نفر از علمای لرستان برای ایشان است که بعضی از افراد بیش از چند نامه دارند)؛

فصل ششم: نامه‌ها و تقاریر آیت الله مرعشی نجفی برای علمای لرستان (شامل نامه‌ها و تقاریظی برای بیش از ده تن از علمای لرستان)؛

فصل هفتم: دیگر اسناد علمای لرستان و آیت الله مرعشی نجفی (شامل شش مورد سند که اعم از تأیید شجره‌نامه، تأیید تقریرات درس، نوشته سنگ قبر و استفتاء و... می‌باشد)؛

فصل هشتم: کلمات آیت الله مرعشی نجفی پیرامون علمای لرستان (شامل عبارات و نوشته‌هایی از آن مرجع بزرگ پیرامون ده تن از علما و بزرگان استان لرستان)؛

فصل نهم: خاطرات علمای لرستان از آیت الله مرعشی نجفی (شامل خاطرات هفت نفر از بزرگان لرستان از آن مرجع بزرگ).

بر آن شدم قبل از آنکه این کتاب را تنظیم نهایی برای چاپ کنم، در طی سه مقاله تحت عنوان ذیل خلاصه‌ای از مطالب آن را به خدمت خوانندگان عزیز تقدیم کنم:

مقاله اول: فهرست شاگردان و مجازان آیت الله العظمی مرعشی نجفی (مقاله حاضر)؛

مقاله دوم: فهرست نامه‌ها، اسناد و خدمات متقابل علمای لرستان و آیت الله العظمی مرعشی نجفی؛

مقاله سوم: فهرست اساتید و مشایخ روایت لرستانی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

در این شماره، یکصد نفر از شاگردان و مجازان آیت الله مرعشی نجفی را معرفی و اعلام می‌داریم هر بزرگواری هر نوع مطلبی در تکمیل این اثر دارد، در اختیار نگارنده قرار دهد، تا بتوانیم اثر کاملتری را در اختیار دوستداران آن بزرگوار قرار دهیم.

\*\*\*

**۱) امیر محمد حسین علوی طباطبایی بروجردی (شاگرد و مجاز به دو اجازه: امور حسبه و روایت)**

آیت الله سید امیر محمد حسین علوی طباطبایی بروجردی فرزند آیت الله سید ابوالقاسم علوی طباطبایی بروجردی در سال ۱۳۰۴ ش در بروجرد به دنیا آمد.

تحصیلات خود را تا دیپلم در زادگاه آموخته و آنگاه به حوزه علمیه قم آمد و تا درجه اجتهاد معلومات خود را نزد بزرگانی چون آیات: سید ابوالقاسم لوی بروجردی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، فکور یزدی، سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا روح الله خمینی، سید محمد محقق داماد، سید محمد حسین طباطبایی تبریزی (صاحب المیزان)، میرزا ابوالقاسم نحوی قمی، میرزا محمد علی ادیب، محمد مجاهدی تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی (دروس سطح) تکمیل کرده و به سمت دامادی آیت الله العظمی بروجردی درآمد.

وی بعد از وفات آیت الله بروجردی به تهران رفت و از جمله از علمای طراز اول و مشهور تهران به شمار می‌آمد.

تألیفات: ۱. خاطرات زندگی آیت الله العظمی بروجردی، ۲. تقریرات درس خارج فقه آیت الله بروجردی، ۳. تقریرات درس اصول امام خمینی، ۴. رسالت در عدالت، ۵. تفسیر سوره حمد و مقداری از بقره.

این عالم بزرگوار در ۶ خرداد ۱۳۸۵ ش در تهران دار فانی را وداع و پس از تشییع در قم در حجره طباطبایی‌ها در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

## ۲) ابوالمجد شیخ الاسلامی بروجردی (شاگرد)

آیت الله شیخ ابوالمجد شیخ الاسلامی بروجردی فرزند شیخ علی شیخ الاسلامی بروجردی در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در بروجرد نزد پدر دانشمند خود و مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی مطهری آموخته و آنگاه به قم مهاجرت کرد. وی در دروس سطح و خارج خود از آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی (دروس سطح)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت تبریزی، شیخ محمد فیض قمی، استفاده کامل را برده و بعد از ورود آیت الله بروجردی به قم از ملازمان درس ایشان گشت. وی در قم تا آخر عمر شریف در محله آذر به اقامه جماعت و تبلیغ و ترویج می‌پرداخت و نهایتاً در ۹ خرداد ۱۳۶۹ ش دار فانی را وداع و در قبرستان «باغ بهشت» قم مدفون گشت.<sup>۲</sup>

۱. امیر المؤمنین لیلۃ القدر است، ص ۱۳۰ - ۱۷۰.

۲. علمای گمنام لرستان، ج ۱، ص ۲۳۰ - ۲۴۰.

### ۳) ابوالقاسم صفری بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ ابوالقاسم صفری بروجردی از فضلالی بروجرد بود و از آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی دارای اجازه بود.<sup>۱</sup>

### ۴) احمد ابوطالبی جاپلقی الیگودرزی خمینی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد ابوطالبی جاپلقی الیگودرزی فرزند شیخ محمد صالح ابوطالبی جاپلقی در سال ۱۳۲۵ ق در اراک به دنیا آمد. پس از طی مراحل اولیه، عمده دروس حوزوی را در اراک نزد برادرش آیت الله میرزا یحیی ابوطالبی جاپلقی الیگودرزی خمینی آموخت، سپس رهسپار قم شد و از محضر آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، حاج آقا روح الله خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده نمود و در کنار تحصیل به تدریس علوم دینی نیز پرداخت. از فعالیت‌های علمی وی تصحیح کتاب مجمع الفوائد فی الاصول تألیف شیخ فریده الاسلام کاشانی است.

وی در سالهای پایانی عمر بر اثر بیماری خانه نشین بود تا اینکه در روز ۱۲ مهر ۱۳۶۹ ش در سن ۸۶ سالگی در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان «باغ بهشت» قم به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

### ۵) احمد مرتضوی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد مرتضوی بروجردی از فضلالی بروجرد بود و موفق به اخذ اجازه از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی شده بود.<sup>۳</sup>

### ۶) احمد خیرخواه بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ احمد خیرخواه بروجردی از فضلالی شهر بروجرد بشمار بود و از اجداد وی می‌توان از شیخ نظام الدین و پدر او شیخ قوام الدین و پدر او ملا محمود خیرخواه بروجردی نام برد.

شیخ محمود خیرخواه از آیت الله مرعشی نجفی اجازه اخذ کرده بود.<sup>۴</sup>

۱ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۱۹۸.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۱۲، ص ۱۲۰ - ۱۲۲.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۰۰.

۴ علمای گمنام لرستان، ج ۷، ص ۳۱۴.





او پس از وفات در سال ۱۳۵۳ ش در شهر دورود پیکرش به قم منتقل در قبرستان «شیخان قم» در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

### ۹) سید احمد طاهری خرم آبادی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید احمد طاهری خرم آبادی فرزند سید رحیم در سال ۱۲۸۵ ش در خرم آباد به دنیا آمد. مقدمات علوم دینی را در زادگاه خود نزد آیت الله سید ابوتراب جزایری خرم آبادی آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرد و دروس سطح خارج خود را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی (دروس سطح)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی تکمیل نمود.

وی آنگاه به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر شریف منشأ خدمات اجتماعی فراوان

گشت.<sup>۲</sup>

### ۱۰) سید احمد علی مفتی جزایری خرم آبادی الاصل (مجاز به اجازه روایت)

آیت الله میر احمد علی مفتی جزایری فرزند آیت الله میر محمد عباس مفتی در ۱۵ ماه رجب سال ۱۳۰۳ ق در شهر «لکهنو» در هندوستان به دنیا آمد. وی از جمله علمای خاندان جزایری خرم آباد بودند که اجدادش پیشتر به کشور هند مهاجرت کرده بودند. او هنوز پنج سال بیشتر عمر نکرده بودند که پدر دانشمند خود را از دست داد.

دروس مقدمات را در همان هندوستان نزد بزرگانی چون: میرزا مهدی لکهنوی، سید نجم حسن نقوی، جعفر حسین لکهنوی آموخت، آنگاه در سال ۱۳۱۸ ق به همراه مادر خود به کربلای معلی مهاجرت نموده و مقداری از سطوح را نزد آیات: سید محمد باقر حجت طباطبایی، سید کاظم بهبهانی، شیخ غلام حسین مرندی حائری، فرا گرفت. وی آنگاه در نجف اشرف رحل اقامت افکنده و تحصیلات عالی و خارج را نزد آیات: آقا ضیاءالدین عراقی، میرزا حسین خلیلی طهرانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی آموخت و به درجات عالییه اجتهاد نائل آمد.

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۷، ص ۷۱-۷۶.

۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۷، ص ۸۰-۹۰.



وی سپس به زادگاه خود «لکهنو» بازگشته و تا آخر عمر شریف از مدرسین به نامی آن منطقه به شمار می‌آمد و در ضمن به دیگر وظایف دینی نیز می‌پرداخت و مرجع تقلید بخشی از شیعیان آن دیار به شمار می‌آمد.

از آثار او کتاب های زیر است: ۱. رساله عملیه برای مقلدین، ۲. موعظة فاخره، ۳. التقليد، ۴. دیوان کوچکی از اشعار، ۵. تقریرات دروس اصول آخوند محمد کاظم خراسانی، ۶. تقریرات فقه آیت الله محمد کاظم طباطبایی یزدی، ۷. تحفة العوام.  
 وی سرانجام در ۷ ذی الحجه سال ۱۳۸۸ ق در لکهنو دار فانی را وداع نمود و در مدرسه «نظامیه» کنار قبر علامه سید نجم حسن نقوی مدفون شد.<sup>۱</sup>

**(۱۱) ابراهیم بن اسماعیل رشیدی الیگودرزی (مجاز به اجازه امور حسبه و روایت)**  
 حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رشیدی جاپلقی فرزند حجت الاسلام و المسلمین سید اسماعیل رشیدی جاپلقی الیگودرزی از فضلاء الیگودرز بودند که در روستای (رشیدی) در الیگودرز به دنیا آمدند و تحصیلات خود را در آنجا و در قم تکمیل کرده و از مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی دارای اجازه نقل روایت و امور حسبه بودند.<sup>۲</sup>

**(۱۲) ابراهیم فرقانی (مجاز)**

حجت الاسلام و المسلمین میرزا ابراهیم فرقانی از فضلاء استان لرستان بودند که از آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی دارای اجازه بودند.<sup>۳</sup>

**(۱۳) باقر رشیدی جاپلقی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)**

حجت الاسلام و المسلمین سید باقر رشیدی جاپلقی الیگودرزی فرزند سید اسماعیل رشیدی جاپلقی الیگودرزی در روستای «رشیدی» به دنیا آمد، مقدمات را نزد پدر در همان زادگاه خود آموخت و آنگاه به اراک مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد مدرسین آنجا از جمله حجت الاسلام و المسلمین شیخ غلام رضا آموخت و آنگاه به قم مهاجرت نمود و چندین

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۷۵ - ۷۷.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۱۱.

سال از محضر آیات: سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی دروس فقه و اصول خود را تکمیل کرد و در تاریخ ۲۹ ذی الحجة ۱۳۸۲ ق از استاد خود آیت الله مرعشی نجفی اجازه دریافت نمود.

سپس به تهران، محله «باقرآباد» مهاجرت کرد و تا آخر عمر شریف به تبلیغ واقامه جماعت و... پرداخت، و در همانجا دار فانی را وداع گفت.<sup>۱</sup>

#### ۱۴) سید جعفر احمدی طباطبایی بروجردی (شاگرد)

آیت الله سید جعفر احمدی طباطبایی بروجردی مقدمات دروس حوزوی را در زادگاه خود بروجرد نزد پدرش آیت الله سید فخرالدین احمدی طباطبایی بروجردی و آیت الله شیخ اسماعیل عقدائی بروجردی آموخت، سپس در سال ۱۳۵۱ ق به قم مهاجرت کرده و دروس سطح خود را نزد بزرگانی چون آیات: محمد علی ادیب طهرانی، میرزا محمد همدانی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی پی گرفت. وی در ادامه دروس خارج آیات عظام حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، سید صدالدین صدر، سید محمد تقی خوانساری و سید محمد محقق داماد را درک و تحصیلات خود را تکمیل نمود.

وی سالهای متوالی دروس سطح عالی را در حوزه قم تدریس می نمود و از تألیفات ایشان تقریرات درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی بروجردی برجای مانده است. وی داماد آیت الله بروجردی بود و از اعضای کتاب رجال آیت الله بروجردی و از امینان ایشان بشمار می رفت.

عاقبت در سال ۱۳۷۲ ش در ۸۰ سالگی دار فانی را وداع و در حجره شیخ فضل الله نوری در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بخاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

#### ۱۵) جعفر زاهد جورابچی شهدی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام والمسلمین شیخ جعفر زاهد جورابچی بروجردی در سال ۱۲۶۹ ش درست

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۱۲، ص ۱۶ و ۱۷.

۲ مصاحبه نگارنده با دکتر محمد باقر احمدی طباطبایی بروجردی.



يك سال بعد از مهاجرت پدرش از بروجرد به مشهد مقدس، در آن شهر به دنیا آمد. دروس مقدمات، سطح و خارج را در مشهد مقدس نزد بزرگان علمای عصر از جمله آیات: شیخ محمد تقی شاهرودی، شیخ محمد کاظم دامغانی، شیخ حسن ادیب هروی، شیخ مجتبی قزوینی، میرزا احمد کفائی، شیخ محمد رضا کلباسی، سید یونس اردبیلی، سید محمد هادی میلانی، شیخ سیف الله ایسی، میرزا مهدی آشتیانی و شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، استفاده کامل را نمود.

وی از مدرسین به نام آن شهر به شمار می‌آمدند. از تألیفات وی است: ۱. ایضاح الاشارات (۴ ج)، ۲. خودآموز منظومه (۳ ج)، ۳. روش گفتار، ۴. قواعد صرف و نحو، دستور زبان عربی، ۵. اصول فن خطابه، ۶. تاریخ فن مناظره در یونان و مصر و ایران، ۷. مبانی فن مناظره، ۸. تاریخ ادیان در چین و هند و ایران، ۹. مناظرات حضرت رضا علیه السلام با علمای زردشتی و یهودی و نصرانی، ۱۰. روش پیشوایان، ۱۱. حاشیه بر «شرح اشارات»، ۱۲. حاشیه بر «مکاسب»، ۱۳. حاشیه بر «اسفار»، ۱۴. حاشیه بر «منظومه»، ۱۵. حاشیه بر «کفایة الاصول»، ۱۶. حاشیه بر «شرح فصوص الحکم» حکیم قیصری، ۱۷. حاشیه بر «رسائل» شیخ اعظم انصاری، ۱۸. حاشیه بر «شرح اصول کافی»، ۱۹. جنگ بین الملل، ۲۰. گلشن دانشوران در زندگی نامه دانشمندان، ۲۱. تفسیر سوره یس، ۲۲. تفسیر سوره صافات، ۲۳. تفسیر سوره مومن، ۲۴. اخلاق از نظر اسلام.

وی در سال ۱۳۷۷ ش در مشهد مقدس دار فانی را وداع نمود و در صحن امام رضا علیه السلام در نزدیک قبر شیخ بهائی مدفون گشت.<sup>۱</sup>

### ۱۶) سید جواد موسوی نژاد ابطحی لرستانی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید جواد موسوی نژاد ابطحی فرزند آیت الله سید محمد علی ابطحی رشیدی لرستانی در سال ۱۳۱۰ ش در روستای «رشیدی» به دنیا آمد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدر دانشمندش آموخت، آنگاه برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شد و دروس سطح را در محضر آیات: شیخ غلام رضا صلواتی اراکی، محمد

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۲، ص ۴۰ - ۶۰.





تقی ستوده اراکی، حسین راستی کاشانی تلمذ نمود و در ادامه در دروس آیات: سید کاظم شریعتمداری تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید محمد صادق روحانی شرکت و مراحل علمی خود را تکمیل کرد.

مشایخ اجازه وی آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، آقا روح الله خمینی، شیخ عبدالنبی عراقی و سید محمد رضا گلپایگانی بودند.

وی پس از يك عمر زهد و تقوا و خدمت به مردم منطقه الیگودرز و... در سال ۱۳۹۱ ش در قم دار فانی را وداع نمود و در همین شهر بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

#### ۱۷) سید حسین کاظمینی بروجردی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید حسین کاظمینی اعرجی بروجردی فرزند آیت الله سید محمد علی کاظمینی بروجردی در سال ۱۳۳۰ ش در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدر دانشمند و آیت الله شیخ محمد تقی مطهری بروجردی در بروجرد آموخت، سپس به قم مهاجرت کرده و دروس سطح را در محضر آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شهید شیخ محمد صدوقی یزدی، سید محمد وحیدی شبستری، شیخ علی اصغر باقری همدانی فرا گرفت.

پس از تکمیل تحصیلات مرسوم حوزوی، به تهران مهاجرت کرده و دروس خارج معقول و منقول را از محضر آیات: میرزا خلیل کمره‌ای، عبدالحسین ذوالریاستین، سید محمد حسین لنگرودی، سید حسن حجت کوه‌کمری، مسعود سلطانی، ابوالقاسم تنکابنی، شیخ حسن سعید تهرانی، شیخ محمد لنگرانی، علی اکبر وحید تهرانی، زین العابدین سرخه‌ای، شیخ محمد تقی جعفری استفاده کامل نمود و در ضمن تحصیل به تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت. از تألیفات اوست: ۱. کتاب حکیم، ۲. بارانی در کویر سوخته.<sup>۲</sup>

#### ۱۸) سید حسین امیری جاپلقی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید حسین امیری جاپلقی الیگودرزی فرزند سید میرزا محمد امیری

۱ مصاحبه نگارنده با فرزند ایشان حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد.

۲ مصاحبه نگارنده با فرزند ایشان حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد.

جابلقی در روستای «ایوند» از توابع الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فرا گرفت، و پس از هجرت به قم، دروس برخی بزرگان حوزه از جمله آیت الله مرعشی نجفی را درک و از ایشان اجازه دریافت کرد. او در قم ماندگار شده و از فضلالی حوزه به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

#### ۱۹) سید حسن موسوی نژاد ابطحی لرستانی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن موسوی نژاد ابطحی لرستانی فرزند آیت الله سید محمد علی رشیدی ابطحی لرستانی در روستای «رشیدی» در اطراف الیگودرز به دنیا آمد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدر دانشمندش آموخت، آنگاه به قم مهاجرت نمود و تحصیلات عالی را در نزد آیات عظام: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد، وی از آیت الله مرعشی نجفی دارای اجازه بود.<sup>۲</sup>

#### ۲۰) سید حسن اعتصام طباطبایی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن اعتصام بروجردی از فضلالی بروجرد بود و موفق به اخذ اجازه از آیت الله مرعشی نجفی شده بود.<sup>۳</sup>

#### ۲۱) سید شکرالله طاهری خرم آبادی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید شکرالله طاهری خرم آبادی در سال ۱۳۱۴ ش در خرم آباد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و سطح را در زادگاه خود نزد آیات: شیخ علی پناه اشتهاردی، شهید سید اسدالله مدنی تبریزی، حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی آموخت. آنگاه عازم قم شد و برخی دروس آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی را درک و استفاده نمود و از ایشان اجازه دریافت کرده و آنگاه به زادگاه خود بازگشت و تاکنون از مدرسین بارز و با زهد حوزه‌های خرم آباد می‌باشد. وی از مدافعان امام خمینی و مبارزین علیه شاه بود.<sup>۴</sup>

#### ۲۲) شکرالله حسینی بروجردی (شاگرد و مجاز به اجازه حسیه و روایت)

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۶۹ - ۷۰.

۲ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد ابطحی لرستانی.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۱۰.

۴ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین سید شکرالله طاهری خرم آبادی.

حجت الاسلام و المسلمین شیخ شکرالله حسینی بروجردی در سال ۱۳۱۶ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات و سطح را در بروجرد نزد آیات: سید عبدالحسین خندانی بروجردی، شیخ علی جواهری بروجردی، شیخ احمد فیضی بروجردی به اتمام رساند، آنگاه به قم مهاجرت کرد و سالها از درس آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی بهره برد. سپس به بروجرد بازگشت و در ضمن تدریس دروس ادبیات به درس آیات عظام: شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی و شیخ محمد (کوچک) بروجردی حاضر و استفاده کامل علمی نمود. مشایخ اجازه وی آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید حسین فقیه سبزواری، سید موسی شبیری زنجانی، ناصر مکارم شیرازی، محمد فاضل لنکرانی، شیخ محمد تقی بهجت فومنی، شیخ حسینعلی منتظری بودند.

وی هم اکنون امام جماعت مسجد امیرالمومنین علیه السلام در بروجرد می باشد و نگارنده این سطور دارای اجازه نقل روایت از وی می باشد.<sup>۱</sup>

### ۲۳) صدرالدین سربندی بروجردی اراکی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ صدرالدین سربندی بروجردی اراکی در روستای «سربند» در استان لرستان به دنیا آمد و تحصیلات علمی خود را نزد بزرگان حوزه بروجرد و قم تکمیل کرده و از آیت الله مرعشی نجفی به تاریخ سلخ شوال ۱۳۸۰ ق اجازه نقل روایت دریافت نمود.<sup>۲</sup>

### ۲۴) سید فاضل میرنظامی موسوی دورودی (مجاز)

آیت الله سید ابوالفضل (فاضل) میرنظامی دورودی از نوادگان آیت الله علامه سید محمد شفیع جاپلقی بروجردی است که در سال ۱۲۹۰ ش در روستای «امام زاده قاسم» در لرستان به دنیا آمد. مقدمات و مقداری از سطح را در همان زادگاه خود نزد آیات: سید احمد مظلوم جاپلقی و سید محمد حسین بُزداشتی الیگودرزی آموخت و سپس به بروجرد رفت و مدت ۵ سال دروس سطح خود را تکمیل و آنگاه مدت هفت سال از دروس خارج آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی استفاده کامل را نمود، آنگاه به دستور آیت الله بروجردی به زادگاه

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین شیخ شکرالله حسینی بروجردی.

۲ کتابشناسی توصیفی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۲۲۵.





و خارج را از آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، شیخ محمد علی اراکی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید علی یشربی کاشانی، سید محمد حجت تبریزی، آقا روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی تکمیل و به درجات عالییه نائل آمد. وی همزمان در دانشگاه معقول و منقول تهران نیز تحصیلات دانشگاهی عالییه را کسب نمود.

از تألیفات او تقریرات خارج فقه آیات عظام: سید حسین طباطبایی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی و خارج اصول آیت الله شیخ محمد علی اراکی می باشد.

آنگاه به زادگاه خود الیگودرز بازگشت و تا آخر عمر شریف به تبلیغ و تدریس و اقامه جماعت و دیگر وظایف دینی پرداخت. وی سرانجام در دوم آذر ماه ۱۳۸۳ ش در الیگودرز دار فانی را وداع نموده و در قبرستان «چقا» آن شهر بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

## ۲۷) علی بابایی خرم آبادی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ علی بابایی خرم آبادی در سال ۱۳۱۲ ش در خرم آباد زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرده و متون سطح خود را تکمیل و دروس خارج مراجع بزرگ وقت از جمله آیات: آقا روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی را درک و از همه اساتید خود اجازه دریافت نمود.

وی در ادامه به شهر پل دختر در استان لرستان مهاجرت کرد و حوزه علمیه آن شهر را تاسیس و تا آخر عمر شریف به تربیت طلاب و دیگر وظایف دینی اشتغال داشت. وی از مبارزان مشهور و مهم علیه شاه در لرستان به شمار می آمد.

سرانجام وی در ۹ فروردین ۱۳۹۶ ش در بیمارستان فیروزگر تهران دار فانی را وداع و پس از تشییع در پل دختر مدفون گشت.<sup>۲</sup>

## ۲۸) علی آل کاظمی موموندی نورآبادی (شاگرد و مجاز به اجازه در امور حسیه)

آیت الله شیخ علی آل کاظمی لرستانی فرزند آیت الله شیخ فرج الله کاظمی موموندی نورآبادی لرستانی در سال ۱۳۱۵ ش در هرسین به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش نزد

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله العظمی بروجردی، ج ۵، ص ۱۰۵-۱۲۰.

۲ مصاحبه نگارنده با خواهر زاده ایشان جناب آقای نظری.





### ۳۰) علی طاهری الشتری خرم آبادی (شاگرد)

آیت الله شیخ علی طاهری خرم آبادی مشهور به «شیخ علی لُر» یکی از فضلاهی معروف خرم آبادی مقیم قم بود که در خرم آباد به دنیا آمد. وی پس از طی دروس مقدمات در خرم آباد، دروس سطح و خارج خود را در قم نزد علما و بزرگان وقت آموخت، که از جمله اساتید وی می توان به آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی اشاره نمود. ایشان در قم دار فانی را وداع نمود و در همین شهر بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۳۱) علی رشیدی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی رشیدی الیگودرزی از فضلاهی الیگودرز بود. مشایخ آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا روح الله خمینی، سید محمد تقی خوانساری و سید شهاب الدین مرعشی نجفی بودند. وی از مدرسین حوزه علمی منطقه الیگودرز و ازنا و مبلغین به نام آن منطقه بود.<sup>۲</sup>

### ۳۲) سید علی حسینی بهشتی بروجردی (شاگرد)

آیت الله سید علی حسینی بهشتی بروجردی در سال ۱۳۰۰ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در بروجرد آموخت، آنگاه به قم مهاجرت و از اساتید معروف قم آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی بهره فراوان علمی برد.

وی از طرف مراجع قم به «اسلام آباد غرب» مهاجرت و به تبلیغ، تدریس و انجام امور دینی پرداخت، و در اوائل جنگ بر اثر بمبهای دشمن بعثی، همسر و تمام اعضای خانواده خود را از دست داد. بعدها برای امر تبلیغ و تدریس به «شاه آباد» تهران مهاجرت نمود و تا آخر عمر شریف به وظایف دینی همت گمارد.

وی در ۵ آذر سال ۱۳۸۰ ش در تهران دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع در تهران و قم، در قبرستان «باغ بهشت» قم آرمید.<sup>۳</sup>

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۷: ص ۶۰ - ۷۵.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۱۲، ص ۱۲۰.

۳ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۹، ص ۱۲۰ - ۱۳۵.



### ۳۳) سید علی شریفی خرم آبادی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ علی شریفی خرم آبادی بروجردی فرزند شیخ محمد نبی خرم آبادی از فضیلتی مقیم بروجرد بود. وی که متولد سال ۱۳۱۷ ش در خرم آباد بود، در تاریخ چهارم آذر ماه ۱۳۵۹ ش در بروجرد دار فانی را وداع و در همان شهر آرمید.<sup>۱</sup>

### ۳۴) علی میرزا رضانی جاپلقی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ علی میرزا رضانی جاپلقی الیگودرزی در سال ۱۲۸۲ ش در روستای «گاو یار» از توابع الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود گذراند، سپس به قم مهاجرت نموده و دروس سطح و خارج را از محضر بزرگانی چون آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبایی بروجردی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی، کسب فیض نمود تا اینکه به درجات عالی رسید. از مشایخ وی می توان از آیت الله مرعشی نجفی نام برد. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر شریف به تبلیغ و تدریس و وظایف دینی پرداخت.

سرانجام وی به سال ۱۳۴۳ ش دار فانی را وداع و پس از تشییع در قبرستان «ابوحسین» در قم بن خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

### ۳۵) علی میرزا جاپلقی الیگودرزی (مجاز)

آیت الله شیخ علی میرزا جاپلقی الیگودرزی از شاگردان و مجازین از آیت الله مرعشی نجفی بود. وی از فضیلتی مقیم قم بوده و پس از رحلت پیکرش را در قبرستان «ابوحسین» در بخش انتهایی «بقعه العلما» بن خاک سپردند. لازم به ذکر است، وی غیر از آیت الله شیخ علی میرزا رضانی جاپلقی هست.<sup>۳</sup>

### ۳۶) عبدالرحیم نیری بروجردی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ عبدالرحیم نیری بروجردی فرزند آیت الله شیخ محمد حسین نیری بروجردی

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۱، ص ۵۰ - ۶۵.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۴۲.



در سال ۱۳۲۰ ق در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدر دانشمندش در بروجرد گذراند، آنگاه به قم مهاجرت کرده و دروس سطح و خارج خود را نزد مراجع بزرگی چون آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید کاظم شریعتمداری تبریزی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی تکمیل و به درجات عالیّه نائل آمد.

از مشایخ اجازه وی می توان از آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید عبدالهادی شیرازی نام برد.

برخی تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. تصحیح ایضاح الفوائد، ۲. فتاوی العلمین ابن عقیل و علی بن بابویه قمی، ۳. مجموعه فتاوی ابن جنید، ۴. انتخابی از معجزات چهارده معصوم (۲ ج)، ۵. زندگانی حضرت فاطمه (س) (۲ ج)، ۶. اخلاقیات (۲ ج)، ۷. سیره الامام علی علیه السلام، ۸. مستحبات و مکروهات احکام شریعت (۳ ج)، ۹. المهدی الامام الثانی عشر.

سرانجام وی در ۲۴ ذی القعدة ۱۴۱۲ ق در سن ۹۴ سالگی دارفانی را وداع و در یکی از مقابر مجاور قبرستان نوقم آرمید.<sup>۱</sup>

### ۳۷) عبدالرحیم بیرانوندی خرم آبادی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالرحیم بیرانوندی خرم آبادی از فضلالی شهر خرم آباد بود و از آیت الله مرعشی نجفی اجازه اخذ کرده بود.<sup>۲</sup>

### ۳۸) سید عبدالمطلب جزایری آل مهدی خرم آبادی الاصل (شاگرد)

آیت الله سید عبدالمطلب آل مهدی جزایری خرم آبادی الاصل فرزند آیت الله سید یونس جزایری در سال ۱۲۹۳ ق در سوسنگرد به دنیا آمد. در کودکی پدر خود را از دست داد و در ۱۰ سالگی همراه عموی خود آیت الله سید عبدالله جزایری راهی نجف اشرف شده و دروس مقدمات و سطح را نزد عموی دانشمند خود و آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۱، ص ۶۰ - ۷۵.

۲ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۳۰.



گذراند. آنگاه در دروس خارج فقه و اصول آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا عبدالله شیرازی و سید ابوالقاسم خویی شرکت جسته و به درجات عالیّه نائل آمد. وی سپس به قم مهاجرت کرد و پس از گذراندن دروس آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی، به زادگاه خود بازگشت و به امر تبلیغ و تدریس و دیگر وظایف دینی پرداخت. تألیفات ایشان عبارت اند از: ۱. المجالس الحسینیة، ۲. تفسیر آیات الکنون، ۳. شرح معالم الاصول، ۴. تقریرات فقه آیت الله سید علی بهبهانی رامهرمی، ۵. کتاب فی الاخلاق. مشایخ اجازه وی آیات: سید محمد هادی میلانی، سید محسن حکیم، سید علی بهبهانی رامهرمی، شیخ محمد رضا آل یاسین، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ جعفر انصاری دزفولی، شیخ محمد طه نجف، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت نبریزی و سید عبدالله شیرازی بودند. سرانجام وی در ۱۶ مهر ۱۳۷۳ ش در اهواز دار فانی را وداع نموده و در قبرستان «خاک فرج» در قم بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۳۹) سید عبدالله طاهری خرم آبادی (شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله طاهری خرم آبادی در سال ۱۳۳۰ ش در روستای «سراب نیلوفر»<sup>۲</sup> در اطراف خرم آباد به دنیا آمد. دروس ابتدایی را همانجا گذراند و در سال ۱۳۴۴ ش پس از هجرت به قم، دروس حوزوی را شروع نمود، او دروس خارج را نزد آیات: حاج آقا روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ حسین وحید خراسانی و شیخ محمد فاضل لنکرانی تکمیل نمود. مشایخ اجازه وی آیات: سید محمد رضا گلپایگانی و حاج آقا روح الله خمینی بودند. وی در ۱۴ مهر ماه ۱۳۸۵ ش در سن ۵۵ سالگی در قم دار فانی را وداع نمود، پیکرش به زادگاهش منتقل و در قبرستان امام حسن عسکری علیه السلام مدفون شد.<sup>۳</sup>

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۱، ص ۹۰ - ۱۱۰.

۲ لازم به ذکر است روستای دیگری به نام «سراب نیلوفر» نیز در استان کرمانشاه وجود دارد که گاهی این دو با هم مشتبه می شوند.

۳ علما در روشنائی تاریخ، ص ۱۲۲۰.

#### ۴۰) سید عبدالله الیاسی خرم آبادی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله الیاسی خرم آبادی از خطباء و فضلاء و علمای خرم آباد بود و از مجازین از آیت الله مرعشی نجفی شمرده می شد.<sup>۱</sup>

#### ۴۱) عبدالله میرزایی واعظ الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ عبدالله میرزایی واعظ الیگودرزی فرزند شیخ احمد میرزایی اشرف آبادی الیگودرزی در روستای «چغاظم» در اطراف الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود آموخت، آنگاه برای تکمیل دروس سطح و خارج به قم مهاجرت نموده و محضر بزرگانی چون آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، شیخ عبدالنبی عراقی، شیخ میرزا احمد خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی را درک و به درجات عالیہ علمی نائل آمد. وی در جریان حمله به فیضیه دچار بیماری شده، قم را ترک و به زادگاه خود بازگشت و به تدریس، تبلیغ و دیگر وظایف دینی دیگر پرداخت. مشایخ اجازه ایشان عبارت اند از آیات: شیخ میرزا احمد خوانساری، سید کاظم شریعتمداری تبریزی و شیخ عبدالنبی عراقی. عاقبت در ۲۲ مرداد سال ۱۳۶۴ ش در الیگودرز بر اثر سکته قلبی وفات نمود و در قبرستان «ده تیرانی» همان شهر مدفون شد.<sup>۲</sup>

#### ۴۲) شهید شیخ عبدالحسین مبشر خرم آبادی (شاگرد)

آیت الله شهید شیخ عبدالحسین مبشر خرم آبادی در سال ۱۳۲۵ ش در روستای «سیاهپوش» از اطراف الشتر لرستان به دنیا آمد، پس از تحصیلات دانشگاهی و کسب مدرک فوق دیپلم در لرستان به دروس حوزوی روی آورد و مقدمات و سطح را در خرم آباد زیر نظر آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند آموخته، عازم قم گردید و ادامه دروس سطح و سپس خارج را از محضر آیات: سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، حاج آقا روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی فرا گرفت. او از مبارزین علیه شاه در قبل از انقلاب بود و بعد از پیروزی نیز مسؤولیت هایی را بر عهده گرفت و عاقبت نیز در ۶ مهر ماه ۱۳۶۰ ش توسط منافقین ترور و به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

۱ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۲۹.

۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۱، ص ۱۲۰ - ۱۴۰.

۳ علمای گننام لرستان، ج ۱۹، ص ۴۳ - ۵۰.



#### ۴۳) سید عبدالحسین حسینی بهشتی بروجردی (شاگرد)

آیت الله سید عبدالحسین حسینی بهشتی بروجردی معروف به «ثقة المحدثین» در سال ۱۳۴۴ ق در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در بروجرد تکمیل، آنگاه همراه برادر خود آیت الله سید علی بهشتی بروجردی وارد حوزه علمیه قم شد. پس از گذراندن دروس سطح، دروس خارج خود را نزد آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی تکمیل نمود.

وی، که خود از علما و مدرسین حوزه علمیه قم بشمار می رفت، در سال ۱۴۱۹ ق دار فانی را وداع و در قبرستان «شیخان» قم در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

#### ۴۴) عباس گنجی پور بروجردی الیگودرزی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین عباس گنجی پور بروجردی الیگودرزی از فضلاء بروجردی، مقیم الیگودرز بود و در همان آنجا دار فانی را وداع نمود و پس از تشییع در قبرستان «گلزار شهدای» قم در خاک آرمید. بر روی سنگ مزار ایشان اینگونه آمده است:

(مرقد شریف حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس گنجی پور حاکم شرع الیگودرز که در حین انجام وظیفه در آخرین روز ماه مبارک رمضان سنه ۱۴۰۵ ق مطابق با ۲۹ خرداد ۱۳۶۴ ش در سن ۵۲ سالگی به لقاء الله پیوست. روانش شاد و یادش گرامی باد).  
وی از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه ای دریافت نموده بود.<sup>۲</sup>

#### ۴۵) عباسعلی جانقدری جاپلقی (مجاز)

حجت الاسلام عباسعلی جانقدری جاپلقی الیگودرزی از اهالی روستای «جانقدر» الیگودرز و از فضلاء آن شهر بشمار بود. وی موفق به اخذ اجازه از آیت الله مرعشی نجفی شده بود.<sup>۳</sup>

۱ همان، ج ۱۲، ص ۱۲۳ - ۱۳۰.

۲ همان، ج ۷، ص ۱۲۰ - ۱۲۲.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۲۸.

#### ۴۶) سید عمادالدین بن ابوتراب جزایری خرم آبادی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید عمادالدین جزایری خرم آبادی فرزند آیت الله سید ابوتراب جزایری خرم آبادی از علما و فضیلاي خرم آباد بود، در ابتدای کار، تحصیلات خود را در خرم آباد و قم نزد بزرگان آن دیار از جمله: پدر دانشمندش، آیت الله شیخ روح الله کمالوند خرم آبادی و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فراگرفته و به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر شریف به تدریس و اقامه جماعت و دیگر خدمات علمی و اجتماعی پرداخت.

او از آیت الله مرعشی نجفی اجازه دریافت بود.

سرانجام وی در سال ۱۳۹۵ ش در خرم آباد دار فانی را وداع گفت و در همان شهر بخاک

سپرده شد.<sup>۱</sup>

#### ۴۷) سید عمادالدین بن محمد جزایری خرم آبادی (مجاز)

آیت الله سید عمادالدین جزایری خرم آبادی فرزند آیت الله سید محمد جزایری خرم آبادی می باشد که در خرم آباد به دنیا آمد. پس از تحصیلات در زادگاه خود و سپس در قم و نجف اشرف به خرم آباد بازگشت و از سال ۱۳۴۴ ش به جای پدر دانشمند خود در مسجد بازار به تبلیغ و اقامه جماعت و دیگر وظایف دینی پرداخت. وی به تاریخ سوم صفر ۱۳۸ ق اجازه ای از آیت الله مرعشی نجفی دریافت کرده بود.

وی در ۲۰ آبان ماه ۱۳۷۴ ش در خرم آباد، دار فانی را وداع گفت.<sup>۲</sup>

#### ۴۸) شیخ عزیزالله علیمردانیان نهاوندی لرستانی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ عزیزالله علیمردانیان نهاوندی لرستانی در سال ۱۳۲۵ ق در نهاوند به دنیا آمد، جدش از خوانین لرستان بود که در نهاوند سکنی گزیده بود. وی دروس مقدمات را در زادگاه خود گذراند، آنگاه عازم قم شد و ادامه دروس مقدمات و سطح خود را نزد آیات: سید مهدی کشفی بروجردی، میرزا محمد علی ادیب، شیخ حسن فاضل، شیخ محمد علی حائری قمی، سید احمد خوانساری، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی پی گرفت.

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۱۳، ص ۴۴.

۲ همان، ج ۱، ص ۴۴ - ۵۰.





آمد، تحصیلات خود را در زادگاه آغاز و آنگاه برای تکمیل معلومات خود به اراک مهاجرت کرد. پس از اتمام تحصیلات، در اراک ماندگار شد و به تدریس و تبلیغ پرداخت. او از آیت الله مرعشی نجفی دارای اجازه بود.

سرانجام وی در اراک دار فانی را وداع و در همان شهر بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۵۱) سید عطاء الله زین الدینی جاپلقی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید عطاء الله زین الدینی رشیدی الیگودرزی فرزند سید عنایت الله زین الدینی رشیدی الیگودرزی، در روستای «رشیدی» در اطراف الیگودرز در خاندان سیادت و تقوا به دنیا آمد. تحصیلات خود را در زادگاهش آغاز و پس از مهاجرت به قم، نزد بزرگانی همچون آیت الله مرعشی نجفی تکمیل و در ذیحجه ۱۳۸۰ ق از ایشان اجازه دریافت نمود.

وی در سال ۱۳۹۴ ش در قم دار فانی را وداع نمود و در قبرستان روبری گلزار شهدای قم

بخاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

### ۵۲) غلام رضا مولانا بروجردی (شاگرد و مجاز به دو اجازه امور حسبه و روایت)

آیت الله شیخ غلام رضا مولانا بروجردی فرزند شیخ علی اکبر مولانا بروجردی به سال ۱۳۰۶ ش در بروجرد به دنیا آمد، دروس مقدمات و سطح را در بروجرد نزد آیات: سید محسن شریعتمداری بروجردی، میرزا لطف الله فقهی بروجردی، سید عبدالحسین خندانی بروجردی، شیخ علی جواهری بروجردی، شیخ محمد غروی بروجردی، شیخ بهاءالدین حجتی بروجردی و سید اسماعیل گلپایگانی بروجردی آموخت و برای ادامه تحصیلات به قم مهاجرت کرد. وی در دروس خارج آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی شرکت جست، و سپس به مدت یک سال به نجف اشرف رفته و از محضر آیت الله سید ابوالقاسم خویی به صورت پراکنده استفاده نمود و پس از مراجعت به بروجرد، از درس آیات: شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی و سید علی بهبهانی رامهرمزی بهره های

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۶۱ - ۶۳.

۲ همان، ج ۶، ص ۶۲ - ۶۶.



فراوانی برد. وی در خطابه و منبر شهرتی بسزا در داخل و خارج از کشور داشت. از مشایخ اجازه او می توان از آیات: شیخ آقا بزرگ طهرانی، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید کاظم شریعتمداری تبریزی، سید محمد روحانی قمی، سید صادق روحانی قمی، سید علی بهبهانی رامهرمزی، سید محمد حسینی شیرازی، شیخ محمد فاضل لنکرانی، شیخ حسین نوری همدانی، ناصر مکارم شیرازی، جواد غروی علیاری تبریزی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی نجفی، سید محمد هادی میلانی و شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی نام برد.

آثار و تألیفات وی نشان از بلوغ علمی و تلاش تام و تتبع او دارد، بعضی از آنها عبارت اند از: ۱. درسهایی از توحید، ۲. تصحیح و تعلیق تفسیر صراط مستقیم (۶ ج)، ۳. تعریب و تخریج و تعلیق بر عباقات الانوار (۱۱ ج)، ۴. تاریخ بروجرد (۳ ج)، ۵. الخاتم لوصی الخاتم، ۶. سخنوران بروجرد (۲ ج)، ۷. دایرة المعارف عربی، (چندین جلد)، ۸. الاوائل به نهج جدید، ۹. کشکول، ۱۰. تخریج و تحقیق کتاب «الطالب فی شرح المکاسب». سر انجام وی در ۲۸ اسفند ۱۳۹۴ ش در بروجرد دارفانی را وداع و پس از تشییعی باشکوه در قبرستان «جهان آباد» بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۵۳) غلامرضا فقهی بروجردی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ غلامرضا فقهی بروجردی فرزند حجت الاسلام و المسلمین شیخ رضا فقهی بروجردی در سال ۱۲۹۳ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاه خود نزد بزرگان آن دیار به ویژه پدر دانشمند خود و آیت الله میرزا لطف الله فقهی بروجردی گذراند و در سن ۲۵ سالگی به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. در قم دروس سطح خود را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ عباسعلی شاهرودی و شیخ محمد رضا طبسی تکمیل کرد.

آنگاه از دروس خارج فقه و اصول آیات: سید محمد حجت تبریزی، سید محمد تقی

۱ گوهر معرفت، تلخیص از صفحات مختلف.



خوانساری و سید حسین طباطبایی بروجردی و مباحث معقول و تفسیر علامه سید محمد حسین طباطبایی تبریزی استفاده فراوانی برد و به مدارج عالیہ علمی نائل آمد. مشایخ اجازه وی آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید محمد حجت تبریزی، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، سید احمد خوانساری و شیخ محمد رضا طوسی بودند. وی که افتخار دامادی استاد خود آیت الله سید محمد تقی خوانساری را داشت، در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ ش در تهران بدرود حیات گفت و در قبرستان «وادی السلام» قم در مقبره خانوادگی «محمودی» بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

#### ۵۴) سید غلام رضا موسوی اشترینانی بروجردی (مجاز، اجازه در امور حسیه)

حجت الاسلام و المسلمین سید غلام رضا موسوی اشترینانی بروجردی در سال ۱۳۰۳ ش در اشترینان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در بروجرد گذراند، آنگاه تحصیلات عالیہ خود را در قم طی نمود و در نهایت در تهران سکنی گزید و از شمار ائمه جماعت و خطبا و مبلغین و مؤلفین تهران گردید. وی دارای تألیفات فراوان از جمله کتاب مراحل کمال در چهار جلد می باشد.

وی در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۹۴ ش در تهران دار فانی را وداع و در قبرستان «بهشت زهرا» تهران مدفون شد.<sup>۲</sup>

#### ۵۵) غلام رضا محمودیان بیان الواعظین بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلام رضا محمودیان بیان بروجردی فرزند شیخ غلام حسین بیان الواعظین بروجردی و نوه ملا محمود بیان بروجردی است. دوران مقدمات و سطح و خارج خود را در حوزه علمیه بروجرد گذراند، بعد از آن مدت کوتاهی در نجف اشرف و مقدار زمانی هم در حوزه علمیه قم اقامت گزید و از محضر علماء و بزرگان آن دیار از جمله آیات: حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی،

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۵، ص ۲۷۳ - ۲۷۶.

۲ مصاحبه نگارنده با فرزند ایشان.



شیخ بهاء‌الدین حجتی بروجردی، شیخ احمد فیض بروجردی، شیخ علی جواهری نجفی بروجردی، سید عبدالحسین خندانی بروجردی، شیخ محمد بروجردی، شیخ حسن کمره‌ای بروجردی (در بروجرد و قم)، حاج آقا روح الله خمینی و سید محسن حکیم (در نجف اشرف) استفاده فراوانی نمود.

وی سپس در زادگاه خود به تدریس و تبلیغ و اقامه جماعت تا آخر عمر شریف خود پرداخت.

سرانجام وی در روز ۱۰ آذر ماه ۱۳۸۵ ش در بروجرد دار فانی را وداع نمود و در قبرستان «جهان آباد» آن شهر آرمید.<sup>۱</sup>

#### ۵۶) محمد حسینی امامی الیگودرزی (مجاز به دو اجازه در امور حسیه و روایت)

آیت الله سید محمد امامی حسینی الیگودرزی فرزند آیت الله سید محمد امامی حسینی الیگودرزی در محله «ده تیران» در اطراف الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدر دانشمندش و آیت الله ملا محمد علی مصدرالامور جاپلقی الیگودرزی آموخت. سپس برای ادامه تحصیلات ابتداء به بروجرد و سپس به اصفهان مهاجرت کرده و دروس سطح خود را نزد اساتید تکمیل نمود، آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نموده و چندین سال از محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کامل نمود، سپس به قم آمد و محضر مراجع بزرگ قم آیات: شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبایی بروجردی را درک و به مدارج علمی نائل آمد.

در ادامه به وطن خود الیگودرز بازگشت و تا آخر عمر شریف به تبلیغ، تدریس، منبر و دیگر وظایف دینی پرداخت.

از تألیفات اوست: ۱. رساله‌ای در حدیث، ۲. رساله‌ای در عصمت، ۳. خاطرات سفر به عتبات، ۴. خاطرات سفر به مکه معظمه.

مشایخ اجازه آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ عبدالنبی عراقی و سید حسین طباطبایی بروجردی بودند.

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین شیخ غلام‌رضا بیان الواعظین بروجردی.

سرانجام در آخر ماه مرداد ۱۳۴۶ ش دار فانی را در الیگودرز وداع و در مقبره «بقعة العلماء» در قبرستان «ابوحسین» قم در خاک آرמיד.<sup>۱</sup>

### ۵۷) سید محمد نجفی اصفهانی هرسینی لرستانی (مجاز به اجازه اجتهاد و دو اجازه امور حسبه و روایت)

آیت الله سید محمد اصفهانی نجفی لرستانی هرسینی در سال ۱۲۶۹ ش در اصفهان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاه خود نزد پدر و دیگر بزرگان آموخت، آنگاه در ۱۸ سالگی راهی شهر قم شد و بعد از دو سال تحصیل در قم عازم نجف اشرف گردید. دروس سطح و خارج خود را نزد آیات: میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و دیگر اعظام آن دیار استفاده کرد و به ایران بازگشت. حدود هشت سال در نورآباد لرستان به همراه مرحوم آیت الله شیخ فرج الله کاظمی موموندی نورآبادی لرستان به تبلیغ شیعه و مبارزه با پیروان مذهب علی الهی پرداخت، آنگاه در هرسین سکنی گزیده و تا آخر عمر شریف در همانجا اقامت کرد و به وظایف علمی و دینی پرداخت.

وی از اکثر مراجع و بزرگان وقت از جمله آیت الله مرعشی نجفی اجازات متعدد داشت. سرانجام وی در سال ۱۳۶۷ ش در هرسین دارفانی را وداع گفته و در همانجا مدفون شد.<sup>۲</sup>

### ۵۸) سید محمد هاشمی جاپلقی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا هاشمی جاپلقی الیگودرزی فرزند آیت الله سید عبدالله امامی الیگودرزی در سال ۱۳۱۵ ش در محله «ده تیران» الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدمات خود را در زادگاهش آموخت، آنگاه برای مدتی به قم آمد و تحصیلات سطح خود را تکمیل کرده و از آیت الله مرعشی نجفی اجازه ای دریافت نمود. او از مبارزان انقلابی در زمان شاه به شمار می آمد، بارها تبعید شد، ولی از مبارزات خود دست نکشید، بعد از انقلاب نیز به مسئولیت هایی همچون امامت جمعه و نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزیده شد.

۱ مصاحبه نگارنده با فرزند ایشان حجت الاسلام و المسلمین سید محمد حسین امامی الیگودرزی.

۲ مصاحبه نگارنده با فرزند ایشان حجت الاسلام و المسلمین سید حسن هرسینی نجفی کرمانشاهی.

سرانجام در ۱۶ تیر ۱۳۷۰ ش در الیگودرز وفات یافت و در جوار قبر پدر خود در قبرستان «ده تیران» در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

### ۵۹) سید محمد موسوی جزایری خرم آبادی (مجاز و شاگرد)

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جزایری خرم آبادی فرزند آیت الله سید جعفر جزایری خرم آبادی، دروس مقدمات و سطح را در زادگاه خود خرم آباد، نزد آیات: سید عیسی جزایری خرم آبادی، سید حیدر طاهری خرم آبادی، سید علی اکبر رحیمی خرم آبادی، شهید سید اسدالله مدنی تبریزی آموخت. آنگاه به نجف اشرف رفته و ادامه دروس سطح خود را در نزد بزرگانی چون آیات: میرزا حسن یزدی، شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی پی گرفت. در ادامه به قم آمد و دروس خارج و معقول خود را نزد آیات: حاج آقا روح الله خمینی، سید محمد حسین طباطبایی تبریزی، میرزا فضل الله زاهدی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ محمد علی اراکی، سید رضا صدر و سید محمد محقق داماد یزدی فرا گرفت و به درجات عالیّه نائل آمد.

وی از آیات: حاج آقا روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی (در تاریخ ۱۳۷۵ ق)، اجازه دریافت نمود.<sup>۲</sup>

### ۶۰) محمد حجتی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حجتی بروجردی از نوادگان آیت الله ملا اسدالله مجتهد بروجردی بود، در بروجرد به دنیا آمد و پس از تکمیل تحصیلات خود در بروجرد سر دفتر عقد و ازدواج داشت. مجلس روضه وی از معروفترین مجالس روضه بروجرد به شمار می آمد. وی از آیت الله مرعشی نجفی اجازه ای دریافت کرده بود.<sup>۳</sup>

### ۶۱) محمد حجتی هرسینی لرستانی (مجاز به دو اجازه امور حسبه و روایت)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حجتی هرسینی کرمانشاهی فرزند آیت الله شیخ

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۲۱ - ۲۵.

۲ علما در روشنای تاریخ، ص ۶۰۹ - ۶۱۱.

۳ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۹۸ - ۱۰۰.

محمد حسن حجتی هرسینی لرستانی است که در هرسین به دنیا آمد. تحصیلات را در نزد بزرگان از جمله پدر دانشمندش آموخت و در شهر کرمانشاه و هرسین به تبلیغ و تدریس و دیگر وظایف دینی پرداخت.<sup>۱</sup>

### ۶۲) محمد آقا رضی تویسرکانی بروجردی (مجاز)

وی از نوادگان آیت الله شیخ محمد ابراهیم تویسرکانی بروجردی مدفون در مقبره مقابل پارک سعدی بروجرد و خود از فضیلتی بروجرد بود که از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه دریافت کرده بود.<sup>۲</sup>

### ۶۳) محمد ایمانی پل دخترى (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد ایمانی پل دخترى در سال ۱۳۱۱ ش در روستای «واشیان» از توابع پل دختر به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خرم آباد در نزد آیات: شیخ عباسعلی قهاره صادقی، شیخ فرج الله عباسی خرم آبادی و شیخ ماشاء الله مروجی آموخت، سپس در سال ۱۳۴۱ ش به قم مهاجرت و دروس سطح را نزد آیات: سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، شیخ علی مشکینی و شیخ حسین نوری همدانی تکمیل و دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات: شیخ مرتضی حائری یزدی و میرزا هاشم آملی به پایان برد. مشایخ اجازه‌وی: حاج آقا روح الله خمینی، میرزا هاشم آملی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ محمد علی اراکی، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی بودند. وی از مبارزان قبل از انقلاب علیه شاه و امام جمعه پل دختر در اوایل انقلاب بود.<sup>۳</sup>

### ۶۴) محمد روزبهانی گلزردی بروجردی (شاگرد)

آیت الله شیخ محمد روزبهانی گلزردی بروجردی در سال ۱۳۲۵ ش در روستای «گلزرد» در اطراف بروجرد به دنیا آمد. بعد از دوران کودکی و مقداری دروس مکتب خانه در همان روستا، به تهران مهاجرت کرده، تحصیلات مقدماتی حوزوی را در تهران نزد حجج اسلام

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد هرسینی کرمانشاهی.

۲ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۵۲.

۳ علمای گمنام لرستان، ج ۲، ص ۸۵ - ۹۰.

احمدی شاهرودی و محسنی آموخت، آنگاه برای ادامه تحصیلات به قم آمد و دروس سطح خود را در محضر بزرگانی چون آیات: محمد علی مدرس افغانی، مصطفی اعتمادی تبریزی، محمد تقی ستوده اراکی و احمد پایانی اردبیلی تکمیل کرد و در ادامه دروس خارج را در نزد بزرگانی چون آیات عظام: سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، تکمیل و به مراتب عالی‌تر نائل آمد.

از تألیفات ایشان است: ۱. صحیفه ولایت در شرح مناجات شعبانیه، ۲. بیان رسا در شرح دعاهای ماه رمضان (۲ ج)، ۳. سیر و سلوک (۳ ج)، ۴. دیوان حبّ، ۵. دیوان عشق، ۶. غنچه‌های نشکفته، ۷. زیارت انوار اعلی، ۸. زیارت انوار الهی، ۹. دیوان ولایت، ۱۰. صحیفه حبّ، ۱۱. سلام و صلوات خدا، ۱۲. منازل السیر (۲ ج)، ۱۳. منتهی الاصول (۵ ج)، ۱۴. الفقه الممیز (۵ ج)، ۱۵. السفر فی الاسفار، ۱۶. تعلیقه بر تمهید القواعد، ۱۷. تعلیقه بر کفایة الاصول، ۱۸. تعلیقه بر مصباح الانس، ۱۹. تعلیقه بر فصوص الحکم، ۲۰. تعلیقه بر جلد سوم اشارات، ۲۱. آیات الاحکام، ۲۲. معارج العابدین، ۲۳. تفسیر سوره فاتحه و...  
نگارنده این سطور از وی دارای اجازه می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۶۵) محمد (کوچک) بروجردی (شاگرد)

آیت الله شیخ محمد (کوچک) بروجردی فرزند آیت الله ملا عبدالله بروجردی در سال ۱۳۲۹ ق در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و مقداری از سطح را در بروجرد نزد دو برادرش آیت الله شیخ محمد (بزرگ) بروجردی و آیت الله شیخ محمد حسن خراسانی بروجردی و آیت الله شیخ محمد حسین غروی بروجردی آموخت. سپس به قم مهاجرت نمود و دروس سطح را نزد آیات: محمد علی ادیب تهرانی، علی اصغر صالحی کرمانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، میرزا محمد معصومی همدانی و سید احمد خوانساری فراگرفت.

در ادامه دروس خارج فقه و اصول آیات: شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد حجت تبریزی، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محمد تقی خوانساری و سید صدرالدین صدر

۱ مصاحبه نگارنده با آیت الله شیخ محمد روزبهانی بروجردی.

را درك و به درجات عاليه اجتهاد نائل آمد.

همچنين دروس معقول را هم از آيات: حاج آقا روح الله خميني، شيخ محمد علي شاه آبادي، روح الله كمالوند خرم آبادي وميرزا خليل كمره‌اي اخذ كرد. او مدتي نيز به نجف اشرف رفته و از محضر آيت الله ميرزا عبدالهادي شيرازي كسب فيض كرده و چندي هم در مشهد مقدس رضوي از محضر آيات: ميرزا مهدي اصفهاني و شيخ حسينعلی نخودكي اصفهاني استفاده هي معنوي نمود. وي در نهايت به زادگاه خود بروجرد بازگشت و تا آخر عمر خود منشأ خدمات علمي و اخلاقي و اجتماعي فراوان گرديد. تأليفات او عبارت اند از: ۱. مغني المغني (۳ ج)، ۲. رساله‌اي در زندگي نامه ابن قدامه، ۳. رساله توضيح المسائل، ۴. زندگي نامه خودنوشت به نام «فردی ناشناخته»، ۵. اقبال جاويدان، ۶. اصول فقه، ۷. رساله‌اي پيرامون فضل شعر و شعرا. سرانجام در ۳۱ شهريور ۱۳۷۷ ش در بروجرد دار فاني را وداع و پس از تشييعي با شكوه در قبرستان جهان آباد بروجرد در خاك آرميد.<sup>۱</sup>

### ۶۶ محمد بن زين الدين قواني بروجردي (شاگرد و مجاز)

آيت الله شيخ محمد قواني بروجردي فرزند آيت الله شيخ زين الدين قواني بروجردي و از نوادگان آيت الله ملا علي مجتهد بروجردي در بروجرد به دنيا آمد، مقدمات و سطح را در بروجرد نزد آيات: شيخ زين الدين قواني بروجردي (پدر)، شيخ محمد حسين غروي بروجردي، سيد حسين طباطبائي بروجردي و آيت الله ميرزا ابوالحسن مجتهد قواني بروجردي (عمو) فرا گرفت.

در سفر به نجف اشرف از محضر درسي آيات: شيخ محمد حسين غروي نائيني، آقا ضياء الدين عراقي و سيد ابوالحسن اصفهاني استفاده فراواني كرد. وي آنگاه به قم مهاجرت كرده و محضر علمي آيات: شيخ عبدالكريم حائري يزدي و سيد شهاب الدين مرعشي نجفي (دروس معقول) را درك و بهره خود كامل را نمود. از مشايخ اجازه او مي توان از آيات: سيد ابوالحسن اصفهاني و سيد شهاب الدين مرعشي نجفي نام برد.

۱ مقدمه كتاب اقبال جاويدان، سيد ابراهيم سجادي بروجردي.



وی همه ایام تبلیغی را به زادگاه خود بروجرد می‌آمد و به خدمات دینی می‌پرداخت، تا اینکه در سال ۱۳۲۰ ش دار فانی را وداع و در قبرستان «نو» در قم بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۶۷) محمد ابراهیم نصراللهی بروجردی (شاگرد)

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد ابراهیم نصراللهی بروجردی در ۸ فروردین ۱۳۴۱ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در بروجرد نزد آیات: شیخ محمد قوانینی بروجردی، شیخ محمد تقی مطهری بروجردی، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی بروجردی، شیخ محمد روانه‌ای بروجردی، شیخ علی جواهری نجفی بروجردی، سید ضیاءالدین موسوی بروجردی، شیخ علی گوشه‌ای گودرزی بروجردی و سید احمد موسوی بروجردی آموخت. پس از مهاجرت به قم در دروس سطح آیات: محمد علی مدرس افغانی، سید محمود طالقانی، محمد تقی ستوده اراکی، حشمت‌پور، حسینی بوشهری، سید احمد شبیری زنجان، علی کریمی جهرمی، علی پناه اشتهااردی، مصطفی اعتمادی تبریزی و قدرت الله وجدانی فخر سرابی شرکت کرد.

آنگاه دروس خارج آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید رضا بهاءالدینی، شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید عبدالکریم کشمیری و سید عباس کاشانی را درک و بهره‌ای فراوانی برد.

از تألیفات اوست: ۱. هزار و یک ختم، ۲. رهنمای گرفتاران، ۳. ادای دین و قرض، ۴. طور سینین، ۵. طلسم عظیم القدر، ۶. رمل کبار، ۷. جفر کبار، ۸. سحر و ساحر و مسحور، ۹. قواعد فقهیه، ۱۰. رساله‌ای در احکام شک.<sup>۲</sup>

### ۶۸) محمد ابراهیم نجفی ونایی بروجردی (مجاز به اجازه در امور حسبه)

آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی ونایی بروجردی فرزند آیت الله حاج شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی در سال ۱۳۰۳ ش در نجف اشرف به دنیا آمد. تحصیلات مقدمات و سطح خود را نزد بزرگانی چون پدر دانشمندش و شیخ مجتبی لنگرانی آموخت و در دروس

۱ علمای ایران در شهرهای لرستان، ج ۳، ص ۱۳۰ - ۱۵۰.  
 ۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۲۰، ص ۱۸۰ - ۲۱۳.



خارج آیات: سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید جمال الدین گلپایگانی و میرزا آقا اصطهباناتی حاضر شد و درجات عالیہ علمی را کسب نمود. وی در سال ۱۳۵۰ ش به ایران آمده و در تهران به تبلیغ، تدریس و اقامه جماعت پرداخت، بعد از سه سال در سال ۱۳۵۳ ش در آخرین سال عمر پدر دانشمندش تهران را ترک گفته و به بروجرد آمد و ضمن رسیدگی به امور پدر، بعد از وفات نیز تمام وظایف علمی - دینی پدر را بر عهده گرفت.

مشایخ او عبارت اند از آیات: سید ابوالقاسم خویی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید احمد خوانساری و سید کاظم شریعتمداری تبریزی. تألیفات ایشان عبارت است از: ۱. تقریرات خارج فقه آیت الله خویی، ۲. تقریرات خارج اصول آیت الله خویی، ۳. تفسیر سوره یوسف، ۴. تفسیر سوره نبأ، ۵. رساله‌ای در مباحث فقهی. وی در بروجرد دارای خدمات اجتماعی بسیاری بود و سرانجام در سال ۱۳۷۰ در روز عید فطر دار فانی را وداع و پس از تشییع باشکوه در قبرستان جهان آباد بروجرد بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۶۹) سید محمد ابراهیم غفوری قدغونی مستجاب الدعوه بروجردی (شاگرد)

آیت الله سید محمد ابراهیم غفوری بروجردی از خاندان معروف «قدغونی مستجاب الدعوه» فرزند آیت الله سید محمد حسین موسوی مستجاب الدعوه در بروجرد زاده شد. مقدمات علوم دینی و مقداری از سطح را در زادگاه خود نزد آیات: سید علی غفوری قدغونی بروجردی، سید محمد حسین مستجاب الدعوه بروجردی و میرزا لطف الله فقهی بروجردی آموخت. سپس به قم مهاجرت کرده و ادامه دروس سطح را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی فرا گرفت.

در ادامه دروس خارج آیت الله سید محمد تقی خوانساری را درک کرده و چندی بعد به نجف مهاجرت نموده و محضر بزرگانی چون آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی را درک و به درجات عالیہ علمی نائل آمد. مشایخ اجازه وی آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید ابوالحسن اصفهانی، سید

۱ همان، ج ۸، ص ۱۳۸ - ۱۶۲.

حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی، سید محمد حجت تبریزی و سید محمد کاظم عصار بودند.

از تألیفات وی است: ۱. تفسیر جامع (۷ ج)، ۲. امامت، ۳. اصول عقائد، ۴. احتیاجات در فقه، ۵. شرح بعضی از خطبه‌های نهج البلاغه.

سرانجام وی در تهران دار فانی را وداع و پیکرش به قم منتقل و در قبرستان باغ بهشت (روبروی گلزار شهدای علی بن جعفر علیه السلام) قم در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

#### ۷۰) محمد اسماعیل عبادی کمره‌ای (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد اسماعیل عبادی کمره‌ای از فضلالی الیگودرز به شمار می‌آمد و از آیت الله مرعشی نجفی موفق به دریافت اجازه شده بود.

#### ۷۱) سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی (شاگرد)

آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی فرزند آیت الله سید علی اصغر سلطان العلماء دوم بروجردی در سال ۱۲۹۴ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را نزد پدر دانشمندش در بروجرد آموخت و در سن ۱۵ سالگی به قم مهاجرت کرد، دروس سطح و خارج را از محضر آیات: سید صدرالدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، شیخ محمد علی حائری قمی، سید احمد خوانساری، میرزا محمد علی شاه‌آبادی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی بهره برد و به مقام اجتهاد رسید. آنگاه به مشهد مقدس رفته و دروس کلام و اعتقادات را از آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، به مدت یک سال درک کرد.

وی در ادامه به نجف اشرف مهاجرت و محضر علمی مراجع عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ محمد حسین غروی کمپانی اصفهانی را درک و به درجات عالی علم و عمل نائل آمد. پس از بازگشت، در قم سکنی گزید و حوزه علمی با برکتی را برای پرورش فضلا به راه انداخت، به نحوی که که بیشتر علما و بزرگان معاصر از پرورش یافتگان مکتب علمی وی هستند.

تألیفات وی عبارت اند از: ۱. رساله‌ای در استصحاب، ۲. الفوائد الفاطمیه (در اصول)،

۱ همان، ج ۵، ص ۲۰۰ - ۲۷۷.

۳. شرح منظومه فقهی علامه تنکابنی، ۴. رساله‌ای در خیرات، ۵. رساله‌ای در ادبیات فارسی، ۶. المطلق و المقید، ۷. مجمع الفوائد.  
وی در ۳۱ خرداد ۱۳۷۶ ش در تهران دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع باشکوه در قم و تهران در حرم امام خمینی بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۷۲) محمد باقر کشفی بروجردی (شاگرد و مجاز به دو اجازه روایت و امور حسبه)

آیت الله سید محمد باقر کشفی ریحانی بروجردی فرزند آیت الله سید محمد کشفی بروجردی، در سال ۱۲۸۱ ق در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و مقداری از سطح را در تهران، نزد پدر دانشمند خود و عموی عالیقدرش آیت الله سید مهدی کشفی بروجردی و آیت الله سید محمد کاظم عصار طهرانی آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرده و دروس سطح و خارج خود را نزد آیات: سید محمد حجت تبریزی، سید محمد تقی خوانساری، شیخ محمد علی قمی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی، تکمیل نمود.

وی در ادامه به نجف اشرف مهاجرت و بزرگانی چون آیات: آقا ضیاءالدین عراقی، سید عبدالله شیرازی، سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خویی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمود شاهرودی و شیخ آقا بزرگ طهرانی، را درک و به درجات عالیله علمی را رسید.

مشایخ اجازه او آیات: سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالهادی شیرازی، آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت تبریزی، شیخ محمد علی قمی، سید محمود شاهرودی، سید محسن حکیم، سید محمد کاظم عصار، سید عبدالله شیرازی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و شیخ آقا بزرگ طهرانی بودند.

وی آنگاه به تهران بازگشت و تا آخر عمر در مسجد «سراج الملك» به تبلیغ، تدریس و اقامه جماعت پرداخت.

تألیفات او عبارت اند از: ۱. تقریرات خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۲.

۱ همان، ج ۱، ص ۲۱۰ - ۲۸۸.



تقریرات خارج فقه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، ۳. تقریرات خارج اصول آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی.

سرانجام وی در ۶ شهریور ۱۳۶۳ ش دارفانی را وداع و در آرامگاه آیت الله فیروزآبادی در تهران در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

### ۷۳) محمد رضا کاظمی موموندی نورآبادی لرستانی کرمانشاهی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ محمد رضا کاظمی موموندی نورآبادی کرمانشاهی لرستانی در سال ۱۲۸۵ ش در سلسله دلفان لرستان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش نزد برادر بزرگش آیت الله شیخ فرج الله کاظمی موموندی آموخت، آنگاه در سال ۱۳۰۶ ش به همراه برادر عازم نجف اشرف شد و تحصیلات سطح را در نزد برادر خود و آیات: شیخ غلام حسین دارابی، شیخ محمد رشتی، شیخ محمود طالقانی و شیخ غلام رضا دارابی شیرازی تکمیل و سپس دروس خارج آیات: سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ احمد کاشف الغطاء را درک و از این دو استاد خود مفتخر به اجازه اجتهاد گردید.

پس از آن به قم مهاجرت کرد و محضر مراجع بزرگ آیات: شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری سید حسین طباطبایی بروجردی، سید صدرالدین صدر و سید شهاب الدین مرعشی نجفی را درک و بهره های فراوانی برد. با بازگشت به زادگاه خود، به مبارزه با پیروان فرقه علی الهی پرداخت و در نهایت در شهر کرمانشاه رحل اقامت افکند و بعد از انقلاب اسلامی در اولین دوره خبرگان رهبری، منتخب مردم آن شهر شد.

سرانجام وی در سال ۱۳۷۵ ش در کرمانشاه دارفانی را وداع و پس از تشییع باشکوه، در همان مسجدی که در آن اقامه نماز می نمود، بخاک سپرده شد.

### ۷۴) سید محمد رضا موسوی خرم آبادی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا موسوی خرم آبادی<sup>۲</sup> معروف به «آقا حاجی»

۱ همان، ج ۱۰، ص ۲۳۷ - ۲۵۷.

۲ مصاحبه نگارنده با برادر زاده ایشان آیت الله شیخ علی آل کاظمی لرستانی و همچنین فرزندان آیت الله شیخ محمد رضا کاظمی لرستانی در کرمانشاه.

فرزند سید حبیب موسوی خرم آبادی در سال ۱۲۹۵ ش در خرم آباد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را نزد پدر آموخت، آنگاه به بروجرد رفته و دروس سطح را از محضر آیت الله شیخ حسن خاتمی کمره‌ای بروجردی آموخته و به دامادی استاد خود مفتخر گشت.

ایشان آنگاه در درس خارج آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی شرکت جست تا به درجات عالیّه نائل آمد. وی پس از مهاجرت قم، در نزد آیات: حاج آقا روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی دروس عالیّه خود را تکمیل کرده و در تاریخ ۱۳۷۲ ق، موفق به اخذ اجازه از آیت الله مرعشی گردید.

آنگاه به تهران مهاجرت کرد و به عنوان سرپرست حوزه علمیه «برهانیه» حضرت عبدالعظیم علیه السلام منصوب و به انجام امور مدیریتی آموزشی پرداخت. وفاتش در سال ۱۳۴۶ ش در تهران روی داد.<sup>۱</sup>

#### ۷۵) سید محمدرضا ثقه الاسلامی قاضی زاده بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا ثقه الاسلامی قاضی زاده طباطبایی بروجردی از فضیله بروجرد و خاندان بزرگ طباطبایی آن دیار به شمار می‌آید و موفق به اخذ اجازه از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی گردیده بود.<sup>۲</sup>

#### ۷۶) سید محمد نقی موسوی شاهرخی خرم آبادی (شاگرد و مجاز)

آیت الله سید محمد نقی شاهرخی خرم آبادی در سال ۱۳۱۳ ش در خرم آباد به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش آموخت، آنگاه به بروجرد رفته و سطح را نزد آیات: میرزا لطف الله فقهی بروجردی و شیخ احمد فیضی بروجردی فرا گرفت. تحصیلات عالیّه را در قم ادامه داد و در دروس بزرگانی چون آیات: شهید محمد صدوقی یزدی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، شیخ محمد فکور یزدی، محمد مجاهدی تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید موسی صدر حاضر شد و به خوشه چینی پرداخت.

۱ علمای گمنام لرستان، ج ۱۱، ص ۵۰ - ۵۵.

۲ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۶۰.



در ادامه دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، سید محمد محقق داماد، حاج آقا روح الله خمینی و حاج آقا حسن فرید اراکی فرا گرفت، تا به درجات عالیّه نائل آمد.

وی از دروس معقول نیز غافل نشده و برخی متون این علم را نیز از محضر آیات: شیخ اسدالله اصفهانی، سید رضا حکمت، سید محمد حسین طباطبایی تبریزی و شیخ عبدالله جوادی آملی آموخت.

از تالیفات اوست: ۱. خاطرات آیت الله سید محمد تقی شاهرخی، ۲. نبذة حول الصلوة الجماعة، تقریر درس آیت الله بروجردی، ۳. نماز جمعه، ۴. پیش به سوی انقلاب، ۵. جبر و اختیار، ۶. تقریرات دروس کفایه و فلسفه آیت الله مرعشی نجفی.

مشایخ اجازه ایشان آیات: شیخ مرتضی حائری یزدی، سید مهدی حسینی روحانی، سید مهدی اخوان مرعشی، سید محمد رضا گلپایگانی، شیخ محمد علی اراکی، سید محسن حکیم، شیخ محمد تقی بهجت و شیخ عبدالحسین صاحب الداری بروجردی بودند. وی شیخ اجازه نگارنده این سطور بوده، و تقریظی بر موسوعه ۲۰ جلدی «علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی» اینجانب نگاشته است.

او از مبارزان و پیروان امام خمینی بود و بعد از انقلاب مسئولیت های فراوانی را پذیرفت، که از جمله آنها نمایندگی امام خمینی و مقام معظم رهبری در کشورهای غرب آسیا به مدت بیست سال بود.

سرانجام وی در ۷ آذر ۱۳۹۵ هـ ش دار فانی را وداع نمود و پس از تشییع در مقبره شهید مفتاح در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

## ۷۷) محمد تقی مصدر الامور جاپلقی الیگودرزی (شاگرد)

آیت الله شیخ محمد تقی مصدر الامور جاپلقی الیگودرزی فرزند آیت الله شیخ محمد جاپلقی در سال ۱۳۴۹ ق در قم به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدر و برادران تکمیل و دروس

۱ اسوه جهاد و منادی وحدت زندگی نامه آیت الله سید محمد تقی شاهرخی، تلخیص از کتاب.

سطح عالی را از محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت. پس از هجرت به نجف اشرف، ادامه سطح عالی را از محضر آیت الله سید عبداللّه شیرازی آموخته و سپس در دروس خارج آیات: سید جمال الدین گلپایگانی، سید ابوالقاسم موسوی خویی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم حاضر و به مدارج عالیّه نائل آمد. پس از بازگشت به قم، سالیانی را نیز از درس آیت الله بروجردی بهره برد. او مجاز به اجازه از آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی بود.

وی در سال ۱۳۳۷ ش به آبادان رفت و سالیان متوالی به تدریس و تبلیغ و خدمات اجتماعی پرداخت و در ایام مبارزات علیه رژیم طاغوت او از مبارزان انقلابی به شمار می آمد. از تألیفات اوست: ۱. القرآن فی کل موضوع، ۲. اشعة الفؤاد فی قانون لاتعداد، ۳. فلسفه متافیزیک، ۴. رساله‌ای در نقد پیش نویس قانون اساسی، ۵. نثر اللنالی.

وی در سال ۱۳۶۰ ش آبادان را ترك و تا آخر عمر شریف در تهران رحل اقامت افکند و به انجام وظایف علمی و دینی پرداخت. در سال ۱۳۷۶ ش در تهران دار فانی را وداع و پس از انتقال به قم در قبرستان شیخان مدفون شد.<sup>۱</sup>

## ۷۸) محمد تقی مطهری بروجردی (شاگرد و مجاز به سه اجازه روایت، اجتهاد و امور حسبه)

آیت الله شیخ محمد تقی مطهری بروجردی فرزند شیخ محمد رضا خادم العلماء مطهری بروجردی در سال ۱۳۰۵ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات، سطح و خارج را در بروجرد در نزد آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، میرزا لطف الله فقهی بروجردی، شیخ احمد فیضی بروجردی، شیخ علی جواهری نجفی بروجردی، شیخ بهاء الدین حجّتی بروجردی، سید طاهر کاظمینی بروجردی، شیخ حسن خاتمی کمره‌ای بروجردی، سید عبدالحسین خاندانی بروجردی، سید اسماعیل گلپایگانی بروجردی، شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی، سید محسن شریعتمداری بروجردی آموخت و به درجات عالیّه علمی دست یافت.

آنگاه به قم مهاجرت نمود و دروس خارج در علوم عقلی و نقلی را از آیات: حاج آقا روح

۱ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۸، ص ۱۳۰ - ۱۴۵.



الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ محمد فاضل لنکرانی، شیخ علی صافی گلپایگانی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، سید رضا بهاء‌الدینی، سید کاظم شریعتمداری تبریزی، شیخ عبدالنبی عراقی، سید رضا صدر، شیخ محمد فکور یزدی، میرزا ابوالفضل زاهد قمی را فرا گرفت و از اکثر این بزرگان اجازه‌های مختلف دریافت نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۹ ش به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به تدریس، تبلیغ و اقامه جماعت پرداخت.

تألیفات ایشان آثاری چون: ۱. اعمال و مناسک حج، ۲. شرح سیوطی، ۳. ترجمه فارسی و تلخیص مطول، ۴. ترجمه فارسی و تلخیص معالم، ۵. تقریرات کتاب صلاة و ارث آیت الله بروجردی، ۶. المجالس. وی سرانجام در اول آذر ۱۳۹۲ ش در بروجرد دار فانی را وداع نمود و پس از تشییع باشکوه در قبرستان جهان آباد در خاک آرامید.<sup>۱</sup>

#### ۷۹) محمد تقی نصیرالاسلامی الیگودرزی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین محمد تقی نصیرالاسلامی الیگودرزی فرزند آیت الله میرزا یحیی نصیرالاسلامی الیگودرزی در سال ۱۳۰۲ ش در روستای «ده نو» در اطراف الیگودرز به دنیا آمد. مقدمات علوم دینی را نزد پدر خود آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرد و از دروس آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد رضا گلپایگانی را به خوشه چینی پرداخت. وی مورد وثوق این بزرگان و دیگر مراجع بود. او در روز اول محرم سال ۱۳۷۴ ش در زادگاه خود دار فانی را وداع نمود و پس از تشییع باشکوه در گلزار شهدای الیگودرز مدفون شد.<sup>۲</sup>

#### ۸۰) سید محمد تقی کشفی بروجردی (مجاز)

آیت الله سید محمد تقی کشفی بروجردی فرزند آیت الله سید حسن کشفی بروجردی در سال ۱۳۰۴ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاه خود نزد آیات: پدر دانشمندش،

۱ تلخیص از کتاب: آیت زهد و توکل، زندگی نامه آیت الله شیخ محمد تقی مطهری بروجردی.  
 ۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۷، ص ۲۳۴ - ۲۵۱.



سید ابوالفضل مجاهدی بروجردی و شیخ احمد فیضی بروجردی آموخت. پس از مهاجرت به قم، دروس سطح را نزد آیات: شهید شیخ محمد صدوقی یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، میرزا محمد مجاهدی تبریزی و شیخ عبدالجواد سدهی اصفهانی تکمیل نمود. در ادامه در دروس خارج آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، حاج آقا روح الله خمینی، سید محمد محقق داماد یزدی، سید محمد حجت تبریزی و سید محمد حسین طباطبایی تبریزی (صاحب المیزان) را درک و به درجات عالیہ علمی نائل آمد.

وی در سال ۱۳۳۴ ش به دستور آیت الله بروجردی، به تهران مهاجرت و به تدریس، تبلیغ و تصدی امور شرعی پرداخت.

مشایخ ایشان آیات: شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ عبدالنبی عراقی، سید ابوالقاسم خویی، حاج آقا روح الله خمینی، سید کاظم شریتمداری تبریزی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید محمد رضا گلپایگانی سید محسن حکیم، میرسید علی یثربی کاشانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، سید محمد شیرازی و سید علی سیستانی بودند.

وی بیش از ۲۵ اثر علمی از خود به یادگار گذاشت که بعضی تألیف و برخی تصحیح و تعلیق و مقدمه بر آثار دیگران می باشد.

سرانجام او در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۹ ش در تهران دار فانی را وداع گفت و پس از تشییع در قبرستان «باغ بهشت» قم بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۸۱) محمد حسین صادقی الیگودرزی (شاگرد و مجاز به اجازه اجتهاد و دو اجازه در امور حسبیه، روایت)

آیت الله شهید محمد حسین صادقی الیگودرزی فرزند حجت الاسلام ملا محمد آقا صادقی الیگودرزی در روستای «مُشکک» در اطراف الیگودرز در سال ۱۳۰۲ ش به دنیا آمد. تعلیمات اولیه حوزوی را نزد پدر خود آموخت و در ۱۸ سالگی راهی حوزه علمیه قم شد و دروس سطح و خارج را نزد آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، شیخ حسن قمی، سید

۱ همان، ج ۸، ص ۲۸۲ - ۳۱۱.



موسی صدر، شیخ محمد علی اراکی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، فرید محسنی اراکی و ابوالفضل زاهدی قمی آموخت و به درجات عالی علمی رسید. مشایخ وی عبارت اند از آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ عبدالنبی عراقی و شیخ علی مشکینی اردبیلی.

از تألیفات اوست: ۱. شرح کفایة الاصول به عربی (۳ ج)، ۲. ترجمه و شرح ارشاد القلوب دیلمی، ۳. تقریرات قسمتی از دروس آیت الله مرعشی نجفی، ۴. کشکول علمی، ۵. حاشیه بر کتاب حج، ۶. حاشیه بر عروۃ الوثقی.

وی که از مبارزان علیه شاه و از طرفداران امام و انقلاب بود، پس از انقلاب مسئولیت های مختلفی بر عهده گرفت و سرانجام در هفتم تیر ۱۳۶۰ ش همراه شهدای حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

#### ۸۲) سید محمد حسین موسوی نژاد ابطحی لرستانی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید محمد حسین موسوی نژاد ابطحی لرستانی فرزند آیت الله سید محمد علی ابطحی رشیدی لرستانی در روستای (رشیدی) در الیگودرز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت، آنگاه به قم مهاجرت کرده و از دروس آیات: سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده کاملی نمود و موفق به اخذ اجازه از آنان گردید.<sup>۲</sup>

#### ۸۳) محمد حسین آل طاهر جابلقی خمینی (شاگرد و مجاز)

آیت الله شیخ محمد حسین آل طاهر گایکانی جابلقی خمینی فرزند آیت الله شیخ احمد آل طاهر در روستای «گایکان» شهرستان الیگودرز به دنیا آمد. مقدمات علوم دینی را در نزد پدر فرا گرفت، سپس در سال ۱۳۶۵ ق به قم مهاجرت نمود و بعد از تکمیل سطوح دروس حوزه، به مدت پنج سال در درس خارج فقه و اصول آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، حاج آقا روح الله خمینی، شیخ عبدالنبی اراکی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین

۱ همان، ج ۷، ص ۲۱۰ - ۲۳۳.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۶، ص ۱۸۷.

مرعشی نجفی حاضر گردید. وی پس از تکمیل تحصیلات و وفات پدر، به خمین بازگشت و به جای پدر به تبلیغ و ارشاد مردم و اقامه نماز در مسجد جامع پرداخت. از آثار وی است: ۱. رساله هدایه، ۲. رساله در توارث الزوجین، ۳. تقریرات بحث آیت الله عبدالنبی اراکی، ۴. فضایل الشیعه، ۵. شرح فارسی سیوطی، ۶. شرح فارسی نماز جمعه، ۷. شرح محمدیه.

راه اندازی ده ها سالن مجالس سخنرانی، حمام و اماکن عمومی و نیز اعزام مبلغین مختلف به خمین و جاپلق و بربرود از فعالیت‌ها و آثار وی است. سرانجام در سال ۱۳۶۵ ش در راه زیارت مشهد مقدس بر اثر سانحه تصادف، همراه با فرزندان خود در گذشت و در کنار قبر پدر در خمین به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

#### ۸۴) محمدحسین مقدس بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین مقدس بروجردی از علمای فاضل مقیم بروجرد بود که در قبرستان اطراف امام زاده جعفر بروجرد مدفون و بر سنگ مزار او این گونه آمده است: (مرقد مطهر عالم ربانی و عارف جلیل القدر حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین مقدس جعفری «حاج فاضل» «رضوان الله تعالی علیه» نجل عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ هادی که در سنه ۱۲۹۴ ش در مهد علم و طهارت قدم به عرصه هستی نهاد و در روز ۸۱/۷/۲۸ غروب کرد)

وی از آیت الله مرعشی نجفی دارای اجازه بود.<sup>۲</sup>

#### ۸۵) سید محمد کاظم آل طیب جزایری خرم آبادی الاصل (شاگرد و مجاز)

آیت الله سید محمد کاظم آل طیب جزایری شوشتری خرم آبادی الاصل فرزند آیت الله سید محمد علی آل طیب در سال ۱۳۳۸ ق در شوشتر زاده شد. مقدمات و مقداری سطح علوم دینی را در زادگاه خود نزد پدر دانشمند و برادرش آیت الله سید محمد تقی آل طیب و عالم جلیل آیت الله سید محمد حسن آل طیب آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرد و از محضر

۱ همان، ج ۶، ص ۳۰۲.

۲ همان، ج ۵، ص ۸۷ - ۹۰.

آیت الله مرعشی نجفی استفاده کامل را نموده و در تاریخ ۵ شعبان ۱۴۰۳ ق از ایشان اجازه دریافت کرد. در ادامه به نجف اشرف رفت و تحصیلات خود را در حد اجتهاد در محضر مراجع بزرگی چون آیات: سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی و شیخ محمد کاظم شیرازی تکمیل کرد.<sup>۱</sup>

### ۸۶) محمد علی حائری خرم آبادی (شاگرد و مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد علی حائری خرم آبادی در سال ۱۳۲۶ ش در خرم آباد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود زیر نظر آیت الله کمالوند خرم آبادی تکمیل نمود، آنگاه برای تکمیل تحصیلات خود به قم و سپس به نجف اشرف مهاجرت و دروس سطوح عالی را تکمیل نمود.

وی در نهایت در قم سکونت کرد و تا آخر عمر به تحقیق و نگارش آثار ارزشمندی پرداخت. او تا آخر خویش در کتابخانه آیت الله مرعشی به کار اشتغال داشت و در تاریخ ذیحجه ۱۴۰۶ ق از ایشان اجازه ای دریافت کرده بود.

از تألیفات اوست: ۱. الصهیونیه، ۲. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (۲ ج)، ۳. تحقیق کتاب «مرآة الکتب» ثقة الاسلام تبریزی (۵ ج)، ۴. فرق و مذاهب اسلامی (۸ ج)، ۵. مجموعه مقالات فارسی، ۶. مجموعه مقالات عربی، ۷. فقه القرآن فی تراث الشیعه.

وی در ۲ مهر ۱۳۸۱ ش دار فانی را وداع و در قبرستان نو در قم بخاک آرמיד.<sup>۲</sup>

### ۸۷) سید محمد علی کاظمینی بروجردی (مجاز به اجازه روایت)

آیت الله سید محمد علی کاظمینی بروجردی فرزند آیت الله سید طاهر کاظمینی بروجردی در سال ۱۳۰۳ ش در بروجرد به دنیا آمد. دروس مقدمات را در بروجرد نزد آیات: سید محمد مکی بروجردی و سید طاهر کاظمینی بروجردی آموخت، آنگاه در سال ۱۳۶۱ ق به نجف اشرف مهاجرت کرده به مدت دو سال از محضر درسی آیت الله سید ابوالحسن

۱ همان، ج ۵، ص ۸۷ - ۹۰.

۲ همان، ج ۲، ص ۲۵ - ۳۰.

اصفهانى استفاده کرد، سپس به علت بيمارى شديد نجف را ترك گفته به قم مهاجرت کرد و ادامه تحصيلات خود را تا مراحل عاليه علمى تحت نظر آيات: سيد حسين طباطبايى بروجردى، سيد محمد حجت تبريزى، شيخ عبدالنبي عراقى، سيد محمد تقى خوانسارى و سيد صدرالدين صدر تکميل نمود.

مشايخ اجازه وى عبادت اند از آيات: شيخ عبدالنبي عراقى، سيد ابوالقاسم خويى، سيد شهاب الدين مرعشى نجفى، سيد محمد تقى خوانسارى، سيد صدرالدين صدر، سيد عبدالهادى شيرازى، سيد محمد هادى ميلانى، سيد محسن حكيم، سيد محمد رضا گلپايگانى، سيد محمد حجت تبريزى.

وى آنگاه در سال ۱۳۳۶ ش به تهران مهاجرت نمود و تا آخر عمر به تبليغ، تدريس و تأليف پرداخت.

از تأليفات اوست: ۱. وبر الارانب، ۲. اعجازشناسى، ۳. تقريرات اصول شيخ عبدالنبي عراقى، ۴. عدل گستر جهان، ۵. دايرة المعارف مشعل داران، ۶. فتاوى اعلام، ۷. بحث مدرسه حكيم نظامى بغداد، ۸. علم رجال، ۹. جواهر الولاية، ۱۰. تفسير سوره حمد، ۱۱. مجموعه دانش، ۱۲. ناصح الطالبين و غيره كه بالغ بر چهل اثر علمى مى باشد. وى در سال ۱۳۸۱ ش دار فانى را وداع كرد و در داخل مسجد نور تهران كه سالهاى مديد محل اقامه نماز او بود، بخاك سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۸۸) سيد محمد على ابطحى لرستانى (مجاز)

آيت الله سيد محمد على ابطحى رشيدى لرستانى فرزند سيد امان الله موسوى ابطحى در سال ۱۲۷۸ ش در روستاى «رشيدى» از توابع اليگودرز به دنيا آمد. تحصيلات مقدماتى را در زادگاهش آموخت، آنگاه به اراك رفته و دروس سطح را در محضر آيات: شيخ محمد امامى اليگودرزى، ضياءالدين عراقى (مدفون در اراك) و سيد مصطفى محسنى اراكى فرا گرفت در ادامه در درس خارج فقه و اصول آيت الله شيخ عبدالكريم حائرى يزدى شركت جست و به درجات عاليه علمى نائل آمد.

۱ مصاحبه نگارنده با آيت الله سيد محمد على كاظمينى بروجردى.



پس از مهاجرت استادش به قم و تاسیس حوزه علمیه مبارکه قم، وی به زادگاهش بازگشت و در روستاها و شهرهای مختلف منطقه به تبلیغ، ارشاد و دیگر وظایف دینی پرداخت. وی از آیت الله مرعشی نجفی دارای اجازه بود.

از تألیفات او کتاب «کشکول ابطحی لرستانی» است که توسط نگارنده تصحیح و مأخذیابی شده و تعلیقاتی بر آن نگاشته شده است که ان شاء الله به همت نوه وی حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد ابطحی لرستانی به چاپ خواهد رسید.<sup>۱</sup>

### ۸۹) میرزا محمد مهدی امیری جاپلقی (شاگرد و مجاز)

آیت الله میرزا مهدی امیری جاپلقی الیگودرزی، فرزند آیت الله میرزا محمد امیری در سال ۱۲۸۸ ش در روستای «ایوند» در اطراف الیگودرز به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاه خود گذراند، سپس به قم مهاجرت نمود و در دروس سطح و خارج بزرگانی چون آیات: سید حسین طباطبایی بروجردی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شرکت کرده و به مراتب عالییه رسید. وی همچنین از استادش آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه ای دریافت نمود.

سرانجام وی در شش دی ماه ۱۳۷۷ ش در ۹۰ سالگی دار فانی را وداع نموده و در قبرستان اطراف امام زاده شاه سید علی قم در خاک آرمید.<sup>۲</sup>

### ۹۰) محمد مهدی روشن الشتری خرم‌آبادی (شاگرد و مجاز به اجازه در امور حسبه و روایت)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد مهدی روشن الشتری خرم‌آبادی فرزند شیخ مهرعلی روشن الشتری در سال ۱۳۲۵ ش در روستای «سراب شیخ علی» از توابع الشتر به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و سطح را در خرم‌آباد نزد آیات: شیخ عباسعلی صادقی قهاره، شیخ فرج الله عباسی خرم‌آبادی، داوودی خرم‌آبادی و شهید سید اسدالله مدنی تبریزی آموخت. آنگاه برای تکمیل تحصیلات سطح و دوروس خارج به قم مهاجرت کرد و دروس بزرگانی

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد ابطحی.

۲ علمای لرستان بعد از آیت الله بروجردی، ج ۱۱، ص ۷۵ - ۹۲.

چون آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید ابوالفضل موسوی تبریزی، شیخ محسن دوزدوزانی تبریزی، شیخ زین العابدین بادکوبه‌ای و شیخ حسین نوری همدانی را درک به درجات عالیّه نائل آمد.

وی از مبارزین بسیار فعال سیاسی علیه رژیم طاغوت بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تاکنون فعالیتهای متعدد و مسئولیتهای مختلف داشته است. از او بیش از بیست جلد کتاب و مقاله در موضوعات مختلف تاریخ، مسائل سیاسی، اجتماعی و خاطرات می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۹۱) محمد مهدی توکلی جاپلقی الیگودرزی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد مهدی توکلی جاپلقی الیگودرزی فرزند شیخ علی توکلی جاپلقی، تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاهش فرا گرفت، آنگاه در قم دروس سطح و خارج را تکمیل کرده و از آیت الله مرعشی نجفی اجازه دریافت نمود. وی در قم سکنی نموده و تا آخر عمر، به امامت جماعت در یکی از مساجد شهر قم پرداخت.<sup>۲</sup>

#### ۹۲) محمد ولی بلند نظر الشتری (مجاز به اجازه امورحسیه و روایت)

آیت الله شیخ محمد ولی بلند نظر الشتری، که از علمای بزرگ و با تقوای شهر الشتر بشمار می‌آید، تحصیلات مقدمات و مقداری از سطح را در بروجرد نزد بزرگان آن دیار از جمله آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی آموخت، آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرده و محضر بسیاری از بزرگان به ویژه آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی را درک و به مدارج بلند علمی دست یافت. وی همچنین موفق به اخذ اجازه از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی گردید. آنگاه به زادگاه خود بازگشته و تاکنون که بیش از نود سال از عمر شریفش می‌گذرد، در زادگاه خود به تعلیم، تربیت، اقامه جماعت و تدریس اشتغال دارد.<sup>۳</sup>

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام شیخ محمد مهدی توکلی روشن الشتری خرم‌آبادی.

۲ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۶۵.

۳ مصاحبه نگارنده با آیت الله شیخ محمد ولی بلند نظر الشتری.



### ۹۳) سید مجتبی مستجاب الدعوه قدغونی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید مجتبی مستجاب الدعوه بروجردی فرزند آیت الله سید مصطفی مستجاب الدعوه بروجردی در سال ۱۲۸۸ ش در بروجرد به دنیا آمد، اجدادش همگی از علمای آن بلاد بودند.

وی تحصیلات مقدماتی و سطح را در زادگاهش خدمت علمای بلاد آیات: پدر دانشمندش، شیخ محمد غروی بروجردی، میرزا لطف الله فقهی بروجردی، شیخ حسن کمره‌ای خاتمی بروجردی، شیخ بهاء‌الدین حجتی بروجردی و شیخ علی جواهری نجفی بروجردی آموخت و در ادامه سالیان متوالی در درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی شرکت کرد.

وی بسیار مورد وثوق آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی بود و از مشایخ اجازه وی می توان از آیات: سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی سید حسین طباطبایی بروجردی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید عبدالهادی مرعشی نجفی و شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی نام برد.

وی تا آخر عمر شریف به تبلیغ، تدریس و اقامه جماعت در بروجرد اشتغال داشت و تسلط بسیار زیادی در تراجم دانشمندان لرستان و به ویژه علمای خاندان خود داشت. او در ۱۶ مرداد ماه سال ۱۳۷۱ ش در بروجرد دار فانی را وداع و در قبرستان جهان‌آباد در خاک آرمید.<sup>۱</sup>

### ۹۴) مجتبی نجفی ونایی بروجردی (مجاز به اجازه امورحسبیه)

حجت الاسلام شیخ مجتبی ونایی بروجردی فرزند آیت الله شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی در سال ۱۳۱۵ ش در نجف اشرف به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاه خود نزد پدر دانشمند و آیت الله شیخ مجتبی لنکرانی آموخت، آنگاه همراه پدر به بروجرد آمد و پس از چندی برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس و قم مهاجرت نمود و دروس سطح خود را نزد بزرگانی همچون آیات: محمد علی مدرس افغانی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا جواد تهرانی

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد مستجاب الدعوه بروجردی.



و شهید سید اسدالله مدنی فرا گرفت و با حضور در دروس خارج فقه آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید حسین طباطبایی بروجردی و سید محمد هادی میلانی، تحصیلات خود را تکمیل کرد.

تألیفات عبارت اند از: ۱. اسوه اخلاق، ۲. بهشت و بهشتیان، ۳. جهنم و جهنمیان، ۴. فرشته روی زمین، ۵. تفسیر سوره جمعه و منافقین، ۶. سخن خدا با مؤمنین، ۷. فضائل و ردائل.<sup>۱</sup>

### ۹۵) محسن کاوند بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محسن کاوند بروجردی در بروجرد به دنیا آمد. تحصیلات مقدمات و سطح را در زادگاه خود آموخت، آنگاه به قم مهاجرت کرد و در کنار تحصیل دروس خارج، به تدریس و اقامه جماعت پرداخت و در ایام تبلیغ به زادگاه خود می‌رفت. او دارای اجازات متعدد و فراوان از بسیاری از مراجع و بزرگان وقت بود. سرانجام وی در سال ۱۳۹۵ ش در قم دار فانی را وداع گفت و در آنجا مدفون شد.<sup>۲</sup>

### ۹۶) ماشاء الله الشتری خرم آبادی (مجاز)

آیت الله شیخ ماشاء الله الشتری کوهدشتی خرم آبادی از علمای بنام استان لرستان و شهر کوهدشت بود که بنا بر درخواست آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی در کوهدشت اقامت گزید و تا آخر عمر خویش به تبلیغ، تدریس و انجام امود دینی پرداخت. وی از آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی دارای اجازه‌ای به تاریخ ۷ صفر ۱۳۸۲ ق بود.<sup>۳</sup>

### ۹۷) ماشاء الله رضائی خرم آبادی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین شیخ ماشاء الله رضائی خرم آبادی از فضلاء حوزه علمیه خرم آباد بود و اجازه‌ای از آیت الله مرعشی نجفی، به تاریخ ۷ صفر ۱۳۷۲ ق دریافت کرده بود.<sup>۴</sup>

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام شیخ مجتبی ونایی بروجردی.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۱۴، ص ۱۲۳ - ۱۴۹.

۳ کتابشناسی توصیفی آیت الله مرعشی نجفی، ص ۲۴۹.

۴ همان، ص ۲۴۹.

### ۹۸) هادی خاتمی کمره‌ای بروجردی (شاگرد و مجاز)

این عالم و خطیب بزرگوار از شاگردان والدش آیت الله شیخ حسن خاتمی کمره‌ای بروجردی و آیات: شیخ محمد تقی مطهری بروجردی، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی بروجردی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید عبدالله شیرازی، در درس سطح و خارج بود. وی اجازه ای از آیت الله مرعشی نجفی، به تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۸۳ ق دریافت کرده بود.

برخی آثار علمی وی عبارت است از: ۱. تاریخ تمدن اسلام و عرب، ۲. شرح نهج البلاغه، ۳. شرح حال پیامبر اکرم (ص) (۳ ج).

وی که در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی نماینده مردم بروجرد بود، سرانجام در سال ۱۴۲۰ ق بر اثر سکته قلبی در بروجرد دارفانی را وداع و در همان شهر بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### ۹۹) سید هاشم (شجاع) حسینی اشترینانی بروجردی (مجاز)

حجت الاسلام و المسلمین سید هاشم (شجاع) حسینی اشترینانی بروجردی فرزند سید عبدالصمد حسینی اشترینانی بروجردی، در سال ۱۳۱۹ ش در اشترینان به دنیا آمد. دروس مقدمات و بخشی از سطح را در بروجرد نزد آیات: شیخ رحمة الله صاحب الزمانی بروجردی، شیخ محمد ابراهیم نجفی ونایی بروجردی، شیخ علی جواهری نجفی بروجردی، شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی آموخت.

آنگاه به قم مهاجرت کرده و ادامه دروس سطح و سپس خارج در معقول و منقول را از محضر آیات عظام: حاج آقا روح الله خمینی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، شیخ یدالله دوزدوزانی تبریزی، شیخ غلام رضا صلواتی اراکی، شیخ علی مشکینی، شیخ حسین علی منتظری، میرزا هاشم آملی، شیخ ناصر مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی تبریزی فراگرفته و به درجات عالی علمی دست یافت.

از تألیفات وی است: ۱. تقریرات خارج فقه امام خمینی، ۲. تقریرات خارج فقه آیت الله شیخ علی محمد نجفی ونایی بروجردی، ۳. رساله‌ای در اخلاق، ۴. ولایت فقیه از دیدگاه

۱. علمای لرستان بعد از آیت الله العظمی بروجردی، ج ۱۳ ص ۳۲ - ۴۱.

علمای شیعه، ۵. ردی بر تصوف، ۶. مقدمه‌ای بر کتاب «المسائل العددیه». وی هم اکنون از ائمه جماعت بروجرد و مدرسین حوزه علمیه «مدرسه نوربخش» آن شهر بشمار می رود.<sup>۱</sup>

### ۱۰۰) یحیی ابوطالبی جاپلقی الیگودرزی (مجاز)

آیت الله شیخ یحیی ابوطالبی جاپلقی اراکی فرزند شیخ محمد صالح جاپلقی الیگودرزی و نوه آیت الله ملا ابوطالب جاپلقی کزازی، در یکی از روستاهای جاپلق به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود نزد پدر آموخت، آنگاه عازم قم شد و از محضر علمی آیت الله سید محمد حجت کوهکمری تبریزی بهره های فراوانی برد. وی سپس به نجف اشرف مهاجرت کرده و در حوزه درسی آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی حاضر شد و به خوشه چینی علوم پرداخت.

او در تاریخ ۲۰ جمادی الثانی سال ۱۳۸۰ ق از آیت الله مرعشی نجفی اجازه ای دریافت کرد.

از تألیفات وی می توان از مقدمه‌ای بر کتاب «افاضة القدير» تألیف استادش آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی، نام برد.<sup>۲</sup>

### منابع

آیت زهد و توکل، زندگی نامه آیت الله شیخ محمدتقی مطهری بروجردی، نجس سلیمانی بروجردی، انتشارات انصاریان، چاپ اول، سال ۱۳۹۶ ش، قم.  
اقبال جاویدان، سید ابراهیم سجادی بروجردی، کاشان.  
اسوه جهاد و منادی وحدت، زندگی نامه آیت الله سید محمد نقی شاهرخی خرم آبادی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، انتشارات اندیشه و فرهنگ جاویدان، چاپ اول، سال ۱۳۹۵ ش، قم.

۱ مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام سید هاشم حسینی اشترینانی.

۲ علمای گمنام لرستان، ج ۵، ص ۶۰ - ۶۵.



امیرالمؤمنین لیلۃ القدر است، میرزا علی سلیمانی بروجردی، انتشارات دارالتفسیر، چاپ  
اول، سال ۱۳۹۱ ش، قم.

اختران فضیلت، ناصرالدین انصاری قمی، جلد اول، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، سال  
۱۳۸۸ ش، قم.

بر آستان خوبان، سید مهدی موسوی درودی، انتشارات منشور وحی، چاپ اول، سال  
۱۳۸۹ ش، قم.

کتابشناسی توصیفی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی،  
انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، سال ۱۳۸۲ ش، چاپ اول، قم.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، جلد پنجم، چاپخانه پیروز، سال ۱۳۵۳ ش،  
چاپ اول، قم.

گوهر معرفت، زندگی نامه آیت الله شیخ غلام رضا مولانا بروجردی، فاطمه سلیمانی  
بروجردی، انتشارات خودنشر، چاپ اول، سال ۱۳۹۶ ش، قم.

علمای لرستان در شهرهای ایران، میرزا علی سلیمانی بروجردی، دوره بیست جلدی،  
خطی.

علمای گمنام لرستان، میرزا علی سلیمانی بروجردی، دوره بیست جلدی، خطی.

علمای لرستان بعد از آیت الله العظمی بروجردی، میرزا علی سلیمانی بروجردی، دوره  
بیست جلدی، خطی.

علمای در روشنائی تاریخ، محمد سیف زاده، انتشارات سیفا، سال ۱۳۹۲ ش، چاپ اول،  
خرم آباد.

مصاحبه یا حجت الاسلام و المسلمین سید محمد جواد مستجابی بروجردی

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد مهدی روشن الشتری،

مصاحبه با آیت الله سید محمد علی اعرجی کاظمینی بروجردی.

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین شیخ مجتبی نجفی ونایی بروجردی.

مصاحبه با آیت الله دکتر شیخ احمد احمدی ملایری.

- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید عنایت الله علوی خوانساری الیگودرزی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید هاشم حسینی اشترینانی بروجردی.
- مصاحبه با دکتر سید محمدباقر احمدی طباطبایی بروجردی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن موسوی نژاد ابطحی لرستانی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید شکرالله طاهری خرم آبادی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین شیخ شکرالله حسینی بروجردی.
- مصاحبه با آیت الله سید فاضل میرنظامی موسوی درودی.
- مصاحبه با آیت الله شیخ علی آل کاظمی نورآبادی لرستانی.
- مصاحبه با آقای نظری خواهر زاده آیت الله شیخ علی بابایی پل دختری خرم آبادی.
- مصاحبه با فرزند حجت الاسلام و المسلمین سید غلام رضا موسوی اشترینانی.
- مصاحبه با سید محمد حسین امامی الیگودرزی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید حسن نجفی هرسینی کرمانشاهی.
- مصاحبه با آیت الله شیخ محمد روزبهانی گلزردی بروجردی.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا محمودیان بیان الواعظین بروجردی.
- مصاحبه با آیت الله شیخ محمدولی بلندنظر الشتری.
- مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حجتی هرسینی کرمانشاهی.





## سنجه کتاب \* (بخش هشتم)

علی اکبر صفری \*\*

### چکیده

نگارنده در این مجموعه یادداشتها، نکته ها و نو یافته های پژوهشی را در چند موضوع آورده است: مؤلف تحفة الاحادیث که یوسف بن محمد شالی قزوینی در قرن سیزدهم است نه یوسف بن محمد جزایری در قرن دوازدهم؛ فهرست تألیفات شیخ فرج الله اصفهانی و شناساندن نسخه های خطی آنها که در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است؛ معرفی مؤلف مناهج الشریعة یعنی شیخ محمد علی مازندرانی؛ فهرست خودنوشت سید محمد بن حسن حسینی خراسانی عالم قرن سیزدهم؛ زندگی نامه خودنوشت میرزا علی جان عشق پور کاشانی شاعر و ادیب کاشانی مقیم مشهد؛ زندگی نامه خودنوشت شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی عالم پر تألیف مشهدی و معرفی تذکره باقریه او که زندگی نامه خودنوشت او از همین کتاب نقل شده و ضمن آن، شرح حال اساتید خود را آورده است.

### کلیدواژه ها

تحفة الاحادیث (کتاب)؛ اصفهانی، فرج الله - کتابشناسی؛ نسخه های خطی - آثار فرج الله اصفهانی؛ مناهج الشریعة (کتاب)؛ حسینی خراسانی، سید محمد بن حسن - فهرست خودنوشت؛ عشق پور کاشانی، میرزا علی جان - زندگی نامه خودنوشت؛ کاشان - شاعران؛ ساعدی خراسانی، محمد باقر - زندگی نامه؛ تذکره باقریه (کتاب)

\* «سنجه کتاب» عنوان سلسله مقالاتی است که مشتمل بر نو یافته های پراکنده ای در شناخت آثار مکتوب، نسخه های خطی و آگاهی از زندگی نامه نویسندگان است.  
\*\* پژوهشگر حوزی در زمینه کتابشناسی و تراجم نگاری.

## سنجه ۷۴) مولف تحفة الأحادیث

کتابی حدیثی با نام تحفة نخبة الأحادیث در بردارنده چهل حدیث در سال ۱۴۳۵ ق در قم منتشر شده است.<sup>۱</sup> این مجموعه حدیثی برگرفته از الکافی، خصال، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، الامالی شیخ طوسی، تفسیر عیاشی، نهج البلاغه، مجمع البیان و تفسیر قمی است. محقق کتاب، مؤلف آن را قاضی یوسف بن محمد جزائری (متوفی ۱۰۷۰ ق) معرفی کرده است. از جزائری مذکور، در ریاض العلماء با عنوان: «یوسف بن محمد بنا جزائری» یاد شده که استاد ادبیات عرب سید نعمت الله جزائری بوده و شغل قضا داشته و در سال ۱۰۷۰ ق درگذشته است:

«الشیخ یوسف بن محمد البناء الجزائری کان من علماء أوائل عصرنا، قال السید نعمة الله التستری فی تعلیقاته علی أمل الآمل: یوسف بن محمد الشهیر بالبناء الجزائری، عالم فاضل فقیه اصولی منطقی، له تصانیف فی علم أصول الفقه، قرأ العلم فی شیراز ورجع الی موطنه الجزائر و ولی القضاء بها و قرأت علیه فی علوم العربیة، و درج الی رحمة الله عشر السبعین بعد الالف، انتهى».<sup>۲</sup> با مراجعه به نسخه منحصر این اثر که به شماره ۱۱۶۸ در مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری می شود.<sup>۳</sup> روشن می شود کتاب یاد شده که مجموعه ای حدیثی، ادبی و عرفانی است، اثر شیخ یوسف بن محمد شالی قزوینی مشهور به قاضی (زنده در ۱۲۶۲ ق) است. روزگار او با استاد سید نعمت الله جزائری نزدیک به دوست سال اختلاف دارد. وی پس از تدوین این تحفة الاحادیث به ترجمه آن نیز دست یازیده است. آن گونه که خود در انجامه نگاشته:

«قد تمّ تألیف الأربعین المسمی بتحفة نخبة<sup>۴</sup> الأحادیث بید مؤلفه الفقیر الحقیر المذنب العاصی یوسف بن محمد المشتهر بالقاضی عفی الله عن جرائمها و جرائم أمه فی لیلة الأحد اثنان و خمسين و مأتین بعد الألف من الهجرة النبویة...»

ترجمه این کتاب که پس از متن تحریر شده با این عبارات آغاز میشود:

«حمد و ستایش مرآفیدگاری را سزاست که اجناس مخلوقات را به انواع نعمتهای متواتره

۱ چاپ: ۱۴۳۵ق، ۱۲۲ ص، وزیری، تحقیق نبیل رضا علوان.

۲ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی تبریزی اصفهانی، ج ۵؛ ص ۳۹۹.

۳ فهرست نسخ خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، ج ۳، ص ۴۱۶.

۴ کلمه نخبه را در حاشیه قلم زده است.



انعام فرموده و شکر و سپاس مر خداوندی را بجاست ... بعد از اظهار عجز از حمد و ثنای خداوند رحیم و تبارک و تعالی، بنده روسیاه و احقرناس و گنه کار درگاه خداوند بی قیاس، یوسف بن محمد غفرالله لهما و سایر الناس به عرض برادران دینی میرساند... لهنذا جمع کردم احادیثی را که عدد انواع و ابوابش چهل است از کتب معتبره و معتمده تا واصل شود حفظ کننده آنها به سعادت ابدیه و خلاص شود عمل کننده به آنها از شقاوة سرمدیه. باب اول در کیفیت ...»

افزون بر ترقیمه این کتاب (سال ۱۲۵۲ ق)، ترقیمه های دیگر این مجموعه، گواه آن است که وی تا سال ۱۲۶۲ ق نیز در قید حیات بوده است (ترقیمه برگ ۱۱۷ ر) و نمونه اشعار خود را در این مجموعه آورده و به خواستگاه خود نیز اشاره کرده است:

علاج درد بی درمان من کن      توعفوی بر گنهکاران عطا کن

تمام شد در قریه شال من قری قزوین شهر شعبان ۱۲۵۲» (برگ ۷۵ ر)

استاد اشکوری با استناد به برخی از این اشعار او که در این مجموعه آمده، نام او را در جرگه شاعران در کتاب تذکره شاعران فارسی سرا، ص ۲۴۱ آورده است.

### سنجه ۷۵) فهرست تألیفات مخطوط شیخ فرج الله اصفهانی

عالم واعظ شیخ فرج الله شمسیان اصفهانی، از علمای اصفهانی شهر کربلا بوده که در حوزه کربلا به تحصیل پرداخته است. پس از اخراج ایرانیان از عراق به تهران آمد و در این شهر به ارشاد و اقامه نماز اشتغال یافت. وی در ۱۳۸۰ ق از استادش شیخ یوسف خراسانی حائری اجازه امور حسبیه دریافت نموده و همچنین در همان سال از مرجع عالی قدر سید عبدالهادی شیرازی اجازه امور حسبیه اخذ نموده و در ذیل آن گواهی تایید حضرات آیات خویی و سید محمود حسینی شاهرودی و سید محسن حکیم به سال ۱۳۸۳ ق ثبت شده است. وی در بیست و هفتم شهریور ۱۳۷۲ ش در تهران درگذشت، پیکرش به قم انتقال داده شد و پس از اقامه نماز توسط آیت الله سید محمد شیرازی در آرامستان وادی السلام به خاک سپرده شد. وی دو فهرست برای آثار خود نگاشته است. فهرست زیر را در برگه ای جداگانه، پیوست کتاب چاپی آنچه مؤمن باید بداند [تصویر آن در ادامه خواهد آمد] به قلم خود نوشته است.



«فهرست کتب نافعه مؤلف: ۱. راهنمای رستگاری در علم اخلاق ۲. آنچه مؤمن باید بداند ۳. الصراط السوي في إثبات الوصية و الوصي ۴. راه راست یا میزان صحیح در تعیین فرقه حقه ۵. الكوكب المضيء في المحسن و المسيء ۶. المقتطفات عن مختلف المؤلفات ۷. الأمة الإسلامية در تعیین فرقه حقه ۸. الدرّة البيضاء في الذكر و الدعاء ۹. موجودات ناپیدا غیر از جهان ما ۱۰. ابوطالب علیه السلام مؤمن قریش ۱۱. مطلع الأنوار در کلمات قصار النبي و الأئمة الأطهار ۱۲. نخبه در سند دعای ندبه ۱۳. سروش بگوش باده نوش»

وی در فهرست دیگری نیز به قلم خود، در پایان نسخه خطی مطلع الأنوار در کلمات قصار النبي و الأئمة الأطهار آثار خود را چنین برشمرده است:

«۱. المقتطفات عن مختلف المؤلفات به طریق کشکول ۲. الأمة الإسلامية در بحث از فرق مسلمین ۳. راهنمای رستگاری در علم اخلاق ۴. دلایل اصول دین و مذهب ۵. آنچه مؤمن باید بداند ۶. الدرّة البيضاء في الذكر و الدعاء ۷. راه راست یا میزان صحیح در تعیین فرقه حقه ۸. الصراط السوي في إثبات الوصية و الوصي ۹. الدرّة المنيرة في المعاصي الكبيرة و الصغيرة ۱۰. موجودات ناپیدا غیر از جهان ما ۱۱. سروش بگوش باده نوش ۱۲. ابوطالب (ع) حجّت قریش ۱۳. نخبه در سند دعای ندبه ۱۴. درجات الصائمين مراتب روزه داران ۱۵. الكوكب المضيء في المحسن و المسيء»

مجموعه کامل مخطوطات این عالم پارسا در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می شود، که نسخه شناسی آن بدین شرح است:

۱) الصراط السوي في إثبات الوصية و الوصي (عربی - حدیث)

این کتاب شامل صد حدیث از پیامبر اکرم (ص) درباره وصی و وصایت و خلافت امیرالمؤمنین (ع) و اولاد طاهرینش از منابع معتبر مذاهب مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی است. نویسنده در آغاز پرسش های متعدد درباره جانشینی پیامبر اکرم (ص) بر پایه منابع اهل سنت را از انگیزه خود در تالیف این کتاب برشمرده است. این اثر دارای مقدمه، فهرست و فصل پایانی شامل تلخیص احادیث است. این کتاب در ۱۳۲ صفحه وزیری به عربی نوشته شده است.

## ۲) الصوم

نویسنده مباحث فقهی روزه را در بیست و هشت فصل با عناوین «یوم...» طرح کرده و هر بحث را در یک روز شرح داده است. نگارش کتاب صوم در ۴۷ صفحه جیبی به عربی سامان یافته است.

## ۳) صراط المستقیم

این اثر در موضوع اصول دین و مبحث نماز یکی از فروع دین و احکام و افعال و مبطلات و مسائل ویژه آن است. این کتاب به عربی است و در دفتر ۴۰ برگی در قطع وزیری قلمی شده است.

## ۴) نافله شب

نویسنده مطالب ویژه نماز شب را از کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهایی برگرفته و به فارسی روان و همه فهم ترجمه کرده است. این کتاب به زبان عربی و در ۳۰ برگ جیبی است.

## ۵) مطلع الأنوار در کلمات قصار النبي و الأئمة الأطهار

در این مجموعه، چنان که در مقدمه گفته شد، از هر معصوم بیست حدیث شامل متن معرّب و ترجمه انتخاب شده است. منابع احادیث، کتابهای تحف العقول و کمال الدین و تمام النعمة است. تاریخ تحریر این اثر سوم محرم ۱۳۹۷ ق است و در ۴۵ برگ وزیری کتابت شده است.

نویسنده در پایان این رساله فهرست آثار خود را ثبت کرده است.

## ۶) علم صرف، کتاب اول عربی

این جزوه به زبان فارسی در ده صفحه، در قطع وزیری نوشته شده است.

## ۷) الإصابة في السجود النبيّ و الصحابة

در این اثر با استناد به منابع حدیثی اهل سنت، به بحث سجده و محل آن پرداخته است.

کتاب الإصابة به عربی و در ۲۱ برگ به قطع وزیری سمت تحریر یافته است.

## ۸) خيرة القرعة عن الرضا عليه السلام

مباحثی در باره قرعه به نقل از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام، رسم و شرح دایره



صغیره و کبیره و دلالت هریک از قرعه ها به موضوعی در این کتاب آمده است. این کتاب در ۴۰ برگ وزیری بوده و برخی اوراق دارای مهر بیضوی مؤلف با نقش «فرج الله بن اسماعیل» است.

#### ۹) درجات الصائمین مراتب روزه داران

جزوه مختصری است در باره روزه و تعریف آن و اقسام و مبطلات که در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۲۷ تحریر آن پایان یافته است. این کتاب در ۱۰ برگ جیبی است.

#### ۱۰) الكوكب المضيء في المحسن والمسيء

شرح بیش از هشتاد عنوان محاسن اخلاقی و صفت متضاد آن مانند عقل و جهل، خیر و شر و ... است. نویسنده در این کتاب به بیش از سی منبع حدیثی استناد نموده و ویژگیهای اخلاقی را از نگاه معصومین علیهم السلام و دانشمندان علم اخلاق تبیین نموده است.

نویسنده در آغاز عنوان «منهج الرشاد في الفضائل والأضداد» را بر این کتاب برگزیده و سپس به نام یاد شده تغییر داده است. این اثر در ۲۶۶ برگ وزیری صورت انسجام یافته است.

#### ۱۱) موجودات ناپیدا غیر از جهان ما

فصول این اثر چنین است: تعداد زمین ها و مسکونیت آن، تعداد سیارات و ستاره ها، تعداد عوالم و نظامات شمسی، عرش و کرسی و ...

صفحات این کتاب ۲۰ برگ و در قطع جیبی است.

#### ۱۲) آنچه اهل ایمان باید بدانند (= آنچه مؤمن باید بداند)

در مقدمه این کتاب آمده است:

«... این مختصر مجموعه ایست وافی و دستورالعملی کافی محتوی فهرست جمیع

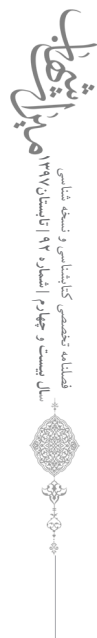
لوازم مسلمانی، راهنمای حقیقت ایمانی، مبتدی را تبصره و منتهی را تذکره ...»

اصول دین و عقائد و اخلاق فاضله و صفات حسنه و گناهان صغیره و کبیره از مباحث این

کتاب است که در ۴۷ صفحه در قطع جیبی نوشته است.

این کتاب با نام آنچه مؤمن باید بداند، در سال ۱۳۶۳ ش در تهران به وسیله نشر میقات

در ۷۰ صفحه چاپ شده است.



### ۱۳) دلایل اصول دین و مذهب

تحقیقی گزیده در مستندات اصول دین با نگاه بر متون قرآنی و روایات. گسترده ترین مبحث این کتاب امامت است که در آن ده آیه و ده حدیث متواتر تبیین شده است. این کتاب در سال ۱۳۹۷ ق در تهران تالیف شده و شمار اوراق آن ۶۰ برگ است. نویسنده در پایان این کتاب از اثر دیگر خود آنچه یک مؤمن باید بداند نام برده است.

### ۱۴) زینبیت

پژوهشی کوتاه در تبیین محل دفن حضرت زینب (س) در شام و مصر و مدینه است. نویسنده بر آن است مزار مطهر حضرت در مصر است و بر اثبات این گفته از سی کتاب دست اول بهره برده است. این جزوه در شهر کربلا در ۳۰ برگ به انجام رسیده است.

۱۵) چهل حدیث در فضیلت امام الجنّ و الإنس ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع)  
ترجمه چهل حدیث در فضیلت امام رضا علیه السلام که از کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی نقل شده است. این کتاب در ۱۴۰۸ ق برابر ۱۳۶۶ ش در تهران نوشته شده است.  
کتاب چهل حدیث در سال ۱۳۶۷ ش به همت حاج محمد علیان نژاد با شمارگان سه هزار نسخه در انتشارات اسلامیه در ۲۴ صفحه در قطع جیبی چاپ شده و به رایگان توزیع گردیده است.

### ۱۶) خودتان و اولادتان را با شرعیات بیمه کنید

مجموعه ای از تکالیف و وظایف شرعی شامل اعتقادات و عبادات و اخلاقیات و محرّمات است. خاتمه این اثر حاوی نصایح مولف برای برداران ایمانی است. تاریخ تحریر این کتاب نیمه ربیع الثانی ۱۴۰۰ ق است. نویسنده این جزوه در ۱۳ برگ نگاشته است.

### ۱۷) الدرّة البيضاء في الذكر و الدعاء

این مجموعه دعا شامل مقدمه و چهل فصل و یک خاتمه است، مقدمه در تعقیبات مشترکه نمازهای واجب و فصول حاوی زیارات و دعاهای گوناگون و خاتمه در شرایط استجاب دعاست.

در ترقیمه این اثر آمده است: «... ألفته سنة ۱۳۹۲ ابتلاء الشيعة في العراق فألهمت بالخروج



إلى إيران...». این اثر در قطع جیبی و ۱۷۰ برگ است.

#### (۱۸) المقتطفات عن مختلف المؤلفات

نویسنده ذیل عنوان این کتاب نوشته است: «... الدرر الثمينة التي جمعها بطريق الكشكول والزهور الملوّنة التي إقتطفها من حدائق المعقول والمنقول...».

این اثر کشکولی یک مقدمه شامل اعتقادات مؤلف و پانصد موضوع با عنوان «مقتطف» و یک خاتمه در فهرست عناوین حسنات و سیئات سامان یافته است.

این نسخه به قطع وزیری در ۴۵۳ صفحه نگاشته شده است.

#### (۱۹) اصول دین

ساختار این جزوه عبارت است از: اثبات صانع، توحید، صفات ثبوتیه و سلویه، عدل، نبوت، امامت. مؤلف ذیل هر یک از موضوع ها دلایل عقلی هر اصل را تبیین کرده است. این اثر در ۲۳ برگ رقعی قلمی شده است.

#### (۲۰) حضرت امام حسن مجتبی (ع)

کتابی است مختصر که در آن به زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و ولادت، زندگانی و عبادت حضرت اشاره شده است. این جزوه در بیست و پنج برگ است.

#### (۲۱) شهر شعبان المعظم

نمازها و روزه های سفارش شده در این ماه به نقل از کتاب اقبال الاعمال سید بن طاووس با ترجمه متون به زبان ساده و روان در این کتاب آمده است. این اثر در ۳۰ صفحه نوشته شده است.

#### (۲۲) کتاب اول عربی در علم صرف

جزوه ای است مختصر در انواع اسم و فعل و حرف و مشتقات و اسماء و افعال و شرح صیغ افعال اسماء که در ۳۲ صفحه وزیری نوشته شده است.

#### (۲۳) الدرّة المنيرة في المعاصي الكبيرة الصغيرة

در این کتاب بیست و هشت گناه از گناهان با استناد به قرآن و روایات شرح داده شده است. این اثر در ۴۰ برگ نوشته شده است.

(۳۳) امامت

امام کیست؟ شأن امام چیست؟ معرفی امامان معصوم از مباحث این کتاب است. این اثر در ۲۸ برگ است.

(۳۴) نقدی بر پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی

جزوه ای است مختصر در سه بند در تایید دین رسمی اسلام و مذهب تشیع و اعتبار فقه شیعه در قانون اساسی که در ۲۷ رجب ۱۳۹۹ ق در چهار برگ رحلی تحریر شده است.

### سنجه (۷۶) معرّفی مناهج الشریعه و شرح آن

یکی از علمای گمنام مازندران در قرن سیزدهم هجری شیخ محمد علی است که به مثابه «آن آثارنا تدلّ علينا» با نظاره به تنها اثر یادگار مانده او شرح مناهج الشریعه می توان به شخصیت علمی و مقام فقهی او پی برد. وی پس از تالیف مناهج الشریعه فی فقه الشیعه همین کتابش را شرح کرده است.

آغاز کتاب چنین است:

«الحمد لله الذي هدانا لمسالك الإستبصار ومدارك البيان... اما بعد حمد الله المتمجد بالعظمة والجلال... فيقول المستهدي للطريقة المستقيمة والمستنصر للشریعة القویمة محمد المدعو بعلي المازندراني... كثيرا ما كان يخالج بالي أن أصنّف كتابا مختصرا يحتوى على جّل مسائل السانحة وينطوي على الأحكام الواجبة... فشرعت في ترتيبه وتدوينه وجمعه وسمّيته بمناهج الشریعة في فقه الشیعة فلما فرغت من مهمّاته وأتممت مجلّد من عباداته سنح لي أن أشرحه شرحا يذلل صعابه ويكشف عن نقابه ويشتمل على ذكر الأقوال ووسط الإستدلال على وفق ما بلغني من الرسول والآل عليهم صلوات الله الملك المتعال.. ورتبته على اربعة مناهج وسمّيته بصائر الشیعة في مناهج الشریعه المنهج الأوّل في العبادات وهي مبنیة على ستّة كتب ونبداً في الترتيب بالأهمّ فالأهمّ...»

این نسخه به خط مؤلف و شامل شرح کتابهای طهارت و صلوات است و انجام افتادگی دارد. حواشی و تصحیحات و افزوده های مؤلف به عناوین «منه» و «محمد علی» مشخص شده است. در اول نسخه وقف نامه ای حاکی از وقف نسخه از طرف حاجیه خانم فاطمه موجود است که ثواب آن را به روح مجتهد الزمانی حاجی محمد علی مفوض داشته و تولیت



آن را به حاجی ملامحمد و بعد او به مجتهد جامع شرایط واگذار نموده است. سجع مهر واقف چنین است: «بود نور چشم علی فاطمه».

### سنجه ۷۷) فهرست خود نوشت سید محمد بن حسن حسینی خراسانی

یگانه منبع شناخت آثار این عالم فقیه همین فهرست خودنوشت است. پیشتر جناب استاد سید احمد حسینی اشکوری در تراجم الرجال<sup>۱</sup> از مطالب آن بهره برده است. این عالم فقیه زندگی نامه خود را در پایان کتاب الوجیز نگاشته است. کتاب الوجیز کتابی است در چهار فصل که در آن چهارده علم اشتقاق، تصریف، خط، نحو، اعراب، قرائت، منطق، عروض، قافیه، معانی، بیان و بدیع را شرح داده است. نسخه اصل این کتاب در مدرسه نمازی خوی موجود است و تصویری از آن در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۴۸۶<sup>۲</sup> نگهداری می شود. وی این فهرست را در پایان نسخه خطی کتابش الوجیزه موجود در مدرسه نمازی خوی به شماره ۴۷۸<sup>۳</sup>، نگاشته است.<sup>۴</sup>

انجامه این نسخه بدین شرح است:

«...قد تمّت وکملت فی بلدة کرمان حماه الله عن الآفات والحدثان فی الیوم الرابع من العشر الاول من الشهر الثاني عشر من السنة الثانية من العشر من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة المقدسة النبویة علی هاجرهما وآله الف آلاف سلام والتحية، بید مؤلفها الفقیر الی الله الغنی محمد بن الحسن الحسینی الخراسانی حشر الله وابویه وذریته مع اجداد الطاهرين وجمع الله بینهم یوم الدین ومحی اسمائهم بشفاعه اجداده عن لوح المذنبین آمین آمین ربّ العالمین وصلى الله علی محمد وآله الطاهرين والحمد لله ربّ العالمین».

وی از ملا نجف (استاد خود) از علمای خراسان نام می برد و از رساله او در عروض که آن را تلخیص نموده، یاد می کند.

۱ تراجم الرجال، سید احمد حسینی اشکوری، نشر دلیل ما، ۱۴۲۲، ج ۲ ص ۳۸۴-۳۸۵

۲ فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید جعفر اشکوری، ج ۲، ص ۸۶-۸۷

۳ فهرست نسخه های خطی مدرسه نمازی خوی، علی صدرایی خویی، ص ۲۴۷

۴ تصویر این نسخه در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۸۹۶ نگهداری می شود و در فهرست نسخه

های عکسی کتابخانه مذکور، ج ۵، ص ۳۳۶-۳۳۷ معرفی شده است



والله الذين هم خير سادة على الله عليهم جميعين على الله عليهم جميعين والحمد لله  
 رب العالمين وقد تمت رحلتك في بلدك كرم الله وجهه عن الافاق والحدان في اليوم  
 الرابع من العشرة من الشهر الثاني عشر من السنة الثانية من الهجرة العاشرة من المائة الثالثة  
 من الالف الثاني من الهجرة المقدسة النبوية على هاجرها والله الف الان سلام التحية بيد  
 مؤلفها الفقير الى الله الحق محمد بن الحسن الحجة الخراساني حرس الله و ابويه وذريته  
 مع اجداد الطاهرين و جميع النبيين يوم الدين ومحلي اسماءهم بسفاعة اجداده  
 عز لوح المنزبين امين رب العالمين وصلى الله على محمد واله الطاهرين

مرتب العالمين

۱۳۰۹

بالحمد لله من كتب هذه الرسالة الوجيزة ومنظما الى هذه الحزينة الغريرة احقر الهوى وادل  
 وحقه عن علي بن ابي طالب بن السيد محمد بن السيد علي بن ابي عبد الله بن السيد محمد بن  
 الحجة الخراساني الفاضل اصلا الهروي والدا السيد مولانا او مسكنا ولد في مشهد الرضا عليه  
 وعلى ابائه وابنائهم الاف التحية والشانق الالفية الحاربة عشرة من شهر رجب الحرام من السنة  
 والحسين بعد الالف والمائة من الهجرة النبوية على هاجرها والله السلام والتحية والحمد  
 من حجوات الوجودات وهو الثامن والعشرون من شهر ربيع الثاني من السنة التاسعة  
 بعد الالف والمائة من هذه الرسالة الوجيزة وكتابات الكفاية في شرح النباهة فارسي كتاب  
 الاحقان في الاستشفاء وشرح على انموذج الخشنة وشرح ان كبر وشرح على خبنة  
 شرح نظام وخران على خبنة شرح المضرب ولب المضرب وهو تلخيص المضرب

صفحه آخر «الوجيزة».

از سيد محمد بن سن بن علي نقی حسين خراسانی

(۱۲۵۷-۱۳۲۲ ق)

سید محمد بن سن بن علی نقی حسین خراسانی

تولد: ۱۲۵۷ هجری قمری / خراسان / ۱۹۳۰ میلادی / ۱۳۰۹ قمری / ۱۹۳۰ میلادی / ۱۳۰۹ قمری



آن گونه که خود نوشته در شب یازدهم رجب ۱۲۵۷ ق در مشهد به دنیا آمده و به نوشته علامه تهرانی به نقل از فرزندش در ۱۳۲۲ ق درگذشته است. تاریخ تحریر این فهرست بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۲۹۹ - چهل و دو سالگی مؤلف - است. وی در مشهد مقدس به تدریس علوم دینی عمر می گذرانده و امام جماعت مسجد گوهرشاد بوده است. علامه تهرانی در معرفی او چنین نوشته است:

«السید محمد المحقق الهندي .. ۱۳۲۲.. هو السید محمد ابن السید العالم السید حسن الهندي؛ عالم فاضل جلیل. كان ساكنا في المشهد الرضوي والإمام في «مسجد گوهرشاد» بعد أبيه إلى أن توفي سنة ۱۳۲۲ ق، وخلف مقامه ولده العالم الفاضل المتكلم الواعظ: السید يحيى المولود سنة ۱۲۹۶ ق دامت بركاته، ذكر لي في سفر زيارته سنة ۱۳۴۱ ق أن لوالده يعني صاحب الترجمة تصانيف، منها: الإحقاق في الاشتقاق (ذ ۱: ۲۹۰ رقم ۱۵۱۸).

وقال الحاج السید حسن الكاشاني المشهدي في إجازته للسید يحيى المذكور يعني ابن صاحب الترجمة: «إنه نجل علامة دهره الحاج السید محمد المعروف بالمحقق الهندي». أقول: ولعل له: نهاية الإيجاز (ذ ۲۴: ۳۹۶ رقم ۲۱۱۸) في النحو الذي طبعه تلميذه الشيخ علي بن محمد حسن بن علي نقی الجنازدي في سنة ۱۳۰۰ ق، وطبع له: البحر الصافي (ذ ۳: ۴۱ رقم ۸۶) في شرح النظم الوافي (ذ ۲۴: ۲۳۱ رقم ۱۱۸۹) والنظم له أيضا، وفي هامشه شواهد العروض (ذ ۱۴: ۲۴۳ رقم ۲۳۸۶)؛ ودبستان الشعراء في العروض والقافية وقرض الشعر، وإمضاء الوافية في القافية؛ طبع الجميع ضمن مجموعة في سنة ۱۳۱۷ ق، وله يومئذ ستون سنة بعد تصانيفه؛ التأم منها أربعون، والناقص عشرون<sup>۱</sup> با آگاهی این زندگی تردیدی نیست این آثار همه به قلم او است.

فائدة:

مؤلف شمل هذه الرسالة الوجيزة ومنظم اللثالي هذه الخريدة العزيزة أحقر الوری وأذل مَمَن علی وجه الثری السید محمد بن السید الحسن بن السید علی نقی بن السید عبد الله بن السید مهدي الحسيني الخراساني القائي أصلاً الهروي والداً المشهدي مولداً ومسكناً. ولدت في مشهد الرضاء - عليه وعلى آباءه وأبنائه آلاف التحية والثناء - في الليلة الحادية عشرة من رجب الحرام من السنة التاسعة والخمسين بعد الألف والمائتين من الهجرة النبوية علی

۱ طبقات أعلام الشيعة، محمد محسن آقاي بزرگ تهرانی، ج ۱۷، ص ۱۸۸

هاجرها وآله السلام والتحية وللحقير من المجموعات الى يومنا هذا وهو الثامن والعشرون من شهر الربيع الثاني من السنة التاسعة والتسعين بعد الألف والمائتين هذه الرسالة الوجيزة

وكتاب الكفاية في شرح النهاية، فارسي

وكتاب الإحقاق في الإشتقاق

وشرح على الأنموذج الزمخشري

وشرحان كبير وصغير على خطبة شرح النظم

وآخران على خطبة شرح التصريف

ولب التصريف وهو تلخيص لتصريف الزنجاني صغير جداً

وخلاصة الصمدية للبهائي

وكتاب الإكمال في الإعلال والإبدال

والجوهر النضيد في البسمة والتحميد

ونهاية الإيجاز مائة بيت في النحو

والوافي في العروض والقوافي مائة بيت أيضاً

والبحر الصافي في شرح الوافي

ودبستان الشعراء فارسي في العروض والقافية وقرض الشعر والبديع

ونظم الأربعين في النوادر، أربعون بيتاً

ورسالة في حقيقة التصوف متاخمة لرسالة لبعض الصوفية خذلم الله حكاها السيد نعمة الله

الجزائري في الأنوار

ورسالة في القافية

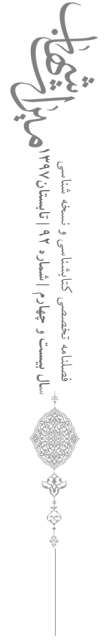
ورسالة الأخرى في العروض وهي تلخيص لرسالة شيخنا ومولانا الحبر البحر الحاج ملا نجف

حشره الله وإيانا مع اجدادنا لولي الجد والشرف

وجامع الكنوز

ومفتاح الجئات، فارسيان

ونجاة العباد في يوم المعاد في التولي والتبري



وترجمة لزيارة العاشوراء  
 وترجمة لزيارة الرجبية  
 وترجمة لحديث طارق بن شهاب  
 وهذه كلها تامة بنعمة الله الشاملة  
 واما من لم يتم الى الآن، وقفنا الله لإتمامها بحق سيّد الإنس والجان  
 فمنها الشواهد الكبير، قدرها في مأتى ألف بيت  
 وشرح نهاية الإيجاز  
 وشرح شاطبيّة، بقي منه المجلد الأوّل وبرز المجلد الثاني  
 ونهج الفصاحة في خطب النبي - صلى الله عليه وآله - وطائفة من كلماته  
 والحزينة الحسينية في علم أصول الفقه، سلكت فيه مسلك الإختصار كزبدة البهائي (ره)  
 والحماسة الطوسية  
 والكشكول من النوادر والمتفرقات  
 والدر الثمين في شرح نظم الأربعين  
 ورسالة الطراز في الألغاز

والعمدة في عدم إتمامها كثرة الإشتغال بأمر المعاش للعيال وميل الأمرء إلى الأرياب الأهواء  
 والضلال، فلعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون وعن السبيل الغي لا يرجعون وأن يرو سبيل الغي  
 يتخذوه سبيلا واتخذوا القرآن وعلومه وراء ظهورهم كأنه ما إهتدوا اليه دليلاً. نشكوا الى الله  
 غيبة ولينا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا. اللهم أذل الحق وأهله وأذل الغي وأهله آمين يا  
 رب العالمين.

### سنجه (۷۸) خودنوشت عشقی كاشانی

ديوان اشعار مرحوم ميرزا عليجان عشقپور كاشاني (۱۲۶۵-۱۳۴۷ش) متخلص به «عشقي كاشاني» به همت نوه او جناب آقاي غلامحسين عشقپور به كتابخانه ملي اهدا گرديد و به شماره ۲۴۷۸۲۲ ثبت شد. در مقدمه اين ديوان شاعر زندگي نامه خود را به قلم آورده است. اين ديوان داراي انواع قالب شعري از جمله قصيده، غزل، تركيب بند، ترجيع بند و رباعي



است. محتوای قصائد بیشتر در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام و مولودیه و غدیریّه سروده شده است. شاعر اشعاری از خاقانی، حافظ و همای شیرازی را در این مجموعه آورده و قصایدی نیز در رحلت میرزا حبیب الله کاشانی، آیت الله بروجردی، آیت الله سید ابوالحسن موسوی اصفهانی و مرحوم سید محمد رضوی جاپلقلی سروده و اشعاری نیز در ماده تاریخ بناها و رویدادهای تاریخی مانند قحطی سال ۱۳۳۶ ق و تاریخ حکومت پهلوی به نظم کشیده است. عشقی کاشانی در مدح پرتوی شیرازی و ملک الشعرا صبوری و میرزا حسن ناصری و ... نیز قریحه ادبی خود را آزموده است.

در آغاز نسخه شرح حال مختصری به قلم محمد حسین عشق پور آمده است:

«بسمه تعالی؛ علیجان عشق پور کاشانی متخلص به «عشقی»، در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در کاشان متولد گردید. در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در مشهد وفات نمود و او را در جوار همسرش در قبرستان خواجه ربیع مشهد به خاک سپردند. نوشتن دیوان را در سن تقریباً شصت سالگی شروع و در هشتاد سالگی پاک نویس آن را به اتمام رسانید. از دیگر آثار او منظومه ای است به نام تنبیه الجاهلین که شرح وقایع یاعی معروف کاشان - نایب حسین خان کاشی - است که اقتباسی است از نوشته و نثر آیت الله ملاً عبد الرسول مدنی به نام تاریخ اشعار کاشان. نامبرده دوست و هم عصر شاعر بوده است و به درخواست وی منظومه تنظیم گردیده است. والسلام غلامحسین عشق پور»

بسم الله الرحمن الرحيم؛ اینجانب علیجان عشق پور متخلص به «عشقی کاشانی» متولد کاشان در غره رمضان المبارک یک هزار و سیصد و سه هجری قمری، در سن هشت سالگی از نعمت استفاده پدر محروم و در پانزده سالگی از بغل محبت مادر دور گردیده، با اینکه زندگانی مرفهی نداشتم، چون به ادب و ادبیات علاقه مند بودم، با وجود شاگردی شغل نانوائی، همه روز، اذان صبح خدمت یک نفر ملا محمد حسن مشهور به نحوی شرفیاب شده به فراگرفتن علم صرف و نحو مشغول بودم و چون به قرائت کلام الله مجید دلبستگی داشتم، پس از یک ساعت خدمت مرحوم ملا محمد جعفر قاری رسیده، نیم ساعت هم در محضر آن مرحوم بر فرا گرفتن تجوید همت می گماردم، تا موقع کسب برای امرار معاش به مفاد «من

لا معاش له من لا معاد له»، لذا در آن هنگام، هفته ای یک روز که جمعه بود، مجلس تشکیل می شد از ادبا به نام انجمن ادبی کاشان، به استادی مرحوم میرزا حسن ناصری تخلص، که دو بیت از یک قصیده آن مرحوم اینجا قلمی می گردد:

چند در زندان تن با محنت و نقت قرینم

پای بند آخشیجان<sup>۱</sup> از یسار و از یمینم

می ندانم چرخ ناهنجار از ناسازگاری

تا چه خواهد از تن رنجور و از جان حزینم

خلاصه، به معاونت پسر همشیره خویش که میرزا حسینعلی منشی - رئیس دبیرستان ایراندخت کاشان و استاد ادبیات - که اکنون بازنشسته می باشد و در غزل سرایی در کاشان بی همتا، به طهران [اقدام به] نام نویسی به عضویت نمودم و این بیت هم که مرقوم می شود از استاد عالی قدر می باشد:

بوسه را با جان اگر گوید برابر می فروشد بشنو و باور مکن، کز جان گرانتر می فروشد  
اتفاقاً روزی که از انجمن مزبور کسب فیض نمودم، غزلی از افصح الشعرا مؤخر و  
مقدم شیخ سعدی علیه الرحمه مطرح شده بود برای مسابقه که مطلعش این است:

ای یار جفا کرده و پیوند بریده این بود وفاداری و عهد تو ندیده

آقای منشی به بنده فرمود تو هم باید بسان شعرای دیگر این غزل را اقبال کنی، بنده هم با کمال میل مشغول شدم و مطلع آن غزل این است:

آن خنجر ابرو به رخ ماه کشیده رفت از نظرم یک نظرش سیر ندیده

حسن و قبح شعر معلوم است ولیکن به اشاره رئیس انجمن از هر طرف نوای احسنت بلند شد، همان احسنت بود که این جانب را به این راه هدایت کرد.

در این اثنا، گندم در کاشان تومانی چهار ریال ترقی کرد، برای این که گندمی که از کمره و کزاز به کاشان می آمد، برای طهران خریداری می شد. چون حکمران کاشان اهل ذوق بودند، به انجمن تشریف می آوردند اعضا به او شکایت نمودند. فرمود: هر کسی یک چیزی شعراً یا نثرأ بنویسد تا من به وزارت خانه مربوطه بفرستم، شاید مؤثر واقع شود. بنده به لهجه کاشانی

۱ آخشیجان: عناصر چهارگانه.

این چند بیت را نوشتم که منظور نظر واقع شد و نسخه آن را حکمران به طهران فرستاد و آن این است:

ای دل به حال روز خود امروز گریه کن	با اهل خونِ مون که زمون جدائیه
دستت اگر رسید به حاکم صبا بگو	خو از دو چشم مردم ای شررائیه
از تو بروی ما در بند و نموده شا	آئید مردمو که زمون گدائیه
پیغوم کن بشا که ایای شای مملکت	کاشو یکه زباقی ایرو سوائیه
ایچور اگر نگا بکنی شا بکاشیا	برگو ز عشقیا که صلاحه رهائیه

جناب حکمران فرستادند طهران، باعث آزادی گندم کاشان شد و البته بسیار تفاوت کرد از نرخ و روزنامه یومیّه شفق سرخ به چاپ رسانید.

دیگر آنکه بعد از جنگ بین المللی اول سنه ۱۳۳۶ هجری قمری گرانی بلکه قحطی دنیا را فرا گرفته بود و کاشان هم از این قسمت بی بهره نبود و من بنده به واسطه تنگ دستی بعراق سلطان آباد مسافرت نمودم. پس از سالی که به شغل نانوائی اشتغال داشتم، اندیشه مرا رخت به طهران کشید و آنجا به کسب پارچه بافی مشغول شدم.


کم کم دستم باز شد و گاه گاهی بوسیله یک نفر از شعرای پایتخت «ثریا» تخلص به محضر استاد ملک الشعراى بهار شرفیاب شده و خوشه ای از آن خرمن علم و هنر چیده تا اینکه اقبال و سعادت یاری نموده به اتفاق توفیق به ارض اقدس مشهد مقدس به آستانه بوسی قبله هفتم امام هشتم، سلطان سریر ارتضا علی ابن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء بار یافته و از نظر لطف آن مظهر کردگار به خرید و فروش اشتغال یافته بود، تا زمان استاندار آقای جعفری چون آن مرد ادب دوستی بود، به فرمان او انجمن ادبی تشکیل شد و آقای کوثری هم مدیر کل فرهنگ اطاعت کرد که هر هفته حاضر شده، دو نفر پیش خدمت برای خدمت انجمن بگمارد.

لذا توسط آقای عبدالحسین نگارنده سرگرد لشکر خراسان، این جانب عضویت آن انجمن را پذیرفتم و ریاست انجمن هم به فرمان استاندار به استاد دانشگاه آقای دکتر فیاض که مردی دانشمند بود واگذار شد.

در جلسه اول استاد دکتر فیاض به بنده امر فرمود «غزلی بخوان».

بنده غزل زیر را که تازه بود ارائه دادم:



  
 مرقی

بسم الله الرحمن الرحيم  
 انجانب علیان مشفق و متعین عشق کاشفی در مقلد کاشان در سخن رمضان الابرک کلمه و معصوم و سلا  
 بجوی قرنی ارسته و حقیقت سالک از تقویت استفاده می جویم در پاره و سگلی از ازل بخت اور  
 اور کریمه با کلمه زنده کنی مراد فی نامش چون باب در اوست ملاحظه نمودم با جوش روی سخن خوانده  
 هر روز اذان صبح خدمت نیز با طبع من مکرر می سرشته بدم و مکرر بخت معرفت و کجاست اول و  
 چون نجات کام الابد رسیدگی داشتم پس از کجاست خدمت محترم و هر چه می توانی برسیه بنام است  
 هم در محله آن محترم هر که از حق تو می هستی که او هم آن کس برای امراد صفتی می توانی لامعش می توانی  
 معادله لا در آن هنگام مفضل که هر که در جبهه و در محله می شکل می آید از آن نام بجهن ارج کاشان است  
 محرم می راضی نامی نفس که در بیت ابرو معصوم آن محرم می کنی که در حق خود از آن سخن گفت  
 گفت قرنی بی سبب آنچنان از او در اینم نیامد حرفی با آنچه دانست که او آنچه خواهد از آن کز  
 از جهان فریخ غلوه معادنت به جعفری و توین که هر از حسین منشی رسن به پستان ایزد است کاش

برگ اول شرح حال خود نوشت عشقی کاشانی

بسم الله  
 علیجان عشق پور کاشانی تخلص به عشقی  
 رسال ۱۳۲۵ هجری قمری در کاشان توکل کردیم  
 در سال ۱۳۴۷ هجری قمری در مشهد و مات خود داد و در جوار پسر ترا  
 در قبرستان خود به بیع شده بجا کبیر دند  
 نوشتن دیوان را در سن تقریباً شصت سالگی شروع در در شهاد  
 سالگی یک کویس کن را به آهام رسانید  
 از دیگر آثار او منظومه است به نام «تنبیه الجاهلین» که  
 شرح و تالیف باقی مروف کاشان نایب حسین خان کاشانی است  
 که اقتباس است از نوشته و شتر آیت الله آغا علی ابراهیم  
 نیا که تالیف در شهر کاشان  
 نایب در دست و هم عشرت عرب بوده است و به درخواست وی منظومه  
 تنظیم کرده است  
 در سلوک خود حسین عشق پور  
 نوبت است

شرح حال مختصر عشقی کاشانی توسط نوه اش

آقای غلامحسین عشق پور

باز آمد فرودین، در باغ گردیدن خوش است  
 لاله ها با یاد روی گلرخان چیدن خوش است  
 گاه چون شبم نشستن روی گلها صبحدم  
 گه چو نیلوفر به ساق سرو پیچیدن خوش است  
 در فضای بوستان با دوستان همچون نسیم  
 سرخوش و خرم به روی سبزه غلطیدن خوش است  
 در کنار سبزه و گل در گلستان دوست را  
 گه تماشای جمال و گاه بوسیدن خوش است  
 چونکه در میخانه می ماند خم و مینا و جام  
 رایگان می را به اهل حال بخشیدن خوش است  
 آنکه را خوان عطا در این جهان گسترده نیست  
 سفره عمر از میان خلق برچیدن خوش است  
 اندر این ایام جان پرور به صحن گلستان  
 عشقی با لاله رویان عشق ورزیدن خوش است  
 چون غزل فوق منظور نظر اساتید و دیگران واقع شد، عضویت بنده محکم گردید.  
 والسلام علی من اتبع الهدی»

### سنجه ۷۹) زندگینامه خودنوشت مرحوم شیخ محمد باقر ساعدی

مرحوم استاد شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی (۱۳۰۶-۱۳۸۲ ش) از نویسندگان نامی روزگار ماست. آثار گرانمایه و پر ارج ایشان بی نیاز از تعریف و توصیف است. مرحوم ساعدی خراسانی از علمای مشهد بود و در دبیرستان هدایت مشهد و حوزه علمیه مشهد به تدریس می پرداخت. وی در سال ۱۳۸۲ ش، شب شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چشم از جهان فرو بست.

شماری از آثار تالیف و ترجمه او عبارتند از: منیة المرید شهید ثانی، اخلاق حسنه ملا محسن فیض کاشانی، منظومه ملا هادی سبزواری به نظم فارسی، الارشاد شیخ مفید، هدایة



السائرين ترجمه كتاب التحصين في صفات العارفين اثر ابن فهد حلي، تفسير صافي فيض كاشاني، حقايق فيض كاشاني، روضات الجنات خوانساري، رياض العلماء ملا عبد الله افندي اصفهاني، سفينة البحار شيخ عباس قمي، شمس المعارف بوني، عصمة الحجج سيد علي ميدي، عيون اخبار الرضا عليه السلام، فضائل الخمسة سيد مرتضى فيروزآبادي، فواتح الجلال نجم الدين كبرى، كشكول شيخ بهايي، المجلى ابن ابى الجمهور، مشارق الانوار، مصباح الشريعة، مناقب ابن عربي، منهاج السالكين، نفس المجلى ابن ابى الجمهور، مشارق الانوار، مصباح الشريعة، مناقب ابن عربي، منهاج السالكين، نفس الرحمن في احوال حضرت سلمان ميرزا حسين نوري، تحفة الحكيم كمپاني، رياض الفضلاء، تحفة المراد و تحفة البرة مجد الدين بغدادى. پسر بختگان، پيشواى هشتم شيعيان، تفسير سوره نور، توزيع الدلائل لتوضيح المسائل، خورشيد بطحا، تكميل تاريخ علماء خراسان، رجال معاصر شيخ طوسى، شرح حال خواجه ربيع، شرح حال شيخ الطائفة انصارى، شرح حال محقق حلى، شرح مخمس صفى، شرح عرفان الحق صفى، شهيد راه حق، لطائف صفى، عيون التاريخ، نهمين پيشواى شيعيان، شرح و جيزه‌ى علامه مجلسى در رجال، شرح فصوص الحكم، مجمع الزيارات، ماده و خدا، ذريعة الافكار فى شرح نور الانوار، كشف المفازات فى الاجازات، ملاذ العارفين در شرح خطبه‌ى بى نقطه‌ى حضرت امير المؤمنين عليه السلام، تذكرة‌ى باقرية، زينبيات و كشكول ساعدى.<sup>۱</sup>

وى زندگى نامه و آثار دانشمندان و بزرگانى را كه نام كوچكشان «باقر» يا «محمد باقر» بوده، نوشته و در آن شمار بسيارى از علمائى شيعه چون علامه محمدباقر مجلسى و سيد محمد باقر شفتى و ديگر مشاهير را شناسانده است. نام اين كتاب المسك الذافر فى الموسومين بباقر يا تذكرة باقرية است. وى اين اثر را در ۱۳۶۷ ق نگاهشته و در روز چهارشنبه ۵ محرم الحرام سال ۱۳۸۳ ق (پس از پانزده سال) ترتيب آن را به حروف الفبا سامان داده است. ايشان در آغاز، براى تيمّن و تبرّك بيش از سيصد برگ (بيش از نيمى از كتاب) را به زندگاني حضرت باقر العلوم عليه السلام اختصاص داده و اين اثر را به پيشگاه حضرت امام محمد بن على باقر العلوم عليه السلام تقديم نموده است.

۱ مشاهير مدفون در حرم رضوى، جمعى از پژوهشگران، ج ۱، ص: ۲۳۶-۲۳۴

یادآوری می شود وی نام و یاد بزرگانی را که نام آنها باقر و محمدباقر نبوده، و به مناسبت در متن کتاب اشاره شده و با عنوان «تکمیل» و «تبصره» و «تذییل» در پایان زندگینامه ها آورده است. وی در بخش پایانی کتاب منابع مستند خود که در بردارنده ۱۴۹ عنوان اثر است، به تفصیل بر پایه حروف الفبا معرفی نموده است. این فهرست از کتاب آتشکده آذر آغاز و به هفت اقلیم اختتام یافته است.

چنان که مولف در مقدمه کتاب یاد کرده، بیشتر مرحوم علامه محمد باقر بیرجندی (۱۲۳۸-۱۳۱۳ ش) فصلهایی از کتاب بغیة الطالب فیمن رأى الامام الغائب (چاپ مشهد، ۱۳۰۵ ش) را به معرفی بزرگان و دانشمندان معاصر خود و علمای قائل و بیرجند و بزرگانی که همنام وی بوده اند، اختصاص داده است.<sup>۱</sup>

آغاز تذکره باقریه چنین است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى باقرالعلوم وشخص العلم والمعلوم ناطقة الوجود ونسخة الموجود ضرغام آجام المعارف المنكشف لكل كاشف الحياة السارية في جاري النور المنبسط على الذراري حافظ معراج اليقين وارث علوم المرسلين حقيقة الدقائق النورية الفلك الجارية في اللجج الغامرة المحيط علمه بالزبر الغابرة النبأ العظيم الصراط المستقيم المستند لكل ولي محمد بن علي عليه الصلاة والسلام».

انجام کتاب است: الحمد لله وله المنّة تا بدینجا موفق شدم شرح حال خیر مآل حضرت باقر العلوم صلوات الله علیه را به ضمیمه عده ای از اصحاب آن حضرت و گروهی از دانشمندان هم نام با آن جناب و سایر بزرگان را در این وجیزه گرد آورم و خاتمه آن در لیله جمعه بیست و یکم ربیع الاول سال هزار و سیصد و هشتاد و چهارم هجری در جوار مرقد مطهر حضرت سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده و انا الحقیر المؤلف محمد باقر ساعدی.

۱ بغیة الطالب فیمن رأى الإمام الغائب (ع) للمولى المعاصر الشيخ محمد باقر بن المولى محمد حسن بن أسد الله بن عبد الله ابن الحاج علي محمد الشريف البرجندي القائي المولود سنة ۱۲۷۶ و المتوفى ۱۳۵۲، فارسي فيه أخبار الحجة و علائم الظهور و نوابه و كثير ممن فاز بلقائه، طبع بالمشهد الرضوي سنة ۱۳۴۲ أوله (الحمد لله الذي نور قلوبنا بمعرفة الإمام الهمام القائم (ع) و ألحق به فصلاً في ذكر العلماء القائلين بإمامته (ع) من أهل قائل ثم العلماء المسمين بمحمد باقر و فوائد أخرى). (الذريعة، ج ۳، ص ۱۳۳)

یگانه نسخه خطی، به خط مؤلف، در کتابخانه آیت الله سید ناصر میبیدی در مشهد به شماره ۱۱۰ موجود است. نسخه عکسی این اثر نیز در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری می شود.

مرحوم ساعدی در این تذکره، زندگینامه خود را به شماره ۱۸۲، با شناسه «ساعدی» نگاشته و افزون بر آن زندگینامه شماری از اساتید و معاصران خود را نیز ثبت کرده است. مقدمه این اثر به تقریظ علامه شیخ محمد علی اردوبادی آراسته است که متن آن بدین مضمون است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لوليه والصلاة على نبيه وآله البررة الهداة السادة الأئمة الولاية. لقد أسمت سرح اللحظ في شطر من هذا السفر المبتكر في موضوعه (المسك الذافر) فلم أبصر به الا حديقة غناء بهرت الروض ارجا والسماء بلجا فلا الحقل يشبهه عبقا ولا الشمس تضاهيه القا فكم من ذكر دائر احياه وعهد دابر اعاد اليه جدته وهو عمر ثان لمن طواه الملوان فكانه نصب الاعين وهو رهن اطباق الثرى او ضمته الاء ضالع وقد انثاه الحمام فحيا الله المؤلف النيقد الفاضل البارع واسطة عقد الثائر شيخنا محمد الباقر نجل العيلم العلم الخبر البحر الخضم ثقة الاسلام ملاذ الأنام شيخنا الحسين المقدس لا زال على مدد والد وما ولد. لقد رأيت على غض الشيبية حائزا سمت المشايخ فائزاً بأوفر الفضائل فتوسمت فيه الخير كله ورجوت له المستقبل الباهر على ما هو عليه من الفضل الظاهر في الحاضر ولا بدع فبابه اقتدى عدى في الكرم والسلام عليهما ورحمة الله وبركاته.

حرره في ۲۲ شوال سنة ۱۳۶۸ / الاحقر محمد على الغروي الاوردبادى.

### متن زندگینامه خودنوشت

۱۸۲) ساعدی: محمد باقر بن العلم الحجة شیخ حسین معروف به مقدس ابن الزاهد العابد الحاج ملا یوسف ابن المغفور حسین (ره).

گرچه شایسته نیست نام این حقیر بی بضاعت در ردیف اعلام بزرگوار ثبت شود، لیکن بدین امید که شاید مشمول فیضی از فیوضاتشان واقع گردد، از خود اسمی برده، علاوه بر این

۱ فهرست نسخه های خطی کتابخانه شخصی میبیدی مشهد، سید احمد حسینی اشکوری، ج ۱، ص ۱۰۲.





و در همین اوقات پس از اخذ تصدیق مدرسی، به دانشکده معقول و منقول وارد شده و از اساتید آنجا از قبیل آقای سید محمد مشکوة و آقای نوربخش و آقای الهی قمشه‌ای و آقای امیرزا محمود شهابی استفاده و رساله پایان تحصیلی خود را به راهنمایی آقای شهابی در احوال و آثار محقق حلی (قده) گرفته و مورد توجه نامبرده واقع شده و با درجه اعلی پذیرفته شد. و از سال ۱۳۷۶ پس از دوازده سال اقامه در طهران به مجاورت آستان قدس رضوی سعادت‌مند گردیده، از خدا می‌خواهم این نعمت را زوال نیاورد.

و در ۱۷ ذیحجه سال ۱۳۷۴ به مصاهرت خاندان پاک نبوی صلوات الله علیه و آله مشرف شده و به شرف ازدواج سیده جلیله که از خاندان‌های اصیل و پاک مشهد مقدس رضوی است، افتخار یافته و از آن مخدره دو پسر یکی به نام محمد علی، متولد در بین الطلوعین در طهران، شوال سال ۱۳۷۶ و دیگری به نام محمد تقی، متولد در نیمه رجب صبح روز افتتاح در مشهد سال ۱۳۸۱، خدای متعال به عزت خودش هر دو را سالم و از خدمه دین مقدس اسلام قرار بدهد بمنّه و کرمه.

این فقیر با آن‌که لایق نبوده، در عین حال مورد توجه عده‌ای از اعلام مشایخ قرار گرفته و اینجانب را با اجازات روایتی نائل فرموده‌اند. نخستین کسی که این بنده را از این نعمت برخوردار ساخت، حضرت حجة الاسلام والد ماجد بود که به دو اجازه از مشایخ بزرگوار خود مفتخرم فرمود:

یکی مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی (قده) و دیگری آیت الله الشیخ محمد صالح علامه مازندرانی که این اجازه در آخر کتاب ترجمه منیة المرید چاپ شده [است]،

دوم: مرحوم علامه اردوبادی سابق الذکر، سوم: حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدرضا کلباسی که در این سال‌ها که به محضرش حضور می‌یافته و استفاده می‌کرده،

چهارم: علامه ربانی آقای آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی که اجازه‌شان در آغاز ترجمه حقایق فیض طبع شده،

پنجم: آیت الله علامه شیخ محمد صالح مازندرانی که اجازه‌شان بضمیمه تقریظی بر ترجمه مصباح الشریعه در آغاز آن طبع شده،



ششم: حجة الاسلام والمسلمين الشيخ على الغروي علياري (دام ظلّه)،  
هفتم: حجة الاسلام والمسلمين سند الاعلام الحاج سيد فخرالدين امامت كاشاني (دام  
ظلّه)،

هشتم: العالم الفاضل الاديب حجة الاسلام الآقا ميرزا محمد علي معلم حبيب آبادي  
اصفهانى (دام ظلّه)،

نهم: عالم فاضل زين المنابر و المساجد آقاي حاج شيخ علي اكبر مروّج الاسلام كه به  
تازگي اجازة به اين جانب عنایت فرموده اند.

این جانب با آن كه بضاعت علمي آن قدر ندارم، در عين حال تا به حال توانسته ام آثاری از  
خود به نظم و نثر باقی گذارم، شاید روزی خواننده یادی از این ضعیف بنماید و اسامی آن‌ها  
از مطبوع و نامطبوع، تمام و ناتمام از این قرار است:

۱. تحف الألمعی فی طرف الأصمعی از حکایات منقوله از أصمعی؛  
۲. تذکره باقریه کتاب حاضر که آن را به المسک الذافر فی الموسومین به اسم مولانا الباقر  
ملقب ساخته ایم؛

۳. ترجمه ارشاد مفید که تحت طبع است؛

۴. ترجمه تفسیر صافی که چهار جزء آن تمام شده و علاوه بر ترجمه اضافات دیگری نیز  
دارا است؛

۵. ترجمه حقایق فیض در دو مجلد به طبع رسیده؛

۶. ترجمه خلاصة الاذکار فیض؛

۷. ترجمه مصباح الشریعه به طبع رسیده؛

۸. ترجمه منیة المرید شهید ثانی به طبع رسیده؛

۹. شرح حال علامه حلّی (قده)؛

۱۰. شرح حال محقق حلّی (قده)؛

۱۱. شرح و ترجمه مثنوی؛

۱۲. صرح المقرنس در شرح مخمّسی است که آقای حیدر آقای طهرانی متخلص به





معجزه سروده و این جانب آن را شرح کرده‌ام، به طبع رسیده است؛  
 ۱۳. ضمیمه تاریخ علماء خراسان، که شرح حال عده‌ای از علماء عصر حاضر خراسان و  
 مدفونین در آن را، با ایراد برخی از مطالب و احوال علماء غیر این سامان را بدان افزوده و به  
 طبع رسیده؛

۱۴. علم بدیع، این کتاب در سه جزء قرار گرفته: اول ترجمه بخش سوم مطول، دوم سایر  
 فنون که در آن بخش نیامده، سوم شرح احوال شعراء و علمایی که در این دو بخش نامبرده  
 شده‌اند؛

۱۵. عیون التواریخ، در مواد تاریخیه میلاد و وفات طبقات مختلف علماء، عرفاء، شعراء،  
 امراء، سلاطین که تا به حال بیش از هزار ماده تاریخ در آن آورده شده؛

۱۶. الغیث الساری در شرح احوال و آثار و شاگردان و محشین کتب شیخ مرتضی  
 انصاری (قده)؛

۱۷. کشکول که متفرقات کشکولی در چهارده جزء مطابق با اسم حضرات معصومین  
 صلوات الله علیهم اجمعین گرد آورده شده؛

۱۸. لطائف صفی، اشعار عرفانی مرحوم صفی را در ذیل آیه و ترجمه آن از کتاب تفسیر  
 وی مجزا نموده؛

۱۹. هدایة السائرین در ترجمه التحصین ابن فهد، به ضمیمه مصباح الشریعه طبع شده؛  
 و بعضی از کتاب‌های دیگر که شروع کرده و مختصری از آن را نوشته و توفیق پایان آن به  
 اندازه‌ای که صورت کتاب به خود بگیرد پیدا نکرده، از قبیل شرح صد و ده غزل حافظ، اخبار  
 متبتهان و امثال اینها، الله و قفنی بحق اولیائک الطاهرین.

و این جانب به حسب طبع گاه گاهی عباراتی به هم می‌بافد و تخلّص خود را «ساعد»  
 قرار داده:

پیر دردی کش ما گرچه ندارد زر و زور	بخشش اش برده ز خورشید همه پرتو و نور
چشم عالم همه بر درگه او لیل و نهار	مردم از عالی و دانی و گدا و گنجور
مست پیمانه الطاف همایون وی اند	بی خود از خویش و هم از ساغر فیضش مخمور

گر کسی ساغری از وی به سحرگاه خورد  
 ای خوش آن مست که از ساغراو شد هشیار  
 با بزه کار بگو خود سحر آید بیرون  
 ساعد از دست وی اندر سحری جام گرفت  
 زنده باشد به حقیقت همه تا صبح نشور  
 وه چه هشیار که از همت او شد مسرور  
 تا گنااهش شود از همت آن شه مغفور  
 گویی از مستی آن گشته به بحری مغمور  
 و این جانب علاوه بر آثار خود، گاهی به استنساخ برخی از کتب توفیق یافته که ذیلا برای

تیمّن به ذکر نام مؤلفینشان، از آنها نام می‌بریم:

۱. جنّات الوصال نور علیشاه؛
۲. حلویات العلوم ملا حسن نائینی؛
۳. تحفة الغرائب تیمی؛
۴. دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی؛
۵. خزان و بهار محمد شریف کاشف (مشکینی - مدرس یزدی)
۶. رجال ابن داود؛
۷. رساله جفر عربی و فارسی محمود دهدار؛
۸. شجره و ثمره نثری؛
۹. شجره و ثمره منظوم اشرف؛
۱۰. شرح منظومه عصار؛
۱۱. کشف الاسرار حیدر تبریزی؛
۱۲. کشف الشجر؛
۱۳. مرآت الاخلاق؛
۱۴. مفتاح المغالیق دهدار؛
۱۵. هدیه الرازی علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، و اصراف الصرف ادیب تهرانی، خاتم الرمل ادیب خاوری.

\*\*\*

## تکمیل

### میرزا ابوالحسن مشکینی

از علماء و دانشمندان و فقهاء و اصولیین و محققین عصر حاضر هجری بوده. (ریحانه چهارم) می‌نویسد: معظم له از اجلای شاگردان محقق خراسانی و شریعت اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بوده، از آثار او حاشیه شرح منظومه و حاشیه کفایه و حاشیه مکاسب و در ۲۷ جمادی الاخری سال ۱۳۵۸ هجری در بغداد وفات یافت، جنازه‌اش را به نجف حمل کردند.

### حاج میرزا احمد مدرس یزدی

از اجلاء علماء و مدرسین عصر حاضر مشهد مقدس رضوی است، که پیوسته حوزه علمیه خراسان به وجود این عالم جلیل مباهات می‌کند و تدریس سطوح ویژه فقه و اصول متوجه به ایشان بوده و فضلاء حوزه مبارکه از محضر این بزرگوار فیض‌ها برده و همواره مجلس درسش حافل عده بسیاری از طلاب و اهل علم است. مجملات این عالم جلیل، سیدی زاهد، منزوی، درست کردار و متوجه و محبوب القلوب عوام و خواص از مردم است و روزگارش به قناعت می‌گذرد و در مسجد نائب (معروف به حاج ملا هاشم) اقامه جماعت می‌کند و عده‌ی بسیاری در نماز او حاضر می‌شوند، حفظه الله و ابقاه.

### شیخ محمد تقی معروف به ادیب نیشابوری

از معاریف مدرسین حوزه علمیه خراسان و از شاگردان مرحوم شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری است. معظم له به نوشته دانشوران خراسان سال ۱۳۱۵ هجری متولد شده و مدت ۳۰ سال است بر اریکه تدریس برقرار و فضلاء حوزه، از احیاء و اموات، اعیان و اشراف از وجودش بهره‌مند گردیده، و آثار او علاوه بر آن چه در سینه‌های شاگردان و سینه‌های آنان ثبت و ضبط گردیده، در کتبی چند بدین نام به یادگار مانده: آیین‌نامه فیروزآبادی جاوید، تابش جان، اسرار الادب، مجمع راز، گوهرنامه و امثال اینها. ادیب هم اکنون مدرس آستانه مبارکه رضویه است و در نظم و نثر استادی ماهر است.



### حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی

از معاریف علماء و دانشمندان و وارستگان و شعرا و ادباء و مجتهدین و اصولیین و فقهاء عصر حاضر بوده. شرح حال مفصل او در مقدمه دیوانش نوشته شده، ما در این جا محض تیمن بنام شریفش اکتفا می‌کنیم.

معظم‌له از نواده‌های مرحوم میرزا مهدی شهید است. سال ۱۲۶۶ متولد شده، پس از تکمیل مقدمات به سامرا رفته و سرآمد شاگردان مجدد شیرازی بوده و حدود ۱۳۰۰ هجری با اخذ اجازه اجتهاد به مشهد مراجعت کرده، مقبول عوام و خواص بوده و به ترویج می‌پرداخته و منبری جذاب داشته که هنوز خاطرات خوش آن، نقل مجالس است.

مشارالیه دیوان بزرگی حافل فنون شعر به یادگار گذارده و در شعر «حبیب» تخلص می‌کرده و این جانب سال ۱۳۶۹ هجری که هنوز دیوانش مطبوع نشده، نسخه آن را استنساخ کرده، تا آن‌که قسمت مهمی از آن به نام گنج گهر، مطبوع شد و نیز طبع دوم آن بسیار عالی و با مقدمه بسیار مفیدی در دست ارادتمندانش قرار گرفت.

معظم‌له اخیراً با عارف وارسته حاج سید ابوالقاسم درگزی ملاقات و دست از همه گونه ریاسات ظاهری برداشته و هم‌چنان به انزوا گذرانید، تا در ۲۷ شعبان سال ۱۳۲۷ هجری وفات یافت و در حرم مطهر مدفون گردید.

### حاج شیخ حسن ادیب خاوری

از مردان ذوفنون و مطلعان عصر و عرفا و مشایخ زمان ماست. معظم‌له در طب و نجوم و ریاضیات و اعداد و جفر و رمل و ادبیات و سایر فنون دیگر، ید طولائی دارد و چنان‌چه خود فرموده سال ۱۲۷۵ هجری متولد شده و با اعلام و معاریف و وارستگان عصر خود ملاقات کرده و سفرهای عدیده نموده و شهرها دیده و هم‌اکنون با آن‌که پیر و شکسته گردیده، در عین حال از خاطرات زمان‌های جوانی و اسفار خود گاهگاهی نقل می‌کند و چنان می‌نماید که اگر حال هم، همان موقعیت دست بدهد، حاضر است بدان سفرها اقدام نماید. وی در سن ۳۱ سالگی با پدر مرحومش حاج ابراهیم که به تهران رفته بود، با مرحوم حاج میرزا حسن صفی ملاقات کرد و پس از وفات وی، با حاج میرزا محمود خان نائینی که از مشایخ او بوده

به مشهد آمده، ملاقات نموده و از جناب او تلقین یافته و به شرف توبه مشرف شده و ایشان در عصر حاضر، آثار صفی و وارستگی‌های وی به وجود ایشان می‌بالد و تشنگان وادی عرفان را که جویای حقایق آن بزرگوار باشند سیراب می‌سازد و با ساعدان از اصحاب، مساعد و آنان را به ولایت علی به سعادت علی مشرف می‌سازد.

### نائینی

معظم‌له در فنون شعر دست توانا دارد و تخلص «ادیب» می‌فرماید از اوست:

در مملکت عشق چو خالی از بلا نیست  
آن کس که گریزد زیلا اهل ولا نیست  
در مذهب عشاق جهان جمله نه نیکوست  
آن را که بدل آینه صدق و صفا نیست  
تن ده به قضا در ره تسلیم قدم نه  
ای وای بر آن کس سر تسلیم و رضا نیست  
آن کس که نه در شهر رضا هشته قدم را  
خوش باد که در زمره ارباب وفا نیست  
خونی زیلا نیست چو معشوق قرینست  
با بودن معشوق دگر هیچ بلا نیست  
تا چند چو ماهی طلبی آب و ندانی  
محبوب تو از یاد تو یک لحظه جدا نیست  
از چون و چرا دم نزند عاشق یک دل  
در مرحله عشق دگر چون و چرا نیست  
از غیر و خودی چشم بپوشان و فنا شو  
زیرا من و مائی تو قابل به بقا نیست  
این وادی عشق است ادیبا به ادب کوش  
دربار شهان منزل هر بی سر و پا نیست

روزی به تقریبی می‌فرمود: چند سال قبل اصول رمل و اشکال و رموز آن را منظوم ساخته و شخصی آن را استنساخ گرفته و دیگر نسخه آن را باز نگردانید، این بنده درخواست کرد،





مستدرک می‌نویسد: کتاب رجال او اولین کتابی است که آباء و ابناء را به ترتیب حروف تهجی دارا بوده و خود او نخستین کسی است که برای اصول کتب رجالیه و اسامی مبارکات حجج طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين، رموزی قرار داده و ائمه رجال و اصحاب ما از وی پیروی کرده‌اند.

اعلام شیعه درباره مراجعه و استفاده از آن به سه دسته غالی، مفرط، مقتصد تقسیم می‌شوند. مانند شیخ حسین والد شیخ بهایی در حق آن غلو کرده و در کتاب درایه خود به نام وصول الاخیار می‌گوید: «و کتاب ابن داود رحمة الله في الرجال مغن لنا عن جميع ما صنّف في هذا الفن وائما اعتمادنا الان في ذلك». و ملا عبدالله شوشتری در شرح تهذیب راه تفریط پیموده می‌گوید: «کتاب ابن داود مما لم اجده صالحا للاعتماد، لما ظفرنا عليه من الخلل الكثيرة في النقل عن المتقدمين وفي تنقيد الرجال والتميز بينهم»، لیکن بسیاری از اعلام اصحاب ما مانند محقق کرکی و شهید، راه اقتصاد رفته‌اند. سال وفات ابن داود به دست نیامد.

### آقا شیخ حسین مقدّس

فرزند حاج ملا یوسف از اعلام عصر حاضر و والدین فقیراند. معظم له چنان چه خود فرموده و در ضمیمه تاریخ علماء خراسان آمده، در ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۲ هجری در مشهد مقدس رضوی متولد شده، پس از تحصیل مقدمات و تکمیل انواع خط، مورد توجه برخی از بزرگان واقع شده، مطول و حاشیه را از مرحوم حاجی محقق و سایر از سطوح را از محضر اساتید دیگر استفاده کرده و سال ۱۳۴۰ هجری کفایة الاصول و جواهر را صبح و عصر از آیت الله قمی بهره‌مند گردیده و مدت ۱۲ سال مراتب علمی و معاشرتی را از معظم له کسب کرده و در بعضی از اسفار با حضرت مشارالیه همراه بوده و پس از تشرف وی به اعتاب عالیات، به اجازه امور حسبیه از طرف اعلام موفق آمده و هم اکنون به همان سمت باقی و به خدمت سادات و فقرا مشغول، و در مسجد همتی واقع در محله سر شور به اقامه جماعت می‌پردازند و از آثارشان رساله‌ای است در لباس مشکوک و فوائد متفرقه دیگر.

مشایخ اجازه معظم له: مرحوم محدث قمی، علامه سمنانی، علامه اردوبادی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، حاج سید فخرالدین امامت کاشانی.



پدرشان مرحوم حاج ملا یوسف از جمله عبّاد عصر و خادم حرم مبارک رضوی بوده و هفت مرتبه به حج بیت الله مشرف شده و در این اسفار، نماز شبش که رویه سابقین بوده ترک نشده و در عالم رویا از ناحیه امام رضا علیه السلام به عصای جواهر نشان و لقب ملتزم التولیه به توسط مرحوم میرزا عبدالجواد مشرف مفتخر آمده.

### حاج شیخ عبدالحسین معروف به محقق نوغانی

از معاریف مدرسین عصر حاضر مشهد مقدس رضوی بوده و عدّه بسیاری از اعلام از شاگردان مکتب او بودند. محضر وسیع علمی او را پیش از اتحاد الشکلی، عجیب تعریف می‌کنند، آن چه را خود مشاهده کرده، درس را با کلمات نمکین و حکایات شیرین به پایان می‌آورد و آخر عمر زندگی نامرتبی داشت، خصوصاً اوقاتی که بر عشه بدنی مبتلا و کمتر از بیاناتش استفاده می‌شد. محقق در ۵ صفر سال ۱۳۶۹ وفات یافت و در میهمان‌خانه آستان مقدسه مدفون گردید.

### حاج سید محمد عصار

از اعلام عصر حاضر مشهد رضوی بوده، ضمیمه علماء خراسان می‌نویسد: معظم له سال ۱۲۶۴ هجری متولد شده و در فقه و اصول و حکمت و کلام متعمق و صاحب نظر و از معتمّین علما به حساب می‌آمد و از شاگردان میرزای مجدّد و میرزای رشتی و میرزای آشتیانی و محقق خراسانی بوده و از میرزای نوری و میرزای خلیلی و دیگران از شیعه و سنی روایت می‌کرده و کتبی از جمله تلخیص الاصول بر قواعد شهید و شرحی بر منظومه حکیم سبزواری دارد.

نگارنده همین شرح را که مجلد اول آن را در ۶ جمادی‌الثانی سال ۱۳۴۹ به پایان آورده و بخشی از مجلد ثانی نیز آن را نوشته و از نسخه‌ای که به خط خود او بوده و به کتابخانه آستانه مقدسه تقدیم کرده، استنساخ نمودم. مشارالیه در این شرح علاوه بر توضیح و تحقیق مطالب حکمی، گاهی به مناسبتی از منظومه خود یاد می‌کند.

وی اخیراً در مشهد مجاور با ضعف پیری و از دست دادن یک چشم و ناتوانی چشم دیگر، وضع نامرتب که خود در منظومه اشاره کرده:



مع اشتغال الحال والامر المهم و مصرف المعاش غیر منتظم  
به تألیف می پرداخت تا در ۹ محرم سال ۱۳۵۶ هجری وفات یافت.

### محمد شریف

از فضلاء و شعراء و ادباء قرن یازدهم هجری بوده. خود در خاتمه «خزان و بهار» چنین می نویسد: پدرم اصلاً شیرازی و مولدم در کربلای معلی بوده. در دوازده سالگی پدرش فوت کرده، مادرش او را در کربلا داماد کرد و من به دنیا آمدم و در سه سالگی سال ۱۰۰۶ هجری بصوب اصفهان عزیمت نموده، در پنج سالگی به تحصیل پرداختم و سال ۱۰۱۲ به مشهد آمدم و هفت ماه آنجا زیست کرد و از مشهد به اصفهان رفت و پس از ۲۳ سال سنه ۱۰۳۵ هجری به ری هجرت کرد و پدرش آنجا فوت نمود.

وی در نحو و کلام و منطق و شعر استاد بوده و آثار لیلی و مجنون منظوم، هفت پیکر، عباس نامه، دیوان غزلیات و قصائد، سراج المنیر، خزان و بهار که سال ۱۰۸۰ هجری از تألیف آن فارغ شده و این بنده همان نسخه را از نسخه‌ای که سال ۱۲۶۲ نوشته شده، در ۲۴ شعبان سال ۱۳۷۹ پس از ۲۹۹ سال که از نگارش اصل نسخه گذشته، استنساخ نمودم.

نامبرده اشعاری موزون می گفته و تخلص «کاشف» می کرده. از اوست:

به فنون روح بخشم، برد التجا مسیحا	به خیال نقش بندم، کند افتخار مانی
ورق از بهار طبعم، گل نظم دسته بندد	سخن از لعاب کلکم، خورد آب زندگانی
چکد از گل ضمیرم، چو عرق گلابدانش	دمد از ریاض طبعم، چو گیاه گل معانی
به همین بشر خاتم انبیاء	شفیع گنه پیشگان در جزا
درستی از او یافت رکن جهان	چو از مومیانی به تن استخوان
به ذکرش شب و روز سیل روان	به بانگ بلند است اوراد خوان
دهد خط هر موج بر روی آب	ز آیات فضلش نشان باب باب
رهش بر تصور نشد منتها	گره زد به هم گر چه اندیشه‌ها

### شیخ محمد صالح علامه

از مراجع بزرگوار شیعه و اعلام عصر حاضر مقیم سمنان اند. در آغاز سبکة الذهب که از کتب خود ایشان است، می نویسد: معظم له سال ۱۲۹۷ در کربلا متولد شده، مقدمات را



از ملا عباس اخفش و ملا علی سیبویه و سطح را از محضر پدر بزرگوارش میرزا فضل الله حائری که از اجلاء عصر بوده استفاده کرد. پس از آن به درس محقق خراسانی حضور یافته و از حوزه حاج میرزا حسین خلیلی نیز بهره‌مند شده و سال ۱۳۲۴ هجری به ایران آمده است. آثار او در اصول الفقه و فقه و حکمت و کلام و تفسیر و ادعیه و احادیث و منطق و ادبیات بسیارند و از کتب متعدده ایشان که مطبوع شده علاوه بر رساله عملیه، سبکة الذهب، منظومه کفایه، سبانک الذهب، دیوان الادب، اهم همه آن‌ها حکمت ابوعلی سینا است که در در چند مجلد به طبع رسیده و از یادگارهای عصر حاضر است.

این نگارنده چند مرتبه در مشهد مقدس حضورش شرفیاب شده و محرم سال ۱۳۸۱ که به سمنان رفته و شخص ایشان را که سالیان درازی در آن جا مقیم و مورد توجه عوام و خواص اند، زیارت کرده کتاب ترجمه مصباح الشریعه را به حضورش تقدیم کرده، مورد محبت قرار داده، تقریظی به ضمیمه اجازه روایتی، چنان‌چه یاد کردیم، عنایت فرمود و نیز چند سال پیش از این، اجازه مفصلی مشتمل بر فوائد بسیاری به والد این جانب مرحمت فرمود، حفظه الله و ابقاه.<sup>۱</sup>

### شیخ محمد رضا کلباسی

از علماء و دانشمندان و اجلاء عصر حاضر و مقیم مشهد مقدس رضوی است. معظم له در ۲۵ ذی‌القعدة سال ۱۲۹۵ هجری در اصفهان متولد شده و از نواده‌های مرحوم حاجی کلباسی و از شاگردان محقق خراسانی و میرزای جلوه و شریعت اصفهانی و از ایشان نیز مجاز بوده و سایر اکابر وقت و از علمائی است که دقیقه از ترویج دین، چه با نوشتن کتب و چه با بیانات جذاب خود، راحتی ندارد و با این‌که ضعیف و ناتوان شده، مخصوصاً در دو سال اخیر بر اثر افتادن و شکستن پایشان، در عین حال به منبر و ترویج و تدریس خود ادامه می‌دهد و با همین حال به نوشتن آثار خود مشغول است.

معظم له در زهد و تقوی و قناعت و انزوا، مسلم و در توسلات و توجهات، معروف است. وی در فنون معموله ویژه در حکمت و فلسفه استادی ماهر است و این جانب بخشی از شرح منظومه را از حضورش استفاده کرده و همان اوقات یعنی دوم ذی‌حجه سال ۱۳۷۷ هجری این جانب را به اجازه روایتی مفتخر فرمود.

۱ صبح سه شنبه چهارم شوال سال ۱۳۸۳ وفات یافت و در صحن کهنه مدفون شد.

آثار ایشان از مطبوع و غیر مطبوع عبارتند از: انیس اللیل، ایقاضات الاصول، دستور تبلیغ، دعوة الحسینیه، شرح حدیث اهللبجه، شرح منازل السائرین، مقامات العارفین، مکیال الیقین، نفحات اللیل، هدیه السالکین. و هم اکنون در مشهد مقیم و به تألیف و ترویج مشغولند. حفظه الله و ابقاه.

### حاج میرزا محمد علی ادیب طهرانی

از اعلام مدرسین عصر حاضر بوده آئینه دانشوران می نویسد: سال ۱۳۰۲ هجری در طهران متولد شده و در بیست سالگی نزد آقا میرزا کوچک و آقا شیخ آقا بزرگ ساوجی به علوم ادبی پرداخته و قسمتی خدمت آقا شیخ عبدالحسین رشتی درس خوانده و در عراق و قم از محضر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده کرده و در قم از مدرسین معروف بوده و عده بسیاری از افاضل از محضر او استفاده می کردند. کتابی در صرف موسوم به صراف الصرف و تعلیقه بر مغنی نوشته [است].

نگارنده گوید: اخیراً در تهران ساکن و بر اثر کسالت انزوا اختیار کرده و برای عده ای از ارادتمندان بازاری خود جلسات خصوصی تشکیل داده و در مدرسه آقا محمود تهران، واقع در کوچه حاجی ها تدریس مغنی و مطول می نمود و این بنده که از ساکنین همان مدرسه بود به درسش حضور می یافت و در همان اوقات به تصحیح کتاب مفاتیح الجنان و حاشیه مشکینی بر کفایه و بعضی کتب دیگر مشغول بوده و بر اثر عنایتی که به این جانب داشت، بنده را در تصحیح حاشیه مزبور مفتخر فرمود و نیز همان زمان با ضعف و نقاهتی که داشت، تمام قرآن یا بیشتر قرآن را به خط خود به کفنش می نوشت که مورد تحسین بعضی از ارباب قلم واقع شده و نیز همان اوقات کتاب صراف الصرف مزبورش را عنایت فرموده و استنساخ نمودم.

معظم له در لیله عرفه قریب به اذان صبح سال ۱۳۶۷ هجری در سن ۶۵ سالگی در تهران وفات یافت و طبق وصیت خودش، جنازه اش را با حضور طلاب مدرسه مزبور، که از آن جمله این بنده بود، در منزلش غسل دادند و سپس با تجلیل فراوان به قم حمل کرده و در قبرستان نو، در یکی از حجرات مدفون ساختند. این بنده در تاریخش سروده:

ده و دو برافزا و تاریخ گو      نمرده ادیب آن عقیل خبیر

## محمدعلی نورعلی اصفهانی

از معاریف مشایخ طریقه نعمت‌اللهی و از اکابر اوائل قرن سیزدهم هجری بوده است. نیاکانش اصلاً طبسی بوده، لیکن خود در اصفهان متولد شده و از باریافتگان معصوم علی دکنی بوده و خود پس از این، بزرگ طریقه رضیه مزبوره گردیده و بر اثر زیبایی باطن و ظاهری که داشته، مردم بسیاری به او توجه می‌کرده و در هر شهری وارد می‌شده، مشار بالبنان و محسود اقران بوده تا آن که در موصل سال ۱۲۱۲ برای سومین بار مسموم و در جوار مرقد یونس مدفون شد.

آثار نظمی و نثری او بسیار، از آن جمله جنات الوصال است که دو جلد آن را این بنده استنساخ نموده.

## ابو محمد محمود دهدار

در جفر و اعداد و علوم غریبه ید طولانی داشته و کتب و رسائلی در این خصوص پرداخته و دستورات و قواعد گفته‌های او مورد توجه ارباب طلسمات و اعداد است.

از کتب او: جامع الفوائد، جواهر الاسرار، سجنجل الاسماء، کنز الرموز، رساله عربی و فارسی در جفر، مفتاح المغالیک و امثال اینها. از کتب او آنچه را بنده توفیق استنساخ یافته: کنز الرموز و رساله جفر و مفاتیح المغالیک اوست.

دهدار نیز در سرودن اشعار استاد بوده؛ چنانچه دستورات کنز الرموزش را با شعر بیان کرده و تخلّص «عیانی» می‌نموده، از اوست:

در راه طلب قدم نه بی‌جا ننهی  
دریاب عیانی که غلط پا ننهی  
بیدار که پا بزیر و بالا ننهی  
بیغوله بسی بزیر و بالا راه است  
و در دارالسلام شیراز مدفون است.<sup>۱</sup>

۱ در پایان از استاد ابوالفضل حافظیان بابل‌لی که علاوه بر استفاده و بهره‌گیری از کمک‌های متعدد فنی وی، این نوشته را قبل از انتشار خواننده و ضمن تصحیح کاستی‌ها، نکاتی را تذکر دادند، سپاسگزارم.

## دلنوشته‌های کاتبان (۲)

حسین وثیقی \*

### چکیده

کاتبان نسخه‌های خطی گاهی در پایان نسخه‌های خطی که کتابت می‌کردند نوشته‌هایی به نظم یا نثر، به زبان فارسی یا عربی می‌نوشتند. این دلنوشته‌ها مضامین مختلف داشت، مثلاً: مناجات با خداوند متعال، درخواست دعا از خوانندگان آن کتاب، مدح و تمجید از کتاب مربوط، پندها و نکات اخلاقی، ماده تاریخ کتابت، شکر الهی برای اتمام کتابت. نگارنده چهارده مورد اشعار عربی، شانزده مورد اشعار فارسی و یک مورد نثر مسجع عربی از نسخه‌های خطی مختلف آورده است.

### کلیدواژه‌ها

نسخه‌های خطی - کتابت: کاتبان - دلنوشته‌ها؛ دلنوشته‌های کاتبان - شعر عربی و فارسی.

در شماره (۸۸) مجله گرامی میراث شهاب، تعدادی از اشعار فارسی و عربی را که در انجامه کاتبان و آخر نسخه‌های خطی ثبت شده گزارش کردیم. اینک بهره دوم از این گونه اشعار عربی و فارسی به ارباب دانش و بینش تقدیم می‌شود. از دوست گرامی و دانشمند آقای ابوالفضل حافظیان بابلی که برخی موارد را تذکر دادند سپاسگزارم.

\* پژوهشگر حوزوی، صاحب موسوعة ذخائر الحرمین الشریفین درباره تاریخ و میراث علمی تشیع در مکه و مدینه، که تاکنون ۱۱ جلد آن منتشر شده است.

## اشعار عربی

۱. در نسخه خطی ۱۸۸ مدرسه نواب مشهد که حاوی اجوبة المسائل المهتائية و رسائل دیگر است (در فریم ۱۵۱) چنین آمده است:

غریب فقیر طالب حاجه  
فیا رب کُن عوناً لکلّ ضعیف

۲. در آخر نسخه خطی ۹۲۷۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که حاوی اجوبة المسائل المهتائية است، چنین آمده است:

أیا قارئاً خطی سلّ الله رحمةً  
لکاتبیه المدفون تحت الجنادل

۳. در آخر کتاب الخلاف شیخ طوسی نسخه خطی ۱۰۶ در کتابخانه امامزاده محمد هلال آران؛ و نیز در آخر التفسیر الوسیط واحدی نیشابوری در کتابخانه مجلس به شماره (۲/۲۷۶۸) چنین آمده است:

سَتَبْقَى خُطُوطِي فِي الدَفَاتِرِ بُرْهَةً  
وَأَنْمُلْتِي تَحْتَ التُّرَابِ رَمِيمٌ

۴. در آخر الصحيفة السجادية، با تاریخ کتابت ۹۹۳ ق، و به خط علی بن محمد بن أحمد بن ابراهیم العنبری، چنین آمده است:

یا داعياً فيها سألْتُكَ بِالْعَظِيمِ  
تَدْعُو لَهُ بِالْعَفْوِ مِنْ مَوْلَى كَرِيمِ  
وَتَمَّهَا كَاتِبُهَا فِي كَرْبَلَاءِ  
بِرَسْمِ نَسْلِ الْمُصْطَفَى النَّبَأِ الْعَظِيمِ

۵. در آخر مخطوطة ۲۶۸۸ کتابخانه عاطف افندی ترکیه که حاوی الإقناع مطرزی، با تاریخ کتابت سال ۷۱۱ ق است، چنین آمده است:

بِحَمْدِ اللَّهِ قَدْ تَمَّ الْكِتَابُ  
وَطَابَ النَّفْسُ كَاتِبُهُ الْمُثَابُ [؟]

سَيِّئِي بَعْدَهُ دَهْرًا طَوِيلًا  
وَيَبْلَى عَظْمَ سَاعِدِهِ التُّرَابُ

وأيضاً:

وَكَمْ مِنْ كِتَابٍ نَمَّقْتَهُ بَنَانِي  
سَيِّئِي، وَإِنِّي بَعْدَ ذَلِكَ فَانِي  
إِذَا مَا كَسَانِي اللَّهُ حُلَّةَ رَحْمَةٍ  
وَمَغْفِرَةٍ تَمْحُو الذُّنُوبَ كَفَانِي

۶. در آخر نسخه خطی شماره (۱۷) کتابخانه مسجد گوهرشاد که حاوی عقائد المتقین

است، کاتب چنین نوشته است:

الْخَطُّ بَاقٍ، وَالْعُمُرُ فَانِي  
الْعَبْدُ عَاصٍ، وَالرَّبُّ عَافِي

۷. بر روی نسخه عکسی شماره (۷۷۸) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که حاوی

نسخه‌ای کهن از کتاب تاریخ اربل تألیف ابن المستوفی است، به خطی مغایر با خط اصل

نسخه، چنین نوشته شده است:

يَا قَارِيًّا كِتَابِي  
أَبْكِي عَلَيَّ شَبَابِي  
بِالْأُمْسِ كُنْتُ مِثْلَكَ  
صَبَحْتُ فِي التُّرَابِ

۸. در آخر نسخه خطی مشرق الشمسین تألیف شیخ بهائی موجود در کتابخانه آیت الله

مرعشی نجفی به شماره (۲۲۲) که به خط احمد بن محمد الخاتونی، و با تاریخ ۱۴ ربیع

الأول سال ۱۰۲۹ ق است، این گونه آمده است:

رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَرَأَ خَطَّ كَفِّي  
وَدَعَا لِي بِالْعَفْوِ فِي يَوْمِ حَتْفِي  
نَفْسِي إِنْ يَكُونُ عَبْدًا مُطِيعًا  
يَسْتَجِيبُ الْإِلَهَ مِنْهُ فَيَعْفِي

۹. کتاب نصایح الملوك و آداب السلوك اثر شيخ ابوالحسن الشريف بن محمد طاهر فتونی عاملی اصفهانی (د ۱۱۳۸ ق)، ترجمه و شرح فارسی عهدنامه مالک اشتر است، نسخه ای از آن در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران با شماره (۱۵۱/۱)، فهرست ص ۲۱۸) به خط سید محمد باقر شهیر به سید هادی تفرشی، و با تاریخ فراغت روز دوشنبه، چهارم شوال از سال ۱۲۷۷ ق نگهداری می شود، در انتهای نسخه چنین آمده است:<sup>۱</sup>

يَلُوحُ الْخَطُّ فِي الْقِرْطَاسِ دَهْرًا  
وَكَاثِبُهُ رَمِيمٌ فِي التُّرَابِ  
خَرَجْتُ مِنَ التُّرَابِ بِغَيْرِ ذَنْبٍ  
رَجَعْتُ إِلَى التُّرَابِ مَعَ الذُّنُوبِ

۱۰. در آخر نسخه نهج البلاغه که تاریخ کتابت آن ۱۵ شعبان ۵۳۸ ق و به خط علی بن ابی القاسم بن علی است و سابقاً در کتابخانه ابو الکلام آزاد بوده، و اکنون در دانشگاه علیگره هند نگهداری می شود، به کاتب چنین نگاشته است:

[...] وَالْمَكْتُوبُ يَنْتَقِي  
زَمَانًا وَإِنْ فَنِيَتْ يَدَاهُ  
فَلَا تَكْتُبُ بِخَطِّكَ غَيْرَ شَيْءٍ  
يَسْرُكَ فِي الْقِيَامَةِ أَنْ تَرَاهُ

و در العقد الفريد چاپ دار الكتاب العربي بيروت، ج ۲ ص ۲۰۸ چنین آمده است:

وَمَا مِنْ كَاتِبٍ إِلَّا سَتَبَقَى  
كِتَابَتَهُ وَإِنْ فَنِيَتْ يَدَاهُ  
فَلَا تَكْتُبُ بِكَفِّكَ غَيْرَ شَيْءٍ  
يَسْرُكَ فِي الْقِيَامَةِ أَنْ تَرَاهُ

۱۱. در آخر مخطوطه ای از الرسالة الجعفرية محقق کرکی که در مکتبه الجوادین وابسته به حرم کاظمین علیهما السلام نگهداری می شود، چنین آمده:

۱ البته بیت اول در نسخه های مختلف آمده، لیکن بیت دوم را تاکنون فقط در پایان این نسخه دیده ام.



کتابٌ فِيهِ ما فِيهِ  
 لَطِيفٌ فِي مَعَانِيهِ  
 فَمَنْ لَمْ يَرِضْ ما فِيهِ  
 فَبُولُ الكَلْبِ فِي فـ[...]-هِ

۱۲. در آخر نسخه عکسی ۱۱۹۹ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که حاوی بستان  
 الفقیه تألیف ابوليث نصر بن محمد سمرقندی، با تاریخ ۷۹۵ ق است، چنین آمده است:

تَمَّ الكِتَابُ وَرَبُّنَا مَحْمُودٌ  
 وَلَهُ المِکْرَامُ وَالْعُلَى وَالْجُودُ  
 المَرْءُ بِالْعِلْمِ فِي الدَّارَيْنِ مُسْعُودٌ  
 وَالْخُلْدُ فِي الجَنَّةِ الْفَرْدُوسِ مَوْعُودٌ  
 الْعِلْمُ عِزٌّ وَأَهْلُ الْعِلْمِ مُحْتَرَمٌ  
 وَالْجَهْلُ ذُلٌّ وَأَهْلُ الْجَهْلِ مَطْرُودٌ

۱۳. در آخر نسخه ای کهن از کتاب احکام النساء تألیف شیخ مفید، در مجموعه خطی  
 شماره (۲۴۳) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، علم الهدی الحسنی الحسینی الرازی به  
 تاریخ ۵ جمادی الاول سال ۹۰۷ ق چنین نوشته است:

يا نائماً عَن حَرَکاتِ الفَلْکِ  
 أَيْقَظَكَ اللهُ فَمَا أَغْفَلَكَ  
 ما لَكَ لِلْغَیْرِ إِذا صُنَّتْهُ  
 فَكُلُّ ما أَنْفَقْتَ فَهُوَ لَكَ

۱۴. در پایان إرشاد الأذهان علامه حلی، نسخه شماره (۶۳۳۸) در مرکز إحياء میراث  
 اسلامی قم، به خط محمد علی بن میرحاجی حسین بیابانکی، با تاریخ پنجشنبه ۱۱ ذی  
 القعدة سال ۱۰۷۷ ق چنین نوشته شده است:

الْخَطُّ يَبْقَى زَماناً بَعْدَ كاتِبِهِ  
 وَيَدْرُسُ عَظْمُ كاتِبِهِ فِي التُّرابِ

## اشعار فارسی

۱۵. در آخر نسخه خطی شماره (۲۳۲) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که حاوی فتح العزیز تألیف رافعی قزوینی شافعی، و به خط حسین بن علی بابا بن محمد شیرازی، و به تاریخ اواخر ربیع الأول سال ۷۰۶ ق است، این دو بیت آمده:

روزی که نه ساکن و نه شیون ماند  
نه دست و قلم، نه روح در تن ماند  
با خاطر دوستان دهد یاد مرا  
خطی که به یادگار از من ماند

۱۶. در آخر نسخه خطی شماره (۲۸۰) در کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی که حاوی روضة الأحباب دشتکی و با تاریخ اواخر رجب سال ۹۹۴ ه ق و به خط حسین بن محمد انصاری هروی است، چنین آمده:

فردا که هر کسی به شفيعی زنند دست  
دست منست و دامن اولاد مصطفی

۱۷. در آخر نسخه خطی شماره (۳۳) از کتابخانه مسجد گوهرشاد، که حاوی ریاض الأخران فی شرح رزایا أمناء الدیان است و در سال ۱۲۰۵ ق کتابت شده، کاتب چنین نوشته است:

گر بر هم زده بینی خط من عیب مکن  
که مرا گردش ایام به هم بر زده است

۱۸. در آخر نسخه خطی شماره (۷۵۹) از کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد مقدس، که حاوی تنویر المطالع است چنین نوشته است:

خط بر ورق دهر بماند صد سال  
بیچاره نویسنده که بر خاک رود

۱۹. در آخر نسخه ای از قرن ۱۳ ق که حاوی شواهد سیوطی اردبیلی، و در مکتبه آیه الله مرعشی نجفی است، چنین آمده است:

دلم گرفته به حدی که میل باغ ندارم  
به قدر آنکه گلی بو کنم، دماغ ندارم

۲۰. ابیات زیر اثر طبع ملا صدرالدین خواجه، به عنوان تاریخ طبع قرآن مجید که در سال ۱۳۲۷ ق در سمرقند انجام شده، و نسخه‌ای از آن در گنجینه قرآن‌های چاپی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام به شماره (۹۹) نگهداری می‌شود، آمده است:

شکر لِّله که ملت اسلام  
باز در قصر علم بانی شد  
بهر نشر علوم از هر کس  
بذل مالّی جهد جانی شد  
به سمرقند طبع بارِ نُخست  
نظم قرآن چنانکه دانی شد  
باز شد طبع چون ز لطف اله  
یارمندی و مهربانی شد  
گر چه کاتب یکی است، هر کس گفت:  
بهترین نقش نقش ثانی شد  
حُسن خطّش بدان مثابه رسید  
که توان گفت لعل کانی شد  
بهر تاریخ طبع (عینی) گفت:  
«بسمرقند چاپ ثانی شد» (۱۳۲۷)

۲۱. در آخر قرآنی خطّی که در تاریخ ۱۰ صفر سال ۱۳۳۶ ق، محمد مهدی بن محمد تقی اصفهانی از کتابت آن فراغت یافته، چنین نوشته است:

إِنَّ آثَارَنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا  
فَانظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْآثَارِ  
رحمت حق بذات با شرفش  
که نماید برایم استغفار



البته بیت اول آن مشهور و معروف است و در موارد و مواضع گوناگون نوشته می شده است.  
۲۲. در آخر رقعات امان الله حسینی در کتابخانه دار المصنّفین علامه شبلی نعمانی،  
در اعظم گره هند، با شماره ردیف (۴۶۹)، به شماره نسخه (۸۰۰/۴۹۳/۲۷)، شماره ثبت  
(۳۱۳۲۶)، به خط لعل خان بن فتح خان، در سال ۱۲۴۵ ق چنین آمده است:

الهی بیامرز این هر سه را  
مصنّف، نویسنده، خواننده را

۲۳. در آخر مصابیح القلوب شیعی سبزواری در کتابخانه مرکزی تبریز (به شماره ردیف  
۱۲۸۰ و شماره دفتر ۳۱۹۷) به خط حیدر بن عبدالحمید قاینی در تاریخ ۹۶۱ ق چنین آمده  
است:

روزی که ز من به جز خراش قلمی  
بر صفحه ایام نمائد رقمی  
این بس که کند یاد من نامه سیاه  
روزی به دعای خیر صاحب کرمی

۲۴. در آخر نسخه ۹۹ از بنیاد فارس شناسی که بعداً به مرکز اسناد و کتابخانه ملی شیراز  
منتقل گشته و حاوی نجوم الفرقان فی الکشف عن آیات القرآن، تألیف میرزا مصطفی افغان  
بن محمد سعید کاسی است و در سنه ۱۲۵۷ ق توسط عبدالباقی بن آخوند ملا محمد باقر  
کتابت شده، اینطور نوشته شده است:

گر خط مشوش است و پریشان چو زلف  
بار عیش مکن که در شب هجران نوشته ام

۲۵. در آخر مصباح السالکین تألیف ابن میثم بحرانی نسخه شماره (۴) بنیاد فارس  
شناسی، که به کتابخانه و مرکز اسناد ملی شیراز منتقل شده، این سه بیت آمده است:

۱ فهرست نسخه‌های کتابخانه مرکزی تبریز، تألیف: میر ودود سید یونسی، ویرایش هادی هاشمیان،  
تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۱۲۵۵.  
۲ فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس شناسی، تألیف: محمد برکت، شیراز، بنیاد فارس شناسی،  
۱۳۸۴ ش، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.

بماند این کتاب ایام بسیار  
ز ما هر ذره خاک افتاده جانی  
غرض نقشی است کز ما باز ماند  
که هستی را نمی‌بینم بقائی  
مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت  
کند بر حال این مسکین دعائی

دو بیت اخیر با اندکی تغییر، در نوشته‌ها و به مناسبت‌های مختلف متداول و مشهور است، اما به ضمیمه بیت اول و به این صورت در جای دیگر ندیده‌ام. یادآوری می‌شود این نسخه را محمد بن صفی بن نعمه الله حسینی بهبهانی در سنه ۹۹۰ ق کتابت کرده است.<sup>۱</sup> در کتاب علمای گمنام، تألیف حاج آقا مجتبی محمدی عراقی، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، ص ۱۰۰ در معرفی نسخه‌ای از آداب المتعلمین که در سال ۱۲۷۱ ق کتابت شده، دو بیت اول از سه بیت مذکور را آورده، و مصراع اول را اینطور نقل کرده: «بماند سال‌ها این نظم و ترتیب».

۲۶. در پایان إرشاد الأذهان علامه حلّی، که با شماره (۶۳۳۸) در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود، به خط محمد علی بن میر حاجی حسین بیابانکی، و با تاریخ پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة سال ۱۰۷۷ ق است، چنین آمده است:  
به یادگار نوشتم خطی که ایامی  
به این بهانه عزیزان کنند از ما یاد

۲۷. در آخر أحكام النساء تألیف شیخ مفید، نسخه خطی کهن در مجموعه شماره (۲۴۳) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، علم الهدی الحسنی الحسینی الرازی به تاریخ ۵ جمادی الأول سال ۹۰۷ چنین نوشته است:  
شب بر آمد تا به کی اندیشه ماهی کنیم  
صبح سر زد يك زمان استغفر اللّهی کنیم

۱ همان، ص ۱۴-۱۷.

جواب لکاتبه:

زاهدا کم گو بیا ذکر سحرگاهی کنیم  
رو که می‌سوزی اگر از درد دل آهی کنیم

۲۸. در پایان نسخه خطی شماره (۱/۱۳۲۶۳) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی که حاوی  
مثنوی معنوی است، چنین آمده است:

آغاز مقابله به انجام رسید  
جان را چه خرابها [؟] کزین جام رسید  
پیش از اجل ای صدر أجل شرح ازل  
المنّة لله که به اتمام رسید

۲۹. در آخر بحر اللالی، ج ۴، که با شماره (۶) در بنیاد فارس شناسی شیراز نگهداری  
می‌شود، مؤلف آن حاج علی اکبر نواب شیرازی (وفات ۱۲۶۳ ق) چنین نوشته:

خداوند محمود را حمد بی حد  
که از فضلش این نامه آمد مجلد  
مرا راه بنمای سوی هدایت  
نگه دارم از مکر ابلیس مرتد  
بود تا که خوانند طفلان به مکتب  
ز بعد حروف الف بی تی ابجد  
زبانم به ذکر تو پیوسته گویا  
به غیر از رضایت رهم باد مند

مصراع آخر هموار نیست.

۳۰. کاتب نسخه بالا محمد بن ملا علی اکبر، در تاریخ ۱۷ شوال سال ۱۲۶۰ ق چنین

گوید:

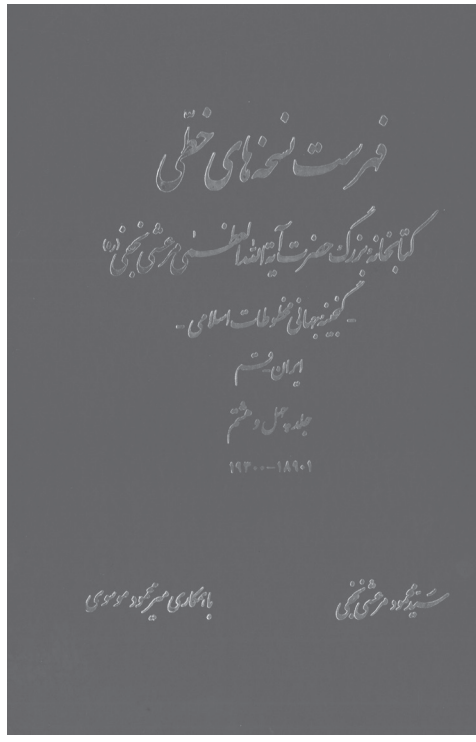
بعون قادر وهّاب و همّت نواب  
هزار شکر که شد ختم این خجسته کتاب  
محیط دانش و افضال حضرت بسمل

که هست پیش روی او محیط محض سراب  
 سحاب همت دریا نوال بیضا رای  
 بهشت خلق ملک سیرت سپهر جناب  
 بمن که ریزه خور سفره عطای ویم  
 بکار نامه نگاری از او رسید خطاب  
 بحکم محکم او سر نهادمی چابک  
 بامر نافذ او بستمی میان بشتاب  
 نخست خامه شوریده کرد آن را ثبت  
 از آن سپس که مؤلف نمود ختم کتاب  
 امیدوار ز خوانندگان بود همه آنک  
 کنند یاد چو بسمل ورا بخیر و ثواب

۳۱. در پایان این مقال، يك متن منشور تقدیم می‌شود که در پایان نسخه خطی روضة الأبرار که ترجمه فارسی نهج البلاغه است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره (۲۳۹) فیروز) نگهداری می‌شود، کاتب عبدالرشید بن نورالدین شوشتری است که به تاریخ جمعه ۲۵ ذی القعدة سال ۱۰۷۴ ق آن را نگاشته است:  
 آخر الأجزاء وبه تَمَّتْ، وَالْعَطِيَّةُ عَمَّتْ، وَالْحِكْمَةُ الْخَفِيَّةُ نَمَّتْ، وَعَظَمَتْهُ تَعَالَى جَلَّتْ،  
 وَالْأَلْسُنُ عَنِ الْوُصْفِ كَلَّتْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ.

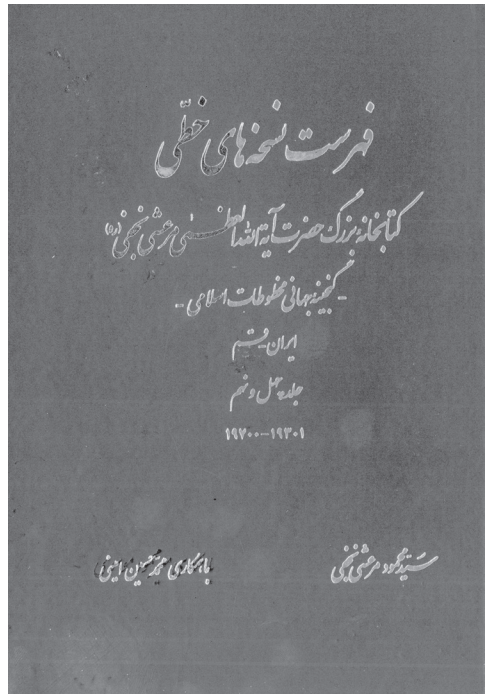
۱ فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس شناسی، تالیف: محمد برکت، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۰ - ۲۱.





فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ  
 آیت الله العظمی مرعشی نجفی - جلد ۴۹

منتشر شد:



منتشر شد:  
 فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ  
 آیت الله العظمی مرعشی نجفی - جلد ۴۹



## تخریب بافت تاریخی قم از پهلوی ها تا روزگار ما

سید محسن محسنی \*

### چکیده

نگارنده بر آن است که ترکیب پیوسته دوران اسلامی شهر قم در زمان پهلوی دچار تعویض یا تخریب و در نتیجه پارگی و گسیختگی شد. به عنوان مقدمه این نوظللی را که در زمان قاجار به عنوان نوآوری مطرح شد توضیح می دهد و این تحولات پیشروانه را که در چند مرحله انجام شد با مستندات بیان می دارد، که شامل احداث اماکن رفاهی و جاده ها و بازارها بود.

نگارنده ده محله قدیمی قم را به تفصیل می شناساند که اکنون از آنها فقط نامی برجای مانده و تبدیل آنها به خیابانهای جدید را با تطبیق بر محله های قدیم نشان می دهد. تخریب بافت قدیم در دوره پهلوی را، بر اساس اسناد دولتی، گزارش های جهانگردان، تاریخ شفاهی و خاطرات کهنسالان، تصاویر و نقشه های موجود و دیگر مستندات، توضیح می دهد. آنگاه به برخی از این برنامه های توسعه انتقاد می کند.

### کلیدواژه ها

تاریخ قم - دوره پهلوی؛ تاریخ قم - دوره قاجار؛ قم - مراکز رفاهی و جاده ها؛ قم - تاریخ قدیم؛ تاریخ قم - اسناد و گزارش ها.

\* سندپژوه و پژوهشگر در زمینه قم شناسی.

## مقدمه / پیشانه

در شماره پیش مجله گرانسنگ میراث شهاب در گفتاری با عنوان «میدان نو از دیرینه زمان تا این دوران»، روند تشکیل شهر قم را از ابتدا تا پایان دوران قاجار، بر مبنای متون و اسناد تاریخی و مشاهدات میدانی بررسی و تحلیل کردیم. در آن نوشتار دیدیم که دیه های پراکنده باستانی در منطقه قم، بعد از دفن حضرت معصومه (ع) در شرق رودخانه، در محور شرق به سوی غرب، پیوسته می شوند. نقطه شروع این پیوستگی را محله رضاییه و نقطه پایانی را دروازه معصومه بر لب پل علیخانی و در واقع بر لب رودخانه گلفشان / اناربار / لعل رود دانستیم. در آن سوی رود نیز در اواسط دوران قاجار چندین بنای عمومی و یک سکونتگاه محله ای (محله محمودیه) شناسایی کردیم. لیکن تا اواسط دوران پهلوی اول که سیل سهمگین ۱۳۱۳ش اتفاق افتاد و مرحوم آیت الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم، گروهی از جمعیت سیل زدگان را در آنجا اسکان داد، شهر به شکل جدی بدان سو یعنی غرب رودخانه پیش نرفت. از همین رو در تقسیمات محله ای که در متن های قاجاری می بینم، قم به ده محله اصلی تقسیم و معرفی می شود، ده محله ای که همگی در شرق رودخانه و در واقع در شرق شهر استقرار یافته اند. گویی آنچه از مردمان شهر در غرب سکونت داشته اند، چندان نبوده اند یا چندان اهمیتی نداشته اند که در تقسیمات محله ای در آن دوران بگنجد. هرچند در متن های پسینی، یکی از محلات دیگر شهر در این سو یعنی در طرف غرب شهر و در واقع غرب رودخانه با عنوان های «ابرقو» یا «شهر نو» معرفی شد. نگارنده در این گفتار نیز، از هم گسیختن شهر پیوسته دوران اسلامی را بر اساس متن های متأخر و روایات کهن سالان و عکس های هوایی و مشاهدات میدانی که از دوران پهلوی تا روزگار ما ادامه یافت، را بررسی و بیان می کند.

به عبارت دیگر آنچه تا پایان قاجار، در شرق قم به هم پیوسته میگرد و شکل می گیرد- و ما آن را در مبحث میدان نو تعریف کردیم - از زمان پهلوی ها تا دوران ما، دچار پاره گی های متعددی می شود. نوشته حاضر در واقع این پاره گی ها و گسیختن ها را تعریف می کند. البته اندکی انحراف در خصوص خیابان کشی های غرب شهر خواهیم داشت. این از هم گسیختگی ها می تواند زیر عنوان های «تجدد آمرانه» یا «نوسازی شهر» یا «توسعه شهر» یا

«تخریب بافت تاریخی» یا هر عبارت دیگری، برحسب ذوق یا دیدگاه و علایق پژوهشگر نام یابد. نگارنده عنوان «تخریب بافت تاریخی قم» را ترجیح می دهد. چه آن گونه که دریافت، طراحان و اقدام کنندگان گسیختن بافت کهن، هیچگونه درکی از سابقه تاریخی امر نداشتند. اینکه برشهای ایجاد شده که بیشتر به صورت خیابان خود را نمایاند، اجتناب ناپذیر بوده است یا خیر؟ نیاز به پژوهشی جدا و جدی دارد. نویسنده این سطور بدون این که با تحول یا مدرن سازی مخالفت کلی داشته باشد، بر مبنای دیدگاه و علاقه اش، دوست می دارد یا می داشت که این بافت ایکاش هیچگاه شکافته نمی شد. و البته آنچه امروز توسعه می گویم در جای دیگری اتفاق می افتاد. آرزوی نویسنده وجود دو شهر مدرن و کهن به شکل مسالمت آمیز و دلپذیر در کنار هم بود. نه آن که بعضا معجونی از کهنگی و فرسودگی و بهم ریختگی و باستان بودگی / تاریخ بودگی و نوشدگی و مدرن سازی به صورت ناهماهنگ و چشم آزار در پیش رو دیده شود. هر چند نوشته ای که مدعی تحقیقاتی بودن است جای بیان آرزو و احساسات نیست و باز البته نگارنده در این آرزو تنها نیست. یکی از قمی های قدیمی و فاضل که در دوران پهلوی به عنوان دیپلمات در دوران پهلوی تا مقام سفارت در چند کشور خارجی خدمت کرده بود، افسوس خود را از تخریب محله زادگاهش که با نام عاریتی «پنج تن» (نام واقعی گویا پنجعلی) از آن نام می برد، چنین بیان می کند.<sup>۱</sup>

«محله پنج تن را سالها پیش برای احداث یک خیابانی زشت و بی قواره ویران کردند، آن مسجد رو با انگیز روحانی، آن سقاخانه با تکیه پربرکتش، آن گذرگاههای پررفت و آمد با عطر نانوائی ها و خوراکیهای رنگین، دکان استاد اسماعیل، کارگاه استاد جعفر آهنگر، قهوه خانه آسید جلال، همه تبدیل به آوار شد و روی هم فروریخت و به جای تمام آنها یک خیابان بی هویت مثل همه خیابان هایی که در بیشتر شهرهای ایران احداث کرده اند، یعنی دو ردیف دکان با درهای کرکره ای و چند لامپ نئون جای آنها را گرفت. این هم از دردهای بیدرمان ما ایرانی هاست که نه نوآور، بلکه نوظلب شده ایم، آن هم نوظلبی بی هدف و بی آرمان، همه چیز را خراب می کنیم تا نوسازی کنیم، ولی ای کاش به جای بسیاری از این نوسازیهها

۱ شورآباد در عنوان کتاب نام مستعار شهر قم است





کردن گنبد حضرت معصومه (ع) - هر چند نگارنده شاهدی بر طلایی شدن گنبد پیش از این دیده است - و هم چنین بازسازی مدرسه فیضیه و دارالشفای قم. او به همین جهت مقبره‌ای هم در حرم برای دفن خود ترتیب داد و پس از مرگ در همان جا به خاک رفت. سنگ قبر عظیم و هنری او هم - که کنون در موزه آستانه نگهداری می‌شود - مشهور تر از آن است که در باره آن بنخواهد صحبتی شود.

دیگری در زمان ناصرالدین شاه، که میرزا ابراهیم خان امین السلطان و پس از وی پسرش صدراعظم کوتاه قامت و مقتدر بعدی یعنی میرزا علی اصغر خان امین السلطان که به دلیل علایق دینی و ملکی و دفن مادرش در حرم مطهر، اقدامات بسیار گسترده‌ای در شهر قم و پیرامون آن کرد که شرح و بررسی آن به چند تحقیق مستقل نیاز دارد. ملا عباسعلی کیوان قزوینی می‌گوید او یک صدتن از نامی‌ترین هنرمندان کشور را به همین منظور با خود همراه داشت که استاد حسن معمار قمی یکی از برجسته‌ترین هنرمندان هزاره اخیر ایران از آن زمره است.<sup>۱</sup> موجز اقدامات او چنین است:

۱. احداث جاده‌ای جدید و شوسه و کالسکه رو از تهران تا قم، که از کنار املاک او می‌گذشت. البته انتقاداتی به او وارد شده که جاده کهن ری - قم را که هفت فرسخ نزدیک‌تر بود عمداً به آب بست، تا مسافران از این راه جدید عبور کنند و املاک وی بها و رونق گیرد؛ جاده‌ای که تا امروز نیز از آن استفاده می‌شود. (جاده قدیم قم - تهران)
۲. ایجاد اماکن رفاهی و مهمانسراهای متعدد در بین راه به سبک اروپا. چه او به همراه شاه اینگونه مکان‌ها را در اروپا دیده بود و آرزومند گردید که آنها را در ایران نیز اجرایی کند. حتی وی به آسیای شرقی از جمله ژاپن هم سفر کرده و بی‌شک این سفرها بر او تأثیر گذاشته بود.
۳. ساخت نخستین مهمانخانه مدرن قم، باز هم به سبک اروپا یا به تعبیر امروز احداث اولین هتل پرستاره یا ستاره دار قم به نام «مهمانخانه مهندسیه» و گویا بعد از مهمانخانه قزوین دومین مهمانخانه مدرن ایران بوده است.
۴. نقش بسیار مؤثر در احداث و تکمیل بازار نو یا بازار بزرگ قم و به عبارت بهتر تکمیل توسعه شرقی - غربی شهر که از دوره اسلامی در شهر قم آغاز شده بود، به سمت حرم مطهر.

۱ قم دیروز و امروز، ۱۸۲





از اقدامات صدرالممالک اردبیلی در دوران محمد شاه قاجار که او هم شیفته قم و حرم حضرت معصومه (ع) بود در این گفتار یاد نشد؛ چه اقدامات او، در خارج شهر آن زمان صورت گرفت. هر چند به دلیل مغضوب واقع شدن و سپس مرگش توانست آنگونه که طراحی کرده بود، این اقدامات را به فرجام برساند. جویندگان را به مقاله «صدرالممالک اردبیلی و موقوفه نصرت آباد قم» با عنوان فرعی قلعه صدوری<sup>۱</sup> چاپ شده در بزرگداشتنامه دکتر محمود مرعشی به نام مرزبان فرهنگ از همین قلم دلالت می‌نماید.

### ده محله تاریخی در شرق قم

پیش از ورود به تخریب بافت کهن یا آن چیزی که عمران و توسعه نام گرفت، به بیان ده محله تاریخی که در شرق قم، شهر اسلامی را تشکیل میداد، می‌پردازیم. این ده محله را «مفلس قمی»، از نویسندگان اواخر قاجار و اوائل پهلوی شرح داده است. او ابتدا چنین می‌گوید: «مخفی نماند که دور باره شهر قم - که آبادی در وسط اوست - قریب دو فرسخ شرع است، که هر فرسخی دوازده هزار ارش است و این ولایت را ده محله است». <sup>۲</sup> او سپس ده محله را به این شرح برمی‌شمارد:

#### ۱- محله آستانه

«محله اول آستانه است. بقعه طاهره جناب فاطمه معصومه (ع) در قبرستان بزرگ، جنب صحن مطهر و خیابان بالا که ابتدای او دروازه خاکفرج و انتهای او دارالشفاست و خیابان پایین که ابتدای او درب مسجد امام و انتهای او آب انبار حاجی سید محمد عرب و کوچه حرم که ابتدای او صحن جدید امین السلطان و انتهای او کوچه ارک و محوطه کوچه ارک و خانه هایی که در طرف مغرب قبرستان بزرگ واقع است، از خانه های صدراعظم و بازارچه سلام گاه و خانه های جناب متولی باشی، کلا از این محله آستانه محسوب می‌شود»<sup>۳</sup>

این محله و دروازه خاکفرج بنا به شرحی که سپس می‌آید، طی طرحهایی که در زمان رضاشاه اعمال شد، تقریباً موجودیت و محلّیت خود را از دست داد، به گونه ای که کهن

۱ پیوند تاریخی اردبیل - قم.

۲ تحفة الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳ همان، ج ۲، ص ۳۴۸.



سالان کنونی محدوده تعریف شده فوق را به عنوان محله شناسایی نمی کنند. پاره ای از مواضع بالا در زمان های بعد تخریب شد از جمله مدرسه دارالشفا و خیابان بالا و آب انبار سید عرب که در زمان ما تخریب گشت. از ظاهر عبارت مفلس این گونه برمی آید که خانه های صدراعظم (منظور امین السلطان بعدی که خانه اش در شرق قبرستان و مقابل حرم و جنب مطب شفاء الدوله بوده است) و متولی باشی (محل فعلی مدرسه آیت الله گلپایگانی و کوچه پشت آن مجاور مقبره علی بن بابویه) در غرب قبرستان بزرگ (میدان آستانه) کنونی بوده است، حال این که در شرق قبرستان بوده اند.

### ۲- محله عشق علی

«محله دوم، عشق علی است. ابتدای او یخچال قاضی است و انتهای او مدرسه لک ها. کوچه باغ قاضی و کوچه سنگ تراش ها و کوچه درویش ها و کوچه لب چال و حمام گلشن و کاروانسرای بزازها که در بازار عتیق واقع است و کوچه ترقی ها تا محله چاله عربستان، داخل این محله است»<sup>۱</sup>

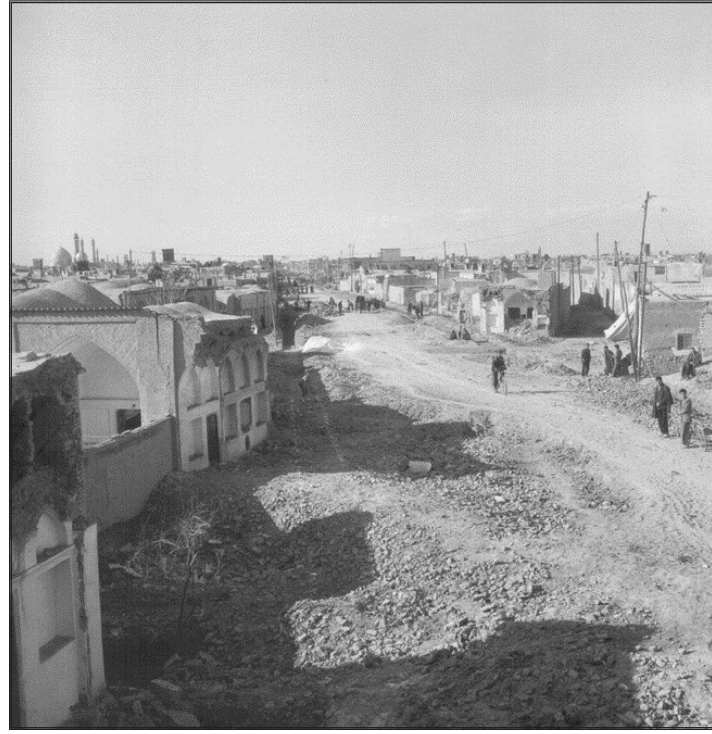
این محله کما اینکه خواهیم دید طی احداث خیابان های آذر و چهارمردان بعدها دچار گسیختگی شد و پاره ای از مناطق آن از جمله لب چال و یخچال قاضی (محل بیت رهبر فقید انقلاب اسلامی) و عربستان که در این تقسیم بندی به عنوان محله کلی شناخته نیستند، خود محله مستقلی شدند. کوچه های باغ قاضی و سنگ تراش ها و درویش ها برای نگارنده مشخص نیست. کاروانسرای بزازها همانی است که در مجاور بازار کهنه و خیابان ۵۵ متری عمار یاسر قرار داشت - و برادران تکیه ای در کنار ورودی آن مغازه پالان دوزی داشتند - و در هنگام احداث این خیابان تخریب شد.

### ۳- محله الوندیه

«محله سوم، محله الوندیه است. ابتدای او آب انبار حاجی ملا محمد کزازی است. انتهای او کوچه لب چال و حمام گلشن. کوچه میدان میر و محراب حضرت معصومه (س) که در

۱ همان، ج ۲، ۳۴۷-۳۴۸.





تخریب بافت تاریخی جهت احداث خیابان  
چهارمردان (کتاب در حریم حرم، ص ۹۰)

تخریب خیابان بالا (کتاب در حریم حرم،  
ص ۱۹۴)





طالار و مسجد امام زین العابدین (ع) و مدرسه مؤمنیه و گذر سفیداب داخل این محله است»<sup>۱</sup>

این محله اواخر دهه سی و اوائل دهه چهل در هنگام احداث خیابان چهارمردان دچار گسیختگی شد.

#### ۷- محله موسویان

«محله هفتم، محله موسویان است. ابتدای او گذر سنگ سیاه و انتهای او دروازه ری و باره شهر است. کوچه سنگ سیاه و گذر تقی بیگ و کوچه پای درخت پیر و بقعه موسای مبرقع و چهل اختران و کوچه دولت خانه و کوچه رضا آباد داخل این محله است»<sup>۲</sup>

این محل هم اکنون به نام محله چهل اختران معروف است. خیابان آذر نیز این محل را دچار گسیختگی ساخته است. اخیراً در طرح موسوم به حرم تا حرم، بین بقعه موسی مبرقع و سید سربخش قسمتی دیگر از این محله تخریب شده است.

#### ۸- محله مسجد جامع

«محله هشتم، محله مسجد جامع است. ابتدای او میدان کهنه، وسط شهر و انتهای او دروازه ری است. بازار کهنه و گذر لاجین بیگ و مسجد جامع و مدرسه چانیخان [مشهور جانی خان] داخل این محله است»<sup>۳</sup>

ظاهراً «وسط شهر» همین محله لب چال فعلی است. در این صورت احداث خیابان آذر این قسمت را از محله مزبور جدا کرده است.

#### ۹- محله باغ پنبه

«محله نهم، محله باغ پنبه است. ابتدای او چاله خروس و باجک است و انتهای او باغ شاه»<sup>۴</sup>

این محله تقریباً کلیت خود را حفظ کرده است. کوچه چاله خروس، کوچه شماره یک

۱ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۲ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۳ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۴ همان، ج ۲، ۳۴۹.



باجک است و باغ شاه تقریباً در خیابان عمار یاسر افتاده است. ابتدا قرار بود که خیابانی موسوم به خیابان استاد فقیهی، در قسمت کوچه این محله و محله عربستان بالا و پایین را بشکافد و خیابانی بین خیابان باجک و ۵۵ متری عمار یاسر ایجاد کند. سپس در پی درخواست اهالی محله باغ پنبه این طرح منتفی شد. اخیراً شنیده می‌شود علیرغم منتفی شدن طرح، شهرداری همچنان به خرید اراضی برای اجرای طرح ادامه می‌دهد.

#### ۱۰- محله اسحاقیه

«محله دهم، محله اسحاقیه است. ابتدای او دروازه خاکفرج است. انتهای او چال خروس باجک است. گذر کولی خان و بازار مسگرها و حمام چال و کوچه‌چوب پاها داخل این محله است»<sup>۱</sup> این محله در دوران رضا شاه تقریباً از بین رفت. به گونه‌ای که کهن سالان قدیمی این محله را به یاد نمی‌آورند، یا حداقل در بین آنها نام این محله متداول نیست. خرابی این محله در توضیحات بعد ذکر می‌شود.

#### اولین خیابان های قم

در اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی، قم تنها چهار معبر به نام خیابان داشت. نخستین خیابان از کنار دروازه ورودی شهر به نام‌های درب معصومه / خاکفرج / تهران / ساوه / و گویا عراق (همه دلالت بر یک دروازه دارند) شروع می‌شد و تا مدرسه دارالشفاء به صورت شمالی - جنوبی ادامه می‌یافت. این خیابان ابتدا به نام «خیابان بالا» نامیده می‌شد و سپس «حضرتی» نام گرفت. یکی از کهن سالان می‌گوید در سال ۱۳۱۷ نام پهلوی هم روی آن گذاشتند، ولی نگرفت و جا نیفتاد.<sup>۲</sup> این خیابان در روزگار ما - تقریباً دهه هفتاد - از بین رفت. ذکر این خیابان در تعدادی از سفرنامه‌های قدیم آمده است.<sup>۳</sup>

خیابان بعدی از مقابل درب شرقی مسجد امام شروع می‌شد و تا آب انبار سید عرب به صورت غربی - شرقی ادامه می‌یافت. به عبارت دیگر محل وقوع آن در ضلع شمالی قبرستان

۱ همان، ج ۲، ۳۴۹.

۲ گفته حاج سید علی اکبر سبحانی متولد ۱۳۰۸ ش.

۳ علی آباد نامه، ۲۷۳.

کهن بابلان بود. این خیابان به نام «خیابان پایین» موسوم بود و همانی است که بعداً «کوچه ننه عباس» و «کوچه آب انبار سید عرب» نام گرفت و هنوز قسمتی از آن بازمانده است. سابق تر به این قسمت به اعتبار قبرستان بزرگ بابلان، «سرقبرستان» به لهجه قمی sar-qabrassun می گفتند.<sup>۱</sup>

خیابان بعدی «خیابان حاج عسکرخان» در خیابان آذر فعلی قرار داشت، و این همانی است که قمی ها کوچه آقا سید حسن (به قمی آستسن / astasan) می گویند و هنوز باقی است و هنوز کاشی حاج عسکرخان هم از زمان قاجار در ورودی آن نصب است. خیابان چهارم، خیابانی است موسوم به «چراغ برق» که فعلاً نیز هست و از جلو شیخان تا انتهای خیابان حضرتی امتداد دارد. علت این که به آن خیابان چراغ برق گفته اند، این است که احمد شاه قاجار یک کارخانه کوچک برق برای آستانه مقدس حضرت معصومه (ع) هدیه کرد که در این خیابان نصب شد.<sup>۲</sup> این خیابان گویا در زمان احمد شاه احداث شد. در دوران متأخر به آن خیابان دارالشفاء می گفتند.<sup>۳</sup> در نقشه ای که موسسه سحاب به تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۹ از قم کشیده، این خیابان را با نام خیابان حضرتی معرفی کرده و این خطا است و خیابان مجاور و عمود بر آن به نام اخیر موسوم بود.

### تخریب بافت تاریخی در روزگار پهلوی اول

اولین تخریب در بافت تاریخی قم در زمان رضا شاه اتفاق افتاد. روایات شفاهی در این باره بسیار است و هر چند با هم اختلاف دارد، ولی باید به عنوان تاریخ شفاهی گردآوری شود. صحت و سقم آنها را اسناد و مدارک دیگر تعیین می کند. اما قدر مطلق آن این است که رضا شاه در سفری به اصفهان از راه قم، دچار حادثه می شود یا از وضع موجود آزرده می شود، به حاکم یا فرماندار وقت دستور می دهد که تا برگشتن او خیابان های لازم در اطراف حرم مطهر مطهر گشاده شود.<sup>۴</sup>

۱ در تداول پدر و مرحومان عمو های نگارنده و کهن سالان قمی

۲ قم دیروز و امروز، ۵۷-۵۸.

۳ کتابفروشی (یاد نمای بابک افشار)، ۵۷۳ و اظهار حاج سید آسدالله محسنی.

۴ روایت جناب ابوالحسن گرامی و عده ای دیگر.



با تمام این روایت‌ها، ما هنوز به صورت مستند و دقیق، گزارشی از اقدامات پهلوی اول و ما بعد را که به عنوان عمران و آبادی صورت گرفت - ولی در عمل منجر به تخریب قسمتی از بافت تاریخی شد - در دست نداریم. گزارش نگارنده تا اندازه‌ای می‌خواهد این خلاء را پر کند. رضا شاه صرف نظر از جنبه استبدادی و خودکامگی‌اش، واجد اندیشه‌های نوخواهی و به روز شدن بود؛ خاصه که تنها سفر خارجی او به ترکیه، این خصویت را تقویت کرد. بنابراین اقدامات او در قم را باید با توجه به این دیدگاه ارزیابی کرد.

### قبرستان بزرگ / کهن / بابلان

در سال ۲۰۱ ق که حضرت فاطمه معصومه (ع) به قم تشریف فرما شدند، پس از هفده روز اقامت در سرای میزبان خود، موسی بن خزرج اشعری، در محل میدان میر کنونی، که به «ستیه» مشهور است، بر اثر بیماری در می‌گذرد و در بیرون شهر آن روزگار، در باغ میزبان خود، موسوم به باغ بابلان و در کنار رودخانه به خاک سپرده می‌شود. به تدریج شماری از فرزندان و احفاد امامان (ع)، در پیرامون خاک جای آن حضرت دفن می‌شوند. حتی پس از شکل‌گیری حرم مطهر، در بیرون آن نیز بسیاری از روات و محدثان و بزرگان و دیگران به خاک سپرده می‌شوند. این رسم تا روزگار ما - یعنی تا اواخر دههٔ چهل و اوایل دههٔ پنجاه در صحن بزرگ و ندرتا تا حال در شیخان - نیز ادامه می‌یابد.

### زمان و مکان نخستین تخریب

در دوران پهلوی اول مهم‌ترین و ظاهراً نخستین تخریبی که از آن یاد می‌شود، خرابی همین قبرستان است. تعدادی از عالمان شیعه از این تخریب - از جمله شیخ محمد تقی بهلول در خاطرات خود - انتقاد کرده‌اند. این قبرستان همانی است که بازماندهٔ آن به نام «قبرستان شیخان» هنوز وجود دارد.

نگارنده زمان دقیق شروع تخریب را تاکنون با جستجوی اندکی که انجام داد در جایی ندیده است؛ ولی آستانه مقدسه اخیرا اسنادی منتشر کرده است که می‌توان زمان تقریبی این تخریب‌ها را به دست آورد. در این سند که تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۷ ش بر آن درج شده است، بلدیة (شهرداری) قم به محمد باقر حسینی، متولی باشی آستانه مقدسه چنین می‌نویسد:

«چون مطابق حکم وزارت جلیله داخله [= وزارت کشور] ... باید خیابان جنب قبرستان [منظور قبرستان بابلان مقابل حرم است] از مقابل آستانه مقدسه الی درب مسجد امام [حسن عسکری (ع)] اصلاح شود. متمنی است یک نفر نماینده از طرف دفتر محترم آستانه مقدسه تعیین و به این اداره معرفی فرمایید که راجع به دکاکین شاه عباسی مذاکره و جهد قاطعی داده شود که سریعاً مشغول خرابی و ساختمان بر طبق گفته آقای اعظم زنگنه مهندس و دستور اداره بلدیة [= شهرداری] شوند.

امضاء رئیس بلدیة قم معزز عطاردی»<sup>۱</sup>  
دو نکته عجالتاً از این سند مستفاد می‌شود: یکی تاریخ تقریبی تخریب است که نشان می‌دهد اقداماتی قبل از تاریخ سند آغاز شده بوده است. دیگری نام مهندس طرح یعنی «اعظم زنگنه» است. با اندک تفحصی که شد دو تن در آن زمان‌ها به این نام شناخته شده‌اند: یکی تحصیل کرده حقوق بوده است که بعدها ترور می‌شود و دیگری که سمت‌های سیاسی از جمله استانداری داشته است و هیچ کدام نیز با شخص مورد نظر قابل تطبیق نبودند.  
ارزیابی اقدامات انجام شده در زمان پهلوی اول به دور از تعصب و احساس، نیازمند تحقیق دقیق و مستند به اسناد است، که فعلاً میسر نیست. ولی می‌توان گفت اصلاحات با توجه به تغییرات دوران‌های بعد تا اندازه‌ای قابل تحمل بوده است. ضمن این‌که به نظر نگارنده، حداقل بافت مذهبی و اجتماعی و فرهنگی مردم قم دستخوش تغییرات یا گسست عمده‌ای نگشت. چیزی که در زمان‌های بعد به خصوص زمان ما به صورت گسترده‌ای دیده و احساس شد. گفتنی است که استاد علی اصغر فقیهی تاریخ شروع تخریب را ۱۳۰۷ ش بیان کرده است.

«شهر قم هر اندازه که وسیع تر و پر جمعیت تر می‌شد، اساس آن به حال خود باقی بود تا اوایل سلطنت ... [شاه] که از سال ۱۳۰۷ شمسی به بعد کم‌کم وضع آن تغییر کرد. ابتدا شروع به تسطیح قبرستان وسیعی که در پشت شمالی صحن نو تا مقابل مسجد امام ادامه داشت، نمودند و پس از احداث خیابان‌های متعدد و وسیع در اطراف آن، بقیه را به صورت باغی درآوردند و دور آن را نرده کشیدند»<sup>۲</sup>

۱ برگه از تاریخ قم، آستانه مقدسه، ص ۱۵۹.

۲ قم دیروز و امروز، ۳۳.







خوب است بگوییم که بر اساس عکس‌های تاریخی، بعد از گذرخان، ساختمان‌های مجاور آن از جمله پاساژ کویته‌ها و پاساژ ملت و در ادامه مدرسه آیت الله گلپایگانی به طرف پایین (شمال جغرافیایی) تا بانک ملی به نظر می‌آید که جزو قبرستان بوده است. با تخریب این قبرستان، به جای آن خیابان ارم، میدان آستانه، باغ ملی سابق و در مجاور آن بلدیه (یا شهرداری) و حکومت (یا فرمانداری بعدی) قم ایجاد شد.

### تخریب قسمتی از بازار بزرگ

در میان اسنادی که آستانه مقدسه قم از مرحوم محمد گلبن خریداری کرده است، رد پای از اقدامات آن زمان دیده می‌شود که به آن خواهیم رسید. گفتیم که امین السلطان در گسترش بازار قم تا پل علیخانی و دروازه معصومه و در واقع به طرف مغرب شهر تأثیر بسیار زیادی داشت. هرچند ما دروازه ساوه را پیش از صفوی داشتیم، ولی گویا دروازه با گسترش شهر از جای پیشین خود به طرف مغرب جابه‌جا می‌شود و همانی می‌شود که درب معصومه به اعتبار نزدیکی به حرم و دروازه خاکفرج به جهت مجاورت با خاکفرج و دروازه تهران به لحاظ راه جدید تهران، نام می‌گیرد. این دروازه که عکس‌هایی با فاصله دور از آن وجود دارد، ورودی بازار بزرگ قم بوده که از مقابل درب شمالی مسجد امام حسن عسکری (ع) و شاهزاده ناصر می‌گذشت و تا «سه راه کولی خون» (خانه کولی) یعنی تقریباً چهار راه فعلی بازار ادامه می‌یافت و بعد به صورت دوشاخه به بازار فعلی قم از یک طرف و گذر یا بازار سلام در سمت دیگر وصل می‌شد.

«خون» در ترکیبات «کولی خون» و «شترخون» و «شغال / شاغال خون» و «چال مار خون» و مانند آن بر کوه و دیگرشده‌واژه «خانه» در فارسی قمی دلالت دارد. سه راهی کولی خون ظاهراً جایی بوده است که غربتی‌ها و کولی‌های بی‌خانمان در آن مأوا می‌گزیدند. باری در زمان پهلوی اول دروازه مذکور که تزیینی و دارای نقاشی هم بود و قسمت یادشده از بازار تخریب و به جای آن قسمتی از خیابان آذر فعلی ایجاد شد و همچنین بازار یا گذر سلام که به صورت شاخه‌ای به قبرستان بزرگ مقابل حرم می‌رفت نیز خراب گردید. وجه نامگذاری آن به «سلام» این بود که روبه‌روی آن گنبد حرم نمایان می‌شد و مردم قم به رسم



دیرین خود در آن جا، با عبارات خاص خود به حضرت سلام می‌گفتند. قسمتی دیگر از بازار که از طریق سه راه بازار فعلی به خیابان پایین یا کوچه ننه عباس وصل می‌شد، در همین عملیات تخریب گردید که بازمانده آن به نام بازار نو یا بازار کفاشها (اُرسی دوزها) - میان کوچه ننه عباس و ابتدای خیابان ارم - هنوز وجود دارد. به عبارتی بازار نو از سه راه بازار فعلی به بازار بزرگ وصل بود.

گفتنی است ابتدای بازار سلام از داخل بازار قدیم که محل فعلی بانک‌های تجارت و ملت باشد به طرف در شرقی مسجد امام حسن عسکری (ع) و تا کوچه ننه عباس بوده است. تاریخ تقریبی این تخریب‌ها را در قسمت تخریب قبرستان بزرگ بیان می‌کنیم.

ضمناً به تیمچه کنونی نیز که دست ساخت استاد حسن معمار است، تیمچه «بزرگ» می‌گویند. علت این است که دو تیمچه دیگر که از نظر اندازه از این تیمچه کوچک‌تر بوده است و در حد فاصل دروازه خاکفرج (پل علیخانی) تا سه راه کولی خون (چهار راه بازار) در بازار قدیم وجود داشت، که در تخریب زمان رضاه شاه از بین رفت، لیکن صفت بزرگ تا زمان ما بر روی تیمچه کنونی باقی مانده است:

«و سر اشتهار آن به عنوان بزرگ آن بود که در بازار و دروازه و بازار سامگاه دو تیمچه دیگر یکی کوچک از اعتضاد الدوله حکمران قم و دیگری متوسط از صدراعظم نیز از آثار هنری همین معمار وجود داشتند، که در اثر احداث دو خیابان آذر و آستانه به کلی خراب شدند»<sup>۱</sup>

### چهار / چارسوق بازار

سوق ظاهراً همان سوق عربی به معنای بازار به نظر می‌رسد، لیکن دیگرشده سوی به معنی جهت است که باز ظاهراً تلفظی کهن از آن به صورت «سوک» به معنی گوشه در فارسی قمی رایج است. چار سوق جایی است که دو رشته بازار به هم می‌رسد. این پرسش همیشه برای نگارنده بود که محوطه بزرگ چارسوق واقع در بازار (از طرف مدخل بازار که در چهارراه بازار است) و به هیچ سویی هم راه ندارد، از چه روی چهار سوق می‌نامند. چندی پیش به همراهی دوست گرامی جناب علی پاک سرشت که از آنجا می‌گذشتیم، ایشان مطلبی گفت که جای

۱ گنجینه آثار قم، ج ۲/۷۰۲.

(ص ۸۶)

لحظه لایحه در خیابان نایب (کتاب در تخریب)



ساماندهی میدان نو (کتاب در حریم حرم

ص ۱۸۷)

تأمل دارد. بر مبنای اظهار ایشان چار سوق فعلی کور شده حال آنکه در این محل قبلا دو رشته بازار به هم می رسیده است. آثار به جا مانده در دو طرف کور شده، گفته‌ی ایشان را تأیید می کرد. اگر چنین باشد یک راه چار سوق به طرف بازار مسگرها باز بوده است و راه دیگر به طرف خیابان آذر فعلی. در این صورت به احتمال زیاد راه اخیر در زمان پهلوی اول تخریب شده است. بی علت نبوده است ناصرالدین شاه در سفر ششم خود (۱۳۰۵ق) هنگامی که از دروازه کاشان یعنی علی بن جعفر به طرف حرم بر می گشته است چنین می گوید:

«از بازارهای خراب غیر مسکون گذشته، رسیدیم به بازارهای مسکون معمورآباد. بسیار بازارهای خوبی [است] از این طرف از آن طرف هی بازار است چهار سو دارد جمعیت زیادی دارد کاروانسرا، تیمچه های خوب دارد. از توی همین بازارهای معمور راندم تا رسیدیم به در صحن جدید که امین السلطان ساخته است»<sup>۱</sup>

قمی های قدیمی هنگام نشانی دادن از دو چار سوق بزرگ و کوچک نام می برند و چارسوق فعلی را چارسوق کوچک می گویند. (گفته‌ی حاج سید اسدالله محسنی) این مطلب تأییدی بر گفته های ناصرالدین شاه است.

### محله اسحاقیه

یکی از محلات قم که دیگر حتی نامی هم از آن شنیده نمی شود، محله اسحاقیه است. این محله در دوره رضاشاه تقریباً به کلی تخریب شد. محدوده آن پیشتر به نقل از مفلس قمی بیان شد.

علت نامیدن آن به نام اسحاقیه آن بوده است که معتقد بودند مقبره‌ای که مقابل مسجد امام کنونی وجود دارد مدفن احمد ابن اسحاق اشعری نماینده حضرت امام حسن عسکری (ع) است و چون این مقبره در محل مذکور بود، نام صاحب مقبره بر روی آن گذاشته شده بود. مقبره‌ای که گویا بعداً کجویی اردستانی صاحب انوارالمشعشعین ثابت کرد آن مقبره نیست و اکنون هم به نام شاهزاده ناصر شناخته می شود. او ابتدا از عمده الطالب چنین نقل می کند: «و به تحقیق یافتم از جمله اشخاصی که نسبت می دهند به سوی عبدالرحمن محمد بن

۱ سفرهای ناصرالدین شاه به قم، ۱۱۲.

محمد بطحانی، ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبدالرحمن ابن محمد بطحانی ابن قاسم بن حسن زید ابن امام حسن (ع) است که مدفون به شَقِّ قم در مدرسه، آنجائی که در محله سورانیک قم واقع است. انتهى المرام»<sup>۱</sup> او سپس اضافه می کند:

«مؤلف این کتاب محمد بن علی بن حسین گوید که: مدفن ناصرالدین علی از قرائنی که در کلام عمده الطالب چنین مستفاد می شود که در همین بقعه ای می باشد که الیوم مشهور است به بقعه احمد بن اسحاق که در بازار قم، مقابل درب مسجد امام واقع است، زیرا که در آنجا مدرسه بوده در زمان قدیم، و الیوم زمین مدرسه در پشت بازار موجود است، و آب انباری هم در درب آن مدرسه می باشد، و بودن مدرسه آنجا شایع است، و محل انکار نمی باشد، و در شق قم هم واقع است، زیرا شَقِّ به معنی طرف و کنار است و آن مدرسه و بقعه هم در کنار شهر واقع است، هر چند الیوم آن محل را سورانیک نگویند و به این نام نخوانند، زیرا که رفته رفته و به مرور ایام اسم های محلات قم تغییر یافته، و مشهور شده آن بقعه به بقعه احمد بن اسحاق. و گویند او در این محل مدفون است. این مطلب غلطی است مشهور، و داخل در مصداق این مطلب است که می فرماید «زُبَّ مشهور لا اصل له» زیرا که احمد بن اسحاق در حلوان وفات نموده؛ نزدیک پل ذهاب همچنان که صدوق علیه الرحمه در کتاب کمال الدین خود می فرماید که: در وقت مراجعت احمد بن اسحاق قمی از سر من رای از خدمت امام حسن عسکری (ع) به سوی قم، به حلوان که رسید مریض شد، و در آنجا وفات نمود و در آن مکان مدفون شد، الحاصل مدفون در این بقعه مذکوره در قم ناصرالدین علی می باشد و بسیار امامزاده جلیل القدری است»<sup>۲</sup>

در تخریب دوره رضاه شاه از دروازه خاکفرج (پل علیخانی) تا مقابل این مقبره و گویا صحن آن و در همین راستا تا سه راه کولی خان (تقریباً منطبق بر چهار راه بازار کنونی) و در ادامه قسمتی از بازار که داخل این محل بود به کلی خراب شد. در نتیجه با این تخریب و

۱ انوارالشعین، ج ۲، ۱۲۰.

۲ همان، ج ۲، ۱۲۰-۱۲۱.





پرویز اکرمی (نویسنده کتاب چاپ نشده هویت شهری قم) حدود ۱۲-۱۰ سال پیش و محمد علی استاد علی، دانش آموخته معماری حدود ۵-۶ سال قبل، به صورت جداگانه تصویر برداری کرده‌اند. قسمت های تصویر برداری شده نیز اخیراً به صورت گسترده تخریب شده و یا تغییر شکل یافته است.

حمام چال / چاله هم گویا در ابتدای باجک فعلی، و در واقع در داخل بازار قدیم بود که آن نیز هنگام احداث خیابان باجک تخریب شد. نگارنده به یاد می‌آورد که اوایل دهه پنجاه ناگهان بستر خیابان باجک در مقابل بازار فرو رفت و آثار حمامی در قعر خیابان ظاهر گشت و آن ظاهراً همین حمام چال بوده است که در زمان پهلوی به جای آن حمامی دیگر ساختند که نگارنده حمام اخیر را که جنب مغازه پدرش و متصدی آن شخصی به نام حاج آقا متقی بود، به یاد می‌آورد. این حمام هم در اوایل دهه پنجاه با احداث پاساژ علوی در اول خیابان باجک خراب شد. گفتنی است که حمام‌های قدیم را برای آن‌که آب به آن سوار شود در چال می‌ساختند.

اطلاعی فعلاً از کوچه خوب پاها (در محله اسحاقیه) در دست نیست. خوب تلفظ قمی جوی و «جوب‌پا» یعنی نگهبان و مواظب جوی است و این عنوان نشان دهنده کثرت جوی و فراوانی آب و جوب پاها در آن هنگام در قم بوده است.

مرحوم آیت الله سید علی اکبر برقی که نخستین کتاب مربوط به تاریخ قم و تحولات شهر در آن زمان به نام راهنمای قم را نگاشته و در سال ۱۳۱۷ ش به چاپ رسانده است، از تحولات کالبدی شهر در آن موقع با عنوان فوق و به شرح زیر سخن می‌گوید:

«شهرداری قم در این چند سال اخیر برای عمران و زیبایی شهر اقدامات اساسی از قبیل تسطیح قبرستان و ایجاد باغ ملی و ساختن سد رودخانه و احداث خیابان‌ها نموده و همه ساله نیز مطابق برنامه مخصوص، اصلاحاتی را در نظر می‌گیرد که برای نمونه برنامه سال ۱۳۱۷ [ش] که برطبق آن مشغول اقدام می‌باشد، ذیلاً نگاشته میشود».<sup>۱</sup>

او سپس به شرح خیابان‌های احداثی و در دست احداث می‌پردازد. با شرح فوق چنین در

۱ راهنمای قم، ۱۳۶.



می یابیم که طرحهای اجرا شده در بافت تاریخی نه بر حسب اتفاق یا تصمیم ناگهانی، بلکه بر مبنای برنامه ای از پیش تعیین شده اجرا شده بوده است یا قرار بوده اجرا شود.

## خیابان آذر

گفتیم که با اقداماتی که در زمان رضا شاه صورت گرفت، قسمتی از بازار بزرگ تا سه راه بازار فعلی که بر خیابان آذر منطبق بود، تخریب شد. اما ما اطلاع مستندی نداریم که ادامه خیابان آذر از سه راه بازار تا میدان کهنه و سپس در همان مسیر تا میدان نکویی فعلی در همان زمان خراب شد و خیابان آذر به جای آن باز شد یا در زمان پهلوی دوم این اتفاق افتاد. وی چون اطلاعاتی از این که اقداماتی در زمان پهلوی دوم در این قسمت صورت گرفته باشد و لو شفاهی نداریم، تا به دست آمدن اسناد به این اکتفا می کنیم که خیابان آذر هم در زمان پهلوی اول گشاده شده است. در این صورت بافت تاریخی و درهم تنیده قم در این قسمت شامل قسمتی از محله کهن عشقعلی و شاه خراسان و قسمت جنوبی مدرسه رضویه و قسمتی از محلات کهن سیدان و موسویان (چهل اختران) در این زمان دچار تخریب شده است.

مرحوم آیت الله سید علی اکبر برقی در ادامه اینچنین به شرح خیابان های احداثی یا در حال احداث می پردازد:

«(۱) خیابان از پل الی میدان کهنه که به طول ۱۱۹۹ متر و به عرض ۲۲ متر در سال ۱۳۱۶ احداث گردیده».<sup>۱</sup>

بند یک همین «خیابان آذر» فعلی است. از این عبارت می فهمیم که خیابان آذر در سال ۱۳۱۶ احداث شده است و ظاهراً تا زمان نگارش کتاب مذکور بی نام بوده، چه ذکری از خیابانی به نام آذر نکرده است. نکته دیگر این که خیابان مذکور تا میدان کهنه ادامه داشته است. این نکته را یکی از کهنسالان قمی نیز می گوید. او می گوید که خیابان آذر تا دم میدان کهنه بود و آنجا به بعد یعنی به سوی شرق خیابانی نبود و مسافران کاشان از جاده اصفهان و کاشان (گویا خیابان صفاشهر فعلی) به سوی کاشان می رفتند. (روایت حاج سید اسدالله محسنی)

۱ همان، ۱۳۶



عکس هوایی سال ۱۹۳۴ میلادی که اریک اشمیت از فراز قم گرفته است نشان می دهد که خیابان آذر در سال ۱۳۱۳ ش هنوز احداث نشده بوده است. لیکن عکس هوایی سال ۱۳۳۳ ش، احداث این خیابان را تا فلکة نکویی فعلی نشان می دهد. بنابراین عمر خیابان آذر از ۱۳۱۷ ش - سال احتمالی احداث - تا این تاریخ (۱۳۹۷) قدر متیقن بیشتر از ۸۰ سال نیست. از همین رو نامگذاری خیابانی به نام آذر نیز، بیشتر از این مدت نباید باشد و چه بسا کمتر است. البته مرحوم فقیهی همانطور که پیشتر گفته شد، شروع اقدامات را از سال ۱۳۰۷ دانست و پس از ذکر تسطح قبرستان می گوید:

«سپس دروازه ای که روی پل رودخانه وصل به بازار وجود داشت و بازار متصل به آن را خراب کردند و همان طور ادامه دادند تا انتهای میدان کهنه و یک خیابان وسیع و طولانی به نام خیابان آذر احداث نمودند»<sup>۱</sup>

از طرفی سال احداث خیابان از میدان کهنه تا میدان نکویی فعلی، بین ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۳ ش باید باشد. و به احتمال زیاد ادامه خیابان در محدوده اخیر در اوائل دوران پهلوی اول ایجاد شده است. لیکن تاریخ دقیق آن فعلا برای ما معلوم نیست.

### خیابان آستانه

«(۲) خیابان آستانه که از اول بازار معروف به سلامگاه تا باجک، فعلا امتداد داده شده به طول ۲۸۰ متر و به عرض ۲۲ متر که در سال ۱۳۱۶ ش شروع و بقیه آن تا آخر شهر در دست اقدام است»<sup>۲</sup> بنا بر این تعریف، خیابان آستانه از جلوی درب شرقی مسجد امام شروع و به طرف باجک فعلی می رفته است. لیکن بعدها قسمت جنوبی یعنی تا خیابان درالشفاء (چراق برق) و در واقع مجاور شیخان فعلی را نیز شامل می شود.

### بازار / گذر سلامگاه

بازار سلامگاه که گویا گذر سلامگاه هم می گفته اند، بازار کوچکی بوده است که تقریباً از کناره شرقی مسجد امام حسن عسکری (ع) از داخل بازار بزرگ و هم اکنون خیابان آذر (طبق

۱ قم دیروز و امروز، ۳۳-۳۴.

۲ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.





در خصوص اقدامات زمان رضاه شاه در ادامه می گوید:

«همچنین مقابل در بزرگ مسجد امام را خراب کردند و تا آخر شهر ادامه دادند و خیابانی احداث کردند به نام بهروز».<sup>۱</sup>

این خیابان گویا به ترتیب، نام های باجک، بهروز، ششم بهمن و ۱۹ دی را به خود گرفته است، لیکن نام کهن باجک علیرغم رسمیت نداشتن، در بین مردم قم همچنان متداول است. او در جای دیگر، هنگام ذکر وضع کشاورزی در قم می گوید:

«دیگر باغ باجک است که به صورت باجیکه ذکر شده است. این باغ تا حدود پنجاه سال پیش باقی بوده و به تدریج تبدیل به خیابان و ساختمان شد. امروز خیابان باجک سابق که نام فعلی آن خیابان ۱۹ دی است از خیابان های آباد قم است»<sup>۲</sup>

## خیابان ارم

«(۳) خیابانی که از طرف جنوب باغ ملی در امتداد خیابان ارم تا سرای بناها به خیابان مقابل پل متصل گردیده به طول ۴۴۰ متر و به عرض ۲۲ متر است که در سال ۱۳۱۶ احداث گردیده»<sup>۳</sup>

از این مطلب دونکته عاید می شود یکی این که خیابان ارم قبل از ۱۳۱۷ ش احداث شده بوده است، کما اینکه عکس این خیابان خاکی در نزدیک حرم، در همین کتاب دیده می شود بنابراین قدمت نام نیز حداقل بر اساس سال نشر کتاب به دست می آید. بر اساس تحقیق میدانی، نگارنده این گونه دانسته، که خیابان ارم از سمت جنوب به طرف شمال باز شده است و آن موقع تا جنوب باغ ملی یعنی تا کنار شیخان فعلی (روبروی پاساژ کویتی ها) اجرا می شود و ادامه خیابان یعنی از شمال شیخان فعلی تا سه راه بازار قرار بوده است که در سال ۱۳۱۷ اجرا شود. دیگر این که باغ ملی در سال اخیر ناظر بر بوستان فعلی مجاور حرم تا شیخان بوده است. به این ترتیب باغ ملی بعدها از خیابان موسوم به دارالشفاء و در واقع ضلع شمالی

۱ قم دیروز و امروز، ۳۴.

۲ همان، ۱۵۴، تاریخ چاپ اول کتاب سال ۱۳۷۷ بوده است.

۳ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.







نمای قسمتی از دکاکین خیابان آستانه قبل از خرابی و درب ورودی قسمت  
شمال غربی شهرداری (راهنمای شهرداری قم، ۱۳۴۵، ص ۳۴)



تصویر احداث خیابان خاک فرج (در حریم حرم، ص ۱۸۴)



## خیابان ایستگاه

«(۵) خیابان ایستگاه که از پل تا ایستگاه به طول ۸۰۰ متر و به عرض ۲۶ متر احداث و ساخته شده در سال ۱۳۱۶ بوده است»<sup>۱</sup>

منظور خیابانی است که هم اکنون به نام «سپاه» از پل علیخانی (میدان نو/ شهید مطهری) تا ایستگاه راه آهن امتداد دارد. البته خیابان در غرب رودخانه است و نگارنده در این نوشته شرق قم را در نظر داشت.

## خیابان تهران (امام)

«(۶) خیابان طهران که از پل خارج شهر تا جاده سلطان آباد مستقیماً امتداد پیدا می کند در دست اقدام است به طول ۱۲۵ متر و به عرض ۲۶ متر خواهد بود»<sup>۲</sup>

این خیابان هم که در غرب رودخانه و شهر قرار دارد، آن زمان در محل تقریبی شرکت نفت ایران و انگلیس (محل پمپ بنزین خیابان امام) تا سه راه خورشید احداث می شود. از محل شرکت نفت تا میدان فرح، که سپس امام نامیده شد، را در سال ۱۳۴۸ ش ساختند و به مناسبت سفر فرح دیبا همسر پهلوی دوم، میدان به نام او نامگذاری شد. (روایت خانم اقدس کاظمی که در مراسم استقبال و افتتاح حضور داشته اند).

منظور از سلطان آباد، سلطان آباد عراق است که در زمان پهلوی اول با تصویب فرهنگستان زبان به اراک تغییر نام پیدا کرد.<sup>۳</sup> در متن های تاریخی دوره میانه اسلامی، مناطق مرکزی ایران، عراق یا عراق عجم در برابر عراق عرب نامیده می شد، کما اینکه کهن سالان قمی از عراق فعلی با عنوان عراق عرب یاد می کنند، حال آنکه به فرض مصر عرب نمی گویند.

منظور از عبارت «خارج شهر» و «بیرون دروازه» در این متن و متن های اواخر قاجار و لسان کهن سالان قمی، غرب پل علیخانی یعنی میدان نو تا سه راه حاج زینل یا میدان سعیدی فعلی است. خیابان تهران هم بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش، به نام خیابان امام نامگذاری شد.

۱ همان، ۱۳۶-۱۳۷.

۲ همان، ۱۳۶-۱۳۷.

۳ تاریخ نخستین فرهنگستان ایران، ۳۵۲-۳۵۳

## بیرون دروازه

«(۷) خیابان فعلی طهران که از پل شروع و به خیابان ردیف شماره ۷ [درست ردیف شماره ۶] متصل می شود، به طول ۵۴۰ متر و به عرض ۲۴ متر که آن نیز در دست اقدام است».<sup>۱</sup>

نگارنده از زبان قدیمی های قم عنوان بالا را انتخاب کرد. پدر و مرحومان عموهای او این قسمت را به لهجه قمی «بیرون درووزه / darvuze» می گفتند. این خیابان که حد فاصل پل علیخانی تا میدان سعیدی فعلی (سه راه حاج زینل) است، هم اکنون خیابان شهیدان پورزند نامگذاری کرده اند.<sup>۲</sup> این خیابان در نقشه مؤسسه جغرافیای سحاب در سال ۱۳۴۹ به نام خیابان مولوی معرفی شده است.

## خیابان چهارمندان

ما خیابانی به نام چهارمندان نداشتیم، بلکه محله ای به این نام وجود داشت که حدود آن پیشتر به نقل از مفلس قمی بیان شد.

در عکس هوایی سال ۱۳۳۴ اثری از خیابان چهار مردان دیده نمی شود، ولی در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ این خیابان اجرا شده است. بنابر این زمان احداث را باید بین این دو تاریخ بررسی کرد. یک از افراد محلی می گوید که مطالعات طرح در سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ آغاز و در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ خیابان احداث شد. وی می گوید در هنگام احداث خیابان، قسمتی از خانه ما که مجاور علی بن بابویه در ابتدای خیابان فعلی چهار مردان بود، خراب شد و به همین علت به کوچه آقا زاده نقل مکان کردیم.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب قسمت هایی از محلات کهن الوندیه و چهارمندان (تلفظ قمی: چارمندان) تا گنبد سبز (تلفظ قمی: گمبذ سبز) که گلزار شهدای فعلی باشد خراب، و خیابانی با نام محله قدیم چهارمندان به جای آن گشاده شد. گویا قدمت تلفظ قمی «چارمندان» طبق گزارش جناب هادی خالقی بر اساس اسنادی که در تایلند مربوط به شیخ احمد قمی یافت شده است، حداقل به زمان صفوی بر می گردد. در نقشه فروردین ماه ۱۳۴۹ مؤسسه سحاب از قم،

۱ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.

۲ راهنمای قم، ۱۳۶-۱۳۷.

۳ روایت جناب محمد رشید زاده. روایت حاجیه خانم افشین نیز تقریباً این روایت مطابق است.



این خیابان بدون داشتن نام خاص به صورت خیابان جدید الاحداث معرفی شده است. این همان خیابانی است که حسین شهیدزاده (سفیر ایران در عراق در دههٔ چهل) که زادگاهش در این محل بوده است، در کتابش روزگاری در شور آباد از احداث آن انتقاد می‌کند.

### الوندیه و لب چال

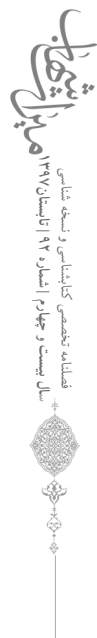
نگارنده به یاد می‌آورد که در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ که همزمان با دوران انقلاب اسلامی ایران بود، هنگامی که به خانهٔ دایی و خاله مادرش به محله الوندیه می‌رفت، می‌دید که در حد فاصل خیابان چهارمندان تا خیابان آذر، از طرف محله الوندیه، برای گشودن خیابانی - همانی که امروز ۴۵ متری عمار یاسر می‌گوییم - تخریب‌ها شروع شده بود.

آقای علی‌رضا دلشاد که در آن زمان‌ها ساکن محله الوندیه بود، شروع تخریب را از سال ۱۳۵۵ می‌داند و این که در سال ۱۳۵۷ آسفالت کاری خیابان جدید آغاز می‌شود. طبق گفتهٔ ایشان در این خیابان‌کشی قسمت‌هایی از بافت تاریخی و درهم تنیدهٔ شهر به شرح زیر تخریب شد:

کوچه‌های منشعب از «کوچه مسجد» (در تلفظ قمی: کوچه مَچِد / machched) که از مجاور مدرسه حاج ملا محمد صادق (تلفظ قمی: حاج مُل من / مم صادق) می‌گذشت و به سِتیه (تلفظ قمی سیتی / sitiye، سِتیه / setiye) می‌رسید. هم‌چنین کوچه‌های منشعب از گذر قاضی و گذر حاج شعبانعلی و راه‌های مواصلاتی به سِتیه در این خیابان‌کشی دچار تخریب شد.

### حد فاصل خیابان حضرتی و آستانه

در اوایل دهه پنجاه پل بر روی رودخانه قم در مجاور پل علیخانی موسوم به پل شادمان کشیده شد که در ادامه خیابان حضرتی را بُرید و به خیابان آستانه رسید. حدفاصل این دو خیابان چند گاراژ بود، که نگارنده به یاد می‌آورد، پدر و عموهایش برای آمد و شد به این دو خیابان از آن‌ها استفاده می‌کردند. هم‌چنین به‌خوبی به یاد دارد که بعد از پایان افتتاح طرح استاندار وقت (گویا مرکزی)، به همراه تعدادی از مقامات از جمله فرماندار قم و شماری از ورزشکاران از جمله شعبان جعفری (معروف به شعبان بی‌مخ) و برادران میره‌ای، مسیر جدید





را برای افتتاح پیمودند و سپس با حضور مرحوم حاج آقا تقی کمالی (آخرین نسل از پهلوانان کهن) که بر روی ویلچر نشسته بود، در زورخانه نیرومند با مرشدی مرحوم سید ابراهیم اسحاقی در خیابان باجک به ورزش پرداختند.

این طرح آسیبی به بافت تاریخی وارد نکرد. بدین ترتیب در تخریب بافت تاریخی قم، کمترین آسیب ظاهرا مربوط به دوران پهلوی دوم است.

### عربستان بالا و پایین و باغ پنبه

در دهه شصت، طرحی که به نام عمار یاسر موسوم شده بود، از سمت شمال ادامه یافت؛ خیابانی که بعدا به نام ۵۵ متری عمار یاسر شناخته شد. در این طرح، کاروانسرای بزازها (که ابتدای آن برادران تکیه‌ای پالاندوزی داشتند و ما برای الاغ‌های گله‌هایمان از آنجا پالان می‌خریدیم)، قسمت‌هایی از محله شاه خراسان و عربستان بالا و پایین و باغ پنبه (در قسمتی که باغ شاه می‌نامیدند)، دچار تخریب شد. روشن‌تر قسمتی که گویا در آن مدرسه مستوفی سابق (نگارنده آن را به یاد می‌آورد) قرار داشت و هم‌چنین آن قسمت که باغ شاه می‌گفتند، در ادامه محله باغ پنبه، در بستر خیابان عمار یاسر افتاد. نام این باغ شاه در متن‌های تاریخی مربوط به قم دیده می‌شود.

### باغ ملی - خیابان آستانه - خیابان حضرتی - مقابر شیوخ

گفتیم در زمان پهلوی اول نخستین تخریب تاریخی شهر قم به وقوع پیوست. در آن زمان به جای قبرستان کهن و در قسمتی از مناطق اطراف، میدان و خیابانی به نام آستانه ایجاد شد. خیابان بالا که تا مدرسه دارالشفای ادامه می‌یافت، به نام خیابان حضرتی، تقریبا به حال خود باقی گذاشته شد. زورخانه کهن دژم در این خیابان و در نزدیکی همین مدرسه بود. از قبرستان کهن مقداری به نام «شیخان» و دو مقبره از شیوخ به نام‌های علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر قرآن و ابن قولویه به صورت جداگانه باقی ماند. در قسمتی از قبرستان، پارکی به نام باغ ملی ایجاد شد که دو مقبره اخیر در همین باغ قرار داشت. ضمن این‌که مکان بلدیة (شهرداری) و حکومت (فرمانداری) نیز در کنار آنها واقع شده بود.

این اقدامات با گذشت زمان به نوعی بافتی قدیمی را شکل داد. در طرحی که بالغ بر سه

دهه پیش شروع به اجرا شد، باغ ملی و ساختمان‌های شهرداری و فرمانداری دوره پهلوی اول که از لحاظ معماری آن زمان قابل ارزیابی بود، و در ادامه، خیابان آستانه - به جز اندکی - و هم‌چنین خیابان حضرتی به صورت کامل تخریب شد. به جای قسمتی از قبرستان کهن، در زیر پارکینگی بزرگ و در رو میدان وسیع کنونی اجرا شد.

مقبره علی ابن ابراهیم در وسط مجتمعی تجاری قرار گرفت که اطراف آن تا ارتفاع زیادی خالی شد و پس از این ظاهراً به صورت ستونی آن را در بالا استوار کرده و به شکل کنونی در آورده‌اند. مقبره ابن قولویه در کنار تعدادی از مقابر شهدای والامقام جنگ ایران و عراق گویا به همان شکل قدیم تا حدود ده سال پیش باقی بود که پس از تخریب به صورت آراسته کنونی در کنار مقابر شهدا در آمد. قسمتی از خیابان پایین یا ننه عباس بعدی نیز در این طرح تخریب و جزو میدان کنونی و مجتمع تجاری الغدیر قرار گرفت.

### بدو خانه و شاغال خون

طرح موسوم به عمار یاسر از قسمت جنوبی نیز ادامه یافت؛ در قسمتی که با طرح پر سرو صدای حرم تا حرم تلاقی پیدا کرد. در این طرح یکی از کهن‌ترین و بی‌نظیرترین قسمت‌های بافت تاریخی قم دچار تخریب شد. شایان گفت است در هنگام اجرای طرح، تپه‌ای باستانی موسوم به شادقلی خان (شاغال خون) کشف شد، که بنا به گفته جناب سیامک سرلک باستان‌شناس، گویا این تپه باستانی تنها تپه‌ای است، یا بهتر بگوییم بود در ایران که از هزاره‌های قبل از میلاد تا دوران اسلامی و قاجار و پهلوی زنده و دارای آثار بوده است.

تپه‌ای که به او وقت لازم را برای کاوشش ندادند و تنها فرصت کوتاهی - آن‌هم با التماس و خواهش - برای تفحص به او دادند و سپس بدون درنگ آن را برای همیشه - و به منظور ساختمانی بی‌ارزش و تجاری از نظر میراث دوستان و پول‌ساز از نظر کاسب‌کاران نوکیسه - از صفحه روزگار محو کردند.

سرلک این اظهارات را حدود پنج سال پیش با اشک و آه در بنیاد قم پژوهی اظهار کرد و تقاضا کرد هرکاری که از دستتان بر می‌آید انجام دهید.

در این طرح، تکیه مُل / ملا محمود، گذر و محله شادقلی خان / شاغال خون، کوچه های منشعب از گذر جدّا و گذر صادق و کوچه آخوندی ها و ته بدوخانه تخریب شد. میزان و محلات و کوچه ها و گذرهای تخریب شده، نیاز به بررسی دقیق اسناد و مدارک و پرونده های مربوط در دستگاه های ذی مدخل و مصاحبه با ساکنان مناطق تخریب شده و عکس های هوایی و ماهواره ای دارد.

### خیابان سمیه

در این طرح که گویا در دهه شصت اجرا شد قسمتی از دروازه قلعه، جای پیشین باروی شهر و کاج کهن سال قم از بین رفت.

### حرم تا حرم

طرحی که موسوم به حرم تا حرم بین خیابان ارم و مسجد جمکران در تقریباً در دو دهه اخیر اجرا شد، قسمت قابل توجهی از بافت تاریخی قم را دچار ویرانی کرد. قسمت هایی از محله قدیمی آستانه، قسمت هایی از محله کوچه حرم، ادامه معبری که بین گذر خان و محله یخچال قاضی بود و به بیت رهبر فقید انقلاب اسلامی ختم می شد، کوچه ارگ (با تلفظ قمی ارک) و گذر موسوم به حیدرزاده، قسمتی از محله شادقلی خان (شاغال خون)، قسمتی از قبرستان مالون (شاه احمد قاسم با تلفظ قمی شاه مدقاسم)، قسمتی از دروازه قلعه، جای پیشین باروی شهر، قسمتی از محله خندق (تلفظ قمی خندق) در این طرح نابود شد.

### چهار راه سجاده و خیابان کشی طرفینی

در این طرح که هنوز به صورت کامل اجرا نشده، قسمت هایی از محله سیدان قدیم و پنجعلی و سفیداب (قمی: سفیداب) تخریب شده است. این طرح گویا از کنار مسجد مومنیه می گذرد. معاون شهرسازی و معماری شهرداری حسب گزارش ۹۷/۱۰/۳، به رسانه ها اعلام کرد این طرح با مخالفت کارشناسان به علت گسست بافت اجتماعی روبرو شده است. نگارنده هر زمان از این قسمت عبور می کند دچار افسوس و اندوه می شود و امید دارد اجرای طرح متوقف و بازآفرینی بر اساس بافت قدیم آغاز شود.



## دروازه ری

در این طرح که به صورت کامل اجرا نشده است، قسمت‌هایی از محله مسجد جامع (در گویش قمی مَجِد جُنْمَه) و دروازه ری تخریب شده است. با این طرح، معبر کهن هزاران ساله قم - ری که از مسجد جامع به طرف شیخ اباصلت و دروازه ری و سپس به خارج شهر آن روزگار می‌رفت، از صفحه قم و نقشه شهر حذف می‌شود و تنها می‌توان در صفحات تاریخ نشانی از آن یافت.

## حرم تا حرم (سید سربخش - چهل اختران)

در طرحی دیگر که گویا این هم موسوم به حرم تا حرم است، قسمتی از بافت کهن قدیم شامل محله موسویان قدیم و موسی مبرقع و چهل اختران امروز، تا سید سربخش از بین رفته است. این پرسش پیش می‌آید که اصولاً چه نیازی است که ما اتوبوس زائران محترم را تا پای امامزادگان ببریم؟ آیا نمی‌شود اتوبوس در جای دورتری بایستد و زائران گرامی اندکی از راه را پیاده بپیمایند و اگر کهن سال‌اند با وسایل دیگر همچون ویلچر یا ماشین‌های کوچک برقی به زیارت نائل شوند؟ آیا مناسبت ندارد و بهتر نیست در خصوص طرح‌های موسوم به حرم تا حرم که در بسیاری از مکان‌های کشور اجرا شده یا در حال اجرا است، قبل از اجرا از کارشناسان مربوط و مردم نظرخواهی شود؟

## عکس های هوایی

قدیمی‌ترین عکس هوایی موجود از شهر قم و پیرامون، عکس هوایی سال ۱۳۳۳ است و همچنین عکس ۱۳۳۴ ش که بسیار شفاف است. گفته می‌شود که عکس‌هایی هوایی قبل از این تاریخ به دست شرکت نفت انگلستان از منطقه برداشته شده و نگارنده نیز در جاهایی دیده است که بعضی از جهانگردان خارجی از طریق هواپیمای شخصی از قم عکسبرداری کرده‌اند. باید تفحص شود و عکس‌های هوایی قبل از این تاریخ گردآوری و در جایی معتبر نگهداری شود. این عکس‌ها برای کشف بسیاری از مجهولات قم به ما کمک می‌کند.

گفتنی است که توالی عکسبرداری هوایی از سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ به صورت ده ساله بوده است؛ یعنی عکس‌های بعدی به ترتیب مربوط به سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۵۴ و ۱۳۶۴ است.

## نتیجه / پسانه

بررسی بافت تاریخی و کهن قم به عنوان تنها شهر اسلامی، که از آغاز، مهد تشیع و شیعه نشین بوده است و به عنوان یکی از معدود شهرهای جهان اسلام، و سپس تخریب آن نیاز به تحقیق مفصل و دقیق با رجوع به عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای، اسناد و مدارک از جمله عکس‌هایی تاریخی که از کالبد شهر از گذشته وجود دارد و متأسفانه تعداد آن بسیار کم است و هم چنین پرونده‌های موجود در دستگاه‌ها و ادارات مرتبط از جمله شهرداری و اداره ثبت اسناد و املاک و میراث فرهنگی، استانداری، اوقاف، مسکن و شهرسازی (راه و شهرسازی فعلی)، مجموعه‌های خصوصی، آرشیوهای خارجی، مصاحبه با افراد محلی و مطلع دارد و تا آن زمان گزارش کنونی صرفاً طرح موضوع باید تلقی شود.



دکان‌های پشت شهرداری قسمت شمالی قبل از خرابی و

احداث خیابان فرعی (راهنمای شهرداری قم ۱۳۴۵، ص ۳۶)





- انوارالمشعشعین فی بیان حالات الرؤاه القمیّین، محمد علی بن حسین نائینی اردستانی  
 کچوئی قمی (مورخ ۱۳۳۵ق) تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، اشراف: سید محمد مرعشی  
 نجفی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، جلد دوم، ۱۳۸۱
- برگی از تاریخ قم (اسناد و مکاتبات مربوط به تاریخ ایران و قم)، تحقیق: الیاس محمد  
 بیگی، آستانه مقدسه قم، قم، ۱۳۸۹
- تاریخ نخستین فرهنگستان ایران، محسن روستایی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵
- تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، علی اکبر فیض، تصحیح دکتر علیرضا فولادی،  
 بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۳
- راهنمای قم، علی اکبر برقی، آستانه قم، قم، ۱۳۱۷
- روزگاری در شور آباد، حسین شهید زاده (با نام مستعار ح.ش. شور آبادی)، نشر البرز،  
 تهران، ۱۳۷۷ (چاپ اول ۱۳۶۹)
- سفرهای ناصرالدین شاه به قم، به کوشش فاطمه قاضیها، سازمان اسناد ملی ایران، تهران،  
 ۱۳۸۱
- عبور از صحاری ایران، آلفونس گابریل، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، انتشارات آستان  
 قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱
- علی آباد نامه (سفرنامه ذهابیه قم)، محمد کاظم خان کاشانی، به کوشش مدرسی  
 طباطبایی، چاپ شده در ملحقات تاریخ دارالایمان قم، بی جا، بی تا (احتمال در اوایل دهه  
 پنجاه)، بی نا
- قم دیروز و امروز، علی اصغر فقیهی، بنیاد قم پژوهی، قم، ۱۳۹۰
- کتابفروشی (یاد نمای بابک افشار)، به خواستاری ایرج افشار، شهاب ثاقب، تهران، ۱۳۸۳
- گنجینه آثار قم، عباس فیض، جلد دوم، چاپ مهر استوار قم، قم، ۱۳۵۱





## خلاصة المقالات

السيد محمد أسد الموسوي

موقوفات خالدة / السيد محمود المرعشي النجفي

لقد كان آية الله السيد شهاب الدين المرعشي النجفي وقبل تأسيسه ووقفه لمكتبته العامة، مهتما بتوسعة المكتبات الأخرى، من جملة تلك المكتبات مكتبة عتبة السيدة المعصومة سلام الله عليها. تستعرض المقالة فهرسا لقسم من المخطوطات المهداة من قبل سماحته لهذه المكتبة، حسب الحروف الهجائية (من حرف الألف إلى حرف العين)، حيث أوقف أكثر هذه الكتب في عام ١٣٧٢ قمري وعام ١٣٤٣ هجري شمسي. ونلاحظ بين هذه المخطوطات نفائس من القرن الثامن وحتى القرن الحادي عشر، وكذلك بعض المخطوطات التي صححها علماء سابقون. وقد قدم الكاتب إيضاحات حول هذه الكتب والعلماء.

كلمات البحث: المرعشي النجفي، السيد شهاب الدين - إهداء الكتب؛ مكتبة عتبة السيدة المعصومة - تاريخ؛ قم - المكاتب؛ مخطوطات - قم؛ مخطوطات - نفائس؛ مكتبات قم - تاريخ.

\*\*\*

ملاحظات و تصحيحات (٥) / محمد كاظم رحمتي

تمثل المقالة مجموعة من الملاحظات والمكتشفات البحثية للكاتب في مختلف مواضيع

التاريخ والرجال والبلديوغرافيا الشيعية، حيث شملت المواضيع التالية: يحيى بن الحسين العلوي وكتاب المسجد أو كتاب أخبار المدينة، والذي استفاد منه الشيخ الطوسي في كتابه الفهرست؛ كتاب أخبار زياد لمحمد بن زكريا الغلابي؛ نسخة من كتاب الأربعين للفخر الرازي بخط علي بن ناصر السرخسي صاحب كتاب أعلام نهج البلاغة؛ أسرة بني عذافة الشيعية، مكتبة شرف الدين المكي من أحفاد الشهيد الأول في القرن الثاني عشر؛ آراء ابن الوليد الرجالية؛ كتاب نوادر الحكمة لمحمد بن أحمد الأشعري القمي؛ تعامل الكليني مع تراث الغلاة.

كلمات البحث: العلوي، يحيى بن الحسن؛ المسجد (كتاب)؛ أخبار المدينة (كتاب)؛ الفهرست (كتاب) - مصادر؛ أخبار زياد (كتاب)؛ الغلابي، محمد بن زكريا؛ الأربعين الفخر الرازي (كتاب)؛ السرخسي، علي بن ناصر؛ بنو عذافة؛ الأسر الشيعية؛ المكي، شرف الدين - مكتبة؛ الشهيد الأول - أسرة؛ ابن الوليد - آراء رجالية؛ نوادر الحكمة (كتاب)؛ الأشعري القمي، محمد بن أحمد؛ الكليني، محمد بن يعقوب - الحياة العلمية.

\*\*\*

ابن معقل الحمصي والتشيع الإمامي في حمص خلال القرون الوسطى / أحمد خامه يار خصصت هذه المقالة البحثية حول ابن معقل الحمصي (٥٦٧ - ٦٤٤ هـ) الأديب والفقهاء الشيعي من بلاد الشام، وتناولت أيضاً أساتذته وتلامذته ونموذجاً من أشعاره في مدح أهل البيت عليهم السلام. ولا يوجد كتاب له سوى كتاب «المأخذ على شراح ديوان أبي الطيب المتنبي» والذي من خلاله استخراج كاتب المقال تجليات مذهبه الشيعي. كما يقدم الكاتب شرحاً حول ثلاثة أشخاص من أسرة ابن معقل الشيعية. وكذلك تاريخ التشيع في حمص وبعض أعلام الشيعة فيها.

كلمات البحث: الحمصي، ابن معقل؛ العلماء الشيعة - القرن السابع؛ علماء الشام - القرن السابع؛ المأخذ على شراح ديوان أبي الطيب المتنبي (كتاب)؛ الحمصي، ابن معقل؛ تاريخ التشيع - حمص؛ أدبيات الشيعة - الشام.

مركز أبحاث  
مركز أبحاث

العلماء والباحثين في الدراسات الإسلامية  
سنة ١٤٣٥ هـ / ٢٠١٤ م



### ثلاثة من مشايخ إجازة العلامة المرعشي / أمر الله شجاعي

يعرّف المقال ثلاثة من مشايخ إجازة آية الله السيد شهاب الدين المرعشي النجفي غير مشهورين، الأول: الملا رحمة الله كرماني، وكان فقيها أصوليا وأديبا، حيث هاجر إلى طهران إثر معارضته للمشروطة. وقد عرّف الكاتب (شرح مراثي بحر العلوم) وبحث أيضا نسبة كتاب مفتاح الجنان له. الثاني: الميرزا محمود اهري نجفي والذي كان له باع في الأخلاق إضافة إلى الفقه والأصول. الثالث: الملا محمود بيدگلي كاشاني (المتوفى ١٣٥٠ ق) وكان له كتاب في الإمامة.

كلمات البحث: المرعشي النجفي، السيد شهاب الدين - مشايخ الإجازة؛ كرماني، رحمة الله؛ مفتاح الجنان (كتاب)؛ شرح مراثي بحر العلوم (كتاب)؛ اهري نجفي، محمود؛ بيدگلي كاشاني، محمود؛ علماء الشيعة - القرن الرابع عشر.

\*\*\*

علماء لرستان وآية الله السيد شهاب الدين المرعشي النجفي / ميزرا علي سليمان بروجردي يتناول الكاتب مائة من علماء لرستان، مقسما إياهم لثلاث مجموعات: الأولى: تلامذة السيد المرعشي الثانية: الذين أجازهم. الثالثة: الذين كانوا تلامذته ومجازين من قبله في نفس الوقت. وهم على ثلاثة أصناف، الذين لهم: إجازة رواية، أو إجازة اجتهاد، أو إجازة في الأمور الحسبية.

المقالة مأخوذة من كتب أخرى للكاتب في باب علماء لرستان وخصوصا كتابه الذي لم ينشر بعد (علماء لرستان وآية الله المرعشي النجفي). وجاء في هذا الكتاب - إضافة إلى ما تم التطرق إليه - تعريف بأساتذة ومشايخ آية الله المرعشي من علماء لرستان، وكذلك بعض الوثائق التي تعكس التعامل بينهم وبين سماحته، وبعض الذكريات عنه (رحمه الله). كما قدم الكاتب لكل من هؤلاء المائة ترجمة مختصرة. وكانت من مصادر الكاتب - إضافة إلى الكتب - لقاءات مباشرة مع أبرز الوجوه العلمية المعاصرة، وهي تعتبر من مصادر التاريخ الشفاهي.

كلمات البحث: المرعشي النجفي، السيد شهاب الدين - تلامذته ومن أجازهم؛ علماء

الشيعة - لرستان؛ علماء لرستان وآية الله المرعشي النجفي (كتاب)؛ التاريخ الشفاهي  
للحوزة العلمية - لقاءات؛ إجازة الرواية؛ إجازة الاجتهاد؛ إجازة الأمور الحسبية.

\*\*\*

### تقييم كتاب (٦) / علي أكبر صفري

يتطرق الكاتب لمجموعة من الملاحظات والنكات البحثية المكتشفة، وهي كالتالي: إن مؤلف تحفة الأحاديث هو يوسف بن محمد الشالي القزويني من القرن الثالث عشر وليس يوسف بن محمد الجزائري في القرن الثاني عشر. فهرس تأليفات الشيخ فرج الله الأصفهاني (المتوفى ١٣٧٢ شمسي) والتعريف بمخطوطاتها الموجودة في مكتبة آية الله المرعشي. التعريف بمؤلف منهاج الشريعة وهو الشيخ محمد علي المازندراني. ما فهرسه السيد محمد بن حسن الحسيني الخراساني من علماء القرن الثالث عشر. ما كتبه الميرزا علي جان عشق پور كاشاني (١٢٦٥ ١٣٤٧ شمسي) حول حياته، وكان من الشعراء والأدباء الكاشانيين المقيمين في مشهد. ما كتبه الشيخ محمد باقر الساعدي الخراساني حول حياته (١٣٠٦-١٣٨٢ شمسي) وهو العالم ذو التأليفات الكثيرة، والتعريف بكتابه (تذكره باقره) والتي كتب فيها شرحا لحياته، وتضمنت ترجمة لأساتذته.

كلمات البحث: تحفة الأحاديث (كتاب)؛ الأصفهاني، فرج الله - بليوغرافيا؛ المخطوطات - آثار فرج الله الأصفهاني؛ منهاج الشريعة (كتاب)؛ الحسيني الخراساني، السيد محمد بن الحسن - ما فهرسه؛ عشق پور كاشاني، الميرزا علي جان - ما كتبه حول حياته؛ كاشان - شعراء؛ الساعدي الخراساني، محمد باقر - ترجمة حياة؛ تذكره باقره (كتاب).

\*\*\*

### مقاطع الكتاب (٢) / حسين واثقي

في بعض الأحيان يكتب كتاب المخطوطات في نهاية المخطوطة مقاطعا نظما أو نثرا بالعربية أو الفارسية. لقد تنوعت هذه المقاطع من حيث المضمون، فكان بعضها: مناجاة

پیشانی

تعمیر و تجدید کتابخانه و مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



مع الله تعالى، أو طلب الدعاء من القراء، أو مدح واطراء للكتاب، أو مواعظ وإرشادات أخلاقية، أو مادة تاريخ الكتابة، أو شكر الله تعالى على إتمام الكتابة. وقد ضمت المقالة أربعة عشر مقطعاً من الأشعار العربية، وستة عشر مقطعاً من الأشعار الفارسية، ومقطع واحد من النثر المسجّع بالعربية. وقد تم تجميع ذلك من مخطوطات مختلفة.

كلمات البحث: المخطوطات - كتابة؛ كتاب - مقاطع؛ مقاطع للكتاب - الشعر العربي والفارسي.

\*\*\*

### تخريب النسيج التاريخي لمدينة قم / سيد محسن محسن

يتناول المقال تركيبة مدينة قم من العهد الإسلامي والتي تم استبدالها أو تخريبها في العهد البهلوي مما أدى إلى تلاشيها وضمحلها. وتقدم المقالة في البداية ما طرح في عهد القاجار على أنه تطور وتجديد، وذلك بتقديم الوثائق والمستندات التي تثبت تشييد أماكن ترفيهية وطرق وأسواق. ثم يعرف الكاتب عشر أحياء من أحياء مدينة قم والتي لم يبق منها إلا اسمها، حيث تبدلت إلى طرق وشوارع. ثم يشرح تخريب النسيج القديم للمدينة في العهد البهلوي، طبقاً للوثائق الحكومية والتقارير السياحية والتاريخ الشفاهي وذكريات المسنين والصور والخرائط ونحوها من المستندات، منتقداً البرامج التوسعية التي نفذت.

كلمات البحث: تاريخ قم - العهد البهلوي؛ تاريخ قم - عهد القاجار؛ قم - المراكز الترفيهية والطرق؛ قم - التاريخ القديم؛ تاريخ قم - الوثائق والتقارير.

\*\*\*







Specialized Quarterly of Bibliography  
and Manuscript Studies  
Vol. 24, No. 92, summer 2018

## Abstracts of Mīrāth Shahāb 92

Translators: Mazaher Marami Hajikandi  
Ali Marami Hajikandi

### **Lasting Endowment (1) / Sayyid Maḥmūd Mar‘ashī Najafī**

Before establishing his endowed public library, Āyatullah Sayyid Shahāb al-Dīn Mar‘ashī Najafī was diligent to develop other libraries, among them, the Library of Lady M‘aṣūma’s Holy Shrine. In this article, some of his endowed manuscripts to that library are provided in a list based on the alphabet of the titles. Most of these books were endowed to the Holy Shrine in 1372 and 1384 AH. Among them, there are valuables from the eighth and eleventh centuries along with manuscripts which have been corrected by the earlier scholars. The author has elaborated on some of the scholars and books.

**Keywords:** Mar‘ashī Najafī, Sayyid Shahāb al-Dīn – Book donation; Library of Lady M‘aṣūma’s Holy Shrine – History; Qom – libraries; Manuscripts – Qom; Manuscripts – the valuables; Libraries of Qom – history.

\*\*\*

### **Reviews and Corrections (5) / Muḥammad Kāẓim Raḥmatī**

This article is a collection of notes and new findings of research by

the author in various subjects of Shī'a history, men of Hadith, and bibliography, among them, as follow: Yaḥyā b. al-Ḥassan al-‘Alawī and the book Al-Masjid or the book Akhbār al-Madīnah which had been used by Shaikh Ṭūsī in the book Al-Fihrist; the book Akhbār Zīyād by Muḥammad b. Zakaryyā Ghallābī; the manuscript of the book Al-‘Arbaīn handwritten by ‘Alī b. Nāṣir Sarakhsī, the author of the book A‘lām Nahj al-Balāghah; the Shi‘a dynasty of Banū ‘Adhāfah; the library of Sharaf al-Dīn Makkī, one of the offspring of the First Martyr in the twelfth century AH; the views of Ibn Walīd on the men of Hadith; the book Nawādir Al-Ḥikmah by Muḥammad b. Aḥmad Ash‘arī Qomī; the interaction of Kulainī with the legacy of Ghulāt.

**Keywords:** ‘Alawī, Yaḥyā b. al-Ḥassan; Al-Masjid (book); Akhbār al-Madīnah (book); Al-Fihrist (book) –references; Ghallābī, Muḥammad b. Zakaryyā; Fakhr Rāzī’s ‘Arbaīn (book); Sarakhsī, ‘Alī b. Nāṣir; Banū ‘Adhāfah; Shi‘a dynasties; Makkī, Sharaf al-Dīn – library; the First Martyr – dynasty; Ibn Walīd – views on the men of Hadith; Nawādir al-Ḥikmah (book); Ash‘arī Qomī, Muḥammad b. Aḥmad; Kulainī, Muḥammad b. Y‘qūb – scientific life.

\*\*\*

### **Ibn M‘qal Ḥumṣī and the Twelver Shi‘a in Ḥumṣ in Mid-centuries AH / Aḥmad Khamih Yār**

This article is a study about Ibn M‘qal Ḥumṣī ( 567 - 644 AH), Shī'a litterateur and scholar in the land of Levant, his teachers and students and a sample of his poems which are composed to eulogy Ahl al-Bayt. The only extant book of his is Al-Maākhidh ‘lā Shurrāḥ Dīwān Abi al-Ṭayyib al-Mutanabbī, a literary book, from which the researcher has extracted the indications of the author’s Shi‘a denomination. Also it elaborates on three figures of Ibn M‘qal Ḥumṣī’s Shi‘a dynasty. In addition, it has explored Shī'a history in Ḥumṣ and some of the Shī'a distinguished figures of that land.

**Keywords:** Ḥumṣī, Ibn M‘qal; Shī'a scholars – seventh century; Scholars of Levant – seventh century; Al-Maākhidh ‘lā Shurrāḥ Dīwān

مجله پژوهش‌های  
مطالعات اسلامی و  
فلسفه

شماره ۱۳۸۱  
پیاپی ۱۳۸۱  
سال چهارم و چهارم  
تابستان ۱۳۸۱





Abi al-Ṭayyib al-Mutanabbī (book) – Ḥumṣī, Ibn M‘qal; Shī‘a history–  
Ḥumṣ; Shī‘a literature– Levant.

\*\*\*

### **Three Shaikhs Licensed by Allāmah Mar‘ashī Najafī / Amrullāh Shujāyī**

In this article, three shaikhs licensed by Āyatullah Sayyid Shahāb al-Dīn Mar‘ashī Najafī are introduced who are remained less well-known so far: first, Mullā Raḥmatullāh Kirmānī. He was a principled, literary jurist who moved to Tehran due to opposing the Constitution movement. The author of the book “the gloss of the lamentations of Baḥr al-‘Ulūm” has introduced him and has discussed his relation to the book Miftāḥ al-Jinān. Second is Mīrzā Maḥmūd Aharī Najafī who had a place in ethics in addition to the jurisprudence and principles. Third is Mullā Maḥmūd Bīgdilī Kāshānī (d. 1350 AH) who has written a book about Imamate.

**Keywords:** Mar‘ashī Najafī, Sayyid Shahāb al-Dīn – the licensed Shaikhs; Kirmānī, Raḥmatullāh; Miftāḥ al-Jinān (book); the gloss of the lamentations of Baḥr al-‘Ulūm (book); Aharī Najafī, Maḥmūd; Bīgdilī Kāshānī, Maḥmūd; Shī‘a scholars – fourteenth century.

\*\*\*

### **Luristān Scholars and Ayatullāh Sayyid Shahāb al-Dīn Mar‘ashī Najafī / Mīrzā ‘Alī Sulaymānī Burūjirdī**

The author has cited the names of one hundred scholars of Luristān in three groups: Ayatullāh Mar‘ashī Najafī’s students, those licensed by him, and those who have been both his student and have been licensed by him in three forms, i.e. to narrate, to do free investigation, and to represent him in benevolent actions.

This article is derived from other books authored by the writer about the Luristān scholars, especially the unpublished book Luristān scholars and Ayatullāh Mar‘ashī Najafī. Aside from the foregoing section, the book presents Ayatullāh Mar‘ashī’s masters and licensing scholars from among Luristān scholars, the documents on their interactions with him,



and their memories about this late legal authority. The author has provided a brief biography for each of the 100 cited scholars. The sources used by the author are books as well as numerous interviews with the contemporary scientific figures as part of the oral history.

**Keywords:** Mar‘ashī Najafī, Sayyid Shahāb al-Dīn – students and licensed ones; Shī‘a scholars – Luristān; Luristān scholars and Ayatullāh Mar‘ashī Najafī (book); the oral history of Ḥawza – interviews; Narration license; Free investigation license; Benevolent actions license.

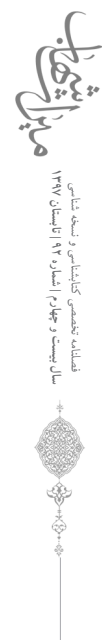
\*\*\*

### **Book Assessment (6) / ‘Alī Akbar Şafarī**

In this record collection, the author has provided points and new research findings with regard to some topics: the author of Tuḥfa al-aḥādīth who is Yūsuf b. Muḥammad Shālī Qazwīnī of the 13th century AH rather than Yūsuf b. Muḥammad Jazāyirī of the 12th century AH; the list of works by Shaikh Farajullāh Işfahānī (d. 1993) and introducing their manuscripts that exist in the Ayatullāh Mar‘ashī library; introducing the author of Manāhij al-sharī‘a, Shaikh Muḥammad ‘Alī Māzandarānī; a list written by Sayyid Muḥammad b. Ḥasan Ḥusayni Khurāsānī himself, the 13th century scholar; the autobiography of Mīrzā ‘Alī Jān ‘Ishqpūr Kāshānī (1886-1968), the poet and man of letters from Kāshān who resided in Mashhad; the autobiography of Shaikh Muḥammad Bāqir Sā‘idī Khurāsānī (1927-2003), the hardworking scholar of Mashhad, along with an introduction of his Tadhkira Bāqiriyya in which he has given his abovementioned autobiography as well as the biography of his masters.

**Keywords:** Tuḥfa al-aḥādīth (book); Işfahānī, Farajullāh – bibliography; manuscripts – the works of Farajullāh Işfahānī; Manāhij al-sharī‘a (book); Ḥusayni Khurāsānī, Sayyid Muḥammad b. Ḥasan – self-written list; ‘Ishqpūr Kāshānī, Mīrzā ‘Alī Jān – autobiography; Kāshān – poets; Sā‘idī Khurāsānī, Muḥammad Bāqir – biography; Tadhkira Bāqiriyya (book)

\*\*\*





### **Scribes Personal Notes (2) / Ḥusayn Wāthiqī**

The manuscript scribes sometimes wrote a piece of poem or prose in Persian or Arabic at the end of the manuscripts they scribed. These personal notes entailed different themes including: invocations to the sublime God; demanding prayer for themselves from the readers of the book; complementing that book; ethical advice and points; chronogram of the scribing; and expressing gratitude to God because of the completion of scribing. The author has provided 14 cases of Arabic poems, 16 cases of Persian poems, and one case with Arabic rhymed prose from different manuscripts.

**Keywords:** Manuscripts – scribing; Scribes – personal notes; Scribes› personal notes – Arabic and Persian poetry.

\*\*\*

### **Destruction of the Historical District of Qom / Sayyid Muḥsin Muḥsinī**

The author believes that the consistent composition of the Islamic era architecture of Qom faced substitutions or destructions during Pahlavi reign, which resulted in its estrangement and discontinuity. As an introduction, the article describes this modernization – that was undertaken during the Qajar reign under the title of innovation – and evidentially delineates these multiphase development changes, which included the establishment of rest areas, roads, and markets.

The author elaborates on ten old neighborhoods of Qom in the past that now exist only in the history books, and shows their original span through the comparison of the new streets with those old neighborhoods. The article describes the destruction of the historical district of Qom during the Pahlavi reign using the state documents, globe trotters› accounts, oral history and elders› memories, the existing images and maps, and other evidences. Then it criticizes some of those development programs.

**Keywords:** Qom history – Pahlavi era; Qom history – Qajar era; Qom –rest areas and roads; Qom – old history; Qom history – documents and reports.

## Content

Catalogue of Manuscripts

### **Lasting Endowment (1)**

3 Sayyid Maḥmūd Mar‘ashī Najafī

Articles

### **Reviews and Corrections (5)**

97 Muḥammad Kāzīm Raḥmatī

### **Ibn M‘qal Ḥumṣī and the Twelver Shi‘a in Ḥumṣ in Mid-centuries AH**

121 Aḥmad Khamih Yār

Bibliography

### **Three Shaikhs Licensed by Allāmah Mar‘ashī Najafī**

141 Amrullāh Shujāyī

### **Luristān Scholars and Ayatullāh Sayyid Shahāb al-Dīn Mar‘ashī Najafī**

159 Mīrzā ‘Alī Sulaymānī Burūjirdī

Manuscripts

### **Book Assessment (6)**

215 ‘Alī Akbar Ṣafārī

### **Scribes Personal Notes (2)**

253 Ḥusayn Wāthiqī

Qom Studies

### **Destruction of the Historical District of Qom**

265 Sayyid Muḥsin Muḥsinī